اطلاعات

چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۲ ـ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۴ ـ ۱۷ آوریل ۲۰۱۳ ـ شماره ۲۵۵۶۸ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

مردم برای خرید مسکن عجله نکنند امسال اوج عرضه است

* علاوه بر ۳۰۰ هزار واحد مسکونی خالی از سکنه، ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در شهرهای پردیس، پرند و هشتگرد و همین تعداد در ورامین، پاکدشت، دماوند و فیروزکوه آماده واگذاری به مردم است

صفحه ۴

بشار اسد فرمان عفو عمومی صادر کرد

* رئیس جمهوری سوریه با صدور فرمانی، تمامی جرائم پیش از ۱۶ آوریل ۲۰۱۳ را بخشید
* دمشق: در صورت کناره‌گیری اسد، سوریه از نقشه جهان محو خواهد شد
* مخالفان سوری از اخضر ابراهیمی خواستند برای جلوگیری از فاجعه، استعفا ندهد

صفحه ۱۶

۳ انفجار تروریستی در آمریکا

این انفجارها نزدیک خط پایان مسابقه دو ماراتن در شهر بوستون آمریکا رخ داد و ۳ کشته و ۱۴۱ زخمی برجا گذاشت

* برخی رسانه‌های محلی آمریکایی شمار تلفات را ۱۲ نفر اعلام کردند
* حال ۱۷ تن از مجروحان وخیم اعلام شده است
* علاوه بر این ۳ انفجار، ۲ بمب عمل نکرده نیز نزدیک محل مسابقه کشف و خنثی شد
* اوباما: انفجارهای بوستون برنامه‌ریزی شده بود
* حالت آماده‌باش در سراسر آمریکا اعلام شد
* یک تبعه ۲۰ ساله عربستانی که در انفجارهای بوستون زخمی شده است، به عنوان مظنون بازداشت شد
* دبیرکل سازمان ملل، اتحادیه اروپا، فرانسه، روسیه، استرالیا، آلمان، افغانستان و پاکستان بمبگذاری‌های بوستون را محکوم کردند

سرویس خارجی: سه انفجار نزدیک خط پایان مسابقه دو ماراتن در شهر بوستون آمریکا به وقوع پیوست که سه کشته و ۱۴۱ زخمی برجا گذاشت. این درحالی است که رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند شمار کشته‌های انفجارهای بوستون به ۱۲ نفر رسیده است.

بوستون گلوب گزارش داد کشته شدگان این حادثه شامل یک پسر بچه هشت ساله نیز می‌شود. آخرین اخبار رسیده حاکی است حال ۱۷ نفر از مجروحان بسیار وخیم اعلام شده است و دیشب مراسم عزاداری و دعا برای قربانیان این حادثه برگزار شد.

بی بی سی نیز گزارش داد طبق گزارش های اولیه، دو انفجار اول در یک سطل زباله رخ داد. پزشکان نیز اعلام کردند برخی زخمی‌های این حادثه دچار نقص عضو شده‌اند. همچنین انفجار سومی در کتابخانه «جان اف کندی» به وقوع پیوست که پلیس می گوید هنوز نمی‌داند آیا ارتباطی بین این انفجارها بوده یا خیر. دو انفجار اول، حدود دو ساعت پس از آن انجام شد که نفرات اول از خط

بقیه در صفحه ۱۶

مجلس کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را تصویب کرد

* معاون برنامه‌ریزی و راهبردی رئیس جمهوری: فقط ۸ طرح ملی، در بودجه امسال گنجانده شده است
* برای کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، پایه‌های مالیاتی را افزایش داده‌ایم

رئیس مجلس: افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان متناسب با تورم نیست

* دولت موظف است ضرایب حقوق را متناسب با تورم در نظر بگیرد

سرویس پارلمانی: لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور که به دلیل تاثیر آن در تشدید تورم، گرانی و رکود تولید، رشد هزینه‌های جاری، وجود ابهام در منابع و مصارف وابستگی به درآمدهای نفتی و مغایرت با برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون تلفیق مردود شناخته شده بود، بار دیگر در جلسات علنی صبح و بعدازظهر دیروز مجلس مورد بحث قرار گرفت و با ۱۹۱ رأی موافق در برابر ۲۶ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۶ رأی دهنده حاضر در جلسه در شور اول به تصویب رسید.

در تشریح دلایل رد این لایحه جعفر قادری مخبر کمیسیون تلفیق، اظهار داشت: مغایرت با قانون هدفمندی یارانه‌ها و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی، ناتوانی از تامین هدف‌های حماسه سیاسی

بقیه در صفحه ٤

زلزله ۷/۵ ریشتری سراوان را لرزاند

* مرکز زمین‌لرزه روستای مرزی گُشت شهرستان سراوان در سیستان و بلوچستان و ۱۳۱۴ کیلومتری تهران اعلام شد
* استاندار سیستان و بلوچستان، مجروحان زمین لرزه سراوان را ۵ نفر اعلام کرد
* زمین لرزه در جنوب غرب پاکستان ۲۱ کشته بر جا گذاشت

صفحه ۱۳

دفاتر اسناد رسمی به امضای الکترونیکی مجهز می شوند

* رئیس سازمان ثبت اسناد: دفاتر اسناد رسمی استانهای تهران قزوین و یزد به امضای الکترونیکی مجهز شدند

صفحه ۱۳

استاد داریوش صفوت پیشکسوت موسیقی ایران درگذشت

* استاد صفوت، مشوق و تعلیم‌دهنده یک نسل از بزرگان موسیقی اصیل ایران بود

صفحه ۳

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

روابط بین‌المللی تا دولت جدید

در حالی که اقتصاد اصلی ترین محور در انتخابات ریاست جمهوری خوانده می‌شود و همه نامزدهای انتخاباتی شعار تحول اقتصادی را در صدر پروژه انتخاباتی خود قرار داده‌اند، سیاست خارجی و روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی نیز همطراز با مشکلات اقتصادی در صدر محورهای انتخاباتی قرار گرفته است. ارزیابی روابط خارجی در پایان دولت دهم نیازمند بررسی روشن، علمی و واقعی است. در چنین نقدی هزینه و فایده روابط خارجی را ترسیم می کنند و محصول سیاست خارجی در تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی با دیگر کشورها و اصل حراست از منافع و امنیت ملی در آن ارزیابی می شود. چنین نقدی نه از سوی مسئولین سیاست خارجی در دولت و نه از سوی ستادهای انتخاباتی نامزدها، هنوز در دسترس نیست. آنچه که تا امروز در اختیار است دو تفکر کلی است. نظری که دولت آقای احمدی‌نژاد دارد و برنامه‌های اجرا شده در دولت نهم و دهم برای استقرار سیاست خارجی و روابط بین‌المللی را تحول بزرگ می‌خواند؛ تحولی که بر اصل «ظلم‌ستیزی» تنظیم و اجرا شده است. اگرچه دولت‌ها چه در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی این سیاست دولت را پس زدند، اما ملت‌ها هوادار سیاست خارجی دولت بودند و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در میان ملت‌ها به خصوص در کشورهایی که علیه سلطه استکباری قیام کرده‌اند، مقبولیت بیشتری پیدا کرده است. ادعای آقای احمدی‌نژاد رئیس دولت نهم و دهم این است که در هشت سال گذشته قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران برمبنای ظلم‌ستیزی و مقابله با نفوذ و سلطه استکباری افزایش یافته، تا آنجا که دولت شعار تغییر مدیریت جهانی را مطرح و بر آن تأکید می کند. دولت نهم و دهم دو اصل «صلح و امنیت» را محور روابط بین‌المللی خود قرار داد و به جای اصول روابط بین‌الملل، صرفاً از جایگاه «مصالح» کشور مبتنی بر اصول انقلاب اسلامی تمرین روابط بین‌المللی کرده است. این سیاست اگرچه دشمنی دشمنان ایران را تشدید کرد اما چشم ملت ها را بر جمهوری اسلامی ایران معطوف کرد. این نگاه دولت است.

در برابر این نگاه دولت در آستانه انتخابات، مخالفین می گویند اگر سیاست خارجی در هشت سال مدیریت دولت نهم و دهم برمبنای تدبیر می چرخید، امروز تا این حد دچار مشکلات اقتصادی و منفی بودن روابط دو یا چندجانبه با کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نبودیم. مخالفین مسیر سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد، کارنامه عملکرد روابط خارجی دولت نهم و دهم را با دولت‌های قبلی مقایسه می کنند که بستر حضور جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و بین‌المللی، به خصوص در کشورهای اروپایی مشکلات چندانی نداشت و در جریان تعادل می چرخید، درحالی که در پایان هشت سال مدیریت روابط خارجی در دولت آقای احمدی‌نژاد، جمهوری اسلامی ایران با اغلب کشورهای عربی منطقه و با مهمترین کشورهای اروپایی دچار نازل‌ترین سطح روابط سیاسی و دولتی شده است. سیاست تحریم غرب علیه ایران قبل از ظهور دولت آقای احمدی‌نژاد یا در دستور کار نبود یا در روابط غرب با ایران محوریت نداشت. این سیاست (سیاست تحریم) در دولت آقای احمدی‌نژاد کلید خورد. مخالفین دولت می گویند: محصول روابط بین‌المللی در دولت آقای احمدی‌نژاد طی هشت سال گذشته، ریزش دوستی دولت‌ها با ایران و افزایش دشمنی بوده است. نقد مخالفین، واقعیت روابط بین‌المللی ما در دو سطح، در سطح منطقه‌ای و در شعاع بین‌المللی را ملاک و معیار می گیرد و پرسش محوری را طرح می کنند که آیا در گذشته نمی‌شد از دشمن تراشی‌ها براساس اعلام نظرهای شعارگونه و در بسیاری از موارد خلاف عرف بین‌المللی، اجتناب کرد؟ بعد از هشت سال از عمر دولت نهم و دهم، اکنون ما با کدام کشور روابط استراتژیک برقرار کرده‌ایم؟ چرا روابط تجاری ما با همه کشورها طراز منفی دارد؟ سیاست خارجی دولت در مدیریت و تنظیم روابط تجاری خارجی مثبت چه نقشی داشته است؟

مخالفین روابط بین‌المللی دولت آقای احمدی‌نژاد بر این باورند که طی این سال‌ها مدیریت سیاست خارجی هزینه‌ساز بوده و فایده چندانی بدست نیاورده است. در سطح بین‌المللی از دو قدرت بین‌المللی روسیه و چین نام می‌برند که روابط سیاسی آنها با ایران برقرار است و مطلوب خوانده می‌شود، درحالی که این هر دو دولت در تمامی قطعنامه‌ها علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل، همسو با آمریکا شدند و رأی مثبت دادند. پرسش این است که از طراز روابط سیاسی با روسیه و چین چه منافع سیاسی و اقتصادی عاید ما شده است؟ این دو دولت که در گروه موسوم به ۵+۱ عضویت دارند، چه کمکی برای حل مشکلات و اختلاف‌ها در پرونده هسته‌ای ایران انجام داده‌اند؟ چرا بازار داخلی ما به سیطره کالاهای غیراستاندارد چین درآمده است؟

پرسش‌ها و نقد مخالفین در آستانه انتخابات ریاست جمهوری درباره روابط بین‌المللی و روال سیاست خارجی بسیار است که نگاه متفاوت و تصحیح محورها در نظر و عمل در دولت جدید را پیشنهاد دارد. این نقدها در سطح کشورهای منطقه و در سطح بین‌الملل به خصوص در اروپا و آمریکا رصد می‌شود و این روزها انتظارهای گوناگونی را معطوف به نتایج انتخابات ریاست جمهوری کرده است.

هفته گذشته در پایان نشست وزرای خارجه گروه ۸ در لندن، ادامه مذاکره گروه ۵+۱ با ایران درباره پرونده انرژی هسته‌ای را موکول به انجام انتخابات در ایران و استقرار دولت جدید کردند که البته چندان هم دور از انتظار نبود. در اغلب محافل سیاسی بین‌المللی هرگونه اقدام جدید در روابط با جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت‌ها را به مواضع دولت آینده پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران منوط دانسته‌اند. روابط بین‌المللی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تا استقرار دولت جدید، محور اصلی نگاه و ارزیابی همه دولت‌هایی است که انتخابات ریاست جمهوری را رصد می کنند. حساسیت نقد سالم و ارائه دورنمایی از آینده سیاست خارجی برای همه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بسیار زیاد شده است، به خصوص که رسانه‌ها در اغلب کشورها از سخنان نامزدها و شخصیت‌های حاضر در صحنه انتخاباتی خوراک خبری و تبلیغی تهیه می کنند. در خارج از کشور و از سوی اغلب رسانه‌های بین‌المللی، دو محور، شرایط اقتصادی ایران و امکان تحول در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی، عناوین اصلی و عمده است. اگرچه پیش‌بینی‌های منفی و مثبت از سوی این رسانه‌ها انجام می‌پذیرد اما چنین به نظر می‌آید که همه در حالت انتظار به‌سر می‌برند. این حالت انتظار دقت در نقد را دوچندان می کند. رد نقد تخریبی و فاصله گرفتن از آن و از سوی دیگر، ارائه نقد سالم و راهکار درخواست مردم است. مردم در آستانه انتخابات نیازمندند تا اطلاعات روشن، دقیق و کامل را برای هر تحولی در مدیریت کلان کشور در اختیار داشته باشند. انتخابات، فرصتی برای نقد سالم گذشته و ارائه چشم‌انداز بهتر برای آینده است. سیاست خارجی و روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی برای مردم به عنوان بخشی از راه حل مشکلات اقتصادی حائز اهمیت است. ارائه ارزیابی و راهکارهای جدید درباره روابط بین‌المللی، تا زمان روی کارآمدن دولت جدید، مسئولیت شخصیت‌هایی است که خود را برای انتخابات نامزد کرده‌اند.

اخبار کوتاه

رحیمی خواستار حمایت از بانک مرکزی برای جلوگیری از تخلفات اقتصادی شد

محمدرضا رحیمی از همه نهادها و دستگاه ها خواست بیش از پیش بانک مرکزی را یاری کنند تا شاهد کاهش چشمگیر معوقات بانکی و جلوگیری از تخلفات پولی در کشور باشیم.

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به اقدامات انجام شده در زمینه ساماندهی موسسات مالی و اعتباری کشور و کاهش معوقات بانکی، از دست اندرکاران بانک مرکزی به خاطر پیگیری سیاست های ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی قدردانی کرد و گفت: دولت به طور جدی از بانک مرکزی حمایت می کند و انتظار دارد روند پیگیری ها با جدیت بیشتر ادامه یابد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت ،در این جلسه نماینده بانک مرکزی گزارشی از وضع صندوق جوانان خیر و روند ساماندهی این موسسه در چند استان کشور ارائه کرد .

مانده تسهیلات غیرجاری سیستم بانکی کشور و میزان معوقات بانکی از دیگر موضوعاتی بود که در این جلسه بدان پرداخته شد و گزارشی هم توسط بانک مرکزی در این باره ارائه شد.

"اورانیوم" در دستور کار سفر احمدی‌نژاد نیست

وزیر امور خارجه نیجر تاکید کرد که "اورانیوم" در دستور کار سفر محمود احمدی‌نژاد به این کشور قرار ندارد.

به گزارش ایسنا، خبرگزاری رویترز به نقل از محمد بازوم، وزیر امور خارجه نیجر گزارش داد که در دستور کار رسمی سفر محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری ایران به نیجر موضوع اورانیوم قرار ندارد، اما ممکن است این مساله مطرح شود.

وی گفت: اگر ایران اورانیوم ما را بخواهد، فروش آن تحت قواعد بین‌المللی انجام خواهد گرفت.

وزیر امور خارجه نیجر افزود: حتی اگر این مساله مطرح شود نیازمند بررسی حقوق بین‌الملل خواهد بود.

تاکید روسای جمهوری ایران و نیجر بر تلاش برای استقرار صلح و عدالت در جهان

روسای جمهوری ایران و نیجر تلاش برای ایجاد اتحاد امت اسلامی واستقرار جهانی سرشار از صلح، عدالت و برادری را مورد تاکید قرار دادند.

دوطرف ، راهکارهای توسعه روابط دو کشور در عرصه‌های مختلف را مورد بررسی قرار دادند و گسترش روابط را به نفع دو ملت، ملت‌های منطقه و جهان اسلام دانستند .

روسای جمهوری ایران و نیجر همچنین مهمترین تحولات و مسائل منطقه‌ای، بین‌المللی و شرایط جهان اسلام را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده و بر ضرورت تلاش برای تقویت همبستگی و اتحاد میان امت اسلامی و هوشیاری در مقابل توطئه‌های مستکبران تأکید کردند.

رئیس جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اهمیت تحکیم روابط کشورها و ملت های مستقل گفت: اگر ملت های مستقلی مانند ایران و نیجر با هم باشند، انرژی عظیمی متراکم خواهد شد و در این صورت هیچ قدرتی نمی تواند در روابط ملت ها خدشه ایجاد کند.

احمدی نژاد در دیدار رئیس مجلس نیجر، روابط دو کشور و دو ملت را برادرانه و رو به گسترش دانست و گفت: ایران و نیجر با هم برادر بوده و در یک جبهه قرار دارند و در کنار یکدیگر می توانند همکاری های مفید و سازنده‌ای درباره مسائل مختلف داشته باشند.

رئیس مجلس نیجر هم در این دیدار با تقدیر از تلاش های ایران برای پیشرفت و اتحاد و همبستگی کشورهای اسلامی اظهار داشت: نیجر اهمیت و جایگاه ویژه ای برای جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه ای و بین المللی قائل است.

دیدار نخست وزیر نیجر

رئیس جمهوری در دیدار نخست وزیر نیجر همبر لزوم تحکیم و تعمیق روزافزون روابط برادرانه میان ایران و نیجر تاکید کرد و گفت: دو کشور با توجه به ظرفیت های موجود می توانند در همکاری های دوجانبه، منطقه ای و بین المللی گام های موثری به نفع دو ملت و ملت های منطقه بردارند.

نخست وزیر نیجر هم در این دیدار خواستار گسترش بیش از پیش روابط دو کشور در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شد و تصریح کرد: دو کشور می توانند در عرصه های کشاورزی، بهداشت و درمان، علوم و فناوری و فرهنگ همکاری های خود را به طور نامحدود گسترش دهند.

رئیس جمهوری در دیدار با علما و نخبگان نیجر هم با بیان این که قدرت های فاسد جهانی به بن بست رسیده‌اند، افزود: امروز جامعه بشری به سرعت به سمت وحدت در حال حرکت است و برای ایجاد وحدت و استقرار توحید و عدالت در جهان، نیازمند اهداف الهی و فردی هستیم که همانند پیامبر عزیز اسلام(ص) توحید و عدالت را بفهمد و چنین فردی محور وحدت خواهد بود.

وی با اشاره به وضع نابسامان کنونی جهان با طرح این سئوال که آیا امروز کسی در جهان پیدا می شود که از وضع خود و ملت‌ها راضی باشد، اظهار داشت: مسلما پاسخ به این سئوال منفی است اما سوال این است که چرا جامعه بشری به شرایط کنونی گرفتار شده‌است، آیا خدای متعال انسان را برای این نوع زندگی خلق کرده است؟

احمدی‌نژاد با طرح سئوال دیگری مبنی بر این که چرا مسلمانان به رغم این که علاقمند وحدت هستند اما هیچگاه این وحدت محقق نشده است، گفت: متاسفم که بگویم امروز بخش قابل توجهی از مسلمانان علیه مسلمانان هستند و ثروت برخی ملت‌های اسلامی علیه ملت‌های اسلامی دیگر هزینه می شود و برخی دولت‌ها هم هستند که رابطه‌شان با دشمنان مسلمانان صمیمی تر از رابطه با کشورهای اسلامی است.

رئیس جمهوری با طرح این سئوال که چگونه می توانیم متحد باشیم گفت: ایجاد اتحاد نیازمند عواملی متعددی است که نخستین عامل آن کار برای خدا و خالص کردن نیت‌هاست. کسانی که به دنبال خودخواهی و زورگویی بوده و در تعصبات قومی و نژادی منجمد شده‌اند، هرگز نمی توانند با هم متحد شوند .

احمدی نژاد گفت: امروز باید به دنبال کسی باشیم که از جنس پیامبر اسلام(ص) است و اسلام و قرآن را مانند پیامبر اسلام(ص) می فهمد و اگر در محور چنین فردی جمع شویم، خود به خود وحدت محقق خواهد شد چراکه انسان کامل محور وحدت است.

در ابتدای این دیدار شماری از عالمان و نخبگان نیجر در سخنانی مطالب و دیدگاه‌های خود را در موضوعاتی از جمله روابط ایران و نیجر، تلاش برای اتحاد مسلمانان و برپایی نظم عادلانه در جهان با احمدی‌نژاد در میان گذاشتند.

امضای ۳ یادداشت تفاهم

سه یادداشت تفاهم و یک بیانیه مشترک همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و نیجر برای افزایش سطح همکاری‌های دوجانبه منعقد شد.

جمهوری اسلامی ایران و نیجر ظهر دیروز به وقت محلی برای ارتقاء هر چه بیشتر سطح مناسبات و همکاری‌های خود سه سند همکاری و یک بیانیه مشترک به امضا رساندند .

در مراسم امضای اسناد همکاری که در حضور روسای جمهوری ایران و نیجر توسط مقام های عالی رتبه دو کشور برگزار شد، یادداشت تفاهم لغو روادید سیاسی و خدمت، یادداشت تفاهم اتاق بازرگانی در زمینه صنعت، معدن و کشاورزی، موافقت نامه همکاری در زمینه بهداشت و درمان و بیانیه مشترک همکاری برای شتاب بخشیدن به مناسبات و روابط ایران و نیجر به امضا رسید.

همگام با انتخابات

وزیر کشور:۶۷ هزار شعبه اخذ رای برای انتخابات پیش بینی شده است

مهندس مصطفی محمد نجار با اشاره به نام گذاری سال ۱۳۹۲ طرف رهبر معظم انقلاب با عنوان حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی گفت: مردم ایران در ۲۴ خرداد ماه سال جاری با حضور گسترده در انتخابات، حماسه سیاسی را رقم خواهند زد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور؛ «مصطفی محمد نجار» شامگاه دوشنبه پس از ضیافت شام که با حضور کارکنان سفارت جمهوری اسلامی ایران در امارات عربی متحده برگزار شد، در جمع این کارکنان افزود: یکی از نمادهای اساسی حماسه سیاسی، انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری و چهارمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستاهاست .

وی با یادآوری این که وزارت کشور مجری برگزاری انتخابات است، اظهار داشت: این مردم هستند که با حضور گسترده خود در انتخابات پیش رو، گزینه متبوعشان را انتخاب می کنند.

محمد نجار ادامه داد: انقلاب اسلامی را خود مردم خلق کردند و خودشان هم آن را حفظ خواهند کرد.

وزیر کشور با بیان این که مردم ایران هرجا که احساس تکلیف کنند همانند راهپیمایی ۲۲ بهمن سال گذشته گسترده تر به میدان می آیند، گفت: دشمنان، تحلیل درستی از مردم ما ندارند و نمی دانند که مردم ایران در بزنگاه ها رفتاری را که باید انجام دهند، به منصه ظهور خواهند رساند.

وی افزود: مردم ایران در ۲۴ خردادماه حماسه ای را رقم خواهند زد که موتور محرک حماسه اقتصادی خواهد بود.

محمد نجار اظهار داشت: حضور مردم در انتخابات، هم برای داخل و هم برای خارج پیام دارد و استحکام و وحدت ملی را به دنبال خواهد داشت.

وی در ادامه با اشاره به تعداد شعب اخذ رأی در انتخابات پیش رو تصریح کرد: امسال ۶۷ هزار شعبه اخذ رأی برای انتخابات ۲۴ خردادماه پیش بینی شده که نسبت به انتخابات گذشته ریاست جمهوری ۲۰ هزار شعبه افزایش یافته است.

وزیر کشور با اشاره به سامانه جامع انتخابات گفت: برای انتخابات پیش رو برای یکهزار و ۴۵۹ فرماندار و بخشدار کارت هوشمند صادر شده و امضای الکترونیکی آنها در سامانه جامع انتخابات به ثبت رسیده است.محمد نجار افزود: سامانه جامع انتخابات دقت و سرعت گزارشگیری از روند انتخابات را افزایش می دهد.وی اظهار امیدواری کرد وزارت کشور بتواند انتخاباتی در شأن مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران برگزار کند .محمد نجار همچنین با اشاره به دیدارهایش با مقام های اماراتی اظهار داشت: رابطه جمهوری اسلامی ایران با امارات عربی متحده راهبردی و خوب است.

وزیر کشور تأکید کرد: همانطور که در داخل کشور سیاست های راهبردی پیش می رود، در خارج از کشو هم باید روند رو به رشد خود را طی کند.

مصطفی محمد نجار در سفری سه روزه به امارات عربی متحده با مقام های اماراتی دیدار و گفتگو کرد.

تبادل نظر و گفتگو در باره توسعه همکاری های امنیتی و انتظامی، تسهیل در روند صدور روادید برای ایرانیان، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و گسترش مناسبات از جمله محورهای اصلی محمد نجار در دیدار با مقام های اماراتی ذکر شده است.

زمان ثبت‌نام انتخابات شوراها به هیچ وجه تمدید نمی‌شود

رئیس ستاد انتخابات شهرستان تهران گفت: زمان ثبت نام انتخابات چهارمین دوره شوراها تا پایان ساعت ۲۴ روز اول اردیبهشت است و به هیچ وجه تمدید نخواهد شد.

به گزارش ایسنا، احمدی شهرکی در جمع خبرنگاران با بیان این که ما آمادگی داریم که در فرمانداری تهران روزانه از ۷۰۰ نفر برای انتخابات شوراها ثبت‌نام کنیم، اظهار داشت: ما اطلاعات ثبت‌نام‌ها را روزانه به سامانه جامع انتخابات ارسال می‌کنیم. وی همچنین گفت: کسانی که در شهرداری پستی دارند و می خواهند برای شوراها ثبت‌نام کنند، باید از پست خود استعفا دهند، ولی همچنان می توانند شاغل باشند.

۱۰ خرداد، اعلام اسامی نهایی نامزدهای شوراها

رئیس ستاد انتخابات شهر تهران با بیان این که اسامی نهایی نامزدهای شوراهای اسلامی شهر و روستا ۱۰ خرداد ماه اعلام می شود گفت: ابتدا پرونده داوطلبان چهارمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا توسط هیات اجرایی بررسی و پس از تایید این هیات، پرونده آنان برای تایید صلاحیت به هیات نظارت مجلس شورای اسلامی ارسال می شود.

به گزارش مهر، وی افزود: پس از اعلام نظر هیات نظارت مجلس نظر قطعی هیات اجرایی و هیات نظارت تا ۱۰ خرداد اعلام می شود و سپس اسامی نامزدهای نهایی در جراید کثیرالانتشار منتشر خواهد شد.

رئیس ستاد انتخابات شهرستان تهران با بیان این که تبلیغات داوطلبان شوراها از ۱۶ خرداد به مدت یک هفته انجام می گیرد درباره صندوق های اخذ رای هم گفت: تعداد صندوق ها و عوامل اجرایی شعب اخذ رای به عهده هیات اجرایی است و ستاد انتخابات می تواند نظر کارشناسی هم بدهد و بر اثر سوابق و تجربیات گذشته اطلاعاتی مانند جمعیت آماری رای دهندگان و تراکم جمعیتی را در اختیار آنان می گذارند و نسبت به جانمایی صندوق ها اعلام نظر می کنند که پس از تایید هیات اجرایی نسبت به آن عمل خواهد شد.احمدی شهرکی با بیان این که صندوق های اخذ رای به چهار گروه تقسیم می شود گفت: به علت ویژگی های تهران برای راحتی رای دهندگان صندوق ها را به چهار گروه ویژه، درجه یک، درجه دو و درجه سه تقسیم می کنیم و بر اساس تراکم جمعیتی و برخی دیگر مسایل این صندوق ها در نظر گرفته می شود.

دعوت کتبی متکی از محسن رضایی

"منوچهر متکی "نامزد یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری وعضو ائتلاف ۵ نفره اصولگرایان در نامه ای از محسن رضایی برای پیوستن به ائتلاف متبوعش دعوت کرد. به گزارش مهر، متکی این خبر را درجمع اعضای اتحادیه های جامعه اسلامی دانشجویان سراسر کشور اعلام کرد.

ائتلاف ۵ نفره اصولگرایان متشکل از منوچهر متکی، محمد رضا باهنر، یحیی آل اسحاق، مصطفی پور محمدی و محمد حسن ابوترابی فرد است.

تهیه منشور اخلاق انتخاباتی

ستاد انتخاباتی عارف منشور انتخاباتی را در آستانه یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تهیه و تدوین کرده است.این منشور انتخاباتی در ۱۰ بند، بر محوریت قرار دادن اصول اخلاقی در مبارزات انتخاباتی تهیه شده است.در یکی از این اصول آمده است:تلاش ما شفافیت و صداقت با مردم است، از فریب افکار عمومی برای افزایش آراء خودمان پرهیز و از تجملات و تبلیغات پرهزینه دوری خواهیم کرد.

۹ چالش اصلی اقتصاد

رئیس اتاق بازرگانی تهران به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری یازدهم در گفتگو با فارس به تشریح ۹ چالش اساسی کشور پرداخت و گفت: در ۱۰ سال گذشته نقدینگی ۱۰ برابر شده است.

یحیی آل اسحاق کاندیدای در خصوص اولویت‌های اقتصادی که باید رئیس جمهوری آینده داشته باشد، اظهار داشت: در حال حاضر ۹ موضوع اساسی چالش‌های کشور است و هر رئیس جمهوری که انتخاب شود، باید برنامه عملیاتی و اجرایی برای ۹ چالش اساسی داشته باشد.مشکلات ارزی، نرخ تورم، اشتغال، رابطه با دنیا، نظام تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، نحوه اداره بنگاه‌های اقتصادی با توجه به اجرای اصل ۴۴، خصوصی سازی و کاهش مداخلات دولتی، از جمله چالش اساسی کشور است.

به دنبال رای حلال هستیم

حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی عضو ائتلاف پنج گانه و از نامزدهای انتخابات آتی ریاست جمهوری گفت:بنده و آقای ابوترابی عضو جامعه روحانیت مبارز هستیم، نه این که نامزد این جامعه باشیم؛ جامعه روحانیت فعلا درباره نامزد مورد حمایتش اعلام موضع نکرده است، اما در ائتلاف خود با جامعه روحانیت رایزنی هایی داشته‌ایم.رئیس سازمان بازرسی کل کشور دیروز در جمع خبرنگاران برنامه هایش را به طور مکتوب در اختیار خبرنگاران قرار داد و افزود: ما یک برنامه جامع و کاملی ارائه می کنیم تا برنامه‌هایمان در حوزه تولید، اشتغال و مسائل مختلف مورد بررسی قرار گیرد.نامزد انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری با اشاره به اهمیت اخلاق مداری، تاکید کرد: بنده آماده‌ام تا فعالیت‌هایم را با اخلاق مدارانه دنبال کنم تا حداقل بداخلاقی‌ها را کم کنم.

لذا بر همین اساس بود که به دوستان گفتم ما به دنبال رای حلال هستیم، بنابراین دروغ نمی گوئیم، تهمت نمی زنیم و بداخلاقی نمی کنیم.

واعظ زاده: کلید حل مشکلات اقتصادی، تجاری شدن پیشرفت‌های علمی است

رئیس شورای عالی مرکز الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت با تاکید بر اهمیت مسایل اقتصادی گفت: مهم‌ترین مشکل کشور، اقتصاد است و اتفاقا نقطه ضعف اصلی شرایط موجود کشور هم همین بخش است.

صادق واعظ زاده در دیدار با جمعی از دانشگاهیان و صنعتگران که برای در خواست از وی برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری در این دیدار حاضر شده بودند، اظهار داشت: نقطه قوت کشور بخش علم و فناوری است که با وجود همه محدودیت‌ها و موانع، عملکرد نسبتا خوبی در دو دهه گذشته داشته است؛ اگرچه مردم هنوز طعم شیرین پیشرفت‌های علمی و فناوری را نچشیده‌اند.

وی اضافه کرد: این پیشرفت‌ها در حوزه انرژی هسته‌ای، هوا فضا و نانو و غیره به غرور ملی و افتخار ایرانی افزوده ، اما به صورت کالا و خدمات وارد زندگی مردم نشده و به حل مشکل اشتغال و تورم کمک زیادی نکرده و معیشت آن ها را بهبود نبخشیده است.

واعظ زاده با بیان این که "برای مبارزه با نقطه ضعف خود باید از نقطه قوت خود شروع کنیم"، تاکید کرد: کلید حل مشکلات اقتصادی در دست تجاری شدن پیشرفت‌های علمی و فناوری است.

محسن رضایی:اقتصاد باید از دولت به سمت مردم برود

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد پروژه‌های قرارگاه خاتم گفت:باید تجهیزات وامکانات غیرمحرمانه نیروهای مسلح به بخش خصوصی واگذار شود و اقتصاد از دولت به سمت مردم برود.

محسن رضایی در جمع مردم نیشابور در مهدیه این شهرستان، افزود: مدیریت کارآمد، تغییر ساختار اقتصادی، ارائه برنامه جدید اقتصادی و استفاده از جوانان به‌عنوان فرشتگان ملت راهکارهای خلق حماسه اقتصادی است.

وی با بیان این که باید دیپلماسی کشور را فعال کنیم، در مورد موضوع هسته‌ای گفت:در کنار مذاکرات هسته‌ای می شود روی موضوع هسته‌ای صحبت کرد و راه‌حل میانه‌ای برای این موضوع وجود دارد که بازی برد برد خواهیم داشت که نه ما شکست بخوریم و نه آنها فکر کنند تهدیدی علیه دنیا از جانب ما وجود دارد.

باهنر: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را احیاء می کنم

باهنر با بیان این که بیش از ۷۰ درصد مشکلات اقتصادی و مسائل داخلی کشور نتیجه سوء مدیریت‌ها و جای خالی نخبگان در مدیریت اقتصادی کشور است، نخستین برنامه خود را به عنوان نامزد ریاست جمهوری احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، محمد رضا باهنر روز گذشته در جمع دانشجویان دانشگاه ایلام با بیان این که دغدغه امروز ملت ایران اقتصاد خانواده، گرانی و بیکاری است تصریح کرد: رئیس جمهوری آینده باید به این مهم توجه ویژه داشته باشد.

دبیر جامعه اسلامی مهندسین مجلس شورای اسلامی بنگاه‌های اقتصادی را قطب اقتصادی کشور دانست و تصریح کرد: امروزه سرمایه در گردش، مواد اولیه، گرفتاری در گیرو دار قیمت‌ها و از همه مهمتر مشکلات تاسیس بنگاه و گرفتاری در بروکراسی کشور است که این موانع باید رفع شود تا بتوانند به خوبی در عرصه اقتصادی کشور تاثیر گزار باشند.

سعیدی کیا: سرمایه گذاری نیاز کشور است

وزیر مسکن دولت نهم گفت: رئیس جمهوری آینده باید بپذیرد که قدرت در کشور توزیع شده است و دیگر خود نمی تواند به تنهایی تصمیم بگیرد و اجرا کند. پس یکی از راه‌های موفقیت دولت آینده تعامل دولت با مجلس خواهد بود.

به گزارش ایسنا، محمد سعیدی کیا در جمع مردم اصفهان در مسجد نورباران در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که شما برای سرمایه و سرمایه گذاران چه برنامه‌ای دارید، افزود: سرمایه گذاری نیاز کشور و باعث تولید می شود .

سعیدی کیا با بیان این که بهترین حمایت از مصرف کننده حمایت از تولید کننده است، ادامه داد: زیر پای سرمایه گذار باید فرش قرمز پهن کرد؛ چراکه اگر او بتواند وارد میدان شود و تولید را بهبود ببخشد آن موقع مردم اجناس را باکیفیت و با قیمت مناسب خواهند داشت.

وی با اشاره به این که انحلال سازمان برنامه و بودجه یکی از اشتباه‌ترین تصمیمات دولت بوده است، تاکید کرد: این سازمان باید احیا شود و باید مشکلات سر راه آن هم برداشته شود؛ چراکه مغز متفکر و دیدگاه نظارت دولتی سازمان برنامه و بودجه است.

آخرین شب عزاداری فاطمیه در حسینیه امام خمینی(ره)

آخرین شب مراسم عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دوشنبه شب با حضور رهبر معظم انقلاب ، اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان نظام در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد.

در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین پناهیان و آقای مرتضی طاهری سخنرانی و نوحه سرایی کردند و به ذکر مصائب و مناقب شخصیت والای ام الائمه حضرت فاطمه سلام الله علیها پرداختند.

لازم به یادآوری است این مراسم که از پنجشنبه ۲۲ فروردین در حسینیه امام خمینی(ره) آغاز شده بود به مدت پنج شب ادامه یافت.

جلیلی :ساکتان حوادث بحرین، حامی گروه های تروریستی سوریه هستند

خالد بن هلال بن ناصر المعولی رئیس مجلس عمان و هیات همراه با سعید جلیلی نماینده مقام معظم رهبری و دبیرشورای عالی امنیت ملی دیدار و گفتگو کردند.

جلیلی در این دیدار ایران و عمان را دو ستون تامین امنیت در منطقه دانست و تاکید کرد:امنیت انرژی مرهون تدابیر و همکاری دو کشور برای حفظ امنیت تنگه هرمز است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی مناسبات ایران و عمان را نمونه موفق و بارزی از همکاری های منطقه ای در ردّ سلطه بیگانگان دانست و تصریح کرد: دو کشور دارای منافع، تهدیدها و آرمان های مشترکی در جهان اسلام هستند.

جلیلی با تاکید بر نقش پارلمان ها در انعکاس خواست و فریاد مردم، نقشه دشمنان را ایجاد اختلاف‌های‌مذهبی‌وقومی‌وهدردادن ظرفیت های فوق العاده جهان اسلام دانست و خاطر نشان کرد: غرب سعی دارد با استفاده از ابزارهای رسانه ای مختلف، اذهان امت اسلامی را از جنایات رژیم صهیونیستی و نقض حقوق اساسی فلسطینیان منحرف سازد.

وی با تاکید بر اهمیت موضوع سوریه و بحرین اظهار داشت: کسانی که در برابر سرکوب مردم بحرین و رد خواست های مشروع آن ها سکوت کرده اند، در سوریه از گروه های تروریستی که مشغول کشتار مردم هستند حمایت می کنند.

در این دیدار خالد بن هلال بن ناصر المعولی رئیس مجلس عمان با تاکید بر لزوم گسترش همکاری ها در همه زمینه ها میان دو کشور به ویژه در موضوعات امنیتی گفت: عرصه های مشترک همکاری میان ایران و عمان می تواند بستر مناسبی برای حل اختلافات در منطقه نیز باشد.دبیر شورای عالی امنیت ملی با تاکید بر اهمیت موضوع سوریه و بحرین اظهار داشت، کسانی که در برابر سرکوب مردم بحرین و رد خواسته های مشروع آن ها سکوت کرده اند، در سوریه از گروه های تروریستی که مشغول کشتار مردم هستند حمایت می کنند.

وی با اشاره به جایگاه مهم و موثر ایران در روابط منطقه ای و جهانی افزود: همه کشورهای عربی به مواضع با صلابت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مردم مظلوم فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی افتخار می کنند.

مهمانپرست انفجار بمب در بوستون آمریکا را محکوم کرد

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انفجار در شهر بوستون آمریکا و کشته شدن مردم عادی را محکوم کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت ،رامین مهمانپرست گفت:حادثه ای که اتفاق افتاد و تعدادی از مردم شهر بوستون از میان رفتند و تعدادی هم مجروح شدند موجب تاثر هرکسی می شود.

سخنگوی‌وزارت‌امورخارجه با تاکید بر این که ما هر اقدامی که جان انسان های بی گناه را به خطر بیاندازد به شدت محکوم می کنیم افزود: معتقدیم همه دولت ها باید تلاش کنند تا زمینه آرامش و امنیت برای همه مردم برقرار شود. ریشه اقدامات افراط گرایانه و اقدامات تروریستی در هر نقطه از دنیا باید خشکانده شود و به هیچ وجه هیچ نوع حرکت خشونت آمیز را نباید توجیه کنند.

مهمانپرست با بیان این که در هر نقطه ای که مردم صدمه ببینند وظیفه همه انسان هاست که با این حرکت ها مقابله بکنند و اجازه ندهند چنین پدیده هایی رشد کنند تصریح کرد:متاسفانه برخی جریان های سیاسی و برخی از دولت ها برای تامین منافع خودشان ممکن است احساس کنند در مقطعی حمایت از گروه های افراط گرا می تواند جنبه مثبتی داشته باشد.

وی افزود: همانطور که می دانیم پدیده تروریسم و افراط گرایی به همه صدمه می زند و به هیچ وجه کسی نباید حمایت از آن را چه در خاورمیانه چه در آمریکا یا در هر نقطه از جهان توجیه کند. همه باید برای مقابله با چنین رویکردی همکاری و از جان انسان های بی گناه دفاع کنیم .

سخنگوی دستگاه دیپلماسی کشورمان با اشاره به گسترش استفاده از سلاح در امریکا و اقداماتی که جان مردم این کشور را به خطر می اندازد گفت: باید ریشه های این مساله شناسایی و با آن برخورد شود. ما فکر می کنیم آزادی عمل برای گروه های مختلف نباید به تهدید جان افراد و انسان های عادی و بی گناه منجر شود.

مهمانپرست افزود: اجازه دادن به گروه های تروریستی برای فعالیت و خارج کردن آنها از فهرست گروه های تروریستی به بهانه آزادی در نهایت به بی ثباتی و ناهماهنگی منجر می شود و همه مردم را تحت تاثیر قرار می دهد.

پیام تبریک احمدی نژاد به رئیس جمهوری جدید ونزوئلا

رئیس جمهوری اسلامی ایران در پیامی با تبریک انتخاب نیکلاس مادورو به ریاست جمهوری ونزوئلا، انتخاب وی را در تداوم روند حرکت سازنده ملت های مستقل برای برقراری نظمی نوین و عادلانه در عرصه بین الملل با توجه به نقش و جایگاه موثر این کشور در حرکت عمومی عدالت طلبانه و آزادی خواهانه ملت ها، دارای مضاعف توصیف کرده است.

متن این پیام به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادر عزیزم جناب آقای نیکلاس مادورو موروس

رئیس جمهوری بولیواری ونزوئلا

برگزاری انتخاباتی پرشور و انتخاب شما را به ملت بزرگ این کشور و جنابعالی صمیمانه تبریک می گویم.

این پیروزی سترگ مهر تأیید مجددی بر رهبری موفق رهبران عدالت طلب، آزادیخواه و استقلال طلب آمریکای لاتین و در راس ایشان جناب آقای هوگو چاوز در ونزوئلا، منطقه آمریکای لاتین و سرتاسر جهان است .

مردم ونزوئلا با این انتخاب، بار دیگر ضمن تصریح بر لزوم استمرار انقلاب بولیواری، بر خواسته های تاریخی همه ملت های عدالت طلب جهان در تداوم روند توسعه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی برای ساختن کشوری مستقل، آباد و متکی به توان و ظرفیت ملی تاکید کردند.

انتخاب جنابعالی در تداوم روند این حرکت سازنده در جهت برقراری نظمی نوین و عادلانه در عرصه بین الملل با توجه به نقش و جایگاه موثر ونزوئلا در حرکت عمومی عدالت طلبانه و آزادی خواهانه ملت های مستقل جهان از اهمیتی مضاعف برخوردار شده است .ضمن تشکر از آحاد ملت ونزوئلا و اعلام حمایت از منتخب ملت ونزوئلا، بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران جهت گسترش روزافزون همکاری‌ها با جمهوری بولیواری ونزوئلا تاکید کرده و امیدوارم در پرتو ایمان و اراده مشترک و با استفاده از ظرفیت‌های بالای دو کشور، بیش از پیش شاهد تحقق کامل اهداف مشترک در سطح منطقه و عرصه بین‌المللی باشیم.

رجا واثق دارم که همه شرکت‌کنندگان در انتخابات و ملت بزرگ ونزوئلا با انتخاب نزدیک ترین یار رهبر انقلابی و رئیس جمهوری فقیدشان، بار دیگر وفاداری و اعتقاد عمیق خود را به اهداف و آرمان‌های بلند انسانی و انقلابی چاوز بزرگ و جنابعالی اعلام کرده و در ادامه این راه پرافتخار یار و یاور جنابعالی و دولت شما خواهند بود .

از خداوند متعال، استمرار سلامتی و موفقیت جنابعالی و سربلندی و بهروزی دولت و ملت دوست ونزوئلا و شادی روح رئیس جمهوری فقید کشورتان را مسألت دارم.

درود بر آزادی، درود بر ملت‌ها و درود بر عدالت.

محمود احمدی‌نژاد

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

ادامه رگبار و رعد و برق

براساس نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی در دو روز آینده در سواحل دریای خزر، شمالغرب، دامنه‌های البرز و ارتفاعات زاگرس رگبار رعد و برق و وزش باد و در مناطق مستعد، ریزش تگرگ پیش‌بینی می‌شود. امروز و فردا در برخی مناطق مرکز جنوب، شرق و شمالشرق بارش پراکنده و وزش باد رخ خواهد داد. همچنین با شدت گرفتن وزش باد بر روی عراق وقوع پدیده گرد و خاک و کاهش دید افقی از امروز در برخی مناطق استانهای غربی رخ خواهد داد. در این مدت رگبار و رعدو برق پراکنده هم در مناطق ذکر شده دور از انتظار نیست. لازم به ذکر است که امروز و فردا خلیج فارس و دریای عمان مواج است.

آسمان تهران امروز کمی ابری در بعدازظهر افزایش ابر و وزش باد در ارتفاعات رگبار و رعدو برق پیش‌بینی می‌شود و برای فردا هم هوای کمی ابری، در بعدازظهر با افزایش ابر و وزش باد و در ارتفاعات، بارش پراکنده خواهیم داشت.

حداقل و حداکثر دمای هوای امروز تهران به ۱۵ و ۲۵ درجه می‌رسد که با یک درجه کاهش، فردا حداقل دما ۱۴ و حداکثر آن ۲۴ درجه خواهد بود.

ایران به فناوری پیشرفته تولید میله سوخت هسته ای دست یافت

یک تارنمای روسی از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فناوری های پیشرفته تولید میله های سوخت هسته ای خبر داد و آن را دستاورد بزرگی در عرصه استفاده از انرژی اتمی دانست.

به گزارش ایرنا، تارنمای روسی «رگنوم» دیروز در گزارش خود افزود: ایران در زمینه تولید سوخت هسته ای راکتورهای نیروگاه های هسته ای به خودکفایی دست یافته است.

در این گزارش آمده است: کارشناسان ایرانی در سایت هسته ای اصفهان موفق شدند میله های سوخت هسته ای برای نیروگاه بوشهر تولید کنند.

در ادامه گزارش تارنمای آمده است: کارشناسان ایرانی در شرایطی که برخی کشورها از تحویل سوخت هسته ای برای استفاده در راکتور تحقیقاتی تهران خودداری کردند، این سوخت را در راکتور از نوع «IR۴۰» سایت هسته ای اراک تولید کردند.

تارنمای روسی نوشت: این اقدام کارشناسان ایرانی در سطح جهانی موجب حیرت شده و بسیاری با ناباوری شاهد پیشرفت جمهوری اسلامی در این عرصه بودند.

در ادامه گزارش در این رابطه آمده است:ایران پس از خودداری برخی کشورها از تحویل سوخت هسته ای با غلظت اورانیوم ۲۰ درصد برای راکتور تحقیقاتی تهران، برپایه امکانات داخلی به غنی سازی در این سطح پرداخته و با موفقیت میله های سوخت تولید شده را در راکتور تهران بارگذاری کرد.

در این گزارش به نقل از «محمد قنادی مراغه» معاون سازمان انرژی اتمی آمده است: ایران برای تولید سوخت هسته ای راکتورهای خود اورانیوم را تا سطح ۲۰ درصد غنی می کند. بارگذاری راکتور تحقیقاتی تهران از دستاوردهای بزرگ ایران و شرکت «سوره» بود که میله های سوخت هسته ای را تولید کرد و در زمان حاضر برای تولید سوخت هسته ای نیروگاه بوشهر تلاش می کند.

در پایان گزارش رگنوم آمده است: ایران از دو معدن اورانیوم خود بهره برداری می کند و به تازگی هم مجتمع تولید اکسید اورانیوم به نام «شهید رضایی نژاد» و معدن اورانیوم «ساغند» راه اندازی شد.

از سوی دیگر، «سرگی کرینکو»، رئیس کورپراسیون اتمی روسیه (روس اتم) اعلام کرد که کارهای اجرایی راه اندازی انرژتیک نیروگاه اتمی «بوشهر» در ایران وارد مرحله نهایی شده است.

به گزارش ریانووستی وی افزود: زمین لرزه اخیر هیچ اختلالی در کار نیروگاه بوشهر به وجود نیاورده است.

وی بابیان این که کار این نیروگاه کاملا به صورت عادی دنبال می شود، تصریح کرد:نیروگاه بوشهر با توجه به احتمال زمین لرزه تا ۹ درجه ساخته شده است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

دشمنان دنبال تجزیه سوریه و تضعیف جبهه مقاومت هستند

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی گفتند: دشمنان با هجمه های سنگین خود به دولت و ملت سوریه، دنبال تجزیه این کشور و تضعیف پایگاه مقاومت در منطقه هستند.

به گزارش ایرنا، ایشان در دیدار با عدنان محمود سفیر سوریه در ایران افزودند: برخی کشورهای اسلامی با ارسال و اعزام اسلحه و تروریست به سوریه، خانه خود را به دست خود تخریب می کنند و قطعا این وضع روزی دامن این کشورها به ویژه قطر، عربستان و ترکیه را می گیرد.

این مرجع تقلید همچنین با اشاره به فعالیت گروه های تکفیری و برخی فتاوای علمای اسلام گفتند: گروه های تکفیری به مبانی اسلام معتقد نیستند به همین دلیل حرفی با آن‌ها نداریم، ولی علمای اسلام که معتقد به خداوند و قیامت هستند، چگونه پاسخ خون های ریخته شده را می دهند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی گفتند: رئیس جمهوری و ارتش سوریه در برابر دشمنان و دفاع از کشور خود شجاعت نشان داده‌اند و این مقاومت و شجاعت در تاریخ ثبت می شود. امیدوارم در آینده با کنار رفتن پرده ها، ملت سوریه بتواند برای سرنوشت خود تصمیم بگیرد. معتقد به اصلاحات در سوریه هستیم، ولی نه از طریق لوله تفنگ و کشت و کشتار.

این مرجع تقلید گفتند: باید جلساتی با حضور کارشناسان این کشور برگزار و پیشنهاداتی را برای انجام اصلاحات از طریق مذاکره ارائه دهند؛ این نیاز به خونریزی ندارد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی با اشاره به نقشه غرب از تهاجم به سوریه گفتند: آن‌ها دنبال از بین بردن سوریه به عنوان خط مقدم مبارزه با اسرائیل غاصب، از میان برداشتن حزب الله لبنان، ساقط کردن دولت عراق و در نهایت هجمه به ایران بودند تا از این طریق کل خاورمیانه را زیر سلطه داشته باشند ولی موفق نخواهند شد.

۱۵ ساله‌ها در اولویت دریافت شناسنامه جدید

مدیرکل اسناد هویتی سازمان ثبت احوال کشور از صدور سالانه بیش از دو میلیون شناسنامه مکانیزه در کشور خبر داد و گفت: فراخوان عمومی برای صدور شناسنامه جدید در دستور کار قرار ندارد.

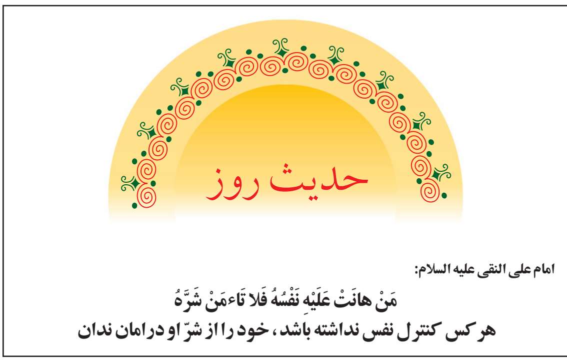
محسن اسماعیلی در گفتگو با مهر با بیان این مطلب افزود: براساس برنامه ریزیهای انجام شده از سال ۸۶ تا کنون صدور شناسنامه های مکانیزه جدید در دستور کار قرار دارد و از ابتدای زمان صدور تا به امروز حدود پنج میلیون شناسنامه برای متقاضیان صادر شده است.

وی با اشاره به این که سالانه حدود دو میلیون شناسنامه مکانیزه صادر می شود، تاکید کرد: شناسنامه های جدید فقط برای چندین گروه از مردم جامعه صادر می شود که ۱۵ و ۳۰ ساله ها در اولویت دریافت آن هستند. البته افرادی که شناسنامه آنان مفقود شده هم می توانند برای دریافت شناسنامه مراجعه کنند.

مدیر کل اسناد هویتی سازمان ثبت احوال با تاکید به این که شناسنامه های قدیمی همچنان اعتبار دارد، گفت: تا زمانی که شناسنامه‌های جدید برای تمامی ایرانیان صادر نشود شناسنامه های قدیمی دارای اعتبار بوده و مشکلی از این بابت وجود ندارد.

اسماعیلی اظهار داشت: فراخوان جدید برای دعوت از مردم برای صدور شناسنامه های مکانیزه انجام نمی شود اما هر فردی که متقاضی باشد و به دفاتر الکترونکی و پیشخوان دولت مراجعه کند می تواند از امکان دارا بودن شناسنامه جدید برخوردار باشد.

به گفته وی، در مدت کوتاهی شناسنامه با حدود ۱۰ هزار تومان هزینه برای متقاضیان صادر می شود.



وزیر ارشاد: شعر علیرضا قزوه، متناسب با زمان و نیاز جامعه است





سرویس فرهنگی ، هنری : دکتر سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم تجلیل از علیرضا قزوه شاعر انقلاب که عصر دوشنبه با حضور حسن مؤمنی شریف رئیس حوزه هنری، محمدعلی نجفی معاون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و جمعی از شاعران و نویسندگان در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد و چکیده‌ای از گزارش آن را در شماره دیروز خواندید، گفت: بعضی‌ها زمانی که قرار است از فرد تأثیرگذاری تجلیل شود، تردید می‌کنند . با نگاه سختگیرانه این گروه از افراد، فقط می‌توان برای انبیاء و اولیا و معصومین بزرگداشت برگزار کرد و این نوع نگاه درست نیست و باید برای تمامی کسانی که با درد مردم آشنا هستند، با آنان آشنا بوده‌اند و مورد توجه قرار گرفته‌اند، مراسم بزرگداشت برگزار شود.

به گزارش خبرنگار ما، حسینی سپس به فعالیت‌های فرهنگی علیرضا قزوه در تاجیکستان و هند اشاره کرد و گفت: قزوه به عنوان رایزن فرهنگی در این کشورها حضور داشته و با فعالیت‌های مهم او در این کشورها اهالی ادبیات و شاعران آنها با شخصیت‌های ادبی و شاعران کشور ما آشنا شده‌اند.

او با اشاره به حضور قزوه در جبهه‌های جنگ تحمیلی اظهار کرد: کسانی هستند که در مقاطع و شرایط گوناگون حاضرند به میدان بیایند و برای اهداف رفیع انقلاب فداکاری کنند و در میان خطرات و در لحظات حساس به صحنه می‌آیند و از خودگذشتگی می‌کنند، آیا این افراد نباید تفاوتی با کسانی داشته باشند که منتظر فرونشستن گرد و غبارها هستند تا پس از آن موضع خود را مشخص کنند و عکس‌العمل نشان دهند؟

حسینی در ادامه سخنانش از حوزه هنری برای برگزاری این مراسم همچنین از علیرضا قزوه تشکر کرد و گفت قزوه از ابتدای انقلاب همواره در کنار شاعران بزرگی چون قیصر امین‌پور و سیدحسن حسینی خدمت کرده و خود نیز مشوق جوانان بوده است، او از کسانی است که شاگرد پرور هستند. برخی افراد نخبه و زبده‌ای وجود دارند که در رشتهٔ خود توانمندی دارند اما تأثیرگذاری‌شان بر دیگران کم است اما بعضی مانند علیرضا قزوه افراد باذوق و استعدادی هستند که توانمندی‌های خود را به دیگران هم انتقال می‌دهند و همواره برای توسعه فکر و اندیشه تلاش دارند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اشعار قزوه را متناسب با زمان و نیاز جامعه بیان کرد و افزود: مردم با اشعار قزوه ارتباط برقرار کرده‌اند و او این توانایی را داشته که مخاطب را متوجه اشعار خود کند و اشعارش در سطح وسیع منتشر شود. علاوه بر آن او توفیق داشته اشعاری را جمع‌آوری کند و تحقیقات و سفرنامه‌هایی را که داشته است به صورت مکتوب در اختیار مردم قرار دهد.

در این مراسم، همچنین محسن مؤمنی شریف رئیس حوزه هنری با اظهار خرسندی از بازگشت علیرضا قزوه از هند به ایران با اشاره به دوستی ۲۵ ساله با قزوه دربارهٔ خصوصیات وی گفت: هرگز ندیده‌ام که او پشت سرکسی از بزرگان و حتی جوانترها بی‌احترامی کرده باشد، او در حق کسانی که به او جفا کردند، نیکی کرده است و همین خصوصیات باعث شده است که بدون اینکه برای به شهرت رسیدن اقدامی کند، خداوند او را در این راه یاری داده است. او انسان فعالی بوده که برای شهرت و آوازه و نام‌آوری کاری نکرده و از نکات مثبت شخصیت اوست و از نسبت‌های الهی است که خدا شرایطی را فراهم می‌آورد که آوازه‌اش در میان مردم برجسته باشد.

استاد حسین اسرافیلی هم در این مراسم با تاکید بر اینکه آنچه از قزوه دیده جز صداقت و پاکی در حوزه کار و تلاش نبوده است، گفت: دلسوزی قزوه در حوزه شعر بسیار بی‌نظیر است و دلسوزی و تعهد خاصی نسبت به ادبیات فارسی همواره داشته است و بخشی از تلاش، دلسوزی و تعهد وی را در هند و تاجیکستان شاهد بوده‌ایم. او از شاعران تاثیرگذاری است که بر بسیاری از شاعران جوان و بر حتی مسن‌تر از خود تأثیرگذاشته است و من ایشان را به عنوان استاد خود قبول دارم و بسیاری چیزها از وی آموخته‌ام. مردانگی، فتوت، دلسوزی و تعهد او نسبت به ادبیات زبانزد خاص و عام است و از معدود کسانی است که در این حوزه متعهدانه کار کرده و توانسته آثار ارزشمندی را در این حوزه بیافریند. او عزیز بزرگواری است که در کارش هم تعهد و هم اعتراض است؛ اعتراضی از سردلسوزی، تعهد و کم‌رنگ شدن ارزشها.

محمدرضا عبدالملکیان هم در این مراسم دربارهٔ شأن و شخصیت علیرضا قزوه گفت: او به دلیل خلاقیت، متفاوت بودن و اثرگذاری یکی از شاعران برجسته ایران در چند دهه اخیر است و از ویژگی‌های او در این زمینه قلم روان اوست.

عبدالملکیان دربارهٔ شخصیت فرهنگی قزوه نیز اظهار کرد: در فعالیت‌های فرهنگی اگر بخواهم از یک شاعر نام ببرم قطعاً قزوه است. او در فعالیت‌های دورهٔ جنگ در جبهه‌ها حضور داشت و محور و پیوند جماعت دانشگاهی، شاعران و نویسندگان ما با جبهه و فرهنگ جبهه بود.

عبدالملکیان یکی دیگر از اقدامات فرهنگی قزوه را فعالیت در صفحه «بشنو از نی» روزنامه اطلاعات بیان کرد و گفت: از طریق این صفحه و با تلاش وی بسیاری از شاعران ناشناخته به جامعه ادبی ایران معرفی شدند.

محمدعلی نجفی، معاون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دیگر سخنران این مراسم با یادآوری اینکه با علیرضا قزوه بیش از ۴ سال به فعالیت‌های فرهنگی، علمی و ادبی در دهلی می‌پرداخت، گفت: قزوه شخصیتی بود که تمامی زندگی خود را برای معرفی ادبیات انقلاب اسلامی صرف کرد و تا پاسی از شب در دفترکارش بود و روزهای تعطیل را نمی‌شناخت.

نجفی افزود: ادبیات انقلاب اسلامی توسط قزوه در هند معرفی شد به طوری که حتی برخی موضوعات و شخصیت‌هایی که او معرفی کرده بود، به صورت تز دکتری و برای تحقیق بیشتر انتخاب می‌شد.

معاون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با بیان اینکه قزوه در مدت ۴ سال در هندوستان ۵۰ اثر فاخر را منتشر کرد، گفت: این شور و جوش و خروش او بود که در سرزمین هند چنین شوری برای زبان فارسی ایجاد کرده بود. او انجمن ادبی «بیدل دهلوی» را در آنجا تاسیس کرد و در تمامی شهرهای هند شعبات این انجمن را گسترش داد و بخشی از شور بیدل دهلوی توسط قزوه در هند ایجاد شد.

نجفی دربارهٔ دیگر فعالیت‌های علیرضا قزوه در هند تصریح کرد: برگزاری بزرگداشت برای ادیبان و شاعران، معرفی شعرای انقلاب اسلامی به ادیبان هند، چاپ نسخه بی‌نظیر بیدل دهلوی متعلق به کتابخانه «رامپور» از جمله فعالیت‌های او بود، او همچنین زبان فارسی را که با سیاست انگلیسی‌ها در هند ضعیف شده بود، دوباره در میان دانشجویان هندی زنده کرد به طوری که برخی از آنها شاعر پارسی‌گوی شدند.

مصطفی محدثی خراسانی نیز در این مراسم، پیش از آنکه یک دوبیتی سرودهٔ خودش را دربارهٔ علیرضا قزوه و یک غزل را برای شهید آوینی بخواند، دربارهٔ قزوه گفت: علیرضا قزوه اولین شاعر از نسل دوم است که نامش در کنار شاعران نسل اول می‌آید و در جوانی پیشکسوت شده است، از سویی دیگر جایگاهی که قزوه درآن قرار گرفته از عشق، معرفت و تعهد برای او ساخته شده و نمی‌توان پایهٔ شعر انقلاب را بدون این ستون در نظر گرفت.

یوسفعلی میرشکاک نیز در این مراسم، مهمترین ویژگی قزوه را چنین بیان کرد: قزوه شعر را هدف اصلی خود قرار داده و در این راستا مدام به جلو حرکت می‌کند، دینی ـ آئینی بودن از وجوه شعر اوست.

موسی بیدج، شاعر و مترجم معاصر هم زمان آشنایی با قزوه را حدود سال ۱۳۶۵ بیان کرد و گفت: آن روزها من عضو تحریریه روزنامه اطلاعات بودم و او به آن روزنامه شعر می‌آورد و با کمک و حمایت آقای دعایی آثارش چاپ می‌شد، پس از آن بود که صفحه «بشنو از نی» را در روزنامه اطلاعات در می‌آوردیم که برای شعر روزگار ما طرحی نو در انداخت. سفرهای بسیاری برای تهیهٔ مجله شعر با او کرده‌ام و برگزاری همایش‌های شاعران همیشه با مدیریت و حمایت‌های آقای قزوه بود که با این همایش‌ها توانستیم شاعران بسیاری را از دیگر کشورها به ایران بیاوریم تا با شاعران ما آشنا شوند.

بیدج در ادامه، دربارهٔ شخصیت قزوه گفت: صداقت و سادگی که در قزوه هست شاید در کمتر کسی باشد، تکبر و خودپسندی ندارد و علاوه بر آن شاعر خوبی هم هست.

بیدج با بیان اینکه در بیروت علاوه بر انتشار اشعار مرحومه دکتر طاهره صفارزاده و قیصر امین‌پور، اقدام به انتشار مجموعه شعرهای قزوه نیز کرده است، گفت: اگر آقای دعایی از حرکتی که ما از صفحه «بشنو از نی» روزنامه اطلاعات شروع کردیم حمایت نمی‌کردند ما به اینجا نمی‌رسیدیم و با این صفحه بود که به بسیاری از شاعران ایرانی با شاعران و اشعار عرب و بسیاری از شاعران عرب با اشعار و شاعران ایرانی آشنا شدند.

در ادامهٔ این مراسم حامد زمانی که خود شاعر، آهنگساز و خواننده است، سرودی را که شعر آن توسط علیرضا قزوه برای حضرت زهرا(س) سروده شده خواند و پس از آن دکتر مجتبی رحماندوست، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: با فعالیت‌های قزوه در هند تعدادی از استادان این کشور به شعر شیعی گرایش پیدا کردند و دربارهٔ ائمه اطهار(ع) شعر سرودند.

در ادامه این مراسم، سیدمحمود دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات گفت: این مراسم فرصتی را فراهم آورد تا تقدیر و تشکر کنم از شاعری که زمانی به مؤسسه ما وزن و ارزش بخشید.

دعایی افزود: افتخار داشتیم که در روزنامه فرهیختگانی را گردهم آورده و از وجودشان استفاده کنیم چند شخصیت هستند که با رفتنشان از روزنامه، صفحاتشان و ستونهایشان خالی ماند و دیگر جایگزینی هموزن ایشان نیافتیم. یکی از ستونها، ستون «گل‌آقا» و دیگری صفحه «بشنو از نی» بود، البته در این میان، عزیزان و فرهیختگانی مانند مرحومه خانم طاهرهٔ صفارزاده بودند که اگر شعری می‌سرود و اثری می‌آفرید برای چاپ، صرفاً به روزنامهٔ اطلاعات می‌داد و عزیزان دیگری هم بودند که همواره این عنایت را داشتند.مدیر مسئول روزنامه اطلاعات در ادامهٔ سخنانش، دربارهٔ ویژگی‌های علیرضا قزوه گفت: آقای قزوه در فروتنی، جامع نگری، مستضعف‌گرایی و در اعتقاد به ولایت شهره هستند و در سروده‌های اولیهٔ ایشان دربارهٔ مولاعلی(ع) و حضرت ولی عصر(عج) پایبندی راسخ ایشان به مبانی اصیل ولایت مشهود است.

دعایی در پایان سخنانش، علیرضاقزوه را شاعری توصیف کرد که در حیطهٔ جهان اسلام و همچنین در میان شاعران اقصی نقاط جهان خوش می‌درخشد.

محسن پرویز، منتقد ادبی و داستان‌نویس که سال‌های ۸۵ تا ۸۹ معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز بوده است، در ادامه این مراسم گفت: در ایامی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودم با علیرضا قزوه و حسین سرشار قرار گذاشتیم انتشار ۱۰۰ دیوان شعر را قزوه پی‌گیری کند و انتشار ۱۰۰ کتاب داستان را سرشار و من خیلی خوشحالم که درآن دوره اینکار انجام شد و این کتابها حاوی آثار بالنده‌ای از دوران انقلاب بودند که در کل کتابخانه‌های دنیا نیز توزیع شد.

علیرضا قزوه شاعر انقلاب و رایزن فرهنگی ایران در هند و تاجیکستان، به عنوان آخرین سخنران این مراسم پشت تریبون آمد و گفت: خیلی از بزرگان در جمع ما هستند که من دست یکایک آنها را می‌بوسم، از آقای دعایی تشکر می‌کنم که در حقم پدری کردند، از ابوالقاسم حسین جانی که خود فرزند درد و رنج است و همواره از او چیزهای زیادی آموختم و همسرم که بسیار زحمت کشیده است، سپاسگزارم. معلم دیگر من، مرحومه خانم دکتر صفارزاده بود که در زندگی قناعت داشت و وقتی ستاد چهره‌های ماندگار مرا واسطه کرد تا او را راضی کنم که به مراسم بیاید، اعتراض کرد و گفت: وقتی مردم کشورم در چنین وضعیت اقتصادی به سر می‌برند آیا رواست که من جایزه بگیرم. در طول زندگی‌ام بسیاری برای من معلم بودند از جمله علامه حسن‌زاده آملی.

قزوه ادامه داد: مرحوم سیدحسن حسینی در زمان جنگ تحمیلی به من می‌گفت از اسمم خجالت می‌کشم چون همیشه جلوتر از من است پس باید خودم هم با او بروم، این جمله همیشه در گوشم زنگ می‌زند و یا زمانی که شنیدم قیصر امین‌پور با وجود بیماری در کنار یک شاعر جوان ماند تا شعرش را بشنود. من با اینها همنفس بوده‌ام و اگر چیزی دارم از این شاعران است. یکی از حرف‌هایی که در گوش من است حرف ابوالقاسم حسین جانی است که به من گفت: برخی در مورد تو غلو می‌کنند و بعضی هم سعی می‌کنند تو را کوچک کنند، تو نه آنی و نه این و من می‌دانم که کاری نکرده‌ام و خاک پای آنها هستم و گمنامان بسیاری هستند که بیشتر از من کار کرده‌اند و در اوج سختی نه نان داشتند و نه نام.

در پایان این مراسم از علیرضا قزوه به پاس تلاش‌های فرهنگی و ادبی‌اش در عرصه شعر انقلاب اسلامی تجلیل شد.

فراخوان یازدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) منتشر شد

یازدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) در دو بخش ملی و بین‌المللی، شامل ۳۱ استان کشور و ۷۵ نقطه جهان اعلام فراخوان کرد.

به گزارش فارس، در یک دهه اخیر، عظیم‌ترین جشنواره فرهنگی، هنری و ولایی کشور به مناسبت میلاد فرخنده حضرت معصومه(س) و برادر بزرگوارشان امام علی‌بن موسی الرضا(ع)، از یکم تا یازدهم ذی‌القعده موسوم به «دهه کرامت» برگزار می‌شود.

جشنواره مذکور که با عنوان «جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع)» و تحت اشراف بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) فعالیت دارد، در یازدهمین سال برگزاری خود، در دو بخش ملی و بین‌الملل فراخوان منتشر کرده است. در بخش ملی که در ۳۱استان کشور برگزار خواهد شد، ۸بخش کلی در نظر گرفته شده که عبارتند از: علمی و پژوهشی، فرهنگی، هنری، دانشگاهی، سینمایی، مطبوعات و دیجیتال، کودک و نوجوان، و ویژه.

در بخش بین‌الملل نیز ۷۵نقطه از چهار قاره جهان شامل کشورهای آمریکا، آلمان، اتریش، آرژانتین، اسپانیا، اندونزی، امارات، الجزایر، انگلستان، ایتالیا، برزیل، ژاپن، روسیه، سوئد، هند، نیجریه و ... مشارکت فعال دارند.

همچنین پروژه برگزاری «هفته‌های فرهنگ رضوی» به کمک ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سازمان محیط زیست، از هفتم اردیبهشت‌ماه به ترتیب در ۲۳ استان کشور کلید می‌خورد.

علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و آگاهی از نحوه شرکت در هر یک از برنامه‌ها می‌توانند به سایت «شمس طوس» به نشانی www.shamstoos.ir مراجعه کنند. همچنین سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۸۸۸ به عنوان پل ارتباطی میان جشنواره و مخاطبان معرفی شده است.

استاد داریوش صفوت پیشکسوت موسیقی ایران درگذشت

استاد داریوش صفوت، مشوق و تعلیم دهنده یک نسل از بزرگان موسیقی اصیل ایران، در هشتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت.

داریوش صفوت که دوشنبه شب درگذشت، نوازنده سنتور و سه تار و از شاگردان حبیب سماعی، ابوالحسن صبا بود و از جمله بنیان گذاران مرکز حفظ و اشاعه موسیقی به شمار می رفت که توانست نسلی از نوازندگان و خوانندگان موسیقی اصیل ایران را که از دهه پنجاه به بار نشستند، پرورش دهد.

وی که دکترای حقوق داشت در سال ۱۳۰۷ در شیراز متولد شد و از آنجا که شجره نامه خانوادگی اش به خواجه نصیر طوسی می رسید گفته می شود که یادگیری اصول موسیقی در خانواده این استاد موروثی بوده است.وی تعلیم سه تار را نزد پدر خود آغاز کرد واز شانزده سالگی شاگرد حبیب سماعی شد و سنتور را فراگرفت. صفوت از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۶ به تکمیل نوازندگی سه تار و سنتور نزد ابوالحسن صبا اقدام کرد.

از صفوت جدای از شاگردان پیشرویی چون مشکاتیان ، علیزاده ، ناظری و... دست کم هشت اثر تالیفی و ترجمه در زمینه اصول و ردیف های موسیقی ایران به جای مانده است.

نمایشگاه «ره توشه» گشایش یافت

تهران – نمایشگاه «ره توشه» با حضور سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیروز در تالار وحدت افتتاح شد.

به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا، در آیین افتتاح این نمایشگاه، جمعی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، معاونان و مدیران وزارت ارشاد و نیز تعدادی از مسوولان خبرگزاری ها و مطبوعات حضور داشتند.

این نمایشگاه با هدف اطلاع رسانی درباره مجموعه فعالیت، دستاورد و عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه های مختلف و مقایسه آن با سال ها و دوره های گذشته برپا شده است.

نمایشگاه «ره توشه» در تالار وحدت و در فضای به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع و در قالب ۲۲ بخش اصلی برپا شده و در حاشیه این نمایشگاه نیز دو نشریه اختصاصی توزیع می شود.

همچنین در این نمایشگاه محصولات فرهنگی هنری در قالب لوح فشرده به مردم عرضه خواهد شد.

رشد ۵۰ درصدی بازدیدکنندگان از سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرویس فرهنگی و هنری: رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی از رشد ۵۰ درصدی بازدیدکنندگان سازمان اسناد و کتابخانه ملی نسبت به سال ۹۰ خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر اسحاق صلاحی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی دیروز در جمع خبرنگاران در تشریح برنامه‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در سال ۹۱ افزود: «از سال ۸۵ تا سال ۹۰ حدود ۲۵ میلیون برگ سند، در سال ۹۰، هشت میلیون برگ سند و در سال ۹۱، ۱۵ میلیون و ۴۰۰ هزار برگ سند به کتابخانه ملی منتقل شد که این حاکی از تلاش مضاعفی بود که در حوزه سند انجام شد.»

صلاحی گفت: «تعداد اسناد خریداری شده تا قبل از سال ۹۱ نیز، ۲۶ هزار و سیصد برگ بوده است که در سال ۹۱ به ۳۱ هزار و ۲۴۰ برگ رسید. ما هفته آینده در کتابخانه ملی ازبکستان حضور خواهیم داشت و درباره منابع و نسخ خطی ایرانی موجود در این کشورتحقیق می‌کنیم.»

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی گفت: «در حوزه پژوهش، مادو فصلنامه علمی و پژوهشی داریم که فصلنامه گنجینه در حوزه سند و فصلنامه دیگری در حوزه کتاب منتشر می‌کنیم. همچنین در سال ۹۱، سه شماره از فصلنامه جدید «ایران و اسلام» نیز منتشر شد.»

وی افزود: «امسال ۲ اثر را برای ثبت جهانی به کمیته ملی حافظه جهانی فرستاده‌ایم که یکی «ذخیره خوارزم شاهی» و دیگری «مجموعه نقشه‌های تاریخی وزارت امور خارجه» بوده است. توقع ما در ایران، این است که اعضای یونسکو با این مسأله برخورد سیاسی نکنند.»

صلاحی در زمینه فعالیت‌های کتابخانه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، توضیح داد: «امسال قرار است کتابخانه ملی در بخش شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه شرکت کند و بنا داریم با همکاری خانه کتاب، سرای اهل قلم را بیشتر در اختیار داشته باشیم تا بتوانیم فعالیت‌های تخصصی بیشتری انجام دهیم. همچنین همه تازه‌های نشر کتابخانه ملی را که ۵۵ عنوان است، در نمایشگاه امسال خواهیم داشت. علاوه بر این آنچه را که از نسخ خطی اسکن کرده‌ایم در نمایشگاه کتاب اطلاع‌رسانی می‌کنیم تا پژوهشگران بدانند چه منابعی در این کتابخانه موجود است.»

وی در خصوص برنامه‌های آینده این کتابخانه گفت: «در حال جمع‌آوری فهرست نسخ خطی ایرانی موجود در خارج از کشور هستیم و در سال ۹۳ نیز فهرست نسخ خطی در خارج از ایران چاپ خواهد شد. همچنین بنا داریم همایش بین‌المللی با حضور رؤسای کتابخانه‌های ملی ۵۷ کشور جهان اسلام را برای هم افزایی همکاری‌های مشترک برگزار کنیم.»

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی گفت: «از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، همهٔ کتابخانه‌های دولتی سراسر کشور مکلف شده‌اند که تمامی نسخه‌های خطی را که در اختیار دارند اسکن کنند و یک نسخه را در اختیار کتابخانه ملی قرار دهند.»

وی در پاسخ به سؤال خبرنگار ما مبنی بر اینکه این کتابخانه‌ها تا چه حد صلاحیت نگهداری از این نسخ خطی را دارند و تا چه حد می‌توان مطمئن بود که بدون آسیب رساندن به نسخه آن را اسکن کرده و در اختیار کتابخانه ملی قرا رمی‌دهند، گفت: «نگرانی در مورد اصل نسخه وجود دارد، اما ممکن بود اگر مصوبه از آنها می‌خواست که اصل نسخه را منتقل کنند، آنها مقاومت کنند.ما پیش از این اعلام کرده‌ایم و حالا هم باز اعلام می‌کنیم که هر ارگان دولتی یا هر شخصی که نسخه خطی در اختیار داشته باشد یا می‌تواند آن را برای نگهداری در شرایط درست به کتابخانه ملی هدیه کند یا آن را به صورت امانت در اختیار ما قرار دهد.»

آیت‌الله العظمی سبحانی: تکریم بیت علامه طباطبایی با برگزاری مجالس قرآنی و تفسیری محقق می‌شود



حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی با اشاره به راه‌اندازی دارالقرآن علامه طباطبایی در بیت ایشان گفتند: تکریم این خانه به دایر کردن مجالس تفسیری در این بیت است، از این خانه در انواع مختلفی مانند تفسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی و حفظ و مانند آن استفاده شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، حضرت آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی، چهارشنبه شب در گردهمایی مفسران قرآن که در دارالقرآن علامه طباطبایی برگزار شد، گفتند: خانه‌ای که در آن سحرگاهان و عصرگاهان خدا در آن یاد می‌شده، از احترام ویژه‌ای برخوردار است و باید تکریم مادی و معنوی درباره آن صورت بگیرد، تکریم مادی بیت علامه طباطبایی این است که اجازه آلودگی مادی این بیت را ندهیم.

ایشان افزودند: بالا بردن معنوی این بیت به آن است که در این خانه کرسی‌های علمی دایر شود، خانه پیامبر(ص) در مکه نیز اکنون در حال تخریب است، نسبت به این بیت تکریم صورت نگرفته است.

این مرجع تقلید با اشاره به این‌که ساخت و آباد کردن عسکریین بر اساس آیات قرآنی کاری مورد سفارش است، خاطرنشان کردند: مرقد عسکریین خانه امامان بوده است و از خانه‌هایی است که در آن ذکر خداوند و مناجات می‌شده است.

ایشان ادامه دادند: علامه طباطبایی تمام ماه رمضان را بیدار بودند، ایشان مشغول نوشتن، مطالعه و مناجات بودند، حفظ این خانه یک نوع تکریم اخلاقی و وجدانی برای ما بود.

آیت‌الله العظمی سبحانی گفتند: تکریم این خانه به دایر کردن مجالس تفسیری در این بیت است، از این خانه در انواع مختلفی مانند تفسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی و حفظ و مانند آن استفاده شود.

ایشان ابراز داشتند: استادان تفسیر نسبت به برگزاری تفسیر قرآن در این بیت توجه ویژه نشان دهند، بنده نیز حاضر هستم در مواقعی به بیان تفسیر در این خانه بپردازم.

این مرجع تقلید با اشاره به این‌که این بیت به نحو احسن خریده و تعمیر شده است، بیان داشتند: باید قدر این گونه مکان‌ها دانسته شود، به برکت این انقلاب این چنین خانه‌هایی در اختیار ما قرار گرفته و هم نشریات بسیاری به مباحث قرآنی می‌پردازند.

ایشان ادامه دادند: مرحله اول تفسیر خاص طلاب جوان و کسانی است که در رشته تفسیر سررشته ندارند، این مرحله باید سرآغازی برای پرورش مفسر قرآن باشد.

حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی خاطرنشان کردند: یک دوره تفسیر موضوعی در عقاید نیز از مراحلی است که لازم است به آن پرداخته شود، تفسیر موضوعی در شیعه سابقه دارد که از این نمونه می‌توان آیات الاحکام را نام برد.

ایشان گفتند: مقام علامه مجلسی برای اکثر ما مخفی است، ایشان تنها یک محدث صرف نبودند، در تفسیر موضوعی کار کرده بودند، شرح ایشان بر اصول کافی بسیار زیبا معنا شده است، در بحارالانوار آیات موضوعی آمده است.

این مرجع تقلید با بیان این‌که هنر مرحوم مجلسی جمع‌آوری آیات در رشته‌های مختلف بوده است، ابراز کردند: مرحوم مجلسی رییس اخباریان هستند و ایشان توجه ویژه به قرآن داشتند.

ایشان گفتند: تفسیر ترتیبی نیز از رشته‌هایی است که لازم می‌آید در این بیت به آن پرداخته شود، این برنامه‌ها از سال آینده شروع شود، افراد و استادان ثبت‌نام کنند، این خانه نورانی است و باید از آن استفاده شود.

حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی ادامه دادند: توجه به قرآن کریم در دوره‌های مختلفی در میان ما ضعیف بوده است اما از قرن ۱۴ به بعد حرکت تفسیری در شیعه و اهل سنت شروع شده است.

ایشان افزودند: مفسران بسیار خوبی در قرن ۱۴ ظهور کرده‌اند که در رأس آنان علامه طباطبایی قرار دارد، قرآن نیاز به بیان دارد، با یک قواعد صرف و نحو نمی‌توان قرآن را تفسیر کرد.

این مرجع تقلید خاطرنشان کردند : ۱۴ قرن روی قرآن کار شده است اما همچنان جای کار بر آن باقی است و این امر نشان از اعجاز قرآن است، قرآن فعل الهی و نامتناهی محسوب می‌شود.

ایشان با بیان این‌که هر چه زمان بگذرد حقایق جدیدتری از قرآن کشف می‌شود، گفت: نباید پنداشت مرحوم علامه طباطبایی تا آخرین حد تفسیر پیش رفته‌اند، اما باید دانست که آیندگان می‌توانند به مراتب بالاتر دست بیابند.

حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی بیان داشتند: ممکن است در پیشبرد اهداف خود در فعالیت‌های قرآنی این بیت مشکلاتی به وجود آید، این طبیعت کار است و پس از راه افتادن کار این امر به راحتی ادامه خواهد یافت.

نکوداشت جمشید امینی آخرین شاگرد کمال‌الملک

سی و سومین نشست پژوهشی هنر در نگارخانه برگ سازمان زیباسازی شهر تهران به بررسی آثار استاد جمشید امینی نقاش و قالیباف اختصاص دارد.

به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران، نخستین نشست پژوهشی نگارخانه برگ در سال ۹۲ به نکوداشت جمشید امینی نقاش و طراح فرش اختصاص خواهد داشت. استاد امینی از آخرین شاگردان کمال الملک بود که برای نخستین بار شیوه شبیه سازی را در فرش ابداع کرد.این هنرمند طی سالها فعالیت مستمر خود، تمرکز و تخصص اش را بر روی طراحی نقشه قالی و کوبلن گذاشت. او نخستین هنرمندی بود که به شیوه نقاشانه، شبیه سازی را در طراحی و بافت فرش وارد کرد.سی و سومین نشست پژوهشی هنر به همت سازمان زیباسازی شهر تهران و با همکاری نشریه تندیس، چهارشنبه ۲۸ فروردین از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در نگارخانه برگ برگزار می شود. در این مراسم هادی سیف و دکتر حسن امینی فرزند و شاگرد جمشید امینی به سخنرانی خواهند پرداخت و فیلم مستندی از اردشیر پژوهشی بر اساس زندگی جمشید امینی به نمایش در خواهد آمد. همچنین نمایشگاهی از اسناد و آثار این هنرمند نیز در معرض دید عمومی قرار خواهد گرفت. در این نمایشگاه آثار نفیسی از مجموعه شخصی خانواده امینی شامل پرتره کمال الملک و تنی چند از نامداران فرهنگ و هنر کشور به نمایش در خواهد آمد. این نمایشگاه تا ۱۱ اردیبهشت میزبان علاقه مندان است.

نگارخانه برگ در میدان هروی خیابان وفامنش، خیابان جمالی، عمارت عین الدوله واقع است.

جشنواره «روحانی در قاب سینما» ، اردیبهشت برگزار می شود

نشست رسانه ای اولین جشنواره– همایش «روحانی در قاب سینما»که از ۱۰ تا ۱۲ اردیبهشت در سینما فلسطین برگزار می‌شود،صبح ۲۷ فروردین در سالن اجتماعات بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد.

حجت‌الاسلام سرلک– دبیر این جشنواره– با بیان اینکه دغدغه ما طرح مسئله‌ی «نسبت روحانی و سینماست»، درباره چرایی برگزاری جشنواره‌ای با این موضوع گفت: انقلاب ما یک ماهیت فرهنگی دارد و هنر هفتم هم مورد توجه عوام و خواص است اما گاهی تلاقی این دو موضوع، به دلیل درست نپرداختن سوء تفاهم‌هایی را ایجاد کرده است به همین دلیل لازم بود عده‌ای وارد میدان شوند و آن‌طور که شایسته است به این مسئله بپردازند.

وی اضافه کرد: پس از اینکه برگزاری چنین جشنواره‌ای مطرح شد، با بزرگانی از هر دو گروه روحانیت و سینما صحبت کردیم و حتی برخی مراجع مانند آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی توصیه‌هایی هم ارائه کردند و در نهایت به جشنواره و همایشی در حوزه روحانیت و سینمارسیدیم.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام سرلک آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره را ۱۴۰ مورد عنوان کرد که ۸۵ مورد آن مستند و ۵۵ مورد فیلم کوتاه هستند. همچنین در هیئت انتخاب حجت‌الاسلام معتمدی، حجت‌الاسلام کریمان، بهمن حبشی و محمدرضا عرب حضور دارند که پس از بررسی آثار در نهایت، هشت فیلم کوتاه و ۱۵ فیلم مستند را برگزیدند. علاوه بر این ۶ فیلم هم در بخش خارج از مسابقه حضور خواهند داشت و در میان ۲۹ اثر انتخاب شده، سازنده پنج فیلم روحانیون هستند.

دبیر جشنواره درباره جوایز هم اظهار کرد: در دو بخش فیلم کوتاه و مستند ۶ جایزه و تندیس به برگزیدگان اهدا می‌شود و یک جایزه ویژه دبیر به فیلم سینمایی بلندی که به روحانیت نزدیک‌تر باشد و یک جایزه ویژه داوران به بهترین فیلم دانشجویی تعلق می‌گیرد.

اودرادامه،اعضای سیاست گذاری جشنواره را حجت‌الاسلام محمد قائم مقامی، کشن فلاح (رئیس دانشگاه هنر)، کمال اکبری –رئیس صداوسیمای استان قم– ، محمدرضا جعفری جلوه، احمد میرعلایی، حسن نجاریان و جمال شورجه معرفی و خاطر نشان کرد: البته جمع دیگری هم بودند که چون من نتوانستم با آن‌ها همکاری کنم، تغییر کردند.

حجت‌الاسلام سرلک درباره همایشی که قرار است هم‌زمان با جشنواره برگزارشود، هم توضیح داد: برای اینکه اندیشمندان حوزه به میدان بیایند و بحث‌های لازم درباره‌ی روحانیت و سینما انجام شود همایشی را با برپایی چند نشست تخصصی خواهیم داشت. در این نشست‌ها دانشگاهیانی که به این حوزه نزدیک بودند دعوت شده‌اند و روحانیونی هم که در این عرصه فعالیت دارند از جمله روحانیون منتقد سینما، روحانیون فعال در برنامه‌های تلویزیونی، روحانیون مدیر در عرصه سینمایی، روحانیون سیاست‌گذار رسانه‌ای و روحانیون مشاور در بخش فیلم‌نامه‌ها حضور خواهند داشت.

خانه هنرمندان میزبان ۳ نمایشگاه در «هفته طراحی گرافیک»

سرویس فرهنگی– هنری: « هفته طراحی گرافیک تهران» با برپایی سه نمایشگاه از ۲۷ فروردین تا ۵ اردیبهشت در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست رسانه‌ای «هفته طراحی گرافیک تهران» که دیروز در خانه هنرمندان برگزار شده بود، علی رشیدی رئیس هیات مدیره دوره ششم انجمن طراحان گرافیک گفت: هیات مدیره جدید انجمن طراحان گرافیک علاقه دارند با روی باز درهای این انجمن را باز کنند تا شروعی باشد برای ارتباط این انجمن با نهادها و سازمان‌ها و همچنین رسانه‌ها. رشیدی ادامه داد: انجمن صنفی طراحان گرافیک مدتها بود که سیاست درونگرا داشت و هیات مدیره پیشین انجمن دوست نداشتند پر خبر باشند در حالیکه نظر هیات مدیره جدید انجمن بر این است که انجمن طراحان گرافیک یک انجمن حرفه‌ای در زمینه طراحی گرافیک اما رسالت آن فراتر و برای ارتقاء، تقویت، نظم دادن و گسترش طراحی گرافیک به عنوان یک حرفه است.

رشیدی که در ابتدای سخنانش برگزاری نشست رسانه‌ای هفته گرافیک را بهانه‌ای برای دور هم جمع شدن بیان کرده بود تا درباره انجمن طراحان گرافیک صحبت کند، گفت: ما هیات مدیره انجمن در درون تلاش داریم یک رابطه سالم و حرفه‌ای بین طراحان و همچنین میان طراحان و سفارش دهندگان برقرار کنیم اما اهداف بزرگ ما، اهداف بیرونی است و در بیرون از انجمن تلاش برای ارتقاء طراحی گرافیک در بافت آموزشی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است، در نتیجه علاقه‌مندیم با دانشگاه‌ها تعامل داشته باشیم و نمایشگاههای مختلف گرافیک برگزار کنیم که جنبه آموزشی هم دارد و آغوش باز خود را برای همکاری با ارگانها و سازمانها می‌گشاییم.

او افزود: انجمن طراحان گرافیک سازمان مستقلی است و هزینه‌های آن از پرداخت حق عضویت و کمک‌های دوستداران گرافیک تأمین می‌شود و همه تصمیمات توسط خود انجمن گرفته و هدایت می‌شود و تأکید داریم که تأثیر ما فراتر از طراحی گرافیک است و بیشتر مسائل راهبردی سازمانها و ارگانها و مسائل کسب و کار را در بر می‌گیرد.فرزاد ادیبی، سخنگوی انجمن طراحان گرافیک هم در ارتباط با برگزاری هفته طراحی گرافیک توضیح داد: ۲۷ آوریل روز جهانی گرافیک است و مصادف با ۷اردیبهشت، پس ما نیز با برگزاری «هفته طراحی گرافیک» در خانه هنرمندان به استقبال این روز رفتیم.

ادیبی افزود: «هفته طراحی گرافیک» برگزاری سه نمایشگاه را در بر خواهد داشت، در یکی از این نمایشگاه‌ها، ۱۲۰ پوستر از طراحان گرافیک جهان در ارتباط با «سونای ژاپن» ارائه می‌شود و عنوان آن «آفتاب برای ژاپن» است که نمایشگاه گردانی آن به عهده منصوره رهنما است و او از آلمان این نمایشگاه را سامان داده و برای برگزاری در تهران آماده کرده است. نمایشگاه دیگر، نمایشگاه زیست محیطی «Golb-ALL Mix» است با آثار ۳۰ طراح مطرح گرافیک جهان که از جمله آنها طراحان ایرانی نیز هستند. موضوع آثار این نمایشگاه مربوط به حدود ۲۰ سال پیش و به کنفرانس سازمان ملل متحد با عنوان «محیط و توسعه» و با میزبانی برزیل باز می‌گردد. این رویداد پس از ۲۰ سال بار دیگر در برزیل و در سال ۲۰۱۲ اتفاق افتاد تا ۳۰ طراح گرافیک جهان برای ارسال پوسترهایشان با موضوع « جهان پایدار» دعوت شوند. این نمایشگاه برای اولین بار به همت انجمن طراحان گرافیک در ایران برگزار خواهد شد.

ادیبی، سومین نمایشگاه هفته طراحان گرافیک را نمایشگاه آثار « فرانسوا کاسیر» طراح و رئیس انجمن طراحان گرافیک فرانسه معرفی کرد و ادامه داد: کاسیر پنج‌شنبه آینده به ایران می‌آید و آمدن او از نظر تعامل میان انجمن طراحان گرافیک ایران و فرانسه قابل توجه است. سخنگوی انجمن طراحان گرافیک افزود: در کنار برگزاری سه نمایشگاه معرفی کرد، آقای کاسیر پنج‌شنبه آینده درباره آثار خودش صحبت خواهد کرد و علاوه بر آن کارگاه آموزشی نیز با عنوان « نقش ارتباطات در مدیریت پروژه» توسط منصوره رهنما که خود دانشجوی دکتری مدیریت ارتباطات در دانشگاه دورتموند آلمان است، در روزهای پنج‌شنبه ۲۹ فروردین و جمعه ۳۰ فروردین در سالن امیرخانی خانه هنرمندان برگزار خواهد شد که در آن فقط افراد زیر ۳۰سال عضو انجمن می توانند شرکت کنند.ادیبی در ادامه سخنانش از انتشار دوباره خبرنامه «جهت اطلاع» که مدتی بود منتشر نمی‌شد خبر داد و گفت که در همان روز نشست رسانه‌ای از آن رونمایی می‌شود.او همچنین از انتشار سومین کتاب پژوهشی «نشان اردیبهشت» خبر داد و در ادامه گفت: مراسم افتتاحیه هفته طراحی گرافیک تهران ۲۷ فروردین با عکس دسته جمعی و یادگاری از طراحان گرافیک عضو انجمن به پایان می‌رسد.

ادیبی دربارهٔ هفته طراحی گرافیک گفت: ما تلاش کرده‌ایم در این نمایشگاه نمونه‌هایی از آثار طراحان گرافیک را داشته باشیم که جنبهٔ آموزشی برای اعضای انجمن و دیگر طراحان داشته باشد و دوسالانه طراحی گرافیک انجمن با نام «سرو نقره‌ای» مرداد با حضور آثار اعضای انجمن برگزار خواهد شد.

اعلام آخرین تغییرات آموزشی درمقاطع تحصیلی

معاون پژوهشی وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، با اعلام رونمایی از سند درس ملی در روز شنبه (۳۱ فروردین ماه)، از آخرین تغییرات محتوای کتب آموزشی، روش‌های تدریس و تدوین کتاب‌ها بر اساس این سند در سال جاری خبر داد.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین محی‌الدین بهرام محمدیان تصریح کرد: در حالی که کتاب به عنوان منبع اصلی مواد رسانه آموزشی در نظر گرفته شده، اما سی‌دی، فیلم‌های آموزشی و سایر مواد رسانه‌ای غیرکاغذی نیز به کمک یادگیری دانش‌آموزان خواهد آمد و سلطنت کتاب آموزشی به "جمهوری مواد آموزشی" تبدیل خواهد شد.

وی افزود :نمره صفر از نظام ارزشیابی برخی دروس، حذف و متناسب با مقاطع تحصیلی در قالب ارائه پروژه، این ارزشیابی‌ها اصلاح خواهد شد.

او با بیان این که سال تحصیلی از مهرماه تا پایان شهریور ماه و زمان آموزش از ابتدای مهر تا پایان خرداد ماه تعریف می‌شود، تصریح کرد: بر اساس سند درس ملی، ساعات آموزش در پایه تحصیلی ابتدایی ۹۲۵ ساعت، متوسطه اول ۱۱۱۰ ساعت، متوسطه دوم نظری ۱۲۹۵ ساعت و فنی و حرفه‌ای و کاردانش ۱۴۸۰ ساعت محاسبه خواهد شد.

محمدیان با بیان این که در حوزه زبان انگلیسی، سند درس ملی تغییرات اساسی را لحاظ کرده است، تصریح کرد: در ویترین زبان‌های خارجی آموزش و پرورش، پنج زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و روسی در نظر گرفته شده است. البته زبان‌های دیگری پیشنهاد شدند، اما با توجه به اینکه کارشناسی ارشد سایر رشته‌های زبان‌های خارجی در دانشگاه‌ها ضعیف است، آموزش و پرورش تنها این پنج زبان خارجی را در برنامه درس ملی گنجانده است.

معاون پژوهشی وزیر آموزش و پرورش گفت: یکی از برنامه‌های آموزش و پرورش، تجمیع زبان انگلیسی در سه سال متوسطه اول است، به این معنا که ساعات آموزش زبان انگلیسی از دو به شش ساعت افزایش خواهد یافت و پس از آموزش کامل این درس در دوره متوسطه اول، طی سال‌های آینده زبان انگلیسی از لیست دروس دوره متوسطه دوم حذف خواهد شد و آموزش آن در این دوره به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. به این معنا که دانش‌آموزان در صورت علاقه‌مندی می‌توانند زبان انگلیسی مورد علاقه خود را در آموزشگاه‌ها ادامه دهند.

انتقال فرهنگیان به شهر تهران ممنوع شد

بر اساس بخشنامه آموزش و پرورش، انتقال فرهنگیان به شهر تهران ممنوع است و انتقال به ادارات و مناطق تابعه اداره‌کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران در جنسیت زن، صرفاً در دوره‌های ابتدایی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش امکان‌پذیر است.

به گزارش فارس در بخشنامه معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش آمده است: به منظور کیفیت‌بخشی به امر ساماندهی و استفاده بهینه از نیروی انسانی موجود در مناطق آموزش و پرورش، نقل و انتقال نیروهای رسمی و پیمانی شاغل در واحدهای آموزشی متقاضی انتقال درون و برون استانی به اداره کل آموزش و پرورش استان‌ها تفویض می‌شود.

بر این اساس، درخواست متقاضیان انتقال را مشروط به عدم نیاز واقعی مبدأ (به نحوی که با توجه به جنسیت در رشته فرد متقاضی، حق‌التدریس جدید در منطقه ایجاد نشود) و نیاز مقصد (به طوری که موجب کسری ساعت موظف در منطقه نشود) با اولویت رسیدگی به درخواست ایثارگران، با رعایت ضوابط و مقررات مورد بررسی قرارداده و در زمینه انتقال افرادی که با تقاضای آنان موافقت شده است، اقدام لازم معمول شود.

اعلام ضوابط بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی ـ ایرانی

شورایعالی شهرسازی و معماری ایران در نامه ای به استانداران سراسر کشور ضوابط و شاخص های بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی –ایرانی را اعلام کرد.

به گزارش ایرنا از وزارت راه و شهرسازی، شورایعالی شهرسازی و معماری ایران در بیست و یکمین جلسه خود به منظور هماهنگی مطالعات برنامه ریزی و طراحی بناها، فضاهای شهری و طرح های توسعه شهری با ویژگی های شهرسازی و معماری اسلامی – ایرانی و بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی، ضوابط و شاخص های لازم جهت بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی – ایرانی را مورد بررسی قرار داد.

بنابر این گزارش، در جلسه یاد شده ضمن بحث و تبادل نظر در خصوص ضوابط و شاخص های مربوطه، متن پیشنهادی کار گروه، با اصلاحاتی که اعضای شورایعالی مطرح کردند، به تصویب رسید.

همچنین مفاد این مصوبه برای تمامی طراحان، دستگاهها، سازمان ها و نهادهای تهیه، بررسی، تصویب، نظارت و اجرای معماری بناها و فضاهای شهری، طرح های شهرسازی و توسعه شهری، شهرداری ها، سازمان های نظام مهندسی ساختمان و سایر نهاد های ذیربط لازم الاجرا خواهد بود.همچنین رعایت مفاد این مصوبه حتی هنگام مرمت، احیا، بهسازی و نوسازی بناهای موجود هم الزامی است.هماهنگی با بستر طبیعی، رعایت اصل محرمیت، فراهم کردن زمینه های بهبود ساختار شهر، حفاظت و صیانت از بناها و بافت های فرهنگی درکنار شناسایی و برنامه ریزی برای حذف عوامل مخل تحقق معماری و شهرسازی ارزشمند اسلامی از مهمترین شاخص های اعلام شده در این مصوبه هستند.

هزینه سفر حج تمتع امسال اعلام شد

اداره حج و زیارت استان تهران با انتشار اسامی کاروان‌های حج تمتع سال ۹۲ و هزینه این سفر، زائران در اولویت اعزام را فراخواند.

به گزارش ایسنا ، ثبت نام در کاروان‌های حج تمتع از ساعت ۸ صبح ۳۰ فروردین آغاز می شود و تا پنجم اردیبهشت ادامه خواهد داشت. اگر ظرفیت این کاروان‌ها تکمیل شود، سازمان حج و زیارت ثبت نام را متوقف می کند، در غیر این صورت، اولویت‌های بعدی را فرامی خواند.این ثبت نام به‌صورت اینترنتی انجام می شود و دارندگان اسناد «یک‌میلیون تومانی بانک ملی تا ۲۰ آبان سال ۱۳۸۴» و دارندگان اسناد «۸۰۰هزار تومانی بانک ملی تا ۲۹ اسفند سال ۱۳۷۸» امکان ثبت نام در کاروان‌های این دوره حج را دارند.

به شرطی که دارندگان اسناد ۸۰۰هزار تومانی سند خود را به یک‌میلیون تومان تبدیل کرده باشند.

علاوه بر این، تمام افرادی که قبلا در اولویت اعزام به حج تمتع بودند و در کاروان ثبت نام کرده و اصل سند را از طریق مدیر کاروان به سازمان حج و زیارت تحویل داده‌اند می‌توانند برای ثبت نام در این کاروان‌ها مراجعه کنند؛ ولی به شرط آن‌که برای روشن شدن بستانکاری خود، نخست به امور مالی حج و زیارت استان خود مراجعه کنند و مجوز پایداری بگیرند و سندشان را به یک‌میلیون تومان تبدیل کرده باشند.حج و زیارت استان تهران هزینه سفر به حج تمتع در سال ۱۳۹۲ را در ۱۱ گروه تعیین کرده که قیمت آن‌ها بین ۱۰ تا ۱۲میلیون تومان است.

مدارک لازم برای ثبت نام در کاروان‌های حج تمتع هم شامل نسخه اصلی سند ثبت نامی یک‌میلیون تومانی همراه کپی آن، اصل شناسنامه همراه تصویر تمام صفحات آن، اصل کارت ملی و تصویر آن، دو قطعه عکس ۴×۶ مطابق عکس گذرنامه و چهار قطعه عکس ۴×۳ مطابق عکس گذرنامه است.متقاضیان برای دریافت اطلاعات بیشتر می توانند به سایت اینترنتی حج تهران به نشانی http://tehran.haj.ir/ مراجعه کنند.

مردم برای خرید مسکن عجله نکنند امسال اوج عرضه است

مردم برای خرید مسکن عجله نکنند، فرضیه شوک قیمت مسکن در سال ۹۲ متصور نیست، بنابراین مردم عجله‌ای برای خرید نداشته باشند، چرا که امسال اوج عرضه مسکن است.

ابوالفضل صومعلو معاون امور مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی در گفتگو با فارس گفت: قیمت مسکن نسبت به سایر کالاها کمتر گران شده و حتی در برخی سال‌ها مثل سال ۸۸ و ۸۹ برای نخستین‌بار با رشد منفی مواجه شده است.

صومعلو خاطرنشان کرد: اگر روند قیمت مسکن از سال ۸۴ تا شهریور ۹۱ را مقایسه کنیم، می‌بینیم که بخش مسکن در سالهایی مثل سال ۸۶ به خاطر تورم انباشته در حد ۶۰ درصد افزایش می‌یابد و از آن سال به بعد قیمت مسکن ثابت می‌ماند.در سال ۸۸ و ۸۹ قیمت مسکن برای نخستین‌بار با رشد منفی مواجه می‌شود. در سال ۸۸، ۸۹، ۹۰ و نیمه اول سال ۹۱ سیاست مناسب تولید و عرضه مسکن وزارت راه و شهرسازی جواب می‌دهد و متوسط قیمت مسکن از صفر تا ۱۵ درصد حرکت می‌کند و می‌بینیم که پایین‌تر از نرخ تورم است. در نیمه دوم سال ۹۱ براساس تحریم‌ها و فشار روانی یک مقدار این موضوع تغییر می‌کند، ولی به هر حال اگر در مجموع بررسی کنید، می‌بینید که قیمت مسکن نسبت به سایر بازارهای رقیب مثل خودرو و کالا از یک آرامش مناسبی برخوردار است.

صومعلو در توضیح این آرامش مناسب افزود:در ۲۲ ماه گذشته شهرداری برای ۴۳۰ هزار مسکن پروانه ساخت صادر کرده است. می‌دانید که حداکثر طول مدت پروانه ساخت ۲ سال است. این میزان صدور پروانه در سال ۹۲ به صورت مسکن‌های ساخته شده خود را نشان خواهد داد و وارد بازار عرضه مسکن می‌شود. طبق گزارش مرکز آمار ایران ۳۶۰ هزار واحد مسکونی، شرکت برق ۴۰۰ هزار مسکن و به اعتقاد بنده بیش از ۳۰۰ هزار واحد مسکونی خالی از سکنه در تهران وجود دارد. حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی شهر جدید پردیس، پرند و هشتگرد قابل عرضه در سال ۹۲ است و در خود شهرهای استان تهران مثل ورامین، پاکدشت، دماوند و فیروزکوه هم در همین حدود آماده واگذاری به مردم است.

وی‌بااشاره‌به‌اینکه‌روندبررسی‌ها در سال‌های مختلف نشان می‌دهد که در تهران سالانه ۱۰۰ هزار واحد مسکونی مورد نیاز است و با این میزان نیاز مسکن تهران برطرف می‌شود، گفت: در بازار مسکن دو مؤلفه به عنوان شاخص اصلی در قیمت گذاری تعیین‌کننده است، اولی عرضه و تولید مسکن و دیگری تقاضا است. عرضه و تولید مسکن با آمار صدور پروانه از سوی شهرداری، وجود خانه‌های خالی از سکنه و واگذاری واحدهای مسکن مهر در سال جاری حاکی از این است که در تولید مسکن مشکلی وجود ندارد، در سمت تقاضا باید اذعان شود که تقاضای مؤثری به وجود نیامده است که بگوییم قیمت‌ها باید به شدت افزایش یابد. پس قیمت‌ها در بازار مسکن نباید افزایش یابد.

صومعلو در واکنش به این شایعه که برخی در بازار مسکن مطرح کرده‌اند که بعد از انتخابات ریاست جمهوری باز هم قیمت مسکن بالا می‌رود، گفت:توصیه می‌کنم که مردم برای خرید مسکن عجله نکنند. هرچقدر هم که عطش برای خرید مسکن باشد، با توجه به وفور عرضه و تولید مسکن بازار قابل کنترل است و توصیه می‌شود که مردم برای خرید مسکن عجله نکنند.

اگر بخش مسکن را در کنار یک جاده در کنار سایر کالاها در نظر بگیرید، اگر آنها با یک سرعتی حرکت کنند، مسکن هم به دنبال آنها حرکت خواهد کرد، به نظر من سیاست دولت در تولید و عرضه مسکن سیاست خوبی بوده است، چرا که دولت‌ها وظیفه دارند افراد کم درآمد جامعه را برای خانه‌دار شدن کمک کنند، تمامی کارشناسان اقتصادی و افراد متعهد می گویند که دولت برای تأمین مسکن افراد کم درآمد خوب عمل کرده است.

وی افزود:درحال حاضر اقدامات نشان می‌دهد تورم بخش مسکن هنوز هم از تورمی که بانک مرکزی ۲۹ درصد اعلام کرده است، پایین تر است و امید است در سال ۹۲ با ارائه و تحویل یک میلیون مسکن مهر بتوان ثبات قیمت را پیاده کرد. هرچند با اعتقاد می گویم که فرضیه شوک قیمت مسکن در سال ۹۲ پیش‌بینی نمی‌شود.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۸۸/۵۳ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۰/۳۹ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۹۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۷۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۳۱۷۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۶۷۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۴۱۸۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۹۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۲۵۱۲۰ تومان
هر گرم نقره خام	۳۶۰۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ مبادله ای)	۲۴۷۴/۳ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر رسمی)	۳۵۵۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۶۰۷/۱ تومان
یورو (نرخ مبادله ای)	۳۲۲۷/۱ تومان
یورو (نرخ غیر رسمی)	۴۷۱۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۸۸۲/۱ تومان
پوند انگلستان (نرخ مبادله ای)	۳۷۸۱/۱ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۵۵۱۰ تومان
درهم امارات (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۳۳۴/۶ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۳/۵ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۹۶۵ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

علت توقف ثبت‌نام متقاضیان مسکن مهر پردیس

علت بسته شدن سایت ثبت‌نام ۲۱ هزار متقاضی مسکن مهر شهر پردیس اعلام شد.مهدی هدایت مدیر عامل شرکت عمران شهر جدید پردیس به ایسنا گفت: حداقل مبلغ واریزی برای ثبت‌نام مسکن مهر پردیس ۵ میلیون تومان است، بنابراین متقاضیانی که آورده کمتر از این مبلغ واریز کرده بودند، سایت ثبت‌نام آنها بسته و پرداخت حداقل مبلغ واریزی به آنها اطلاع‌رسانی شده‌است. وی با بیان اینکه هشت ماه به متقاضیان مسکن مهر پردیس مهلت واریز آورده داده شده بود، افزود: اگر واجدان شرایط در مدت دو هفته آورده خود را واریز کنند، ثبت‌نام آن‌ها از سر گرفته می‌شود.

احتمال انتقال نیمی از پروازهای حج عمره به فرودگاه امام

مدیر عامل شرکت فرودگاه‌های کشور از انتقال پروازهای حج عمره شرکت هواپیمایی عربستان سعودی از فرودگاه مهرآباد به فرودگاه بین‌المللی امام خمینی خبر داد.

محمود رسولی‌نژاد در گفتگو با ایسنااظهار کرد: در حال توافق با سازمان حج و زیارت هستیم تا بتوانیم پروازهای شرکت هواپیمایی عربستان سعودی را که در جابه‌جایی حجاج عمره فعالیت می کنند، از فرودگاه مهرآباد به فرودگاه امام خمینی منتقل کنیم.وی با بیان این‌که ۵۰ درصد پروازهای حج عمره توسط شرکت هواپیمایی عربستان سعودی انجام می‌شود، گفت: با نهایی شدن تصمیم انتقال پرواز حج عمره با شرکت هواپیمایی سعودی از مهرآباد به فرودگاه امام خمینی ، نیمی از پروازهای حج عمره فرودگاه مهرآباد کاهش می‌یابد.

آغاز دور جدید پیش فروش بلیت قطار

پیش‌فروش دور جدید بلیت قطار برای حد فاصل ۹۲/۲/۱ تا ۹۲/۳/۱۰ از دیروز آغاز شد.

به گزارش فارس به نقل از روابط عمومی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، علی کاظمی منش معاون اداره کل تنظیم تعرفه و نظارت بر بازار راه آهن با اعلام این خبر در مورد دور جدید پیش فروش بلیت قطار اظهار داشت: دور جدید پیش فروش بلیت‌های قطار از دیروز آغاز شد.وی افزود: پیش‌فروش بلیت قطارهای مسافری ۸ شرکت در سامانه جامع برنامه‌ریزی و نظارت بر فروش بلیت قطار و فروش بلیت جوپار ساعت ۸:۳۰ و بلیت قطارهای شرکت رجا از ساعت ۱۰ صبح دیروز آغاز شد.

دستور العمل قیمت گذاری خودرو باعث رونق بازار می شود

با نهایی شدن دستورالعمل قیمت گذاری خودرو توسط مراجع ذیصلاح، رونق به صنعت خودرو باز خواهد گشت و به تبع آن بازار خودرو با شور و نشاط همراه خواهد شد.مهندس سعید مدنی مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا با بیان این مطلب گفت: صنعت خودرو در حال حاضر با مشکلاتی چون نبود برنامه‌ریزی برای عرضه و فروش محصولات مواجه شده است و این مشکل با تعیین دستورالعمل قیمت‌گذاری خودرو مرتفع خواهد شد.مدنی افزود: می‌توان امیدوار بود با واقعی شدن نرخ ارز امسال سال رونق خودروسازی و به تبع آن قطعه‌سازی است و امیدواریم این مهم هرچه زودتر با تلاش و همدلی همه دستگاههای ذیربط به سرانجام برسد.

بزرگترین خصوصی سازی تاریخ بورس انجام شد

در حالی بازار سرمایه برای دومین بار در آستانه عرضه بزرگ ترین شرکت بورسی قرار داشته و نگرانی‌های زیادی پیرامون قیمت کشف شده برای این شرکت بزرگ دولتی وجود داشت، اما در وقت اضافه توانست به قیمت ۷۵۰ تومان کشف قیمت شده و این شرکت بزرگ به جرگه بورسی‌ها بپیوندد.

علی صحرایی معاون بازار شرکت بورس با اشاره به کشف قیمت سهام هلدینگ خلیج فارس ، افزود: دیروز بیش از یک میلیارد و ۲۳۹ میلیون سهم هلدینگ خلیج فارس در بورس تهران عرضه شد که تا پایان زمان معاملات فقط ۲۶۷ میلیون سهم این شرکت به قیمت ۸۰۰ تومان به فروش رفت و به دلیل به حد نصاب نرسیدن معامله، زمان معاملات بورس تمدید شد. اما در نهایت در وقت اضافه با از سرگیری معاملات با قیمت جدید، این معامله بزرگ انجام شد.

وی با اشاره به اینکه خصوصی‌سازی به تقاضای بازار واکنش مثبت نشان داد، گفت: بر اساس قیمت مورد نظر خریداران و مکانیزم کشف قیمت ،این سهم به فروش رسید.

با پایان یافتن زمان معاملات دیروز بورس ۲۶۷ میلیون سهم هلدینگ خلیج فارس به قیمت ۸۰۰ تومان مورد معامله قرار گرفته بود که با توجه به حد نصاب نرسیدن معامله و استقبال نکردن سهامداران از قیمت ۸۰۰ تومان، مسئولان بورس تصمیم گرفتند زمان معاملات را ۴۵ دقیقه تمدید کنند و هلدینگ خلیج فارس را در این مدت به فروش برسانند.به این ترتیب با تمدید زمان معاملات ۲۶۷ میلیون سهمی که به قیمت ۸۰۰ تومان خریداری شده بود، توسط مدیریت بازار باطل اعلام و قرار شد معاملات این سهم روی قیمت ۷۵۰ تومان انجام شود که در نهایت در وقت اضافه این سهم به قیمت ۷۵۰ تومان به فروش رسید و بزرگ ترین خصوصی سازی تاریخ بورس کشور به وقوع پیوست.

با این معامله سه رکورد در بازار سرمایه شکسته شد، رکورد اول تعداد سهام عرضه شده اولیه در یک روز است که تعداد ۶۹۷ر۴۳۰ر۲۳۹ر۱ سهم معادل ۵ درصد از سهام شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس متعلق به شرکت ملی صنایع پتروشیمی عرضه شد.

رکورد دوم، ارزش معاملات انجام شده در بورس است که بیش از ۹۲۹ میلیارد تومان ارزش ۵ درصد سهام معامله شده به نرخ هر سهم ۷۵۰ تومان در بورس تهران داد و ستد شد.

رکورد سوم، ارزش سهام شرکتهای عرضه شده دولتی در قالب اصل ۴۴ است که ارزش روز این شرکت بزرگ دولتی مشمول اصل ۴۴ بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومان بر آورد شده است.

خریدار اول این معامله تاریخی، تامین اجتماعی و خریداران بعدی مردم و شرکتهای دیگر بوده‌اند.

پیش از این بیشترین ارزش روز مربوط به ملی مس و مخابرات با حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان بود.

مدیرعامل شرکت بورس اوراق بهادار در همین زمینه گفت: با ورود هلدینگ خلیج فارس به بورس تهران، ارزش بازار سهام از مرز ۲۰۱ هزار میلیارد تومان عبور کرد.

حسن قالیباف اصل با اشاره به معامله ۵ درصد از سهام شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس گفت: با کشف قیمت ۷۵۰ تومانی برای هر سهم این شرکت، به میزان ۱۸ هزار و ۵۹۱ میلیارد تومان به ارزش بازار سهام کشورمان افزوده شد.

وی با بیان اینکه با ورود هلدینگ خلیج فارس به بورس اوراق بهادار تهران، ارزش بازار سهام از مرز ۲۰۱ هزار میلیارد تومان عبور کرد، افزود: معاملات یک میلیارد و ۲۳۹ میلیون و ۴۳۰ هزار و ۶۹۷ سهم از سهام هلدینگ خلیج فارس، در یک هزار و ۷۲۴ دفعه انجام شد.

نامبرده با اشاره به اینکه هلدینگ خلیج فارس ۹ درصد ارزش بازار را به خود اختصاص داده است، اظهار داشت: در این عرضه، رقابتی بین عرضه کننده و خریداران به وجود آمد، به طوریکه دو طرف، فرصت اصلاح قیمت های پیشنهادی خود را به دست آوردند.

وی در مورد عرضه های آینده در بورس اوراق بهادار تهران گفت: اقدامات لازم برای عرضه سهام هلدینگ نفت و گاز تامین انجام شده است که امیدوارم در آینده نزدیک سهام این شرکت وارد تالار شیشه‌ای شود.

۷۰ درصد ظرفیت سازندگان تجهیزات نفتی بدون استفاده باقی مانده است

تولید کنندگان تجهیزات صنعت نفت در بخش خصوصی معتقدند که میان حرف تا عمل مدیران وزارت نفت در حمایت از صنایع داخلی فاصله زیادی وجود دارد.

دکتر سیامک پدیدار رئیس هیات مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنایع نفتی ایران دیروز در جمع خبرنگاران با اظهار گلایه از وعده‌های عملی نشده وزارت نفت در مورد ارائه سفارش ساخت نیازمندی های این صنعت به تولید کنندگان داخلی گفت: مقامات ارشد وزارت نفت سیاست های کلان را تبیین و اعلام می‌کنند، ولی بدنه اجرایی و سطوح میانی این وزارتخانه برای ارائه سفارش به تولیدکنندگان داخلی مقاومت می‌کنند. به گفته وی از ۳۰ میلیارد دلار نیاز صنایع نفت به تجهیزات صنعتی در سال گذشته کمتر از ۱۵ میلیارد دلار تامین اعتبار شد و کمتر از ۴۰ درصد این رقم به تولید کنندگان داخلی رسید.

به گفته پدیدار، با اینکه نقشه راه تامین توربین ها و کمپرسورهای مورد نیاز تاسیسات نفتی کشور توسط این انجمن تهیه شده و به تایید شورای معاونان وزارت نفت رسیده است ، اما ظرف ۳ سال گذشته حتی یک قرارداد ساخت داخل برای تامین تجهیزات مذکور منعقد نشده است.

وی ادامه داد: مشکلات موجود در قانون مناقصات شرکت های نفتی به همراه نوسان شدید شاخص های اقتصادی و تغییر پی در پی مدیران اجرایی این صنعت ، عملا اجرای سفارشات این حوزه توسط صنایع داخلی را متوقف کرده است.

به گفته نامبرده، اعضای این انجمن تا پیش از افزایش نرخ ارز حداقل ۴/۵ میلیارد دلار مطالبات ارزی و ۱۲۰ میلیارد تومان مطالبات ریالی از وزارت نفت داشتند که این رقم اکنون بسیار افزایش یافته است.وی گفت : رشد قیمت ارز ، هزینه اجرای قراردادهای ساخت تجهیزات نفتی را افزایش داده و تولید کنندگان داخلی ۶ ماه است که در حال مذاکره و چانه زنی با وزارت نفت برای تعدیل قیمت قراردادها هستند، ولی تاکنون هیچ قراردادی تعدیل قیمت نشده است.

رئیس هیات مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنایع نفتی ایران با انتقاد از عملکرد مجموعه وزارت نفت در حمایت از سازندگان و صنعتگران داخلی در شرایط تحریم صنعت نفت ایران، گفت: در حال حاضر سازندگان و صنعتگران داخلی در طراحی و ساخت ۷۰ درصد کالا و تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت به خودکفایی دست یافته اند.

وی خواستار اجرای قراردادهای ترک تشریفات مناقصه در شرایط تحریم برای شتاب در ساخت تجهیزات صنعت نفت توسط سازندگان داخلی شد و تاکید کرد: با این شرایط اجرای بسیاری از پروژه های ساخت کالا با تاخیر روبرو شده است.

این مقام مسئول همچنین با اعلام اینکه قیمت و کیفیت کالاهای ساخت داخل در صنعت نفت به مراتب مناسب تر از نمونه چینی و آسیایی آن است، گفت: حتی وزیر نفت دستوراتی برای خرید کالا با ۲۰ درصد اختلاف قیمت بیشتر نسبت به نمونه خارجی از سازندگان ایرانی را صادر کرده که این دستور وی هم تاکنون اجرایی و عملیاتی نشده است.

وی یکی از مهمترین دلایل افزایش فعالیت های دلالی و واسطه ای در صنعت نفت را سوء مدیریت در برخی از سطوح وزارت نفت و شرکت های تابع عنوان کرد و افزود: بارها به وزارت نفت اعلام شده که نیازهای خود را به انجمن سازندگان اعلام کند ودر صورتی که این اعلام نیاز به صورت شفاف و دقیق انجام می شد، دیگر مجالی برای فعالیت دلالان باقی نمی ماند.

مهندس علی صمیمی دهکردی نایب رئیس این انجمن هم از ایجاد یک شرکت مشترک نفتی برای صادرات انواع کالا و تجهیزات نفتی به جنوب عراق و به ویژه استان بصره این کشور خبر داد و با اشاره به خالی ماندن بخش عمده ظرفیت سازندگان و صنعتگران تجهیزات صنعت نفت، گفت: هم اکنون حدود ۷۰ درصد این ظرفیت تولیدی بدون استفاده باقی مانده است.

وی با اشاره به اینکه اگر روند فعلی سفارش، خرید و تاخیر در تعدیل قرارداد سازندگان تجهیزات صنعت نفت ادامه یابد، تصمیم دیگری اتخاذ خواهد شد، تصریح کرد: بر این اساس از سال گذشته تاکنون صادرات کالا و تجهیزات را در دستور کار قرار داده‌ایم.

دهکردی با تاکید بر اینکه از سال گذشته چندین محموله کالا و تجهیزات ساخت ایران به عراق صادر شده است، اظهار داشت: برای ساماندهی روند صادرات کالا، یک کنسرسیوم در انجمن راه اندازی شده است که این کنسرسیوم مسئولیت تامین و توزیع کالاهای نفتی صادراتی را بر عهده دارد. وی با بیان اینکه با سیاست‌های فعلی ،کالاهای مورد نیاز صنعت نفت به عراق صادر می شود، خاطرنشان کرد: کالاهای نفتی ساخت داخل از نظر استاندارد و قیمت تمام شده قابلیت رقابت با نمونه های خارجی را دارند.

نایب رئیس این انجمن در پایان با اشاره به تعریف سناریوهای مختلف اجرایی و عملیاتی برای صادرات انواع کالا و تجهیزات به عراق، از ارائه جزئیات بیشتر در این خصوص خودداری کرد.

مجلس کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را تصویب کرد

بقیه از صفحه اول

و اقتصادی، بی توجهی به فعالیت بخش خصوصی و ورود جدی دولت و شرکت‌های دولتی برای فروش اوراق مشارکت که فعالیت بخش خصوصی را محدود می کند، از جمله نقاط ضعف این لایحه است.

وی تشدید شکاف طبقاتی، افزایش بدهی شرکت‌های وابسته به وزارتخانه‌های نفت، نیرو و راه و شهرسازی و زیر سؤال رفتن شأن و جایگاه نظارتی مجلس به دلیل نبود سقف و مکان هزینه شدن ردیف‌های بودجه‌ای را در شمار دیگر نقاط ضعف این لایحه برشمرد و افزود: در لایحه تقدیمی با توجه به عملکرد سال ۹۱، موارد پیش بینی شده غیرواقعی است و رشد ۵۵ درصدی آن توجیه منطقی ندارد.قادری سپس تاکید کرد: هدف لایحه بودجه با توجه به شرایط اقتصادی کشور، باید کنترل تورم و خروج اقتصاد کشور از رکود باشد، در حالی که این لایحه فاقد این خصوصیات است.

مخالفان رد این لایحه تاثیر تورم زای اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها را مردود می دانند و معتقدند که تورم، ناشی از تحریم‌های خارجی است.

آنان کاهش وابستگی به نفت، افزایش درآمدهای غیرنفتی و ایجاد سازو کار برای پرداخت بدهی‌های دولتی را از جمله امتیازات این لایحه اعلام کرده‌اند.

مخالفان رد کلیات لایحه بودجه، تصویب نشدن آن را مغایر با منافع ملی و موجب افزایش دغدغه‌های مردم در سال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا دانستند و با وجود کسری ۸۶ هزار میلیارد تومانی، تصویب آن را ضروری توصیف کردند.

آنان وجود تورم، بی ثباتی اقتصادی تحریم‌های خارجی و نوسان ارزهای خارجی را از جمله دلایل تأخیر دولت در ارائه لایحه بودجه ارزیابی کردند و خواستار آن شدند که مجلس، با رأی ندادن به این لایحه، کار دولت را دشوار تر نکند.

بنابراین گزارش موافقان رد این لایحه، آن را نوعی قانون نویسی توصیف می کنند و معتقدند که اعتبار کافی برای درمان بیماران صعب‌العلاج، خرید گندم، قند، شکر و چای، سرمایه گذاری و حمایت از طبقات کم‌درآمد و کارگران در لایحه بودجه پیش‌بینی نشده است.

آنان محتوای این لایحه را تورم زا می‌دانند و بر این نظرند که با وجود افزایش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر، بیکاری روند افزایشی داشته است.

موافقان رد این لایحه همچنین اعلام کردند: در صورت افزایش یارانه نقدی خانوارها که به معنای اجرای فاز دوم قانون هدفمند کردن یارانه‌هاست، نرخ حامل‌های انرژی ۴/۵ برابر خواهد شد که به معنای تعطیل شدن تولید صنعتی و کشاورزی، افزایش فقر و تورم است.

نمایندگان موافق رد همچنین افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارمندان را در شرایط تورم بیش از ۳۰ درصد ناچیز می‌دانستند و خواستار تجدیدنظر در این زمینه شدند.

توضیح معاون برنامه‌ریزی رئیس جمهوری

برپایه این گزارش پس از بحث‌های نمایندگان مخالف و موافق، بهروز مرادی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، به دفاع از کلیات این لایحه پرداخت.

وی منابع درآمدی لایحه بودجه را ناشی از فروش نفت، مالیات‌ها و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی اعلام و تاکید کرد: حتی یک ریال بدون تعیین تکلیف در بودجه پیش‌بینی نشده است.

معاون برنامه‌ریزی رئیس جمهوری سپس یادآور شد: در شرایط تحریم‌ها بودجه ۱۴۴ هزار میلیارد تومانی سال ۹۱ میزان ۱۰۶ هزار میلیارد تومانش تأمین و با همین مبلغ کشور اداره شد که این خود هنر است.

مرادی همچنین گفت: ۳۸ هزار میلیارد تومان کاهش درآمد داشتیم، اما اجازه ندادیم کسری بودجه ایجاد شود.وی اضافه کرد: بودجه کل کشور در سال ۹۲ مبلغ ۷۳۰ هزار میلیارد تومان است که نسبت به سال گذشته ۲۸/۹ درصد افزایش نشان می‌دهد.وی با رد سخنان مخالفان مبنی بر وابستگی بیشتر بودجه ارزی به درآمد نفت، اظهار داشت: در بودجه ۹۱، ۵۲ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم، ولی این لایحه ۲۶/۸ میلیارد دلار درآمد پیش‌بینی شده است.

صادرات نفت در سال گذشته ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه بود و امسال به یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه رسیده است، یعنی وابستگی به نفت چه در درآمدهای ارزی و چه در میزان فروش دگرگون شده است. امسال همچنین منابع ریالی حتی یک ریال نسبت به سال ۹۱ افزایش نیافته است.وی ادامه داد: امسال به جز ۸ طرح ملی هیچ طرح جدیدی وارد بودجه نشده است.

تعیین تکلیف فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها

مرادی آنگاه اعلام کرد: مجلس خواسته که تکلیف قانون هدفمندی یارانه‌ها مشخص شود و ماه آن را پیش‌بینی کرده‌ایم. در واقع بر مبنای اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها بودجه را به مجلس ارائه کردیم. همچنین برای کاهش اتکا به درآمدهای نفتی پایه‌های مالیاتی را افزایش داده‌ایم.

وی سپس تأکید کرد: دولت دهم قانون هدفمندی یارانه‌ها را براساس مصوبه مجلس اجرا می‌کند.

به گفته معاون رئیس جمهوری هیچ مورد خلاف قانونی در این لایحه وجود ندارد و ۹۰ درصد آن مربوط به مصوبات سال‌های گذشته مجلس است.

مرادی آنگاه آمارهای رشد اقتصادی «منهای ۴ درصد» و «نیم درصد» را که برای امسال و سال ۹۱ توسط برخی نمایندگان ارائه شده است، مخدوش و غیرکارشناسی دانست و گفت: رشد اقتصادی منهای ۴ تا ۵ درصد به معنای ۶۰۰ درصد انحراف و عددی غیراقتصادی است.

بنابراین گزارش در پی این سخنان، جعفر قادری، مخبر کمیسیون تلفیق به اظهارات وی پاسخ داد و آنگاه کلیات این لایحه به رأی گذاشته شد و مورد تصویب قرار گرفت.

جداسازی شوراهای ری و شمیرانات منتفی شد

در ادامه این جلسه طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، برگشت داده شده از شورای نگهبان مورد بازنگری قرار گرفت و به موجب آن مقرر شد که در محدوده شهری تهران، ری و شمیرانات، فقط یک شورای اسلامی شهر تشکیل شود.

این قانون از زمان تصویب لازم‌الاجرا و احکام آن برای دوره چهارم انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا اجرا خواهد شد.

فراخوان رئیس مجلس برای کمک به زلزله‌زدگان سراوان

این گزارش حاکی است در پی وقوع زلزله ۷/۷ ریشتری در منطقه سراوان واقع در استان سیستان و بلوچستان، دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اظهار تأسف از وقوع این حادثه، هلال احمر و دیگر نهادهای امدادرسانی را برای کمک به افراد آسیب‌دیده فراخواند.

همچنین اعلام شد نمایندگان چند روز از حقوق ماهانه خود را برای کمک به زلزله‌دگان بوشهر اختصاص داده‌اند.

رئیس مجلس: افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان، متناسب بانرخ تورم نیست

رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با اعضای هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین گفت: هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت به دنبال صیانت از حقوق مردم است و به دلیل کثرت مصوبات، کار پرمشغله‌ای بر عهده دارد و مهمترین دستاورد این تلاش‌ها به‌روزرسانی بررسی این مصوبات است.

به گزارش خبرگزاری مهر، علی لاریجانی در دیدار با اعضای هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین، گفت: ارسال نشدن بموقع مصوبات دولت که به دنبال آن تاخیر در بررسی و تطبیق آن را به دنبال دارد، اظهارنظر را با دشواری مواجه می سازد که گاه شاهد هستیم.

نماینده مردم قم در مجلس، یادآور شد: کثرت مغایرت در مصوبات با قوانین و تخلفات قانونی، معضلات زیادی ایجاد می کند. بیکاری، تورم، رکود و خیلی از مسائل اقتصادی و معیشتی را تشدید خواهد کرد که امیدوارم با کاهش این مغایرت‌ها بتوانیم به دستیابی مردم به حقوق‌شان کمک نماییم و هیات باید بر اجرای بهینه قوانین پافشاری کند.

رئیس قوه مقننه با اشاره به ضرورت افزایش حقوق کارکنان، اظهار داشت: دولت براساس قانون خدمات کشوری و قانون برنامه، موظف است ضرایب حقوق را متناسب با تورم در نظر بگیرد و متاسفانه چند سال است که این کار را انجام نداده است.

لاریجانی تصریح کرد: مطابق با قانون مجلس، هر میزان که تورم افزوده شد باید متناسب با آن حقوق کارمندان افزایش پیدا کند و این اتفاق در چند سال گذشته رخ نداده و ۲۵ درصدی هم که دولت برای این منظور پیشنهاد کرده، حتی متناسب با تورم موجود که ۳۰ درصد در سال ۹۱ اعلام شده، نیست و امیدواریم در بررسی بودجه توجه شود.وی گفت: مکانیزمی باید به وجود آید و جلساتی با حضور کمیسیون اصل ۹۰، قوه قضائیه، بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات تشکیل شود تا آنها گزارش تخلفات هیات را شنیده و هر دستگاهی فراخور وظیفه‌اش توضیح دهد که چگونه به این تخلفات رسیدگی کرده و چه نتیجه‌ای به دنبال داشته است تا بدین‌وسیله امورات کشور منظم شود.رئیس مجلس در ادامه تاکید کرد: اعضای هیات تطبیق مصوبات همه از کارشناسان خبره در این حوزه بوده و به دنبال اجرای قانون برای حفظ منافع ملی هستند.

گفتنی است: در ابتدای این جلسه کدخدایی، رئیس هیات و سایر اعضا به بررسی مسائل و مشکلات خود مانند تاخیر در ارسال مصوبات دولت، نرسیدن خیلی از مصوبات به این هیات و ساختار تشکیلاتی و اداری پرداخته و خواستار رفع این موانع شدند.

آغاز بازسازی مناطق زلزله زده بوشهر

کار بازسازی مناطق زلزله زده بوشهر آغاز شده است . همچنین بازسازی مناطق زلزله زده آذربایجان با هزینه ای بالغ بر ۴۸۶ میلیارد تومان تا تیر امسال به پایان می رسد.

به گزارش مهر، عزیزالله مهدیان مدیرکل امور بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن در نشستی خبری ضمن اعلام این مطلب در خصوص زلزله بوشهر بیان کرد: در شهرستان دشتی ۲۸ روستا و ۲ شهر وجود دارد که در شهر شنبه ۷۰۰ خانوار سکونت دارند و در شهر کاکی ۶۰۰ خانه خسارت دیده است که در مجموع ۶۸۵۰ خانوار در این منطقه ساکن هستند که ۳ هزار و ۱۹۴ واحد خسارت صفر تا ۱۰۰ درصد داشته است.

وی با بیان اینکه ۲ هزار واحد تخریب ۱۰۰ درصد شده است، گفت: کار بازسازی در این منطقه شروع شده است که به هر کدام از این واحدها ۱۵ میلیون تومان تسهیلات بازسازی و ۲ میلیون تومان وام بلاعوض اختصاص می یابد.

معاون امور بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن تصریح کرد: در این منطقه مشکل زیادی برای تامین مصالح ساختمانی نداریم. ضمن آنکه مردم هم وارد کار شده اند و در امر بازسازی فعالیت می کنند.

وی همچنین در مورد مناطق زلزله زده آذربایجان گفت :تاکنون ۲۴۰ میلیارد تومان تسهیلات بازسازی مسکن روستایی، ۵۰ میلیارد تومان کمک بلاعوض از سوی دولت، ۵۰ میلیارد تومان بابت تامین زیرساخت ها و مدارس و مساجد، ۵۰ میلیارد تومان برای اسکان موقت، ۳۶ میلیارد تومان کمک بلاعوض برای فضای دامی و ۶۰ میلیارد تومان وام برای ساخت فضای دامی در منطقه زلزله زده آذربایجان پرداخت شده است.

وی با بیان اینکه در سال گذشته چند زلزله و حوادث طبیعی در روستاهای کشور رخ داد، گفت: مهمترین زلزله در آذربایجان اتفاق افتاد که حدود ۲۰ هزار واحد مسکونی روستایی تخریب شد و همچنین همین تعداد مسکن شهری هم تحت تاثیر زلزله آسیب دید که بخش عمده ای از آن نیاز به تعمیر داشت.

معاون امور بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن با بیان اینکه در شهرها ۵ هزار واحد احداثی و مابقی تعمیراتی بودند، اظهار داشت: از شروع عملیات بازسازی فقط ۳ ماه فرصت داشتیم تا قبل از فصل سرما واحدها تکمیل شود .به همین منظور تا اواخر آذر ۱۰ هزار واحد ساختمان کامل شد و سقف زنی بیش از ۱۲ هزار و ۶۹۵ واحد به اتمام رسید.

مهدیان تصریح کرد: حدود ۱۱ هزار و ۸۰۰ واحد در مرحله شیب بندی و عایق بندی هستند و براساس برنامه ریزی انجام شده مابقی واحدها هم تا پایان تیر امسال به پایان می رسند.وی با تاکید بر اینکه بازسازی آذربایجان یکی از نمونه های موفق بازسازی به شمار می رود، بیان کرد: بیش از ۱۸ هزار واحد با بانک ها عقد قراداد کرده اند.

معاون امور بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن با تاکید بر اینکه تا پایان برنامه پنجم همه روستاها بازسازی می شوند، اظهار داشت: یک میلیون و ۵۵۰ هزار واحد مسکونی در روستاها ساخته می شود.

مهدیان با بیان اینکه در سال گذشته ۸۶ هزار و ۹۲۰ واحد در روستاها بر اثر حوادث طبیعی آسیب دیدند، گفت: تاکنون ۲۸ هزار واحد به پایان رسیده و ۱۸ هزار و ۹۰۰ واحد در دست ساخت قرار دارد.وی با اشاره به زلزله خراسان جنوبی در سال گذشته، افزود: زلزله ای در منطقه زهان قائن اتفاق افتاد که حدود ۲ هزار واحد در این منطقه خسارت دید که بازسازی ۵۰۰ واحد آن شروع شده است.

احتمال ممنوعیت واردات تعداد دیگری از کالاها

برای حمایت از تولید کنندگان داخلی ، ضمن ادامه ممنوعیت‌واردات کالاهای‌اولویت ۱۰، برخی ازکالاهای‌نهایی که در اولویت ۹ قرار دارند هم به اولویت ۱۰ فرستاده می شوند.

علیرضا شجاعی معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان این مطلب در گفتگو با ایسنا افزود: در حال حاضر کالاهای اولویت ۱۰ به محصولاتی تبدیل شده اند که به اندازه کافی در کشور وجود دارد و در این زمینه هیچ کمبودی در بازار وجود ندارد. کشور در تولید اکثر کالاهای اولویت ۱۰ به خودکفایی رسیده است و این امر نشان می دهد که واردات کالاهای غیرضروری به نفع تولید و اشتغال کشور نیست.

وی افزود: در بخش کالاهای اولویت ۱۰ تولیدکنندگان داخلی صادرات خوبی داشته اند. بنابراین زمانی که مازاد نیاز وجود دارد و می توان بخشی از تولیدات را به کشورهای مختلف صادر کرد، دلیلی برای آزاد کردن واردات کالاهای اولویت ۱۰ وجود ندارد.

شجاعی با بیان این که لوازم خانگی یکی از بخش هایی است که طی این مدت عملکرد قابل قبولی داشته است، گفت: بخش قابل توجهی از لوازم خانگی در اولویت ۱۰ قرار دارد. بنابراین تولیدکنندگان داخلی با افزایش تولیدات خود و تامین نیاز بازار توانستند به صادرات هم بپردازند.

وی تصریح کرد: در ابتدا اجرای ممنوعیت ثبت سفارش کالاهای اولویت ۱۰ این نگرانی وجود داشت که تولیدکنندگان داخلی نتوانند به اندازه نیاز بازار پاسخگو باشند. اما مرور زمان و عملکرد مناسب تولیدکنندگان باعث شد که کشور در مسیر مناسبی قرار گیرد و ما به واردات کالاهای خارجی در بخش اولویت ۱۰ وابسته نباشیم.

نامبرده از ورود برخی کالاهای نهایی اولویت ۹ به اولویت ۱۰ خبر داد و گفت: تمام تولیدکنندگان داخلی که می توانند به دولت و مردم اطمینان دهند که امکان تامین نیاز بازار کشور را در بحث تامین کالا، تامین قطعه و خدمات پس از فروش دارند. دولت هم با واردات نهایی آن کالاها مخالفت خواهد کرد. چرا که اولویت ما در سال جاری حمایت از تولید است.وی افزود: در اولویت ۹ به غیر از کالاهای نهایی، قطعات، تجهیزات و ماشین آلات وجود دارد. بنابراین در بحث قطعات و سایر بخش ها، واردات به قوت خود باقی است. اما در زمینه کالاهای نهایی اگر تولیدکنندگان داخلی اطمینان دهند که می توانند بازار را تامین کنند، شاهد توقف واردات این قبیل کالاها خواهیم بود.معاون وزیر صنعت تاکید کرد: در سیاست های جدید تجاری بنابر این است که از تولیدکنندگان داخلی حمایت های لازم صورت گیرد. در این خصوص امیدواریم تولیدکنندگان داخلی از فرصت پیش آمده بهترین استفاده را ببرند و برای افزایش تولیدات خود برنامه ریزی کنند.

گزارش دیگری به نقل از مهر حاکی است: وی همچنین در جلسه بررسی مشکل تامین نقدینگی واحدهای صنعتی اعلام کرد : برای تامین منابع مورد نیاز برنامه های سال ۹۲ علاوه بر ۶۰ هزار میلیارد تومان سال گذشته، باید ۶۰ هزار میلیارد تومان هم به بدنه تولید کشور تزریق شود تا ارز آوری خوبی را به دنبال داشته باشد.این مقام مسئول اضافه کرد: بر اساس برنامه راهبردی تا پایان سال ۹۴ سالانه حداقل ۳۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری صنعتی و معدنی نیاز است.

به گفته وی طرحهای صنعتی با پیشرفت بیش از ۸۰ درصد به حدود ۵،۵ هزار میلیارد تومان سرمایه نیاز دارند تا بتوانند در سال ۹۲ بهره برداری شوند.شجاعی اظهار داشت: بر اساس گزارش بانک مرکزی ۳۲ درصد تسهیلات بانکی به بخش صنعت و معدن اختصاص یافته، اما اگر ضمن افزایش سهم به ۴۲ درصد ، عدد تسهیلات هم افزایش یابد می توانیم نیازهای این بخش را پوشش دهیم.

ورود بخش خصوصی به حوزه چالش های دولت آینده

فعالان بخش خصوصی دیروز با انتقاد صریح از عملکرد سیاسی و اقتصادی دولت های نهم و دهم، چالش های رئیس جمهوری آینده را برای رفع مشکلات موجود اقتصادی بررسی کردند.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در جلسه هیات نمایندگان این تشکل بزرگ اقتصادی ،بی ثباتی و تلاطم بازار ارز، نحوه عملکرد یارانه ها، کسری بودجه، نظام تامین مالی بنگاه‌ها و تعامل با دنیا را از جمله چالش‌های پیش روی دولت آینده دانست.وی با اشاره به شرایط خاص سیاسی و اقتصادی کشور در سال جدید ، برضرورت بازنگری در مسایل عمومی و ارزیابی حسابرسی از مدیریت اجرایی در ۸ سال گذشته تاکید کرد.

آل اسحاق مقابله با بیکاری و تورم سنگین اقتصاد ایران را از دشواری های پیش روی رئیس جمهوری آینده ذکر کرد و گفت:بی ثباتی و تلاطم بازار ارز، نحوه عمل در مورد یارانه ها، نظام تامین مالی بنگاه ها، تعامل با دنیا، چگونگی اداره بنگاه های اقتصادی و مداخلات دولت، محیط زیست و آلودگی های آن، تورم بالای ۲۰ درصدی، وضع سلامت، مسکن و آموزش و پرورش از جمله موارد دیگری است که چالش پیش روی دولت آینده به شمار می رود.

وی در ادامه با اشاره به بالا رفتن هزینه های سلامت در کشور خاطرنشان کرد: از جمله مسایل اساسی کشور این است که هزینه سلامت در سال ۹۱ معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده که از این رقم تنها ۱۵ هزار میلیارد تومان از سوی بیمه ها پرداخت شده است و مابقی را خود مردم تامین کرده اند، در حالی که دولت باید سهم بالاتری داشته باشد.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران خاطرنشان کرد: در حال حاضر سالانه به ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار شغل نیاز داریم که با توجه به اینکه دهه شصتی ها هم اکنون در حال ادامه تحصیل در مدارج بالا هستند و به زودی وارد بازار کار می شوند، پیش بینی می شود تا دو سه سال آتی ورود ۵ میلیون نفری به بازار کار را شاهد باشیم.

این گزارش حاکی است : احمد ترک نژاد عضو هیات نمایندگان اتاق تهران هم دراین جلسه با انتقاد از نادیده گرفتن مصوبات شورای پول و اعتبار توسط بانک های کشور و رواج بی توجهی به قانون در سیستم بانکی گفت: مصوبه اخیر این شورا در مورد نحوه ایفای تعهدات ارزی تولید کنندگان داخلی که قرار بود از ۲۰ اسفند سال ۹۱ اجرا شود، هنوز در هیچ بانکی اجرا نشده است. وی افزود: بانک ها در ضوابطی استعمارگونه و غیر قانونی از بنگاه‌های اقتصادی تعهد می گیرند که اگر در آینده قیمت ارز گران شود، باید مابه‌التفاوت تسهیلات ارزی دریافت شده را پرداخت کنند.

نامبرده با درخواست از دیوان عدالت اداری برای لغو تمامی قراردادهای بانکی در ایران گفت: صورت قراردادهای بانکی به لحاظ شرعی مساله دارد و به لحاظ قانونی ذات درونی خود را از دست داده است. این قراردادها دارای حداکثر الزامات برای مشتریان و حداقل مقدورات برای بانک ها هستند .

مهندس قصاعی عضو دیگر هیات نمایندگان اتاق بازرگانی هم از دولت آینده خواست تا قوانین بیمه ای و مالیاتی موجود را که به شکل سلطه‌ای از سوی دستگاههای مختلف به فعالان اقتصادی تحمیل می شود ، اصلاح کند و نظام کارمندسالاری در ادارات دولتی را از بین ببرد.

مهندس مهدی راسخ یکی دیگر از اعضای این تشکل بزرگ از دولت آینده خواست تا تکلیف آزادی فعالیت های اقتصادی را روشن کند.

به گفته وی موضوع استقلال عمل بانک مرکزی از تصمیمات دولت و ادامه اجرای قانون هدفمندی یارانه ها و همچنین نحوه کنترل نرخ تورم و بازسازی نظام برنامه ریزی از جمله موارد مهمی است که کاندیداهای ریاست جمهوری باید بصورت شفاف در مورد آن اعلام نظر کنند.

مجید حریری از اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی هم با انتقاد از حسابرسی دیرهنگام از عملکرد اقتصادی دولت نهم و دهم گفت: این انتقادها و حسابرسی ها باید زمانی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی تعطیل شد یا زمانی که رئیس دولت نهم اعلام کرد قانون برنامه چهارم توسعه را قبول ندارد ، مطرح می شد.

وی افزود: آن روز که گزارشات تفریغ بودجه با فقدان میلیاردها دلار یا نبود اسناد هزینه کرد آنها ارائه شد، می بایست عملکرد دولت مورد حسابرسی قرار می گرفت. اما کسی اعتراض نکرد و تمامی منتقدان فعلی که اغلب در کابینه دولت نهم و دهم عضو بوده اند، در قبال مشکلات فعلی اقتصادی کشور مسئولیت مشترک دارند.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی خواستار خروج دولت از فعالیت های اقتصادی در دولت آینده شد و گفت: بطور قطع مشکلات فعلی کشور که محصول تصمیمات ۸ سال گذشته است، در ۴ سال آینده و بلکه ۸ سال آینده قابل جبران نیست . بنابر این کاندیداهای ریاست جمهوری نباید وعده اصلاحات غیرعملی بدهند .

وی ادامه داد: کدامیک از کاندیداهای فعلی شهامت دارد که بگوید پرداخت یارانه نقدی به مردم کار بسیار اشتباهی است؟ آیا کسی پیدا می شود که به مردم بگوید در ازای ۴۵ هزار تومان یارانه نقدی که به شما می پردازیم، ۹۰ هزار تومان از جیب شما برداشت کرده ایم؟

مهلت دو ماهه خودروسازان برای نصب ۲ ایربگ

هیات دولت برای ارائه مهلت دو ماهه به خودروسازان برای نصب دو ایربگ بر روی تولیداتشان دو ماه مهلت داد .

مهندس نظام الدین برزگری رئیس سازمان ملی استاندارد دیروز با بیان این مطلب گفت: با این مصوبه، مشکل شماره‌گذاری خودروهایی که با یک ایربگ تولید شده اند ،برطرف شده است.وی در گفتگو با فارس اظهار داشت: طبق قانون قرار بود از ابتدای امسال همه خودروها به دو ایربگ مجهز شوند و سال گذشته هم شرکت سایپا برای نصب ایربگ بر روی پر تیراژترین خودرو کشور یعنی پراید مهلت ۶ ماهه گرفت.وی ادامه داد: در حال حاضر برخی از تولیدات پراید حتی به یک ایربگ هم مجهز نیستند که شماره‌گذاری آنها در سال جدید ممنوع است.برزگری تصریح کرد: خودروسازان زیر بار نصب دو ایربگ بر روی تولیداتشان نمی‌رفتند و به همین دلیل، ما اعلام کردیم که از اول امسال خودروهای بدون ایربگ شماره‌گذاری نمی‌شوند.

وی با اشاره به وجود برخی مشکلات در تأمین ایربگ، گفت: به همین دلیل، با مصوبه هیات دولت قرار شد خودروهای تولیدی به ویژه پراید در طول دو ماه به دو ایربگ مجهز شوند و اگر قبل از این دو ماه هم امکان تأمین ایربگ فراهم شود، این موضوع زودتر عملیاتی خواهد شد.

با وجود این اظهارات، احمد نعمت بخش دبیر انجمن صنفی خودروسازان اعلام کرد : این مهلت بسیار کم است و ظرف این مدت قادر به نصب دو ایربگ بر روی تولیدات داخلی نیستیم.

درد بی‌سوادی باسوادان!

* استاد دانشگاه: چگونه یک دانشجوی شیمی می‌تواند کنفرانس علمی برپا کند، بدون آن که زبان انگلیسی‌اش قوی باشد، بدون آن که اینترنت بداند و به مقالات روز دنیا دسترسی پیدا کند، و بدون آن که ادبیاتش خوب باشد و بتواند کلمات را درست ادا کند؟

* دانشجوی مهندسی عمران: همیشه برای حمایت از دانشجویان تنبل، قوانین حمایتی هم پیشنهاد می‌شود، مثل قانون نانوشته‌ای که می‌گوید استاد نباید به کسی نمره پایین‌تر از ۹ بدهد، تا آمار مشروطی‌ها پایین بیاید

* برخی دانشگاه‌ها به دلیل رقابتی که برای جذب دانشجو دارند، سعی می‌کنند آمار بهتری از کیفیت آموزشی خودشان ارائه بدهند، به خصوص در چند سال اخیر که دانشگاه‌های غیرانتفاعی هم پا به میدان رقابت گذاشته‌اند

* محمدرضا اسدی ـ وبلاگ‌نویس: افسوس که در دانشگاه‌هایمان اساتیدی پیدا می‌شوند که درس‌ها را حفظ کرده‌اند، دکترا گرفته‌اند، مقاله و کتاب نوشته‌اند، ولی اگر از آنها یک کلمه خارج از کتاب‌هایی که منبع درسی است سؤال کنید، هزار و یک نمایش اجرا می‌کنند، مگر رهایی یابند از جهلی که در لباس استادی‌شان است!

ریش سپیدها و گیس سپیدها می‌گویند: زمان ما این طور نبود که هر آدم بی‌سوادی بتواند مدرک تحصیلی بگیرد. اگر درس نمی‌خواندی، رفوزه می‌شدی و آن قدر باید درجا می‌زدی تا پایه‌ات قوی شود. سطح آموزش و سواد بچه‌ها بالاتر بود. برای همین است که مدرک دیپلم آن دوران، به اندازه دکترای حالا ارزش دارد!

این ادعا نسل به نسل رواج پیدا کرده است، به شکلی که هر نسل، خودش را با سوادتر از نسل بعدی می‌داند. انگار این ادعا چندان هم بیراه نیست، وقتی به برگه‌های امتحان واحد عمومی ادبیات دانشجویان سال اول یکی از رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاهی در تهران، که دوستم مشغول تصحیح آنهاست، نگاهی می‌اندازم. خطوط پایانی برگه‌ها اغلب شامل ناله و زاری دانشجو به منظور سوزاندن دل استاد برای گرفتن چند صدم نمره بیشتر با دلایل دروغینی مثل فرستادن اقوام درجه یک و دو به دنیای دیگر یا بیان مشکلات ساختگی مادی و معنوی می‌شود تا پاسخ ندادن به برخی پرسش‌ها را توجیه کند، اما برخی پاسخ‌هایی که به باقی پرسش‌ها داده شده، نیز در نوع خود بی‌نظیر است!

«فردوسی، شاعر بزرگ قرن هشتم بود که اثر ماروف(!) او مولاناست!»

«سعدی از جمله شاعران معاسر(!) بود که در غرن(!) دوازدهم از دنیا رفته است!»

این دانشجویان، که نه معنای «معاصر» را می‌دانند و نه شاعران بزرگ تاریخ ادبیات خودشان را ـ که از دوران دبستان، هر سال درس‌هایی درباره‌شان خوانده‌اند ـ می‌شناسند، اما روی صندلی‌های کلاسی که باید مهندسان آینده مملکت را تحویل ما بدهد، نشسته‌اند و سرمایه‌های ملی را مصرف می‌کنند و آینده‌سازان کشور نامیده می‌شوند، محصول کدام اشتباه نظام آموزشی هستند؟

تغییر تعریف سواد

در میان دانشجویان یکی از رشته‌های علوم انسانی دانشکده‌ای در تهران می‌نشینم. استادشان درباره فیلمی که در حال اکران است و بحث‌های مختلفی پیرامون آن در جامعه شکل گرفته است، صحبت می‌کند. فقط یکی از آنها فیلم را دیده است و او هم نظر قابل بحثی درباره‌اش ندارد. استاد از همه می‌خواهد برای جلسه آینده، فیلم را ببینند و به کلاس بیایند و من به این موضوع فکر می‌کنم که آیا دانشجو باید فقط در زمینه رشته تحصیلی خودش، اطلاعات داشته باشد و نمی‌توان او را به صرف بی‌اطلاعی از وقایع اجتماعی ـ سیاسی جامعه، بی‌سواد نامید؟

استاد این کلاس، با حفظ نام می‌گوید: برخی می‌گویند دانش، باید تخصصی باشد و به عنوان مثال، یک دانشجوی شیمی اگر در رشته خودش پیشرفت کند، دانشجوی خوبی است. اما به گمان من اطلاعات عمومی، سخنوری، ادبیات و امثال آن‌ها، علومی است که هر دانشجویی باید از آنها سررشته داشته باشد تا در رشته تخصصی خودش نیز موفق شود. چگونه آن دانشجوی شیمی می‌تواند یک کنفرانس علمی برپا کند، بدون آن که زبان انگلیسی‌اش قوی باشد، بدون آن که اینترنت بداند و به مقالات روز دنیا دسترسی پیدا کند، و بدون آن که ادبیاتش خوب باشد و بتواند کلمات را درست ادا کند؟ البته نمی‌توانم تایید کنم که دانشجویان نسبت به گذشته بی‌سوادتر شده‌اند، چرا که در میانشان شوق یادگیری و علاقه به مطالعه را می‌بینم. شاید دسترسی آنان به اینترنت و اخبار آنلاین، نوع مطالعه‌شان را از خواندن روزنامه و کتاب، به خواندن سایت‌ها و خبرگزاری‌ها تغییر داده باشد. باید توجه کرد که تعریف عمومی سواد هم تغییر کرده است. تا مدتی پیش، اگر کسی خواندن و نوشتن نمی‌دانست، بی‌سواد شمرده می‌شد، اما امروز در دنیا کسانی که زبان خارجی و کار با اینترنت را بلد نباشند، بی‌سواد به حساب می‌آیند. ما باید ببینیم دانشجویان‌مان با کدام معیار سنجیده می‌شوند، آن‌گاه درباره میزان سوادشان قضاوت کنیم!

بیرون از درهای دانشگاه

خانم سروری در رشته آمار درس خوانده است. او در پاسخ به این پرسش که آیا دانش‌آموختگان کشور، بی‌سوادتر از گذشته شده‌اند یا خیر، مثالی می‌آورد: یکی از دوستانم در یک مرکز پژوهشی کار می‌کند. برایم تعریف کرده است که یک بار، نتیجه آماری که او و همکارش برای یک مسأله واحد به دست آورده بودند، تفاوت چشمگیری باهم داشت. آنها به جای این‌که محاسبات را از اول انجام بدهند تا ببینند کدامشان اشتباه کرده است، خیلی راحت، هر دو نتیجه را باهم جمع، و تقسیم بر دو کردند، در واقع میانگین دو محاسبه را که یکی از آنها قطعاً اشتباه بود، به عنوان پاسخ اصلی مسأله تحویل صاحب پروژه دادند! من فکر می‌کنم دانشجویان در حال حاضر، بی‌دقت‌تر و سر به هواتر از گذشته شده‌اند و همین باعث می‌شود بی‌سوادتر به نظر بیایند!

اما باید توجه کرد که بی‌دقتی تحصیلکرده‌هایی که چرخ صنعت و علم کشور را می‌چرخانند، گاهی می‌تواند خیلی گران تمام شود. این روزها به بازار هر حرفه‌ای که سر بزنی، می‌توانی نتایج این سر به هوایی را ببینی. در حوزه اقتصاد، به جای افراد اقتصاددان و دلسوز، دلال‌ها حکومت می‌کنند و نتیجه این می‌شود که گویی راهکاری برای برون رفت از دشواری‌ها و بحران‌های اقتصادی و مهار تورم وجود ندارد.

در حوزه ساختمان‌سازی، هر روز اخباری از فروریختن خانه‌ای در حال ساخت را می‌شنویم، حال آن که در سال‌های قبل، حتی با مصالح ابتدایی و سیمان و کاهگل هم این اتفاق، آن قدر تکرار نمی‌شد که امروز با کامپوزیت و بتن می‌افتد.

در حوزه رسانه، اگرچه روز به روز شاهد رشد قارچ‌گونه تعداد مجلات، روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی هستیم، اما با دنبال کردن بسیاری از آنها، عایدی حاصلمان نمی‌شود، چرا که برخی خبرنگاران و فعالان فرهنگی، فقط از روی بیکاری و ناچاری به این کار روی آورده‌اند و یا با وجود علاقه، سواد کافی برای تهیه و جذاب سازی خبر ندارند... و بالاخره در حوزه آموزش هم به سیکل معیوب شکایت استاد از دانشجو و دانشجو از استاد برمی‌گردیم.

بی‌سوادی استادان

استادان دانشگاه، تنها کسانی نیستند که از اوضاع فعلی آموزشی دل پردردی دارند. گاهی ورق برمی‌گردد و این دانشجوست که سر درددلش باز می‌شود.

محمدرضا اسدی در وبلاگ خود با عنوان «شهروند دردمند»، به بیان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات آموزش عالی در ایران می‌پردازد که به گمان خودش، «بی‌سوادی برخی از اساتید» است و آن را با تعریف دو مثال، ملموس و خواندنی می‌کند: هر ترم، بالاخره یکی دو استاد کم‌سواد در کاسه ما می‌گذارند. روزی بلاگریز ماست، شکر!

در آغاز کلاس، آقای دکتر که در عالی‌ترین مناصب حکومتی و دولتی ایفای نقش کرده است، به ما گفت: در این جلسه به بررسی نقش کارخانجات در شکل‌گیری شهرها خواهیم پرداخت.

من گفتم: ببخشید استاد! این موضوع مربوط به اوایل دوران مدرنیسم است، پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه در دوران پست مدرنیسم، کارخانجات به بیرون از شهرها منتقل شدند و دیگر نقشی در شکل‌گیری شهرها ندارند. استاد گفت: اجازه بدهید، به این مباحث هم می‌رسیم.و من تعجب می‌کنم که چرا هیچ وقت به این موضوع نمی‌رسیم و نرسیدیم. چرا؟ چون در کتاب‌های «سولیوان» و «مک دانالد» که منابع جزوه دست نوشته استاد است، هیچ اشاره به این مسأله نشده است. شما یک کلمه خارج از این دو کتاب بپرسید، استاد محترم به اصطلاح «هنگ» می‌کند!

مصادره به مطلوب!

نمونه دوم، استاد کم‌سواد مدعی است که دارد همه را موعظه می‌کند: چقدر شماها تنبلید! کمی درس بخوانید! کمی تفکر کنید! همه ما داریم افتادن سیب را می‌بینیم، ولی این نیوتن بود که به دلیل تفکر متفاوت توانست قوانین جدید را کشف کند... خوب حالا چه کسی می‌تواند «مسأله» را تعریف کند و فرق «مشکل» و «مسأله» را بگوید؟

هر کس تعریفی از این دو ارائه می‌دهد و روی آن بحث می‌کند.در نهایت، استاد با یک ژست حق به جانب جواب می‌دهد: بله، همه اینهایی که شما گفتید، به نوعی بیانگر تعریفی از «مسأله» است ولی هیچ کدام کامل نیست. «مسأله» عبارت است از فاصله (Gap) بین وضع موجود و وضع مطلوب.

من می‌گویم: ببخشید استاد! در همان مثال نیوتن که شما اشاره کردید، می‌شود بفرمایید که وضعیت مطلوب در مسأله چه بوده است؟ به تعبیر واضح‌تر وقتی هنوز قانون جاذبه کشف نشده است، چگونه می‌توان وضعیت مطلوب را تصور کرد؟

استاد پاسخ می‌دهد: ببینید... در کتاب دکتر فلان و دکتر بهمان دقیقاً همین تعریف برای مسأله بیان شده است!

در لباس استادی

افسوس که در دانشگاه‌هایمان اساتیدی پیدا می‌شوند که درس‌ها را حفظ کرده‌اند، امتحان داده‌اند و دکترا گرفته‌اند، مقاله و کتاب نوشته‌اند، ولی اگر از آنها یک کلمه خارج از کتاب‌هایی که منبع درسی است سؤال کنید، گیر می‌کنند، بحث را عوض می‌کنند، شما را به آینده و مراجع بی‌ربط حواله می‌دهند و هزار و یک نمایش اجرا می‌کنند، مگر رهایی یابند از جهلی که در لباس استادی‌شان است.

وقتی از برخی اساتید سؤالی می‌پرسی که نمی‌دانند، با اعتماد به نفس کامل می‌گویند: «خوب بچه‌ها چه کسی پاسخ این سؤال را می‌داند؟»

اگر کسی نمی‌دانست، همین مسأله می‌شود موضوع پژوهش برای جلسه بعد و اگر برای جلسه بعد هم کسی کاری انجام نداد، می‌شود یک پروژه اختصاصی برای خودت که دیگر از این جور سؤالات در کلاس درس مطرح نکنی!

محمدرضا اسدی در پایان مطلب خود می‌نویسد: راستی سعدی چه خوب گفته است: دانا چو طبله عطار است، خاموش و هنرنمای و نادان چون طبل غازی، بلندآواز و میان تهی.

البته یک استاد دانشگاه، باید هم هنرنمای باشد و هم بلندآواز؛ چرا که رسالت او خاموش ماندن نیست، بلکه انتقال دانش و تجربه به دانشجویانی است که تشنه آموختن و دانستن‌اند، اما درد بی‌سوادی کسی که جامه استادی دانشگاه را بر تن دارد، از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ مگر نه آن‌که چنین استادی هم حاصل یک نظام آموزشی است که در بعضی دو راهی‌ها به بیراهه رفته است؟ نظامی که در آن، دانشجو از استاد شاکی است و استاد از دانشجو، و هر دو از سیستم آموزشی، گله‌مند!

حمایت از دانشجویان تنبل!

مسعود، دانشجوی مهندسی عمران، در یکی از واحدهای دانشگاه آزاد در شمال کشور درس می‌خواند. وقتی از او می‌پرسم آیا دانشجویان، بی‌سوادتر از گذشته شده‌اند، بدون مکث پاسخ می‌دهد: قطعاً! جالب اینجاست که همیشه برای حمایت از دانشجویان تنبل، قوانین حمایتی هم پیشنهاد می‌شود، مثل قانون نانوشته‌ای که می‌گوید استاد نباید به کسی نمره پایین‌تر از ۹ بدهد، تا آمار مشروطی‌ها پایین بیاید، یا بحث اخیر که می‌گوید اگر دانشجویی درسی را افتاد و ترم بعد با نمره خوبی پاس کرد، نمره‌ای که با آن درس را افتاده بود، از معدل کل او پاک بشود. حتی اگر چنین قوانینی تصویب نشود، بحث درباره آنها اشتباه است و باعث تنبل پروری می‌شود، چون دانشجوی درسخوان با خودش می‌گوید اگر قرار است اختلاف من و دانشجوی تنبل در نهایت بیشتر از دو نمره نباشد، پس من هم لازم نیست زیاد زحمت بکشم!

از طرفی، برخی دانشگاه‌ها به دلیل رقابتی که برای جذب دانشجو دارند، سعی می‌کنند آمار بهتری از کیفیت آموزشی خودشان ارائه بدهند، به خصوص در چند سال اخیر که دانشگاه‌های غیرانتفاعی هم پا به میدان رقابت گذاشته‌اند. یکی از استادان ما می‌گفت رئیس دانشگاه از او خواسته است نتایج امتحان را از روی نمودار ببرد و به هر شکل ممکن، نمره‌های بهتری به بچه‌ها بدهد. استاد در پاسخ گفته است اگر قرار است من در کلاس، درس بدهم، بچه‌ها باید درس را پس بدهند و اگر قرار است بدون معیار به آنها نمره بدهم، پس در کلاس می‌نشینم و لطیفه تعریف می‌کنیم و می‌خندیم! با این حال خیلی از استادان دانشگاه‌های غیرانتفاعی حق‌التدریسی هستند و برای آن‌که اخراج نشوند یا با رؤسا مشکلی پیدا نکنند، خواست‌های آنان را انجام می‌دهند.

خرید و فروش پروژه!

محبوبه حیدری که دانشجوی سال آخر رشته مهندسی کامپیوتر است، می‌گوید: من به اصطلاح در بزرگ‌ترین و بهترین دانشگاه پیام‌نور تهران درس می‌خوانم. ما دو واحد عملی به نام آزمایشگاه ریزپردازنده‌ها داریم که درس مهم و مشکلی است. ترم پیش برای ما ارائه نشد و گفتند استاد به خارج از کشور رفته است. این ترم هم استاد برگشت وقرار شد هر کدام از ما پروژه‌ای انجام بدهیم و از طریق اینترنت به دست او برسانیم تا به ما نمره بدهد. یعنی در حالی که ما پول واحد عملی را پرداخته‌ایم، در حال گذراندن درسی نامربوط به شکل نظری هستیم، ضمن آن‌که به نظر می‌رسد پروژه‌هایی که استاد به ما می‌دهد، درباره مسائلی است که خودش به دانستن نتایج آنها احتیاج دارد، مثلاً «قیمت انواع حافظه کامپیوتر در بازار»! مدیر گروه هم بعد از تأیید استاد، بدون آن‌که پروژه‌ها را بخواند و سؤالی درباره‌شان بپرسد، آنها را امضا می‌کند. معلوم است که دانشجو در این وضعیت، به جای آن‌که خودش دنبال پژوهش باشد، ۵۰ هزار تومان به یک نفر می‌دهد تا پروژه را انجام بدهد. بنابراین چیزی هم یاد نمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد که ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند تا در حوزه آموزش اخلال ایجاد کنند و نتیجه آن شود که خروجی‌های دانشگاه‌های ما، کسانی باشند که به اندازه مدرک خود، سواد ندارند. باید بترسیم از روزی که هر کس دانایی و توانایی بیشتری دارد، جذب دانشگاه‌های خارجی و زندگی در خارج از کشور شود و آینده کشور به دست کسانی بیفتد که این دانایی و توانایی را نداشته‌اند.

اصلاحات آموزشی ایران در لندن!

اخیراً همایشی با عنوان «اصلاحات آموزشی ایران» توسط مؤسسه لگاتوم ـ مرکزی پژوهشی در لندن که هر سال شاخص رفاه کشورهای جهان را منتشر می‌کند ـ در لندن برگزار شد که طی آن، ایرانیان مقیم خارج از کشور، به هم‌اندیشی درباره نظام آموزش در داخل کشور پرداختند. سرفصل‌های این همایش، مانند «سیطره ایدئولوژی بر کتاب‌های درسی»، «تفکیک جنسیتی در محیط‌های علمی» و «آینده ایران»، نشان از نگاه نقادانه ایرانیان تحصیلکرده‌ای دارد که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، اما برایشان مهم است که درون کشور چه می‌گذرد. بدیهی است از آنجا که آنان قدرت اجرایی خاصی در ایران ندارند، نتایج چنین همایشی، در سطح چند سخنرانی و اظهارنظر باقی می‌ماند و تنها ممکن است به چالشی در میان رسانه‌های دو طرف آب منجر شود که هر یک، دیگری را نقد می‌کنند و انگشت اتهام خود را به سویش می‌گیرند. با این حال همیشه بهتر آن است که قبل از رسانه‌های خارجی، خودمان دست به نقد خودمان بزنیم و اشکالاتمان را برطرف کنیم تا جای هیچ حرف و حدیثی باقی نماند.

ارمغان زمان‌فشمی

جدول شرح در متن

شماره ۳۲۶۸

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۲۶۷

جدول

۲۱۹۶۰

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ از گل‌های زینتی ـ بخت برگشته
۲ـ صحرای ترکمنستان ـ اندوه و دلتنگی
۳ـ شیره انگور یا خرما ـ همراه رفت ـ شاخ شکسته ـ بی‌همتا
٤ـ بخش‌های اداری ـ گاه به ریشه خودمان می‌زنیم! ـ فیلمی به کارگردانی محمد درمنش
۵ـ روستای بزرگ ـ از رشته‌های اسکی ـ سلام تلفنی
٦ـ حافظه و هوش ـ تازه برآمده ـ سودای ناله ـ غذای بیمار
۷ـ معلم دبستان ـ توانستن
۸ـ میوه هزار دانه ـ رخوت
۹ـ ساخته شدن ـ رودی در استان های کرمانشاه و کردستان
۱۰ـ بگوی قرآنی ـ یادداشت ـ آفتابه ـ شیمی کربن
۱۱ـ شتر بارکش ـ کشور آفریقایی با مرکز «ابوجا» ـ پیکار در راه خدا
۱۲ـ چیزی که به آن طمع کنند ـ برزن و کوی ـ خرس چینی
۱۳ـ دیدار از اماکن مقدسه ـ خاک سفالگری ـ شکار ـ زمینه
١٤ـ امر به نواختن، پسوند نوازنده ـ با فروش میوه‌های باغ کسب درآمد می کند
۱۵ـ یکه تاز، سوار بی‌همتا ـ کتابی از «گائو جیانگ جیان» نویسنده چینی برنده نوبل ادبی (۲۰۰۰)

عمودی:

۱ـ نام قوام‌السلطنه دولتمرد ایرانی ـ از هنرهای سنتی و ظریف
۲ـ عنصر فلزی نقره‌ای رنگ، نرم، رادیواکتیو و کمی سمی که از سوخت‌های اتمی است ـ از رنگ‌های ترکیبی مانند رنگ میوه بلوط، قهوه‌ای مایل به سرخ
۳ـ صدای کوبیدن در ـ پایتخت ارمنستان ـ آرشه ویولون
٤ـ اجاره ـ بانوان ـ همراه داماد
۵ـ نامی برای شغال ـ نوشتن ـ طاقت و تحمل
٦ـ مقابل نسیه ـ جمع مورد ـ طلیعه اعداد ـ به دنیا آوردن
۷ـ شمای بیگانه ـ عقب ماندن، عقب افتادن ـ نامناسب
۸ـ شاعر نوپرداز معاصر مؤلف «پرواز با خورشید» ـ اتیکت
۹ـ طبخ ـ ریختن اشک ـ کلام تنفر
۱۰ـ ناپیدا ـ خطاب چوپان ـ بدی کردن با کسی ـ کودکی و خردسالی
۱۱ـ سرپرست ـ محل تقاطع دو راسته بازار ـ معلوم و هویدا
۱۲ـ مخفف ناگهان ـ مرکز اتم ـ دارای گنجایش
۱۳ـ مصیبت‌ها ـ از مصالح فلزی ساختمان‌سازی ـ شهر برج طغرل
١٤ـ در حال شیون، زاری کنان ـ زمان تولد
۱۵ـ کتابی از «آگاتا کریستی» ـ ایجاد شدن، پیدا شدن

حل جدول ۲۱۹۵۹

درسهایی از تاریخ

مروری برجنگهای ایران و روسیه در دوره قاجار

ایران در طول تاریخ دراز خود با حوادث سهمگینی مواجه بوده که با همه سختی‌ها و مصائبی که در پی داشته، به لطف حق و به مدد فرهنگ و پیشینهٔ تمدنی خود و ایمان مردمانش، سخت استوار ایستاده و امواج هولناکی چون حمله مغول و تازش سایر بیگانگان را از سر گذرانده است. یکی از رویدادهای تلخ و غمباری که سبب جدایی بخش وسیعی از میهن شد، پیشروی روسیه در جنوب مرزهای خود به جهت نزدیک شدن به آبهای گرم بود که جنگهای ایران و روسیه در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار را رقم زد و در نتیجه، بخشهای بزرگی از ایران (در قفقاز و شمال خراسان) به قلمرو امپراتوری روسیه پیوست. نوشتار حاضر با حدی از تلخیص از دانشنامه ویکی‌پدیا برگرفته شده است.

علت جنگهای ایران و روسیه

رابطه ایران با روسیه در دوره قاجار خصوصاً در زمان زمامداری فتحعلی‌شاه خصمانه و حالت درگیری همیشگی داشت. هدف اصلی روسیه دسترسی به دریای آزاد بود؛ اما قفقاز مرکزی و جنوبی جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد و ساکنانش هواخواه ایران بودند. از طرف دیگر مردم مناطق قفقاز شرقی یعنی گنجه، شیروان، تالش، باکو علاوه بر مسلمان بودن، طرفدار ایران بودند و این موجب نارضایتی روسها می‌شد. گرجستان نیز یکی از علل اساسی اختلاف بین ایران و روسیه بود.

در سال ۱۲۱۵ق گئورگی ـ حاکم گرجستان ـ رسماً تحت‌الحمایگی روسها را پذیرفت؛ اما برادرش الکساندر که مخالف این الحاق بود، به دربار ایران پناهنده شد. تزار نیز این امر را بهانه قرار داد و فرمانده پاول سیسیانوف را مأمور تصرف قفقاز کرد. وی به تفلیس ناخت و آن را تصرف کرد. در این زمان گئورگی خان مرد و یکی از فرزندانش تهمورث به دربار ایران پناهید و شاه را به جنگ با روسها تشویق کرد. فتحعلی‌شاه نیز فرمان حمله به گرجستان را صادر کرد.

ژنرال سیسیانف در سال ۱۲۱۸ق گنجه را متصرف شد و به رغم دفاع مردانه حاکم گنجه (جوادخان قاجار)، خیانت برخی از ارامنه و مأیوس شدن حکام قره‌باغ و ایروان از فتحعلی‌شاه، خانات ایروان به تصرف نیروهای روسیه درآمد. با تصرف این شهرها نیروهای روسیه تا حدود ارس پیشروی کردند. در این هنگام فتحعلی‌شاه سپاهی به فرماندهی عباس میرزا فرستاد.

جنگ اچمازین

عباس میرزا به ایروان لشکر کشید. سیسیانف هم به حوالی اچمازین شتافت و سه روز ایرانیان را گلوله‌باران کرد و چون از عهده آنها برنیامد، از ادامه جنگ به صورت مستقیم خودداری کرد. در این بین والی ایروان از عباس میرزا تقاضای عفو و بخشش کرد و این جنگ با پیروزی ایران پایان یافت و حکمرانی ایروان همچنان در اختیار محمدخان قرار گرفت. حکمرانی نخجوان نیز با حکم فتحعلی‌شاه به کلبعلی خان سپرده شد.

پس از پیروزی سپاه ایران در اچمازین، فرمانده روس درصدد برآمد به سواحل گیلان لشکرکشی و سپس تهران را تسخیر کند؛ اما سیسیانوف فرمانده کل ارتش روسیه در این جنگها در ماه ذی‌الحجه ۱۲۲۰ق کشته شد و ارتشش هم چاره‌ای جز آن نداشت که به پایگاه خود برگردد. پس از این واقعه، فتحعلی‌شاه دستور مقابله با نیروهای روسیه و تنبیه حاکمان قره‌باغ و شوشی را صادر کرد. مقارن رسیدن سپاه ایران به ساحل ارس، نیروهای روسیه به عزم تسخیر گیلان راهی شدند که ناموفق ماندند.

جنگ اصلاندوز

پس از سیسیانف، فرماندهی سپاه روسیه به عهده گودوویچ افتاد. وی در سال ۱۲۲۳ق به صورت غافلگیرانه به ایروان حمله برد؛ اما شکست خورد و برگشت. در این زمان روسها خواستار صلح شدند به این شرط که مکانهای متصرفه در دستشان بماند و ایران به آنها اجازه عبور برای حمله به عثمانی را بدهد که دولت ایران این تقاضا را نپذیرفت. پس از ورود «سِر گور اوزلی» ـ سفیر انگلستان ـ به علت رابطه دوستانه‌ای که میان انگلیس و روسیه ایجاد شده بود، در پی آن شد که بین ایران و روسیه، صلح برقرار کند. عباس میرزا چون اصرار داشت نبرد ادامه یابد، جنگ ادامه یافت و سپاه ایران در محل اصلاندوز کنار رود ارس مقیم شدند. در این هنگام روسها غافلگیرانه به اردوی ایران تاختند و گرچه سپاه ایران مقاومت زیادی نشان داد، اما به علت اختلافات درونی، مجبور به عقب‌نشینی شدند. فرمانده لشکر روسیه پس از فتح اصلاندوز، آذربایجان را از هر دو طرف مورد تهدید قرار داد و در این زمان جمعی از ترکمانان خراسان نیز شورش کردند. شاه که درصدد آماده کردن سپاهی برای سرکوب دشمن بود، به علت اوضاع ناآرام در چند جبهه، تقاضای صلح کرد.

عهدنامه گلستان

میرزا ابوالحسن ایلچی به عنوان نماینده و سر گور اوزلی به عنوان واسطه از تهران عازم روسیه شدند. دولت روسیه نیز چون در این زمان سخت گرفتار درگیری و کشمکش با ناپلئون بود، از تقاضای صلح استقبال کرد. قرارداد صلح در قریه گلستان (از محال قره‌باغ) منعقد شد. این عهدنامه به وساطت سر گوراوزلی، نمایندهٔ روس (یرملوف) و نماینده ایران (ابوالحسن خان ایلچی) به تاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ق در یازده فصل امضا شد. عهدنامه گلستان سبب شد مرزهای ایران تغییر کند و تمام نواحی شمال رود ارس از دست ایران خارج شود.

دوره دوم جنگهای ایران و روسیه

مشخص نبودن مرزهای ایران و روسیه و شورشها و ناامنی‌هایی که بسیاری از حاکمان (از جمله حسین خان قاجار حاکم ایروان) و ساکنان مرزی برپا کرده بودند، از علل اصلی شروع دوباره جنگ بود. علت شورش حسین خان این بود که چون نمی‌خواست مالیات بپردازد و برای اینکه عباس میرزا به این منظور سرکوبش نکند، مایل به برافروختن آتش جنگ و گرفتار شدن ولیعهد بود. دست‌اندازی روسها به قلمرو ایران و نارضایتی بسیاری از حاکمان سرزمینهای ایرانی که به تصرف روسیه درآمده بود، ظلم و ستم روسها به مسلمانان قفقاز و تقاضای کمک آنان از دولت ایران، از عوامل اصلی شروع دوباره آتش جنگ بود.

جنگ گنجه

فتحعلی شاه، عباس میرزا را راهی نواحی اشغالی کرد و سپاهیان ایرانی همه ولایات از دست رفته از جمله باکو، دربند، شوشی، داغستان، ایروان و تالش را به تصرف درآوردند. پس از این واقعه، پاسکویچ که از جنگ با عثمانی فارغ شده و فرماندهی سپاه روس در قفقاز را به دست گرفته بود، درصدد برآمد تمامی آن نواحی را پس بگیرد. وی ابتدا قره‌باغ و سپس ایروان را تصرف کرد و در جبهه‌های تالش و لنکران قوای ایران را شکست داد. سپس خود را به گنجه رساند. عباس میرزا نیز با ۳۰هزار سپاهی عازم گنجه شد. در این نبرد نزدیک بود که پیروزی نصیب ایران شود؛ اما به علت تعلل آصف‌الدوله (صدراعظم) در اعزام نیروی کمکی، در لشکر ایران بی نظمی به وجود آمد و تلاشهای عباس میرزا اثری نکرد و ناچار به عقب نشینی شد.

پس از تصرف گنجه و وارد آمدن تلفات سنگین به قوای ایران، معابر ارس به دست روسها افتاد و کشتی‌های جنگی روسیه در سواحل شرق دریای مازندران با ترکمانان و ایلات یموت سازش کردند و آنها را به طغیان علیه دولت واداشتند. عباس میرزا نیز آخرین نیروهای خود را متمرکز کرد و به سال ۱۲۴۳ق با قوای روسیه به نبردی سخت پرداخت؛ اما نرسیدن آذوقه و جیره و مواجب سپاهیان، باعث تضعیف و متزلزل شدن روحیه سربازان ایرانی شد و قوای ایران به عقب رانده شد. پاسکویچ وارد آذربایجان شد و پایتخت را مورد تهدید نظامی قرار داد. عباس میرزا دسته‌های متفرق لشکرش را به خوبی تمرکز داد و حفظ تبریز را به آصف‌الدوله سپرد؛ اما با خیانت آصف‌الدوله تبریز به اشغال ارتش روسیه درآمد و آنها تا دهخوارقان (آذرشهر) پیش رفتند. در این هنگام عباس میرزا تقاضای صلح کرد.

عهدنامه ننگین

شرایطی که پاسکویچ برای عقد مصالحه جدید پیشنهاد کرد، بسیار سنگین بود؛ اما سفیر انگلستان در تهران که از پیشروی سپاه روسیه می‌ترسید، پافشاری کرد و شاه را به قبول شرایط صلح واداشت. پس از وساطت او، مجلسی در قریه ترکمانچای (اردوگاه پاسکویچ) مرکب از عباس میرزا، آصف‌الدوله و میرزا ابوالحسن خان تشکیل شد و عهدنامه‌ای در ۱۶ فصل و یک قرارداد تجاری الحاقی در ۹ فصل نوشته شد و در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری به امضای نمایندگان ایران و روسیه رسید. روسها با در دست داشتن امتیازات پیمان ترکمانچای، شمال ایران را قبضه کردند و اعتبار بین‌المللی ایران را کاملاً مخدوش ساختند. از جمله مناطقی که در این معاهده از ایران جدا شد، عبارتند از: قره باغ، گنجه، شکی، شیروان، قوبا، دربند، باکو، تالش، داغستان، گرجستان. در حالی که در ایران این عهدنامه «ننگین» تلقی می‌شود، روسها از آن استقبال می‌کنند. به طوری که در صدوهفتادمین سالگرد امضای آن، بر فراز «تپه پاسکویچ» در ایروان، مجسمه ژنرال ایوان پاسکویچ نصب شد.

گفتنی است که پس از پیروزی انقلاب اکتبر، لنین برای اثبات حسن نیت خود نسبت به ملل ضعیف جهان، الغای تمام امتیازات استعماری دولت تزاری را اعلام کرد. دولت صمصام‌السلطنه از این فرصت استفاده کرد و در ۴ مرداد ۱۲۹۷ (۲۷ ژوئیه ۱۹۱۸) در مصوبه‌ای الغای قرارداد ترکمانچای و دیگر امتیازات واگذار شده به روسیه تزاری را اعلام نمود که شامل لغو امتیاز کاپیتولاسیون نیز می‌شد. دولت ایران چند روز بعد مصوبه‌ای برای لغو امتیاز کاپیتولاسیون برای کشورهای دیگر هم صادر کرد؛ چرا که چند کشور دیگر نیز پیش از این بر اساس قراردادهایی تحت عنوان «دولت کامله‌الوداد» از امتیاز کاپیتولاسیون مطابق قرارداد ترکمانچای برخوردار شده بودند؛ اما دولت بریتانیا مصوبه دوم را رد کرد!

عهدنامه ننگین ترکمانچای

فاطمه قاضیها

عهدنامه ترکمانچای، عهدنامه‌ای است که پس از دورهٔ دوم جنگهای ایران و روس، میان دو دولت در شعبان ۱۲۴۳/ فوریهٔ ۱۸۲۸منعقد شد و به موجب‌آن بخشهای مهمی از ایران جدا گردید.

مقدمات دورهٔ دوم جنگهای ایران و روس، حدود ۱۳سال پس از «عهدنامهٔ گلستان» به دلیل به توافق نرسیدن نمایندگان روس و ایران برای حل اختلافات مرزی آغاز گردید؛ به طوری که عدم جدیت ایرانیان در این باره باعث بروز تجاوزاتی از طرف روسها شد که منجر به تصرف اغلب دهات و اراضی ایروان که جزو خاک ایران بود، گردید تا اینکه سردمداران ایران با «تراویچ» که از طرف سردار روس آمده بود، به مذاکره پرداختند و لحن او را تهدیدآمیز یافتند. پس در ۱۲۴۰ق میرزا صادق وقایع‌نگار را به اتفاق تراویچ به تفلیس فرستادند، تا با سردار روس مذاکره کند؛ اما در پی درگذشت تزار روسیه، وقایع‌نگار که تحقیر نیز شده بود، بدون نتیجه به ایران بازگشت.

با این همه، تجاوزهای ارتش روسیه به قلمرو ایران ادامه یافت؛ چنان که گوگچه توسط آنها در ۱۲۴۱ق تسخیر شد. دولت ایران نسبت به این دست‌اندازی و بدرفتاری با مسلمانان گوگچه، شدیداً به دولت روسیه اعتراض کرد. نیکلای ـ تزار جدید روسیه ـ هم پرنس منچیکُف را به دربار ایران فرستاد تا به موضوع رسیدگی نَماید؛ اما خشونتی که پرنس روس در رفتار و گفتار و مکاتبات خود با ایرانیان به کار برد و نیز اخبار موحشی که از زجر و شکنجهٔ اهالی مسلمان قفقاز به دست روسها می‌رسید، باعث بروز هیجان عمومی در تهران گردید.

در این زمان، فتحعلی‌شاه در چمن سلطانیه مجلسی از اعیان و روحانیان و سرداران ایلات و عشایر ترتیب داد تا دربارهٔ مقابله با تجاوزها و سلطه‌جویی‌های روسیه تصمیم گرفته شود. در این مجلس تقریباً همهٔ حاضران، به استثنای چند تن، معتقد به جنگ و صدور حکم جهاد از طرف علما بودند. سردستهٔ مجتهدان و علمایی که فتوای جنگ با روسیه را صادر کردند، سیدمحمد اصفهانی بود که بعدها به سیدمحمد مجاهد معروف شد. قائم‌مقام فراهانی که در این انجمن حضور داشت، از اظهارنظر خودداری کرد و چون فتحعلی‌شاه جداً از او خواست که رأی خود را اعلام نماید، وی در پاسخ با صراحت به مخالفت برخاست و آنگاه کسانی چون معتمدالدوله، میرزا عبدالوهاب و حاجی میرزا ابوالحسن ایلچی ـ وزیر خارجه ـ نیز با جنگ مخالفت کردند؛ اما کسی به نظر آنها وقعی ننهاد.

به این ترتیب ارتش بار دیگر به فرماندهی عالی عباس میرزا، جنگی را شروع کردند که موقعیت و موجودیت ایران را سخت به خطر انداخت. در همین زمان (۱۲۴۱ق/۱۸۲۶م) معاهده‌ای سرّی میان دولتهای انگلیس و روسیه منعقد شده بود که دست روسها را برای هر اقدامی در ایران و عثمانی باز می‌گذاشت. تشدید تجاوزات روسیه به ایران و واداشتن دولت ایران به مقابله، از جمله نتایج همین پیمان بود.

جنگ در ۲۲ ذیحجهٔ ۱۲۴۱ق/۲۸ ژوئیهٔ ۱۸۲۶م با هجوم حسین‌خان سردار ـ بیگلربیگی ایروان ـ آغاز شد. حسین خان از مرزهایی که در عهدنامهٔ گلستان تعیین شده بود، گذشت و سپاهیان روس را در هم کوبید و شکستهای بزرگ بر آنها وارد کرد. در پیکارهایی که سپس رخ داد نیز ایرانیان موفق شدند بیشتر نواحی از دست رفته بر اساس عهدنامهٔ گلستان را بازستانند و روسها با دادن ۴ هزار کشته، شکی و شیروان را تخلیه کردند و اندکی بعد، لنکران و سالیان نیز آزاد شد.

بر اثر این شکستها، تزار روسیه یرملف ـ فرمانده سپاه قفقاز ـ را برکنار کرد و ژنرال پاسکویچ را به جای او نشاند. پاسکویچ بی‌درنگ حملات تعرضی به قلعه‌های نظامی ایران را آغاز کرد و از اواخر سال ۱۲۴۲ق عملیات جنگی به نفع روسیه اوج گرفت و پیشروی روسها آغاز شد. عباس میرزا که باتوجه به روند حوادث، پیش‌بینی می‌کرد اوضاع برای ارتش ایران دشوار شود، دستور داد در مناطق مرزی غله انبار گردد. چند ماه بعد در صفر ۱۲۴۳ نیز فتحعلی‌شاه دستور مشابهی صادر کرد؛ اما روسها که همچنان پیش می‌آمدند، به ترتیب بر شهرهای گنجه، ایروان، نخجوان و قلعهٔ عباس‌آباد و قلعهٔ سردارآباد مستولی شدند.

در ۱۲ اکتبر ۱۸۲۷ پاسکویچ ایروان را تصرف کرد و به همین سبب «ایروانسکی» لقب یافت. در این هنگام امیر اصلان خان دنبلی ـ حاکم خوی ـ نیز با روسها همداستان شد و شهر را به تصرف پاسکویچ داد. به دنبال آن، مرند،

پس از جنگ جهانی اول، کوششهایی برای الحاق مجدد قفقاز صورت گرفت و هیأتی از باکو راجع به چگونگی پیوستن به ایران رایزنی کرد؛ اما کوشش نمایندگان ایران در کنفرانس صلح ورسای، به دلیل کارشکنی انگلیس بی‌نتیجه ماند

قراچه‌داغ، مشکین‌شهر، سراب، گرمرود و برخی از محال مراغه نیز از دست ارتش ایران به در رفت و اردبیل هم به تصرف روسها درآمد و آنان کتب خطی و اشیای نفیسی را که در آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نگهداری می‌شد، تصاحب کردند و به مسکو و پترزبورگ فرستادند.

ستاد فرماندهی شاه ایران که تا این زمان در سلطانیه بود، به محض ورود نیروهای روس به شهرهای شمالی، به تهران منتقل گردید و منتظر وصول گزارش از عباس میرزا شد. در این زمان، نیروهای ایران در دو جبههٔ قراباغ و ایروان سخت زیر فشار سپاه تزاری قرار گرفته بود. خانها و حکام نواحی به رغم ملیت و پیشینه‌های تاریخی‌شان، خود را به زیر پرچم روس کشیدند و در سواحل گرگان، سرکردگان ترکمان با فرماندهان مستقر در کشتی‌های جنگی روس سازش کردند و بر ضد دولت مرکزی سر به طغیان برداشتند.

شاید مهمترین حادثه در این زمان، سقوط تبریز بود که به دست روسها افتاد. گرچه به دستور شاه سربازان از نقاط مختلف عازم جبهه‌های جنگ بودند، اما شرایط نامطلوب سیاسی و نظامی ایران، و به‌خصوص تهدید تهران از طرف پاسکویچ، موجب وحشت شاه و دولتمردانی شد که خود، خواهان جنگ با روسیه بودند؛ بنابراین چون روسها توسط اللهیارخان آصف‌الدوله که متهم به خیانت و سازش با روسها بر سر تبریز بود، پیشنهاد مذاکره و صلح دادند، عباس میرزا پذیرفت و به بهرام‌میرزا که گویا در این زمان در حدود خوی بود، نوشت که خود برای مصالحه به اردوی روسیه خواهد رفت. پاسکویچ هم شخصاً از عباس میرزا خواست که جلسه‌ای با او منعقد کند و قرار مصالحه را بگذارد.

در این هنگام حسین‌خان سردار به دستور نایب‌السلطنه، با توپ و سپاه در دهخوارقان متوقف شد (ربیع‌الاول ۱۲۴۳) و ۵۰۰ تفنگچی و شمار بسیاری سوار به سوی خوی و گرگر اعزام کرد. از آن سوی، کلنل مک‌دانلد ـ وزیر مختار انگلیس ـ که به اقتضای مصالح دولت متبوع خود، مصمم شده بود مصالحه را تسریع کند، با عباس‌میرزا وارد گفتگو شد. عباس میرزا مصالحه را به ۳ شرط مشروط کرد: اول اینکه ما خاک و ملک ندهیم، در عوض هر قدر گنجایش دارد، پول نقد و هرجا گرفته‌اند، پس بدهند؛ دوم اینکه هرچه در دست ماست، یا در دست آنهاست، به همین حالت بماند تا انقضای مدت متارکه؛ و سیم آنکه هرگاه این دو شق صورت نگیرد، قرار بدهیم که رودخانهٔ ارس سرحد دو مملکت باشد. ضمناً عباس میرزا در نامه‌ای که برای پاسکویچ فرستاد، از او برای آنکه مصالحه را انسب دانسته است، قدردانی کرد. قائم‌مقام هم موافقت خود را با این عبارت که «این مصالحه خیر هر ۳ دولت است»، به مکدانلد اعلام داشت؛ ولی از قرار معلوم نه نخجوان به عنوان محل مذاکره تعیین شد و نه به سه شرطی که عباس میرزا نهاده بود، اعتنا شد.

ژنرال روس دهخوارقان (آذرشهر) را به عنوان محل مذاکره تعیین کرد و عباس میرزا، قائم‌مقام، میرزا محمدعلی و میرزا مسعود انصاری به آنجا رفتند. پاسکویچ و سایر همراهان او با تواضع به استقبال نایب‌السلطنه آمدند و مذاکرات با حضور هیأت ایرانی و پاسکویچ، گریبایدف، ابرسکف و چند تن دیگر آغاز شد. در این انجمن، پاسکویچ خواهان واگذاری ایالات ایروان، نخجوان، ماکو، تالش و مغان و پرداخت ۲۰ کرور اشرفی به روسیه شد. پس از مذاکراتی، پاسکویچ به ۱۵ کرور تومان و تصرف ایالات شمال ارس راضی شد؛ اما فتحعلی‌شاه از این پیشنهاد سخت برآشفت و دستور تجهیز قوا را برای ادامهٔ جنگ صادر کرد.

مک‌دانلد ـ سفیر انگلیس در تهران ـ برای حفظ منافع انگلستان، به خصوص در هندوستان، به دربار فتحعلی‌شاه شتافت و شاه غضبناک را به پرداخت ۱۰ کرور تومان غرامت راضی کرد. آنگاه به‌کوشش همو مقرر شد دور مذاکرات صلح در قریهٔ ترکمانچای آغاز گردد. از طرف دولت ایران عباس میرزا، قائم‌مقام و میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه، و از طرف روسها پاسکویچ و افسران ستاد وی شرکت داشتند. دکتر جان مک‌نیل ـ پزشک سفارت انگلیس ـ نیز به عنوان ناظر در مذاکرات شرکت کرد.

سرانجام پس از مذاکراتی طولانی مبلغ غرامت، همان طور که مک‌دانلد قول داده بود، ۱۰کرور تومان تعیین شد و مقرر گردید که دولت ایران این مبلغ را قبل از امضای معاهده به روسها بپردازد. لازم به توضیح است که طراح و نویسندهٔ پیش‌نویس قرارداد ترکمانچای، گریبایدف بود؛ زیرا وی در مذاکرات ترکمانچای فعالانه شرکت داشت و تمامی شرایط عهدنامه را همانا او تهیه و تنظیم کرده، و شکل بخشیده بود.

فتحعلی‌شاه با آنکه هنوز از پرداخت غرامت ناخشنود بود، بی‌درنگ ۶ کرور تومان نقد از خزانهٔ خود فرستاد، تا معاهدهٔ صلح به امضا رسد و ضمناً به عباس میرزا اعلام کرد که باید ۵ کرور آن به عنوان انعام و یک کرور به رسم مساعده و وام به روسها تلقی گردد. به هر حال در ۵ شعبان ۱۲۴۳ق/۲۱ فوریهٔ ۱۸۲۸م عهدنامهٔ ترکمانچای به امضای دو دولت ایران و روسیه رسید. چند عهدنامهٔ جداگانهٔ دیگر نیز برای تفسیر و تتمیم عهدنامهٔ اصلی نوشته و به آن الحاق شد. مشخصات عهدنامهٔ ترکمانچای و ملحقات آن چنین است:

مفاد عهدنامه

۱ـ عهدنامهٔ ترکمانچای میان ایران و روسیه، مشتمل بر یک مقدمه و ۱۶ فصل که به امضای عباس میرزا نایب‌السلطنه و میرزا ابوالحسن خان ایلچی، وزیر امور خارجهٔ ایران رسیده است. اصل دست‌نویس این عهدنامه به زبانهای روسی و فرانسوی در آرشیو وزارت امور خارجهٔ ایران موجود است. این عهدنامه در همان زمان، یا مدتی بعد، توسط میرزامسعود انصاری گرمرودی و بعدها توسط سعید نفیسی ترجمه شد.

۲ـ عهدنامهٔ تجارت، دربارهٔ امور بازرگانی، قضایی (از جمله قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون) و امور اتباع دو طرف، شامل ۹ فصل.

۳ـ عهدنامهٔ تشریفات ایلچیان و سفیران.

۴ـ عهدنامهٔ مربوط به غرامات و سرحدات، شامل تفسیر فصل ششم و چهارم عهدنامهٔ ترکمانچای، مشتمل بر یک مقدمه و ۶ فصل و یک نتیجه.

به موجب عهدنامهٔ ترکمانچای، رود ارس مرز میان دو کشور شد؛ عبور و مرور کشتی‌های جنگی در دریای خزر منحصراً به روسیه واگذار گردید؛ دولت ایران ملزم شد از مجازات حکام و امیران ایرانی که به روسها پیوسته بودند، خودداری کند؛ به دولت روسیه اجازه دهد در نقاط شمالی ایران، به تأسیس کنسولگری بپردازد؛ در مقابل دولت روسیه سلطنت عباس میرزا و اولاد او را پس از فتحعلی شاه، به رسمیت شناخت!

با انعقاد این معاهده، نخستین پایه‌های قضاوت کنسولی، توسط یک دولت بیگانه در ایران نهاده شد که پیامدهای وخیمی برای دولت و ملت ایران در بر داشت. پس از آن، چند دولت اروپایی دیگر به استناد همان معاهده «دوَل کامله‌الوداد» محسوب شدند و از همان امتیاز برخوردار گردیدند! کار به جایی رسید که بسیاری از اشخاص متنفذ و ثروتمند ایرانی، خود را تحت حمایت بیگانگان قرار دادند.

مطابق فصل دوم عهدنامهٔ الحاقی (غرامات و سرحدات)، دولت ایران متعهد شده بود تا ۲۶ رمضان ۱۲۴۳، یعنی ظرف مدت ۵۲ روز از انعقاد معاهده، ۸کرور از ۱۰ کرور غرامت را نقداً بپردازد. پرداخت این مبلغ در این مدت کوتاه برای دولت ایران مقدور نبود. به ناچار مهلت دیگری تعیین شد و مقرر گردید که اگر تا ۱۵ صفر ۱۲۴۴ق، ۸کرور تومان به تمامی تسلیم روسیه نشود، تمام ولایت آذربایجان به طور قطع و دائم از ایران منفصل شود! در همین فصل آمده است که اگر دولت ایران ۷ کرور بپردازد، آذربایجان در مدت یک ماه تخلیه، و به ایرانیان واگذار می‌شود، جز قلعه و ولایت خوی که تا پایان وصول کرور هشتم در اختیار ارتش روسیه باقی می‌ماند.

پس از آنکه فتحعلی شاه به ناچار ۶ کرور اشرفی از خزانهٔ خود به آذربایجان فرستاد، برای تهیهٔ دو کرور باقی‌مانده و تخلیهٔ سراسر آذربایجان از قوای بیگانه، عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، به سبب پریشانی اوضاع و خالی بودن خزانهٔ آذربایجان، سخت به زحمت افتاد و حتی بیمار شد. پاسکویچ به درخواست او، پیش از وصول بقیهٔ غرامت، تبریز را در ۶ رمضان ۱۲۴۳ تخلیه کرد و عباس‌میرزا در خانهٔ خود مقام گرفت. وی در تبریز، سرانجام یک کرور فراهم کرد و به روسها پرداخت و شهرهای استان آذربایجان یکی پس از دیگری، جز خوی تخلیه شد.

برای تهیهٔ کرور هشتم، به ناچار پای انگلستان به میان آمد؛ زیرا به موجب فصلهای ۳ و ۴ عهدنامه‌ای که میان ایران و انگلیس در ۱۲۲۹ق منعقد شده بود، در صورت بروز جنگ میان دولت ایران و یک دولت اروپایی، مشروط بر آنکه ایران جنگ را آغاز نکرده باشد، دولت انگلستان متعهد می‌شد با فرستادن سپاه و تجهیزات جنگی به ایران کمک کند، یا سالی ۲۰۰ هزار تومان وجه نقد به دولت ایران بپردازد؛ ولی دولت انگلستان در این زمان به آن بهانه که ایران جنگ را آغاز کرده است، نخست از اجرای این تعهدات سر باز زد و چون عباس میرزا برای تهیهٔ کرور هشتم دچار تنگنا شد، مک‌دانلد از موقعیت استفاده کرد و اعلام داشت که ۲۰۰ هزار تومان به دولت ایران پرداخت می‌شود، به آن شرط که فصلهای ۳ و ۴ معاهده لغو گردد. عباس میرزا به ناچار پذیرفت و مک‌دانلد نیز آن مبلغ را به فتحعلی‌شاه داد و شاه آن را برای عباس‌میرزا فرستاد. عباس‌میرزا کتباً از شاه سپاسگزاری کرد و ضمناً اظهار داشت که ۱۶۶ هزار تومان هم خودش به سختی فراهم کرده است و هنوز برای تکمیل کرور هشتم و نجات خوی باید ۱۵۰ هزار تومان دیگر هم تهیه کند. از همین سند پیداست پولی که از طرف سفیر انگلستان و توسط شاه به دست عباس میرزا رسیده، مبلغ ۱۶ هزار تومان کمتر از مبلغ مقرر (۲۰۰ هزار تومان) بوده است، و نمی‌دانیم آن مبلغ را مک‌دانلد نداده، یا شاه از آن برداشته بوده است.

به هر حال هنوز تمام هشتمین کرور پرداخت نشده بود که در ۱۴ صفر ۱۲۴۴، امبورگر ـ نمایندهٔ دولت روس در آذربایجان ـ کتباً خبر ورود گریبایدف، اولین وزیر مختار روسیه در ایران بعد از جنگ را به وزیر خارجه، میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی اطلاع داد و خواستار اجرای تشریفات لازم برای استقبال از گریبایدف شد و ضمناً درخواست کرد که دولت ایران «هرچه زودتر امر کرور هشتم و متعاقب آن تخلیهٔ خوی را فیصله دهند».

چنین به نظر می‌رسد که مقداری از این وجه تا رجب ۱۲۴۴ پرداخت شد؛ زیرا به ایران فرصت داده شد که در ۱۳ رجب ۵۰ هزار تومان و در ۲۰ رجب ۱۰۰ هزار تومان پرداخت کند تا خوی تخلیه شود. در ۱۳ رجب ۵۰ هزار تومان پرداخت شد؛ ولی دولت نتوانست ۱۰۰ هزار تومان دیگر را تهیه کند؛ تا درمحرم ۱۲۴۵ به‌ناچار مقداری از جواهرات سلطنتی به ارزش ۱۲۵ هزار تومان، به عنوان وثیقهٔ ۱۰۰ هزار تومان کسری کرور هشتم، به روسها سپرده شد و خوی تخلیه گردید.

مطابق اسناد به نظر می‌رسد که مقرر گردیده بود ۵۰ هزار تومان از آخرین ۱۰۰ هزار کرور هشتم به صورت نقد، و بقیه به صورت غله پرداخت شود؛ اما مسلم است که تا شوال ۱۲۴۵هنوز دولت ایران تومان بدهکار بود و بخشی از جواهرات هنوز در رهن روسیه قرار داشت؛ زیرا در این تاریخ فتحعلی‌شاه فرمان داد آن پول پرداخت و جواهرات از رهن روسیه بیرون آورده شود. به دنبال آن در ربیع‌الاول ۱۲۴۶، عباس‌میرزا به آقامحمدحسن خزانه‌دار دستور داد که باقی‌ماندهٔ وجه کرور هشتم را تحویل روسها دهد و جواهرات شاه را از رهن بیرون آورد. باید گفت در همین سال، یک کرور از غرامت ایران به روسیه، توسط تزار روس، و در پس سفر هیأتی از ایران به روسیه برای ابلاغ تأسف دولت ایران از قتل گریبایدف بخشیده شد و کل مبلغ غرامت به ۹ کرور کاهش یافت.

در ۱۲۵۱ق، دولت ایران به سبب تحمل مخارج سنگین مراسم اولین سالگرد سلطنت محمدشاه، تقاضای مهلت بیشتری برای پرداخت آخرین کرور یا کرور نهم کرد. ظاهراً دولت روسیه پذیرفت و موعد پرداخت به اول محرم ۱۲۵۲ موکول شد؛ ولی چون زمان پرداخت نزدیک شد، دولت ایران اعلام کرد مبلغ ۱۲۵ هزار تومان را در تاریخ تعیین شده، و بقیه را طی ۱۸ ماه آینده می‌پردازد. دولت روسیه این درخواست را نیز توسط نامه‌ای که سیمونیچ ـ وزیر مختار وقت روسیه در ایران ـ برای میرزامسعود انصاری، وزیر خارجه وقت نوشت، قبول کرد. با این‌همه تمام این مبلغ در دورهٔ محمدشاه پرداخت نشد و تا دورهٔ پادشاهی ناصرالدین شاه و صدارت میرزا آقاخان نوری دولت ایران هنوز ۳۳۰ هزار تومان بدهکار بود. در این زمان چون جنگهای کریمه آغاز شد، دولت روسیه از بیم نزدیک شدن ایران به دولت عثمانی، با ایرانیان به مذاکره برخاست و معاهده‌ای سرّی میان دو دولت منعقد شد که مطابق فصل سومش، دولت روسیه از بقیهٔ کرور نهم به طور قطع صرف نظر کرد.

لغو قراردادهای استعماری

پس از انقلاب اکتبر، با آنکه تروتسکی ـ وزیر امور خارجهٔ دولت روسیهٔ شوروی ـ در یادداشت مورخ ۲۷ ژانویهٔ ۱۹۱۸ به دولت ایران، تمام معاهدات منعقده میان روسیهٔ تزاری و دولت ایران را لغو کرد؛ ولی اهمیت

پس از انقلاب اکتبر، شوروی معاهدات استعماری میان روسیهٔ تزاری و ایران را لغو کرد؛ ولی اهمیت این کار، به سبب آشفتگی کشور و فقدان حکومتی مقتدر و آگاه به منافع ملی درک نشد. برپایه عهدنامهٔ ۱۹۲۱، شوروی قراردادهای قبلی با ایران را بی‌اعتبار دانست

این یادداشت، به سبب آشفتگی احوال ایران و فقدان حکومتی مقتدر و آگاه به منافع ملی درک نشد. ایرانیان زمانی متوجه آن شدند که برای استیفای حقوق خود و لغو آن قراردادهای مذلت‌بار بسیار دیر شده بود. پس از جنگ جهانی اول، کوششهایی برای الحاق مجدد قفقاز به ایران صورت گرفت و هیأتی از باکوبه به تهران آمد و با اعضای دولت ایران دربارهٔ شهرهایی که براساس دو عهدنامهٔ گلستان و ترکمانچای ضمیمهٔ خاک روسیه شده بود، به گفتگو پرداخت و راجع به چگونگی پیوستن آنها به ایران به رایزنی پرداخت؛ اما کوشش نمایندگان دولت ایران در کنفرانس صلح ورسای (ژانویهٔ ۱۹۱۹) در این باره، به دلیل مخالفتها و کارشکنی‌های دولت انگلیس بی‌نتیجه ماند و سرانجام با اشغال قفقاز به دست بلشویکها، موضوع الحاق مجدد آن نواحی به ایران به طور کلی کنار گذاشته شد.

دوسال پس از استقرار شوروی، دولت ایران علیقلی انصاری (مشاورالممالک) را برای انعقاد پیمانی با آن دولت بر پایهٔ مواد ۱۶گانه‌ای که تروتسکی و چیچرین دربارهٔ ایران پیشنهاد کرده بودند و نیز آنچه دولت انقلابی روسیه قبلاً در بارهٔ نقض عهدنامهٔ ترکمانچای گفته بود، مأمور کرد. این پیشنهادها به اجمال موادی چون فسخ تمام قرضهای ایران به حکومت تزاری، فسخ همهٔ امتیازاتی که پیش از این به حکومت روسیه و یا اشخاص تبعهٔ روس از طرف دولت ایران داده شده بود، همچنین لغو کاپیتولاسیون را در بر داشت.

سرانجام در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱م/۸ اسفند ۱۲۹۹، «عهدنامهٔ مودت بین ایران و دولت شوروی روسیه» در مسکو امضا شد. براساس مادهٔ اول این عهدنامه، دولت شوروی به سیاست جابرانهٔ امپریالیستی روسیه در ایران خاتمه می‌دهد و قراردادهایی که دولت امپراتوری سابق یا اتباع روس با دولت ایران منعقد کرده بودند، از درجه اعتبار ساقط می‌داند. این عهدنامه در ۲۳ آذر ۱۳۰۰ به امضای مؤتمن‌الملک (حسین پیرنیا)، رئیس مجلس شورای ملی رسید و در ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۰ق/۴ بهمن ۱۳۰۰ش، احمدشاه بر آن صحه گذاشت و بدین ترتیب، فصل جدیدی در روابط میان ایران و اتحاد شوروی گشوده شد.

* **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی** (با مآخذ فراوان)

تصویری از جنگ ایران و روسیه

برگی از تاریخ

شرایط صلح

عبدالله مستوفی

گویند در جنگ دوم روس و ایران وقتی قشون روس به تبریز وارد شد و مصمم بود به سمت میانه حرکت کند، دولت ایران خود را در مقابل کار تمام شده‌ای دید و ناچار شد شرایط صلحی که دولت روس املامی کرد، بپذیرد. فتحعلی‌شاه برای اعلان ختم جنگ و تصمیم دولت در بستن پیمان آشتی، سلاحی خبر کرد. قبلا به جمعی از خاصان دستوراتی راجع به اینکه در مقابل هر جمله‌ای از فرمایشات شاه چه جوابهایی باید بدهند، داده شده بود و همگی نقش خود را روان کرده بودند.

شاه بر تخت جلوس کرد و دولتیان سرفرود آوردند. شاه به مخاطب سلام، خطاب کرد و فرمود: «اگر ما امر دهیم که ایلات جنوب با ایلات شمال همراهی کنند و یکمرتبه بر روس منحوس بتازند و دمار از روزگار این قوم بی ایمان برآورند، چه پیش خواهد آمد؟» مخاطب سلام که در این کمدی نقش خود را خوب حفظ کرده بود، تعظیم سجده مانندی کرد و گفت: «بدا به حال روس! بدا به حال روس!» شاه مجدداً پرسید: «اگر فرمان قضاجریان شرف صدور یابد که قشون خراسان با قشون آذربایجان یکی شود و تواماً بر این گروه بی‌دین حمله کنند، چطور؟» جواب عرض کرد: «بدا به حال روس! بدا به حال روس!»

اعلیحضرت پرسش را تکرار کردند و فرمودند: «اگر توپچی‌های خمسه را هم به کمک توپچی‌های مراغه بفرستیم و امر دهیم که با توپهای خود تمام دار و دیار این کفار را با خاک یکسان کنند، چه خواهد شد؟» باز جواب: «بدا به حال روس! بدا به حال روس!» تکرار شد و خلاصه چندین فقره از این قماش اگرهای دیگر که تماماً به جواب یکنواخت بدا به حال روس مکرر تأیید می‌شد، رد و بدل شد.

شاه تا این وقت روی تخت نشسته پشت خود را به دو عدد متکای مروارید دوز داده بود. در این موقع دریای غضب ملوکانه به جوش آمد و روی دوکندهٔ زانو بلند شد شمشیر خود را که به کمر بسته بود، به قدر یک وجبی از غلاف بیرون کشید و این دو شعر را که البته زادهٔ افکار خودش بود، به طور حماسه با صدای بلند خواند:

کشم شمشیر مینایی که شیر از بیشه بگریزد
زنم بر فرق پسکوویچ که دود از پطر برخیزد

مخاطب سلام با دو نفر که در یمین و یسارش روبروی او ایستاده بودند، خود را به پایه عرش سایه تخت قبله عالم رساندند و به خاک افتادند و گفتند: «قربان مکش، مکش که عالم زیر و رو خواهد شد.» شاه پس از لمحه‌ای سکوت گفت: «حالا که این طور صلاح می‌دانید، ما هم دستور می‌دهیم با این قوم بی دین، کار به مسالمت ختم کنند.»

*شرح زندگانی من

معرفی کتاب

اولین شغل شما
از دانشگاه تا زندگی حرفه‌ای
نویسنده: راجیو کهورانا
مترجم: پیمان گردلو
ناشر: جادوی قلم
چاپ اول: ۱۳۸۹
۱۴۴ص ـ ۳۰۰۰ تومان

نویسنده سعی کرده است با بیان آموزه‌هایی ساده اما عملی، جویندگان کار به ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهها را برای یافتن شغلی مناسب یاری کند. از عناوین این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شروع خوب نیمی از موفقیت است، در موقعیت‌های شغلی مسیر خود را بیابید، تجارت خصوصی خود را توسعه دهید، آشکارسازی، هنر نامه‌های توضیحی، رزومه ـ مسئولیت، نوشتن رزومه(کارنامه)، ضوابط رزومه، لطفاً انگلیسی خود را بررسی کنید، شروعی نامناسب، راههای مطمئن عدم پذیرش، چگونگی انتخاب شرکتی مناسب برای کار، طرح پرسشهایی زیرکانه در طول مصاحبه، آشنا شدن با رئیس خود در یک مصاحبه کاری، در صورت پذیرفته نشدن ناامید نشوید، مهار مشکلات اولیه در یک شغل جدید.

تفنگ پدر بر بامهای تهران
نویسنده: حسن بهرامی
ناشر: سوره مهر
چاپ اول: ۱۳۸۹
۱۰۸ ص ـ ۱۹۰۰ تومان

کتاب حاضر برگزیده دومین دوره جشنواره داستان انقلاب است. داستان درباره چند جوان دانشجوست که در حال مبارزه با رژیم شاه هستند. یکی از آنها از این شیوه مبارزه خسته می‌شود و عازم محل سکونت خود شده، تفنگ پدرش را برمی‌دارد و به تهران می‌آورد. وی سپس به پشت‌بام خانه‌ها می‌رود و به مأموران شلیک می‌کند.

این شخص به اسم حلیم بهرامی که قهرمان اصلی داستان است، بعد از پیروزی انقلاب راهی جبهه و جانباز می‌شود و در واقع با روایت اول شخص در دوران بعد از جنگ خاطراتش را روایت می‌کند.

زهرا(س) فصلی از کتاب رسالت

امام موسی صدر **بخش سوم**

هرگاه آتش جنگ را برمی‌افروختند، خدایش آن را خاموش می‌کرد، یا هر زمان که شاخی از شیاطین می‌رویید و اژدهایی از مشرکان دهان می‌گشود، برادرش علی را به کام آن می‌انداخت و او دست‌بردار نبود تا مگر با مشت مردانهٔ خود آنها را در هم می‌شکست و آتش فتنه‌شان را با شمشیر خاموش می‌کرد. علی رنج‌دیده‌ای در راه خدا و کوشا در کار و فرمان پروردگارش بود. خویشاوند رسول خدا(ص) و سرور اولیاء الله و همواره آماده به کار، خیرخواه و تلاشگر. این‌همه در حالی بود که شما در رفاه می‌زیستید و در کمال راحتی به خنده و شوخی می‌پرداختید و منتظر بودید که بر ما زیانی وارد شود و گوش سپرده بودید تا خبرهای بدی درباره ما بشنوید. گاه در جنگ و نبرد عقب می‌نشستید و می گریختید.

هنگامی که خداوند خانه انبیا و پناهگاه برگزیدگانش را برای پیامبر برگزید، نفاق شما چهره نمود. جامه دین بر تن شما کهنه گشت. دشمنی و خشم پنهان کسانی که کمبودهایی داشتند، آشکار گشت. فتنه گران باد در گلو انداختند و در اطراف شما به جولان پرداختند. شیطان سر خود را از میان شکافها هویدا کرد و صدایتان زد و شما هم پاسخش گفتید و به دیدهٔ احترام به او نگریستید. آنگاه شیطان از شما خواست که برخیزید و دید که سبکبار جهیدید. شما را در چشم خودتان بزرگ جلوه داد و از خود بیخود کرد و به یکپارچه غضب تبدیل نمود. شتری را که مال شما نبود، به نام خود داغ نهادید و به آبشخوری که مال شما نبود، وارد شدید.

این کارها همه در وقتی انجام گرفت که از عهد پیغمبر چیزی نگذشته بود. هنوز داغ فقدان او تازه و زخم او التیام نیافته بود. هنوز جسم بی جان رسول خدا(ص) به خاک سپرده نشده بود که شما در این امر شتاب کردید، به این بهانه که مبادا به فتنه گرفتار آیید. هشدار که در فتنه گرفتار آمده‌اید و جهنم اطراف کافران را فرا گرفته است. افسوس چقدر دورید! شما را چه می‌شود؟ به کجا می‌روید، در حالی که کتاب خدا در برابر شماست؟ گفته‌هایش پیدا و احکامش هویداست. نشانه‌هایش روشن و نهی‌هایش آشکار و اوامرش معلوم است. با این‌همه شما آن را پشت سر انداختید. آیا به چیزی غیر آن گراییده‌اید؟ آیا از آن سیر شده‌اید، یا به غیر آن می‌توانید حکم کنید؟ راستی این عوض برای ستمگران چه بد است؟ و هرکس به جز اسلام آیین دیگری باز جوید، از او نپذیرند و در آخرت از جملهٔ زیانمندان خواهد بود.

سپس قدری تاب نیاوردید تا این مرکب چموش آرام گیرد و افسار دهد، آنگاه هیزمش را افروختید و آتشش را شعله‌ور کردید و برای خاموش کردن انوار درخشان دین و کنار نهادن سنتهای پیامبر، به نوای شیطان گمراه پاسخ گفتید. به بهانهٔ گرفتن کف شیر، جرعه‌جرعه آن را نوشیدید. در پناه دیوارها و مخفیگاهها کمین گرفتید تا دودمان و فرزندانش را از پای درآوردید؛ ولی ما بدانچه می‌کنید، شکیب می‌ورزیم. درست مثل کسی که دشنه در تن او و نیزه در دل او فرو رود و دم نزند.

شما اکنون گمان می‌کنید که من از پدرم میراث نمی‌برم. آیا در پی زنده کردن احکام جاهلیت هستید؟ و حال آنکه کدام کس بهتر از خدا بر یقین‌آورندگان بیان حکم می‌فرماید؟ مگر نمی‌دانید؟ بلی، همچون آفتاب درخشندهٔ روز بر شما معلوم است که من دختر او هستم. ای مسلمانان، وای بر شما! آیا در کتاب خدا آمده است که پدر شما میراث می‌گذارد و پدر من نمی‌گذارد؟ چه تهمتی به خداوند بسته‌اید! آیا از روی قصد و آگاهی قرآن را وانهاده و پشت سر انداخته‌اید؟ چرا که در آنجا آمده است: «سلیمان از داوود ارث برده»، و در داستان یحیی بن زکریا خبر می‌دهد که زکریا گفت: «خدایا، نسلی از جانب خودت به من عطا کن که از من و از دودمان یعقوب میراث بَرَد.» نیز در قرآن فرموده است: «در کتاب خدا برخی از بعض دیگر در ارث مقدم هستند.» نیز فرموده است: «خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می‌کند، بهرهٔ پسر در ارث مانند بهرهٔ دو دختر است.» و نیز فرموده است: «اگر مسلمان مالی از خود به جای گذاشت، آن میراث پدر و مادر و خویشان نزدیک است.»

با این‌همه می‌پندارید من از پدرم ارث نمی‌برم و خویشاوندی میان ما نیست؟ آیا خداوند حکمی را به شما اختصاص داده و پدرم را از آن محروم کرده است؟ یا آنکه گویید من و پدرم پیرو دو مذهبیم و از یکدیگر ارث نمی‌بریم؟ یا آنکه شما به خاص و عام قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ پس زمام این مرکب رام‌شده را بگیر، ولی بدان که روز آخرتی هم هست و چه نیکوست داوری خدا در آن روز و دادخواهی محمد(ص). موعد به قیامت. در قیامت گزافه‌کاران زیان می‌بینند و پشیمانی به حال شما سودی نمی‌بخشد. برای هر خبری زمان وقوعی مقرر است و به‌زودی درخواهید یافت که چه کسی را عذاب و خوار می‌کند و شکنجه دائمی بر او قرار می‌گیرد؟

ای جوانمردان و ای بازوان و یاوران اسلام، این دیگر چه نوع چشمپوشی در حق من است؟ و چرا در برابر ظلمی که در حق من می‌شود، به خواب فرو رفته‌اید؟ آیا به یاد نمی‌آورید که پدرم می‌گفت: «حرمت مرد باید در مورد فرزندانش محفوظ ماند»؟ چه زود و چقدر با شتاب به کارهایی که شایسته نبود، اقدام کردید و دست از یاری ما کشیدید؛ در حالی که شما می‌توانید مرا در خواسته‌ای که دارم، یاری دهید. آیا می گویید محمد(ص) مرد؟ آری، مرگ او فاجعه‌ای بس بزرگ بود. مصیبتی سترگ و گسستی عمیق بود و هر دم گسترده‌تر هم می‌شود. زمین از فقدان او در تاریکی فرورفته است و آفتاب و ماه بی‌نور شده و ستارگان به سبب این مصیبت از هم پاشیده‌اند. آرزوها پایمال شده و کوهها از تپش افتاده‌اند. به حریم او تجاوز شده و حرمتش به هنگام مرگ از بین رفته است. به خدا سوگند این بلایی بس بزرگ است. مصیبتی عظیم که نظیری ندارد. فاجعه‌ای که کتاب خدا آن را آشکار داشته بود. این فاجعه‌ای است که هر پگاه و شامگاه شما را با داد و فریاد و آهنگهای گوناگون به سوی خود می‌خواند؛ همان مصیبتی که بر پیامبران پیشین نیز فرود آمده و فرمان مرگ آنان را صادر نموده بود: «محمد جز پیامبر خدا نیست. پیش از او فرستندگانی نیز آمدند. پس آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما از دین خداوند به عقب باز می‌گردید؟ حال آنکه هر کس به عقب برگردد، بداند که هرگز به خداوند زیانی نمی‌رساند و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهد داد.»

هان ای فرزندان قیله[نام مادربزرگ طایفهٔ اوس و خزرج]، آیا باید من به دلیل درخواست میراث پدرم مورد ستم واقع شوم، در حالی که چشم و گوش شما باز و در حضور منید و انجمن شما ندای مرا می‌شنود و از آنچه شده است، آگاه است و شما صاحب سرباز و نیرو هستید و سلاح دارید و بهشت پاداش شماست. چگونه است که فریاد دادخواهی مرا می‌شنوید، اما پاسخ نمی گویید و به فریادم نمی‌رسید؛ در حالی که به جنگجویی موصوف و به نکویی و درستکاری معروفید!

شما نخبگان عرب و بهترین کسانی هستید که برای ما اهل بیت اختیار شده‌اند. با اعراب جنگ کردید و رنج و محنت فراوان کشیدید. امتها را نصیحت کردید و با آنها جنگیدید. ما دست نمی کشیدیم و شما کنار نمی‌کشیدید. ما دستور می‌دادیم و شما پیروی می‌کردید، تا آنکه آسیاب اسلام به وسیله ما به گردش درآمد و پستان روزگار به شیر آمد و عربدهٔ شرک خاموش شد، فوارهٔ دروغ سرنگون گشت، آتش کفر رو به خاموشی رفت، همه چیز انتظام پذیرفت و کار دین استوار شد. پس بعد از این‌همه دلایل آشکار، با چنین سرشکستگی به کجا می‌روید؟ چرا این حقیقت را پس از آنکه معلوم شد، پنهان می‌کنید؟ و پس از آن همه استواری چرا عقب گرد می‌کنید؟ و پس از آن همه ایمان، چرا دوباره شرک می‌ورزید؟ وای به حال مردمی که پس از آنکه پیمان بستند، آن را شکستند و به بیرون راندن رسول خداوند همت گزیدند!

نخست آنان به شما حمله کردند. آیا از آنان بیم دارید؟ در حالی که سزاوارتر است که از خداوند بترسید؛ اگر واقعاً ایمان دارید. هشدار! به راستی شما را می‌بینیم که به سوی قهقرا و انحطاط روی کرده‌اید و کسی را که به حکومت سزاوارتر است، کنار نهاده‌اید. از آن همه وسعت و فراخی رو به تنگی آورده‌اید. چیزی را که می‌دانستید، کنار گذاشتید و از حد و مرز خود گام فراتر نهادید؛ در حالی که اگر شما و تمام آنچه در زمین است، همگی کافر شوید، خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

بدانید که من آنچه گفتم، همه از روی آگاهی به بی‌اعتنایی شماست و با توجه به این موضوع است که کانون فریب دلهای شما را فرا گرفته؛ ولی اینها همه درد دل و ظهور آتش روح و غصه‌های کشنده است و برای آن است که حجت را بر شما تمام کنم. ستمگران به‌زودی دانند که به کدام بازگشتگاه باز می گردند و من، دختر پیامبر بیم دهنده‌ام. در پیش رو عذابی سخت برپاست. شما به کار خویش مشغول باشید و ما هم به کار خود می‌پردازیم. شما منتظر باشید و ما هم منتظریم.»

تشکیک در صدور این خطبه از فاطمه زهرا(س) درست مانند مناقشاتی است که دربارهٔ نهج‌البلاغه صورت گرفته و به دور از مدارک لازم و طرق نقد حدیث و تاریخ است. این خطبه با دهها سند معتبر در کتابهای قدما نقل شده است. بنا به نقل ابوالفضل احمد بن ابوطاهر در کتاب «بلاغات النساء»، این خطبه از جمله روایاتی بوده که مشایخ آل ابوطالب آن را سینه به سینه نقل کرده و به فرزندان خود یاد داده‌اند. کتابهای تاریخی و حدیث و نیز کتب فقهی، هریک به فراخور استناد و استشهاد خود، قسمت‌هایی از این خطبه غرّا را نقل نموده‌اند.

ادامه دارد

شهرها و رشد شهرنشینی

رشـد فزاینده و پیـش برنده شهرنشـینی در اقتصادهای نو ظهور و در حال توسـعه، عامل انگیزشـی مطلوب و مسـاعدی برای اقتصاد جهان به حسـاب می آید، اقتصادی که همچنان از شکنندگی شدیدی رنج می‌برد.

شهرها برای قرنها به عنوان مولدان اقتصادی جهان مطرح بوده اند و کارگران ماهر و کسـب وکارهای بهره ور را به خود جذب کرده اند و از صرفه جویی های به مقیاس، سـود برده اند. شهرنشـینی و تولید ناخالص داخلی سـرانه در تقارن نزدیک با توسـعه کشـورها در حال حرکت هسـتند. اما آنچه در خصوص موج انبوهِ شهرنشـینی در حال حاضر با گذشته تفاوت دارد، سرعت و مقیاس بی سابقه آن است. بیان این مدعا که شاهد گسـترده ترین تغییر در مرکز گرانش اقتصاد جهان در طول تاریخ هزاران ساله آن هستیم، گزافه گویی نیست.

حرکت به سمت زندگی شهری، باعث افزایش درآمد میلیونها نفر در سراسـر جهان می‌شود. در شهرها، تا سال ۲۰۲۵، یک میلیارد نفر به جرگه مصرف کنندگان در کلاس جهانی خواهند پیوسـت با درآمدی که به اندازه کافی بالا خواهد بود تا به مصرف کنندگان مهم و معناداری از محصولات و خدمات تبدیل شـوند. تقریبـاً ۶۰۰ میلیون نفر از این افراد تنها در ۴۴۰ شـهر واقع در بازارهای نو ظهور ساکن خواهند شد که انتظار می‌رود تقریباً نیمی از رشـد جهانی تولید ناخالص داخلی را بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ به خود اختصاص دهند.

درآمدهای این طبقه های جدید مصرف کننده، حتی از تعداد افراد آن با سـرعت بیشـتری افزایش می یابد. این امر به معنای آن است که بسـیاری از محصـولات و خدمات به نقاط جهـش های اقتصادی می رسـند که در این نقاط، مصرف آنها با شـیب بسیار تندی بالا می رود. احتمـالاً تا سـال ۲۰۲۵، مصرف کنندگان شـهری مبلغی در حدود ۲۰ تریلیون دلار را در سـال به علاوه دیگـر مصارف و مخارج، به اقتصاد جهـان، تزریق خواهند کرد. همچنین تهیه مایحتاج این طبقات در حال رشد مصرف کنندگان شهری، نیازمند تحولی اساسی در بنای زیرساختها و ساختمانها خواهد بود. تخمین زده می شود که تا سال ۲۰۲۵، شهرها به سـرمایه گذاری فیزیکی سالانه ای معادل دو برابر مبلغ فعلی سرمایه گذاری (از ۱۰ تریلیون دلار تا ۲۰ تریلیون دلار) نیاز داشته باشند.

ایـن حجم بالای مصرف و سـرمایه گذاری ممکن اسـت میزانی بیـش از ۳۰ تریلیون دلار برای مصارف و مخـارج به اقتصاد جهان تا سال ۲۰۲۵ تزریق کند . رشدی بسیار بالا و مورد پذیرش اقتصادِ جهان است. اما، چالشهایی هم در این زمینه پیش رو خواهند بود. اقتصادهای نو ظهور، با سـرعت بالای شهرنشـینی و مصرف کنندگان آنها که هر روز بیش از روز پیش بر ثروت آنها افزوده می شود، به شدت خواستار منابع طبیعی و سـرمایه ای جهان هسـتند. نرخ سرمایه گذاری جهانی و بهای منابع، افزایش شـدیدی یافته اسـت و امکان بالاتر رفتن آن هم وجود دارد.

شـهرها می توانند بخشی از راه حل برای چنین تنش هایی باشند، آنهـا به عنـوان مراکز تمرکزجمعیت، از منابع بسـیار بهتر و بهره ورتر از سـایر مناطقی که جمعیت آنها پراکنده و غیر متمرکز اسـت، استفاده می‌کنند. اما اگر شـهرها موفق به سـرمایه گذاری به شـیوه ای که گام به گام با نیازهای فزاینده جمعیت روبه رشدشـان پیش برود، نشـوند، ممکن اسـت درگیر رویه های ناکارآمد و هزینه زایی شـوند که بعدها تبدیل به محدودیتهایی برای رشـد پایدار شـود. بنابراین، نحوه ای که کشورها و شهرها این خواسته فزاینده را برآورده می سازند، از اهمیت بالایی برخوردار اسـت. ماورای اثر مسـتقیمی که سرمایه گذاری دارد، انتخابهـای آنها اثرات گسـترده ای بر تقاضای جهانی منابع، سـرمایه گذاری و خروجی های بازار کار خواهد داشت.

اینکه شـرکتها و دولتهاٍ چگونه نسـبت به این تغییر زیرسـاختی واکنش نشان می دهند، اساساً چشم اندازهای آینده آنها را شکل خواهد داد. شهرهای بزرگ کشورمان هم از این موج جهانی مستثنی نیستند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰مرکز آمار ایران، میزان شهرنشینی در کشـور از حدود ۳۰ درصد در سـال ۱۳۳۰ به بیش از ۷۰ درصد در سـال ۱۳۹۰ افزایش پیدا کرده اسـت و این روند کمـاکان ادامه دارد. بنابراین برای اسـتفاده از این ظرفیت در سـال های آتی و پیش‌گیری از مشـکلاتی که ممکن اسـت افزایش این روند به همراه داشته باشد، نیازمند توسـعه زیر سـاختها در مناطق شـهری برای ظرفیت سازی و در مناطق روسـتایی برای متناسب سـازی سرعت شهرنشینی از جمله افزایش ظرفیتهای اشـتغال در بنگاههای کوچک روسـتایی و شهرهای کوچک هستیم.

محمدرضا سعادت
عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

گاز؛ سفیر دوستی ایران تا لبنان

خط لوله گاز دوستی علاوه بر کاهش شدید هزینه های نیروگاهی و مصرف انرژی، می تواند درآمدهای سرشـاری را از محل ترانزیت گاز برای کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان فراهم کند.

وزیـران نفت ایـران، عراق و سوریه، سـوم مرداد امسـال،تفاهم نامـه انتقـال گاز ایران بـه اروپا از مسیر عراق، سوریه و لبنان و از آنجا بـه اروپا را امضـا کردند و موافقت نامه اصولی سـه جانبه این طرح در بیستم اسـفند ۱۳۹۱ به تایید نهایی وزرای نفت ایران و عراق رسید که البته برای تایید از سـوی مقام های سـوریه ارسال شـده است. پیش از ایـن، وزرای نفت عـراق، ایران و سوریه در ۲۵ جولای ۲۰۱۱توافقنامه اولیـه برای این خط لوله ۱۰ میلیارد دلاری را امضاء کرده بودند.

تامین مالی احـداث خط لوله انتقـال گاز ایران برای صادرات گاز به اروپا از مسـیر عراق، سـوریه و لبنان، به شـیوه بی.او.او اعلام شده است و سه کشور پیش بینی می‌کنند بهـره بـرداری از ایـن خـط لوله، سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ آغازشود.

بر این اسـاس، یـک خط لوله انتقال گاز ۵۶ اینـچ به طول۴ هزار و ۹۰۰ کیلومتر، گازایران را از طریق عراق، سـوریه و دریای مدیترانه به یونـان و ایتالیا و بقیـه اروپا انتقال می‌دهد.

پروژه اصلی این طرح شـامل ۱۵۰۰ کیلومتـر خط لوله انتقال گاز با ظرفیـت ۱۱۰ میلیون متر مکعب در روز و سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری اسـت کـه گاز را از مبـدا عسـلویه و عبور از خـاک عراق به دمشق منتقل می کند.

این پروژه هم اکنون در مرحله اخذ مشـاور بـرای تعیین مسـیر و کارهایی از قبیل فاینانس و سـرمایه گذاری قرار دارد، به طوری که عراق و سوریه اجازه ترانزیت گاز ایران از خاک خود را صـادر کرده اند و دو کشـور هم گاز مورد نیازخود را از همین مسیر برداشت می کنند.

سـخنگوی وزارت نفت میزان گاز درخواسـتی عـراق در مرحله اول را ۳۰ میلیون مترمکعب در روز اعلام کرده است و به گفته وی طبق برنامه از پیش تعیین شده قرار است فاز اول خط لوله دوسـتی تا اواسط تابستان سـال ۱۳۹۲ تا شهر بغدادبه بهره برداری برسد .

در کنـار درخواسـت عـراق، سـوریه هـم ۲۵ تـا ۳۰ میلیـون مترمکعب در روز درخواسـت گاز دارد. ولی هنوز مسـیر احداث خط از بغـداد تا مـرز سـوریه واز مرز سـوریه به مبادی مصـرف در این کشور مهندسـی نشده است. به این ترتیب نمی توان ظرفیت نهایی خط را به طور قطع اعلام کرد.

بـه ایـن ترتیـب خـط لوله دوستی امکان افزایش ظرفیت بیش از درخواست کشـورهای مقصد را دارد ولی ظرفیت نهایی آن باید بعد از بررسـی های دقیق تر مشـخص شود.

نگاهـی به وضـع اقتصادی و ذخایر انرژی کشورهایی که در مسیر خط لوله دوسـتی قراردارند، نشان دهنده آن است که با راه‌اندازی این خط لوله ۴هـزار و ۹۰۰ کیلومتری گازی نه تنها استفاده از سوخت پاک و کم هزینه برای این کشورهافراهم می شود، بلکه ترانزیت گاز، درآمد قابل توجهی را هم نصیب مشارکت کنندگان خواهد کرد.

عراق

برابر آمار منتشره توسط سازمان اطلاعـات و آمارمرکـزی آمریـکا، ذخایر اثبات شـده گاز طبیعی عراق تـا اول ژانویـه سـال ۲۰۱۲ افزون بر ۳,۱۷۱ تریلیون مترمکعب و حجم ذخایر نفـت خام اثبات شـده این کشور تا ابتدای ژانویه۲۰۱۲ حدود ۱۴۳,۱ میلیارد بشـکه برآورد شـده است.

در سـال ۲۰۱۰ مجموع تولید بـرق عـراق ۴۷,۴ میلیاردکیلووات سـاعت و مجموع برق مصرفی در این کشور ۳۵,۱۲ میلیارد کیلووات ساعت گزارش شده است.

ظرفیت تولید برق نصب شـده عراق در سـال ۲۰۱۲ حدود۱۰,۱۱ میلیون کیلووات در ساعت و واردات برق آن در این سـال ۱۲,۲۸ میلیارد کیلووات ساعت گزارش شده است.

از مجموع بـرق تولیدی، حدود ۶۹ درصد به وسیله سوخت‌های فسیلی و۳۱ درصد از طریـق نیروگاه های برقی آبی تولید می شود.

تولید نفت خام عراق در سـال ۲۰۱۲ حـدود ۳ میلیون و۳۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات نفت خام این کشور هم ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه درروز گزارش شده است.

عراق در سال ۲۰۱۰ درمجموع ۱,۳۰۳ میلیارد متر مکعب تولید گاز طبیعی داشـته و به همین میزان هم مصرف کرده اسـت. بر این اساس مصـرف گازطبیعی این کشـور در سـال ۲۰۱۱ چیزی بالـغ بر ۳,۵۷۰ میلیـون متر مکعـب در روز براورد می‌شود.

مجمـوع خطـوط لولـه انتقال کشور عراق تا پایان سال ۲۰۱۰عبارت اسـت از: ۲ هـزار و ۴۴۷ کیلو متر خـط لوله انتقال گاز طبیعی، ۵ هزار و ۱۰۴کیلومتر خط لوله انتقال نفت، یک هـزار و ۶۳۷ کیلومتر خط لوله انتقال فـرآورده هـای نفتی و ۹۱۸ کیلومتر خط لوله انتقال گاز مایع .

برابـر برآوردهای وزارت نفت و گاز عـراق، انتظار میرود تقاضای گاز این کشـور در طول چند سـال آینـده افزایـش قابـل ملاحظه ای داشـته باشد. عراق همچنین در نظر دارد استفاده از گاز را در پروژه های نسل آینده تولید نیروتوسعه دهد که نیازمندی این کشـور به گاز را بیش از پیش افزایش خواهدداد.

همچنیـن کشـور عـراق بـا جمعیتی حدود ۳۱ میلیون ۱۲۹هزار نفر و با مساحت ۴۳۸ هزار کیلومتر مربـع در همسـایگی ایـران و پنج کشور اردن،کویت، عربستان، سوریه و ترکیه قرار دارد.

این کشـور با تولیـد ناخالص داخلی ۱۳۰,۶ میلیارد دلاردر سـال ۲۰۱۲ از نرخ رشـد اقتصادی ۱۰,۲ درصـدی برخوردار بوده و سـرانه تولید ناخالص داخلی آن بر اسـاس (برابـری قدرت خریـد) افزون بر ۴۶۰۰ دلار گزارش شده است.

۸,۷ درصـد از تولید ناخالص داخلی عراق به بخش کشـاورزی و ۶۳,۸ درصد به بخش صنعت مربوط می شود و ۲۵,۱ درصد هم از سوی بخش خدمات صورت می گیرد.

جمعیت نیروی کار این کشور در سال ۲۰۱۲ افزون ۸,۹میلیون نفر و نرخ بیکاری ان ۱۶ درصد گزارش شده است.

در سـال ۲۰۱۲ درآمدهـای بودجه ای دولت عراق ۱۰۴,۴میلیارد دلار و هزینه های آن ۹۸,۴۹ میلیارد دلار بوده است.

مجموع صـادرات عـراق در سـال ۲۰۱۲ افزون بر ۸۸,۲۷میلیارد دلار، مجمـوع واردات آن در ایـن سـال ۵۶,۸۹ میلیـارد دلار و بدهی خارجی این کشـور تا ۳۱ دسـامبر ۲۰۱۲ حـدود ۵۰,۲۶ میلیارد دلار اعلام شده است .

سوریه

ذخایر اثبات شـده گاز طبیعی سوریه تا اول ژانویه سال۲۰۱۲افزون بر ۲۴۰,۷ میلیارد مترمکعب و حجم ذخایر نفـت خام اثبات شـده این کشور هم حدود ۲,۱۸۳ میلیار بشکه برآورد شده است.

در سـال ۲۰۰۹ مجموع تولید برق سوریه ۴۰,۸۶ میلیاردکیلووات سـاعت و مجموع برق مصرفی در این کشـور ۲۸,۸۷ میلیارد کیلووات ساعت گزارش شده است همچنین ظرفیت تولید برق نصب شده سوریه در سال ۲۰۰۹ حـدود ۸,۲ میلیون کیلووات در ساعت بوده است.

از مجموع برق تولیدی، حدود ۸۴,۸ درصد به وسـیله سـوختهای فسـیلی و ۱۵,۲ درصـد از طریـق نیـروگاه هـای برقـی آبـی تولید می‌شود .

تولید نفت خام سوریه در سال ۲۰۱۱ حدود ۳۳۳ هزار و۹۰۰ بشکه در روز گزارش شده است.

سـوریه در سـال ۲۰۱۰ درمجموع ۸,۹۴ میلیارد متر مکعب تولید گاز طبیعی داشته است. در این سال با توجه به مصرف ۹,۶۳ میلیـارد متر مکعبی گازطبیعی در سـوریه، این کشور ۶۹۰ میلیون مترمکعـب گاز طبیعـی وارد کرده اسـت. بر این اسـاس مصرف گاز طبیعی این کشور در سال ۲۰۱۰ چیزی بالـغ بر ۲۶ میلیـون و ۳۸۴ هـزار مترمکعـب در روز بـرآورد می‌شود.

مجمـوع خطـوط لولـه انتقـال کشـور سـوریه تـا پایـان سال۲۰۱۰عبارت است از: ۳ هزار و ۱۶۱ کیلو متر خـط لوله انتقال گاز طبیعی و یک هـزار و۹۹۷ کیلومتر خط لوله انتقال نفت.

برابـر برآوردهای وزارت نفت و گاز سوریه، انتظار میرود تقاضای گاز این کشـور در طول چند سـال آینـده افزایـش قابـل ملاحظه ای داشته باشد. این کشور همچنین در نظر دارد استفاده از گاز را در پروژه های نسـل آینده تولید نیروتوسـعه دهد که نیازمندی این کشور به گاز را بیش از پیش افزایش خواهدداد.

همچنیـن کشـور سـوریه با جمعیتی حدود ۲۲ میلیون ۵۳۱هزار نفر تا جولای ۲۰۱۲ و با مسـاحت حدود ۱۸۵ هـزار کیلومتر مربع در همسایگی عراق وچهار کشور اردن، اسرائیل، لبنان و ترکیه قرار دارد.

این کشـور با تولیـد ناخالص داخلـی ۶۴,۷ میلیارد دلاردر سـال ۲۰۱۱ از نرخ رشـد اقتصادی منفی ۲,۳ درصـدی برخـوردار بـوده و سـرانه تولیـد ناخالـص داخلی آن بر اسـاس (برابری قـدرت خرید) افزون بر ۵۱۰۰ دلار گزارش شـده است.

حـدود ۱۸ درصـد از تولیـد ناخالـص داخلی سـوریه به بخش کشـاورزی و ۲۵ درصـد به بخش صنعت مربوط می شود و ۵۷ درصد هم از سوی بخش خدمات صورت می گیرد.همچنیـن جمعیت نیروی کار این کشور در سال ۲۰۱۲ افزون ۵,۵۴میلیـون نفر و نرخ بیکاری ۱۸ درصد گزارش شده است.

در سـال ۲۰۱۲ درآمدهـای بودجه ای دولت سـوریه هم حدود ۶,۵میلیـارد دلار و هزینـه های آن حـدود ۱۲,۶۸ میلیـارد دلار بوده است .

در اینجا بایـد به صادرات این کشـور اشـاره داشـت که در سال ۲۰۱۲ به حـدود ۴,۹۸۱ میلیارددلار و مجموع واردات آن در این سـال به۱۰,۰۱ میلیارد دلار رسید. همچنین بدهـی خارجـی این کشـورهم تا ۳۱دسـامبر ۲۰۱۲ حـدود ۸,۸۱۸ میلیارد دلار اعلام شده است .

لبنان

تا ابتدای ژانویه ۲۰۱۲ هیچگونه ذخایر نفت و گازطبیعی در کشـور لبنان به ثبت نرسیده است.

در سـال ۲۰۰۹ مجموع تولید برق لبنان ۱۲,۹۸ میلیاردکیلووات سـاعت، مجموع بـرق مصرفی در این کشور ۱۲,۳۴ میلیارد کیلووات سـاعت و واردات برق این کشـور ۱,۱۵۵ میلیـارد کیلو وات سـاعت گزارش شده است. ظرفیت تولید برق نصب شده لبنان در سال ۲۰۰۹ حدود ۲,۳۱۴ میلیـون کیلووات در ساعت گزارش شدهاست.

از مجموع برق تولیدی، حدود ۸۷,۹ درصد به وسـیله سـوختهای فسـیلی و ۱۲,۱ درصـد از طریـق نیروگاه های برقی آبی تولید میشود تـا پایان سـال ۲۰۱۰ گزارشـی در خصـوص مصـرف گاز طبیعی در کشور لبنان به ثبت نرسیده است. بر این اسـاس مصرف گاز طبیعی این کشور در سال۲۰۱۰ صفر است.

بـا توجه بـه پروژه خـط لوله دوسـتی و عبور خطوط لوله انتقال گاز ایـران از لبنان بـه اروپا، انتظار می رود تقاضای گاز این کشور پس ازاتمام پروژه افزایش قابل ملاحظه ای داشته باشد. این کشور همچنین در نظـر دارداسـتفاده از گاز را در پروژه های نسـل آینـده تولید نیرو توسعه دهد که نیازمندی این کشور بـه گاز را بیـش از پیـش افزایش خواهد داد.

کشـور لبنان با جمعیتی حدود ۴ میلیـون ۱۴۰ هـزار نفرتا جولای ۲۰۱۲ و با مسـاحت حـدود ۱۰,۴ هـزار کیلومتر مربع در همسـایگی اسرائیل و سوریه قرار دارد.

این کشـور با تولیـد ناخالص داخلـی ۴۱,۷۷ میلیـارد دلاردر سـال ۲۰۱۲ از نرخ رشد اقتصادی ۲درصدی برخوردار بوده و سـرانه تولید ناخالص داخلی آن بر اسـاس (برابـری قدرت خریـد) افزون بر ۱۵۹۰۰ دلار گزارش شده است

حـدود ۴,۶ درصـد از تولیـد ناخالـص داخلـی لبنان بـه بخش کشاورزی و ۱۹,۷ درصد به بخش صنعت مربـوط می شـود و ۷۵,۸ درصد هم از سـوی بخش خدمات صورت می گیرد.

همچنین جمعیـت نیروی کار این کشـور در سال ۲۰۱۲ افزون بر ۱,۵میلیـون نفر و نرخ بیکاری صفر گزارش شده است.

در سـال ۲۰۱۲ درآمدهـای بودجه ای دولـت لبنان حدود۹,۳۷ میلیارد دلار و هزینه های آن حدود ۱۲,۵۷ میلیـارد دلار گزارش شـده است.

مجموع صادرات لبنان در سال ۲۰۱۲ حـدود ۵,۶۵۵ میلیـارددلار، مجمـوع واردات آن در این سـال ۲۰,۷۳ میلیارد دلار و بدهی خارجی این کشـور تـا ۳۱دسـامبر ۲۰۱۲ حدود۳۲,۶۴میلیارددلار اعلام شده است.

چنان که ملاحظه شد سه کشور عـراق، سـوریه و لبنـان باجمعیتی بالـغ بـر ۵۸ میلیون نفـر و تولید ناخالص داخلـی ۲۳۸ میلیارد دلار از ذخایرگازی اندکی برخوردارند و بـه این جهـت تمـام تولید برق این کشورها از طریق سوخت های فسـیلی و نیروگاه هـای برقی آبی انجام می شود.

بر این اسـاس عبور خط لوله گازی دوسـتی از خاک کشورهای مورد اشـاره علاوه بر کاهش شدید هزینـه هـای نیروگاهـی و مصرف انـرژی آنهـا کـه غالبـا از طریـق سوختهای فسـیلی تامین می شود، مـی توانـد درآمدهای سرشـاری را ازمحـل ترانزیـت گاز برای این کشورها فراهم کند.

کشـورهای اروپایی هم دیگر گـروه کشـورهایی هسـتند کـه با تکمیل پروژه خط لوله دوستی می تواننـد از نعمـت سـوخت و انرژی پایدار، ایمن و پاک ایران برخوردار شـده و ضمنا ریسـک تامین پایدار انرژی خود را کاهش دهند.

شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی

ارتقای شاخص حمایت از سرمایه گذاران در بورس

مدیر امور حقوقی شرکت بورس اوراق بهادار تهران گفت : تصویب دستورالعمل الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته ناشران در سال ۹۱، موجب ارتقای شاخص حمایت از سرمایه گذاران ایران شد.

به گزارش سنا مریم ابراهیمی افزود: درزمینه اجرای ماده ۳۵ قانون بازار، پرونده های تخلفاتی کارگزاران پس از رسیدگی مقدماتی و صدور رای پیشنهادی در کمیته رسیدگی به تخلفات مستقر در سازمان به هیات مدیره بورس تهران پیشنهاد میشود.

وی ادامه داد: این آرا پیش از رسیدگی در جلسه هیات مدیره از لحاظ تطبیق با قوانین و مقررات، در مدیریت حقوقی بورس، بررسی میشود.

وی با اشاره به اینکه پس از جلسه هیات مدیره رای صادره انشا میشود، تصریح کرد: بعد از اخذ امضا از اعضای هیات، رای صادره توسط دبیر هیات مدیره بورس، ابلاغ می شود.مدیر امور حقوقی شرکت بورس با بیان اینکه این آرا در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال های گذشته کاهش چشمگیری داشته است ، اظهار داشت: این کاهش، مبین کاهش تخلفات در بازار سرمایه است؛ به گونه ای که ما صرفاً ۱۲ تعداد رای تخلفاتی در زمینه کارگزاران و یک رای تخلفاتی در باره ناشران داشته ایم.وی خاطر نشان کرد: البته دلیل دیگر کاهش آرای موضوع ماده ۳۵ قانون بازار، اجرایی شدن آیین نامه ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها است که در این موارد سازمان بورس راسا و بدون ارسال پرونده به بورس مبادرت به رسیدگی و صدور رای می کند.ابراهیمی در باره اقدامات انجام شده این مدیریت در سال ۹۱، افزود: همکاری در ارتقای شاخص حمایت از سرمایه گذاران بانک جهانی از اقدامات مدیریت حقوقی بورس بوده است.

وی با اشاره به اینکه این شاخص هر سال میلادی در باره سال آتی منتشر می شود، ادامه داد: رتبه ایران در سال ۲۰۱۲ در این شاخص ۱۶۷ بود که با اقداماتی که با همکاری سازمان بورس انجام شد به رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۳ ارتقا یافت. مهمترین عامل در ارتقا این شاخص، تصویب دستورالعمل الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته ناشران بود.در این میان شرکت سرمایه گذاری ساختمان نوین(سهامی عام) مجوز فعالیت خود را از سازمان بورس و اوراق بهادار دریافت کرد. بر اساس این گزارش، با توجه به مجوز صادره از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار برای شرکت فوق، شرکت مذکور ملزم به رعایت قوانین و مقررات مربوطه و اساسنامهٔ مصوب خود برای فعالیت به عنوان شرکت سرمایه گذاری موضوع بند ۲۱ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر۱۳۸۴ خواهد بود.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٤٠٨٣٤/٩	٤٠٨٧١/٩	٤٠٦٣٩/٥	٢١٣/٩	٠/٥٣
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	٢٠٨٢/٣	٢٠٨٥/٦	٢٠٨١/٧	(٠/٦)	(٠/٠ ٣)
شاخص آزادشناور	٤٧١٦٨/٤	٤٧٢١٨/٥	٤٧٠٣٤/١	١٥٦/٣	٠/٣٣
شاخص بازاراول	٣١٤٣١/٩	٣١٤٧٥/٢	٣١٣٨٨/٣	٧٨/٩	٠/٢٥
شاخص بازاردوم	٧٣٣٠٧/٩	٧٣٣٠٧/٩	٧٢١٧٧	١٠٠٩	١/٤
شاخص صنعت	٣٥٥٠٩/٢	٣٥٥٤٤/٤	٣٥٣٠٧/٢	٢٢٠/٨	٠/٦٣

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۲/۱/۲۷)

مجموع حجم معاملات	۱/۸۰۵ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱۲/۹۶۵/۵۸۶ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۹۰۲۲ معامله
ارزش بازار	۱/۸۳۱/۸۲۲ میلیارد ریال

پذیره‌نویسی اوراق اجاره لیزینگ

رئیس اداره نظارت بازار فرابورس گفت: پذیره نویسی اوراق اجاره شرکت لیزینگ رایان سایپا از امروز به مدت هفت روز شروع می‌شود.

به گزارش ایسنا، افسانه اروجی گفت: پذیره‌نویسی ۲۲۷ هزار و ۸۶۵ ورقه شرکت واسط مالی شهریور به منظور تامین مالی شرکت لیزینگ رایان سایپا از ۲۸ فروردین به قیمت اسمی هر ورقه یک میلیون ریال در بازار سوم فرابورس انجام می‌شود.وی ادامه داد: این اوراق با نام و قابل معامله در فرابورس بوده و بانک اقتصاد نوین ضامن این اوراق محسوب می‌شود. همچنین شرکت تامین سرمایه نوین تعهد پذیره نویسی و بازارگردانی اوراق را برعهده دارد که با نرخ سود ۲۰ درصد سالانه به مدت چهار سال هر سه ماه یک بار توسط شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه پرداخت می شود.

توقف نماد ۳۹ شرکت در بازار سهام

نماد معاملاتی ۲۲ شرکت به دلیل تعدیل پیش بینی درآمد هر سهم، نماد هفت شرکت به دلیل برگزاری مجامع، نماد چهار شرکت به دلیل اعلام پیش‌بینی درآمد هر سهم و نماد شش شرکت به دلایل مختلف دیگر متوقف است.

به گزارش سنا، نماد شرکت‌های ماشین آلات صنعتی، سخت آژند، ساختمان اصفهان، قطعات اتومبیل ایران، رینگ سازی مشهد، تولید محور خودرو، ایران دارو، پتروشیمی شازند، پالایش نفت تبریز، نفت بهران، پاکسان، پلی اکریل، تولی پرس، پتروشیمی خارک، کف، کشت و صنعت چین چین، آلومینیوم ایران، قند شیرین خراسان، کاشی اصفهان، پارس الکتریک، داده پردازی ایران و سرمایه گذاری آتیه دماوند به دلیل تعدیل پیش بینی درآمد هر سهم متوقف است.

همچنین نماد سرمایه گذاری توسعه ملی و پتروشیمی اصفهان به دلیل برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه و نماد شرکت‌های بیمه آسیا،گلتاش و صنایع شیمیایی ایران به دلیل برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص تغییر سرمایه متوقف است.

براساس این گزارش ،نماد شرکت های ایران ترانسفو و فولاد کاویان به دلیل برگزاری مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده، قابل معامله نیست.

نماد شرکت های ایران تایر، سیمان کارون، ایران خودرو و ایران مرینوس به منظور اعلام پیش بینی درآمد هر سهم متوقف است. نماد شرکت های مجتمع صنعتی آرتاویل تایر، گازلوله، نیوپان ۲۲ بهمن، تولید سموم علف کش، آلومتک و سولیران به دلیل سایر موارد متوقف بوده و در بازار سهام معامله نمی‌شوند.

از سوی دیگر ارزش کل معاملات(خرید و فروش) ۹۲ کارگزار فعال بورس اوراق بهادار تهران در سال ۹۱ به ۵۱۴هزار میلیارد ریال رسید.

به گزارش سنا ارزش کل معاملات (خرید و فروش) ۹۲ کارگزار فعال بورس اوراق بهادار تهران در سال ۹۱ به ۵۱۴ هزار میلیارد ریال رسید که این حجم از معاملات در قالب سهام ترجیحی، رد دیون دولت، جوایز صادراتی، سهام عدالت و معاملات خرد و بلوک انجام شده است.

اداره آمار و اطلاعات معاونت بازار شرکت بورس اوراق بهادار تهران اعلام کرد: ارزش معاملات خرد و بلوک عادی کارگزاران ۳۸۷ هزار و ۱۳۵ میلیارد ریال، معاملات بر خط (آنلاین) ۵۲ هزار و ۲۴ میلیارد ریال و ارزش معاملات عمده و انتقالی ۷۴ هزار و ۴۱۲ میلیارد ریال در سال ۹۱ بود.در گزارش اداره آمار و اطلاعات معاونت بازار شرکت بورس آمده است: پنج شرکت کارگزاری در سال گذشته ۲۰,۱۹ درصد کل ارزش خرید و فروش معاملات را به خود اختصاص دادند.

شرکت های کارگزاری بانک صادرات با ۵,۸۴ درصد، مفید با ۳,۶۶ درصد، آراد ایرانیان با ۳,۶۰ درصد، بهمن با ۳,۵۷ درصد و ساو آفرین با ۳,۵۲ درصد در رتبه های اول تا پنجم ایستادند.

شرکت های صبا تامین، بانک مسکن، حافظ، مهر اقتصاد ایرانیان و خبرگان سهام نیز در مکان های ششم تا دهم فهرست بیشترین درصد ارزش خرید و فروش معاملات کارگزاران قرار گرفتند.

بنابراین گزارش، آبتین استاک با ۸ صدم درصد ، دنیای نوین با ۶ صدم درصد و پارس ایده بنیان با ۴ صدم درصد در انتهای این جدول قرار دارند.

اداره آمار و اطلاعات معاونت بازار شرکت بورس اعلام کرد : کارگزاری مفید با در اختیار داشتن ۲۰,۷۵ درصد کل معاملات برخط در سال ۹۱، در صدر این معاملات قرار گرفت.

بانک کشاورزی با ۸,۱۳ درصد، نهایت نگر با ۳,۸۹ درصد، آگاه با ۳,۵۷ درصد و پارس نمودگر با ۳,۴۵ در رتبه های دوم تا پنجم بیشترین معاملات بر خط جای دارند.

در مجموع ۹۲ کارگزار فعال در بورس اوراق بهادار تهران، ۸۱ کارگزار پارسال با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار معاملات بر خط انجام دادند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۱۵,۱۰۰	۲۲۹
مخابرات ایران	۲,۳۰۰	(۵۴)
بیمه البرز	۳,۹۴۸	(۱۶۴)
کابل البرز	۱,۳۳۰	(۲۱)
پارس‌سویچ	۲,۵۷۶	۹۹
لامپ پارس شهاب	۴,۵۵۴	۶۷
موتوژن	۴,۳۵۱	(۵۳)
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۲,۱۰۰	۸۰
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۳۸۹	۱
گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۷۹۰	۱۹۲
بیمه پارسیان	۲,۱۷۰	۹
ایران‌یاساتایرورابر	۱۴,۱۹۰	۳۸۹
سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۷۸	(۲۳)
صنایع لاستیکی سهند	۵,۴۸۳	(۲۲۸)
گروه صنعتی بارز	۳,۲۸۰	۱۲۶
تراکتورسازی‌ایران	۱,۸۲۴	۷۰
پمپ سازی ایران	۲,۷۶۶	(۱۰۶)
تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۹۷۸	۲۰
کمباین سازی ایران	۸۶۵	۳۳
تکنوتار	۲,۵۹۰	۹۹
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۱۴۱	(۳۹)
سامان گستراصفهان	۱,۲۹۴	(۵۰)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۳۳۸	۱۶
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۱۴۰	۴۳
ح . عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۰۳	۷
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۵۴۵	(۱۴۷)
افست	۳,۶۴۰	(۳۰)
کارتن ایران	۱,۷۵۴	۶۷
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۵,۲۰۰	(۱۴۱)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۳۵۱	(۱۳)
تایدواترخاورمیانه	۴,۰۰۰	۱۵
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۲۵۰	۸۳
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۷۵۶	(۱۹)
حفاری شمال	۳,۸۹۰	۹۸
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۱۷۰	(۳۱)
سایپاآذین	۴۳۲	۹
ایران خودرودیزل	۵۵۰	۱۰
گروه‌بهمن	۱,۵۷۶	۶۰
پارس خودرو	۵۹۲	(۱۸)
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۵۳۰	(۲۲)
زامیاد	۵۳۰	۲
سایپا	۸۰۴	۱
الکتریک خودرو شرق	۵۷۹	۱۸
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۴۴۸	۵۵
لنت ترمزایران	۱,۳۸۰	۱۷
نیرو محرکه	۸۱۷	(۱۷)
مهرکام‌پارس	۳۹۸	(۱۶)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۱۲	۱۹
سایپا دیزل	۴۸۷	(۱۹)
داروسازی ابوریحان	۷,۴۸۸	(۳۱۱)
کارخانجات‌داروپخش	۶,۱۴۶	۲۳۶
داروسازی اسوه	۱۱,۵۸۰	۰
البرزدارو	۶,۳۸۱	۱۹۱
داروسازی امین	۲,۸۷۲	۱۱۰
بیمه دانا	۴,۹۹۱	۱۸۴
پارس دارو	۱۵,۰۰۰	(۴۶۱)
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۳,۴۰۰	۴۶۰
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۷۲۸	۱۰۴
داملران	۱۰,۳۱۰	۳۹۶
دارویی رازک	۱۳,۱۰۰	۱۰۷
داروسازی‌زهراوی	۱۲,۰۴۹	۴۶۳
گروه دارویی سبحان	۳,۵۹۹	۱۲۵
داروسازی سینا	۱۴,۳۴۰	۵۴۰
شیمی داروئی داروپخش	۳,۸۹۶	۱۴۹
داروسازی اکسیر	۶,۵۹۰	۱۸۱
دارویی لقمان	۲,۶۰۳	۱۰۰
ح . دارویی لقمان	۱,۵۶۰	۱۱۵
ایران‌دارو	۳,۹۷۳	۱۵۲
داروسازی کوثر	۱,۶۸۵	۶۴
کیمیدارو	۱,۴۷۳	۵۵
خدمات‌انفورماتیک	۱۵,۲۰۰	۱۰۲
تجارت الکترونیک پارسیان	۱۰,۶۹۰	۲۲۹
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۷۸۴	۱۰۷
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۲,۸۳۶	۱۰۹
کارت اعتباری ایران کیش	۸,۹۹۹	(۶)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۰,۳۶۳	(۸۴۶)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سیمان داراب	۳,۷۴۵	۹۷
سیمان‌ارومیه	۴,۱۷۷	۱۶۰
سیمان بجنورد	۲,۳۲۵	۸۹
سیمان‌سپاهان	۱,۱۴۹	۴۴
سیمان تهران	۲,۵۴۵	۹۷
سیمان‌خاش	۳,۱۶۸	۱۲۱
صنایع سیمان دشتستان	۳,۱۸۴	۱۱۹
سیمان دورود	۶,۵۳۸	۲۵۱
سیمان‌شاهرود	۲,۵۳۹	۸۸
سیمان شرق	۱,۱۵۲	۴۴
سیمان شمال	۱,۴۵۰	۵۵
سیمان صوفیان	۱,۵۵۳	۵۹
سیمان‌غرب	۴,۸۴۸	۱۸۶
سیمان‌فارس	۱۴,۴۸۴	۵۵۷
سیمان فارس و خوزستان	۱,۴۴۹	۵۵
سیمان فارس نو	۲,۳۰۱	۸۸
سیمان‌هگمتان	۲,۵۶۳	۹۸
سیمان ایلام	۳,۲۲۵	۱۲۴
سیمان کردستان	۸,۳۲۰	۶۳
سیمان کرمان	۵,۵۹۱	۲۱۵
پالایش نفت بندرعباس	۷,۴۹۱	۲۸۸
بین المللی محصولات پارس	۳,۶۶۰	۱۴۰
پتروشیمی آبادان	۹,۴۹۵	۱۶۵
پتروشیمی پردیس	۵۳,۸۱۰	۱۱۷
پارس پامچال	۸,۸۰۱	(۳۴۳)
پالایش نفت اصفهان	۲۴,۲۵۰	۹۳۲
تهران شیمی	۶,۹۰۵	(۲۸۷)
دوده صنعتی پارس	۹,۸۲۱	۳۷۷
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۵,۰۰۰	۸۳
پتروشیمی‌فارابی	۱۴,۹۷۳	۵۷۵
صنایع شیمیایی فارس	۶,۳۵۰	۱
پتروشیمی فناوران	۱۸,۷۴۳	۵۳۶
لعابیران	۵,۹۲۶	۲۲۷
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۴۱۹	۹۳
نفت پارس	۸,۰۱۱	(۱۲۲)
پتروشیمی‌شیراز	۹,۱۸۰	۲۷
کربن ایران	۳,۶۲۱	۱۳۹
نیروکلر	۱۲,۳۰۰	(۴۰۱)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۸۸۳	۱۴۹
لبنیات‌کالبر	۳,۴۳۶	۱۳۲
بهنوش ایران	۵,۰۸۰	(۴۸)
پارس مینو	۲,۸۸۰	۱۹
خوراک دام پارس	۱۲,۱۰۰	(۱۹۸)
دشت مرغاب	۲,۳۲۷	۸۹
سالمین	۶,۲۸۲	۲۴۱
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۸۶۰	۳۳
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۲,۹۶۰	۳۷
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۷۲۸	۱۰۴
بیسکویت گرجی	۳,۵۲۲	۱۳۵
گلوکوزان	۱۴,۸۵۱	(۶۰۸)
تولیدی‌مهرام	۲,۱۲۰	(۶۴)
صنایع آذرآب	۴,۴۰۲	۱۶۹
ماشین سازی اراک	۲,۵۷۷	۹۹
کالسیمین	۶,۱۷۴	۲۳۷
صنعتی آما	۷,۲۳۱	۲۷۸
مس شهیدباهنر	۱,۳۰۸	۲۹
جام‌دارو	۳,۴۶۷	۱۳۳
فولاد امیرکبیرکاشان	۳,۸۸۲	۱۴۹
فولاد خراسان	۸,۱۶۰	(۱۳۱)
فولاد خوزستان	۲۶,۱۷۶	۱۳۷
فروسیلیس ایران	۶,۵۵۰	۱۹۳
لامیران	۱,۸۰۱	(۳۰)
ح . لامیران	۶۲۹	۱۶
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۸۵۲	(۷۴)
ح . لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۷۳۷	(۶۴)
ملی صنایع مس ایران	۵,۶۵۰	(۱۳)
نورد آلومینیوم	۳,۰۵۰	(۹۴)
فولاد مبارکه اصفهان	۴,۲۶۰	۶
فولاد آلیاژی ایران	۵,۳۴۵	(۲۲۲)
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۶,۳۰۰	۴۵
قند ثابت خراسان	۵,۵۶۳	(۹۴)
کارخانجات قند قزوین	۷,۹۰۲	۲۹۹
شهد	۱۷,۰۰۰	۲
قنداصفهان	۳۹,۰۰۰	۶۱۳
قند لرستان	۳۵,۵۰۱	۱۸۳
قند مرودشت	۱۷,۵۱۵	۱۱۰

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
قندنقش‌جهان	۱۰,۰۰۰	(۲۰۴)
قند نیشابور	۹,۴۴۳	۴۴
قندهکمتان	۲۵,۶۸۹	۴۴۱
آبسال	۱,۵۸۳	۶۰
پارس خزر	۲,۷۹۰	۱۰۷
سرما آفرین	۱,۹۵۳	۷۵
ایران‌ارقام	۲,۰۵۰	(۳۲)
بیمه ملت	۱,۲۲۵	(۴۴)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۴۷	۱۰
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۸۱۶	(۱۰۴)
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵,۷۳۰	(۲۸)
بانک انصار	۲,۴۱۸	۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۳,۳۹۵	۱۳۰
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۹۱۰	(۲۱)
ح . صنایع بهشهر(هلدینگ	۸۴۵	(۱۴)
بانک صادرات ایران	۱,۰۰۲	(۸)
بانک ملت	۱,۲۳۶	(۱)
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۰۸۰	۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۱۹۰	۲
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۹۰۰	(۳۵)
بانک‌پارسیان	۲,۱۴۰	۲۱
بانک پاسارگاد	۱,۴۳۰	(۶)
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۱۸۷	۴۵
داروپخش (هلدینگ	۷,۵۲۱	۲۸۹
پست بانک ایران	۳,۸۹۰	(۱۵۹)
بانک تجارت	۱,۳۹۱	(۴)
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۶۰۰	۷۶
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۴۶۰	(۶۴)
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۳۲۸	(۱)
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۹۸۸	۶
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۷۷۱	(۳۲)
سرمایه‌گذاری سایپا	۸۰۵	۵
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۱۰۸	(۸۷)
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۳۷۹	(۱۲)
گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۱,۶۱۸	(۶۷)
بانک سینا	۱,۲۲۹	(۱۳)
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۳۴۶	(۵۶)
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۰۶۴	(۲۳)
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۱۰۰	۴۹
لیزینگ رایان سایپا	۹۲۶	۱۹
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۵۲۲	۵۸
لیزینگ‌خودروغدیر	۵۲۸	(۷)
لیزینگ‌ایران	۱,۶۵۵	۶۳
توسعه‌معادن‌وفلزات	۵,۲۵۰	(۵۵)
سرمایه‌گذاری‌ملت	۴۰۰	۴
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۰۵	۰
بانک‌اقتصادنوین	۲,۲۱۷	(۷۲)
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۰۴۰	۳
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۷۳۸	۲
بانک کارآفرین	۱,۸۴۰	(۲۷)
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۷۰۶	۶۵
کاشی اصفهان	۱,۲۲۳	(۴۸)
باما	۷,۸۰۰	(۱۷۰)
معادن بافق	۱۳,۳۰۰	۱۹
پشم‌شیشه‌ایران	۳,۸۸۸	۱۴۹
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۸۹	۳۰
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۱,۵۲۱	(۳۶۶)
چینی ایران	۳,۷۱۳	۱۴۲
کاشی وسرامیک حافظ	۱,۷۷۴	۶۸
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۱,۲۵۰	(۴۸)
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۱۰,۱۸۹	۳۹۱
توسعه معادن روی ایران	۲,۳۷۵	۹۱
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۴,۴۵۸	۱۷۱
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۳,۳۰۴	(۳۶۲)
پارس سرام	۲,۱۰۱	(۴۲)
کاشی سعدی	۲,۷۳۰	(۶۷)
ذغال‌سنگ نگین طبس	۳,۳۰۰	۲۲
فراورده های نسوزایران	۷,۹۹۷	۳۰۷
شیشه و گاز	۲,۸۷۰	(۱۰۸)
معدنی و صنعتی گل گهر	۸,۶۰۰	(۱۹۲)
کاشی الوند	۱,۳۲۲	۰
تامین ماسه ریخته‌گری	۲,۷۰۰	(۳۰)
معادن‌منگنزایران	۱۹,۵۰۰	(۴۵۴)
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۰۷۶	۴۱
شیشه همدان	۲,۵۹۰	۹۴

سند کمپانی بنز خاور مدل ۱۳۶۲ به شماره پلاک ۴۵-۴۶۲ع۳۲ و شماره موتور ۱۰۰۸۱۶۱۳ و شماره شاسی ۵۵۰۱۶۰۴۶ بنام آقای بختیار کرد قلعه عسکری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

بسمه تعالی سند موتور سیکلت کویر تیپ ۱۲۵ سی سی به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۰۶۴۷۶۳ و شماره شاسی ۸۶۲۵۰۴۶ به شماره انتظامی ۳۳۶۳ اراک ۱۲ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط است. دلیجان

مفقودی
برگ مادر سند یک دستگاه مینی‌بوس بنز تیپ ۳۰۹ به رنگ آبی-کرم معمولی مدل ۱۳۵۵ به شماره پلاک ۱۴-۵۷۲ع۵۹ و شماره موتور: ۰۳۰۳۷۹ و شماره شاسی ۲۵۸۵۷۶۰ به نام اکبر خزائی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. آبادان

سند کمپانی خودرو پیکان سواری مدل ۱۳۸۰ شماره ۴۸۶ج۹۷ ایران ۸۵ و شماره موتور ۹۱۱۲۸۰۱۲۹۶۰ و شماره شاسی ۰۰۸۰۵۱۵۶۴۷ بنام پرویز سارانی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل- پرویز سارانی

سند کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۹ به شماره ۵۱۵ب۸۲ ایران ۹۵ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۸۵۶۳۱ و شماره شاسی ۳۲۷۶۹ بنام مریم موسوی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل- مریم موسوی

برگ سبز پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۰ پلاک ۲۲-۱۷۶ط۶۸ موتور ۱۵۰۹۰۰۴۳۲۸۵ شاسی NAAP13FE9CJ426650 مفقود و اعتبار ندارد.

شناسنامه مالکیت خودرو پراید مدل ۱۳۸۶ به شماره ۷۲۸ب۳۷ ایران ۹۵ و شماره موتور ۲۰۳۴۱۹۱ و شماره شاسی S1412286139556 بنام محمود گرگیج مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل- محمود گرگیج

کارت پایان خدمت اینجانب علیرضا ظفر شادمان بشماره ۳۴۵۹۴۵۴ اعزامی از زابل ترخیص از گردان ۳۷۹ پدافند هوایی لشکر ۸۸ زاهدان مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل- علیرضا ظفر شادمان

آگهی مفقودی
برگ سبز و سند پارس مدل ۹۱ به شماره شهربانی ۵۴-۵۸۹ص۵۸ و شماره شاسی CH880581 و شماره موتور 124T0077587 بنام فاطمه سبز چمنی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

کارت معافیت پزشکی از خدمت سربازی اینجانب محمد جعفری فرزند رضا متولد ۱۳۵۸ حوزه ۲ دامغان شماره شناسنامه ۶۳۳ به شماره کارت ۹۵۸۲۵۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل مدرک فوق دیپلم آقای مصطفی نیک سرشت فرزند علی به شماره شناسنامه ۶۷ صادره از گرمسار، مربوط به دانشگاه آزاد سمنان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی
سند موتورسیکلت کثیر تیپ cc ۱۲۵ به رنگ مشکی به مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۷۴۳۶ - یزد ۱۴ به شماره موتور ۲۹۱۱۰۵۹ و شماره تنه ۸۳۳۳۶۹۸ متعلق به سپرعلی جوکار مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. «یزد»

کارت هوشمند راننده بنام اینجانب محمد کبیری به شماره کارت ۲۵۰۰۱۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب نعمت درنگ مالک خودرو پیکان سواری مدل ۱۳۸۳ به شماره شاسی ۸۳۴۲۶۷۵۱ و شماره موتور ۱۱۲۸۳۰۴۳۳۸۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران-کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. (اردبیل)

کارت دانشجویی اینجانب حانی قره‌کلی به شماره دانشجویی ۸۹۰۰۱۴۹۷۳ رشته زیست‌شناسی عمومی از دانشگاه پیام‌نور زاهدان مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی پراید ۹۰ به شماره شهربانی ۶۴۸ب۵۹ ایران ۲۹ و شماره موتور ۴۲۴۶۶۸۸ و شماره شاسی S3412290967691 به نام عبدالعزیز فتاحی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت سواری دوو ماتیز مدل ۱۳۸۰ به شماره انتظامی ایران ۶۲-۲۳۶ ج۳۹ و شماره موتور ۵۷۴۱۶۵ مفقود و اعتبار ندارد. (ساری)

شناسنامه مالکیت سواری پژو پارس مدل ۹۰ شماره انتظامی ۶۲-۱۹۵ د۴۴ شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۴۳۸۸۹ مفقود و فاقد اعتبار است. (ساری)

سند کمپانی سواری رونتندر (لوگان L90) مدل ۸۷ شماره انتظامی ۶۲-۷۸۴ج۵۲ شماره موتور 8200871592W003637 مفقود و فاقد اعتبار است. (ساری)

کارت دانشجویی ابوبکر کرد راجی دانشجوی رشته تاریخ به شماره دانشجویی ۸۹۰۲۵۱۹۵۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. زاهدان

سند کمپانی پیکان مدل ۱۳۷۴ به شماره ۳۲۲۵۲ قزوین-۱۱ و شماره موتور ۱۱۲۷۴۰۷۵۷۴ و شماره شاسی ۰۰۷۴۴۱۵۰۱۷ به نام سیدمحمد سعید حسینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی تراکتور رومانی مدل ۶۲ به شماره موتور ۴۳۴۱۵۵ و شماره شاسی ۳۸۰۶۱۷-۶۵۰۱۲۹۴۰ به نام سرفراز ولی‌پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه خودرو پیکان سواری مدل ۱۳۷۶ به نام جمیل پالانی جافی فرزند محمود شماره ملی ۳۳۶۰۳۳۵۰۹۰ به شماره موتور ۰۱۱۲۷۵۳۶۶۵۱ و شماره شاسی ۷۶۴۰۹۶۶۵ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

کلیه مدارک سواری پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ۲۱۶ی۱۸ ایران ۷۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۵۶۱۲۷ و شماره شاسی ۱۸۲۴۶۸۸۲ به نام داود مسلمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانشجویی اینجانب ملینا اوکتایی مقطع کارشناسی رشته علوم اقتصادی- اقتصاد نظری دانشگاه الزهرا به شماره ۹۱۱۲۹۲۰۰۳ مفقود گردیده و به جهت درخواست مجدد کارت مذکور از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم کارت پایان خدمت صادره لشگر ۶۴ ارومیه بنام عظیم پناهی گیگلو مفقود شده و اعتبار ندارد.

شناسنامه پراید مدل ۹۰ به شماره شهربانی ۶۴۸ب۵۹ ایران ۲۹ به نام مصطفی غلامی‌پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و شناسنامه وانت مزدا دوکابین به شماره پلاک ۴۹-۶۹۱ق۱۴ به شماره موتور FE581141 و شماره شاسی NAGCPX2PC19E33977 بنام سید محمد لطیف حسنی کریک مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت خودرو سواری پارس مدل ۱۳۹۱ به شماره انتظامی ۸۶۴م۱۶ ایران ۲۲ و به شماره شاسی DK821687 متعلق به حمیدرضا فرد رضایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت معافیت به شماره سریال ۲۷۳۷۲۴۴ اینجانب سیروان تازیک فرزند رشید به شماره شناسنامه ۶۶۲۵ به تاریخ تولد ۱۳۶۶ صادره از شهرستان مریوان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (مریوان)

سند کمپانی ماشین سواری کار سیستم نیسان پاترول مدل ۱۳۷۲ به شماره انتظامی ۲۴د۸۸۲ ایران ۳۵ و به شماره موتور Z240134982 و شماره شاسی PNK15Z210029 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

سند کمپانی پراید مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۴۵-۲۲۶ص۳۲ و شماره موتور ۴۲۳۰۸۹۹ و شماره شاسی S5420090056732 بنام آقای علیرضا عسکری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی اینجانب سید منصور شریفی فرزند سید محمد متولد ۶۴ شماره شناسنامه ۷۳ به شماره کارت ۸۹۰۲۵۵۴ رشته ارشد الکترونیک سیستم دانشگاه صنعتی شاهرود مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گذرنامه شماره ۱۰۶۹۱۵۰۴ اینجانب طیب صالحی فرزند فریدون به شماره ملی ۴۴۱۱۲۶۷۴۲۱ صادره از ابهر مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (ابهر)

برگ سبز (شناسنامه) اتومبیل سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی ۱/۸ رنگ بژ- متالیک به شماره پلاک ۲۷-۳۷۱م۱۵ شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۱۷۰۲۱ و شماره شاسی ۱۴۲۴۲۰۸۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بانه-حشمتی

اینجانب اکبر صفی هزارخانی مالک خودرو پیکان به شماره شهربانی ۲۹ ایران ۴۶۳م۱۷ و شماره بدنه ۷۵۵۶۳۲۸۶ و شماره موتور ۱۱۲۷۵۶۳۵۸۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. صحنه-سمیعیان

رسید کارت هوشمند به شماره ۱۱۲۳۴۵۶۸۵ شماره پلاک کامیون ۴۵-۴۹۵ع۶۶ شماره موتور ۰۲۶۶۹۲۴۰۰ شماره شاسی ۲۰۰۰۵۲۷۸۶۴۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی (برگ فروش وسیله نقلیه) شناسنامه مالکیت و کارت مشخصات و تک پلاک موتورسیکلت تکتاب تیپ 125CC مدل ۱۳۸۶ شماره بدنه NBN***125B8615496 شماره موتور TK412873 رنگ مشکی به نام آقای احسان کاوه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) خودرو وانت مزدا ۱۶۰۰ به شماره پلاک ۸۲۳ج۵۱ ایران ۵۶ و شماره شاسی ۶۴۵۵۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه RD پلاک ۹۵۹ب۱۴ ایران ۲۴ موتور ۱۱۷۸۳۰۳۶۳۴۴ بدنه ۸۳۱۳۶۶۱۴ سهراب ساکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه پژو ۴۰۵ پلاک ۷۳۸ی۲۸ ایران ۱۱ موتور ۱۲۴۸۴۲۰۵۲۵۳ بدنه ۱۴۲۸۳۷۶۸ مهدی هاشمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

به علت مفقود شدن کارت هوشمند راننده باری به شماره ۱۳۴۷۹۹۳ متعلق به آقای مظاهر نژاد جعفری نودهی از درجه اعتبار ساقط است. بندر انزلی

کارت پایان خدمت به نام علی اکبر امامویردی فرزند حسین به ش.ش ۳ متولد ۵۳ خوی به ش.م ۱-۲۸۰۳۱۶۸۵۷ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو L90 مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۱۴۶د۴۹ ایران ۶۲ و شماره شاسی ۰۷۱۴۸۳ و شماره موتور 7702035322D138209 به نام رحمت اله رضوانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی جیپ توسن مدل ۶۶ به شماره انتظامی ۲۹۷ب۵۸ ایران ۶۱ با شماره موتور FX6980 و شماره شاسی PJ415B603248 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت موتورسیکلت بهران تیپ CD ۱۲۵ به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۴۸۹۶یزد ۲۲ به مالکیت علی محمد زارع‌ده‌آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اردکان

دفترچه تمبر مالیاتی به شماره ۳/۵۱۷ زینب باقری وکیل پایه یک دادگستری ش.پ ۱۵۳۸۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی وانت پیکان مدل ۵۹ به شماره پلاک ۵۱-۴۶۲ع۱۸ موتور ۱۵۱۵۹۰۰۰۰۲ و شاسی ۱۱۰۷۶۱۹۱ به نام عطاالله محمدی مفقود و از اعتبار ساقط است. سنندج

سند موتورسیکلت احسان ۱۲۵ به شماره پلاک ۹۶۹۹یزد ۳۴ و با شماره موتور ۲۰۰۶۱۳۱۰۹ و تنه ۸۵۳۱۱۸۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. میبد

اصل فیش به مبلغ سه میلیون ریال به شماره ۳۴۸۰۰۵ به نام سازمان نظام مهندسی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. فیش بنام بهرام پالیزبان می‌باشد.

آگهی مفقودی
اصل سند کمپانی موتورسیکلت به شماره شهربانی ۹۸۷۵-کرمانشاه ۳ مدل ۱۳۸۳ رنگ مشکی سیستم: ترنا تیپ CG ۱۲۵ شماره موتور ۱۲۷۹۴ شماره تنه ۸۳۰۰۲۷۳۴ بنام اینجانب: سید همت علی موسوی دهمرادخانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. صحنه-سمیعیان

برگ سبز خودرو سواری سایپا مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۲۴-۳۳۴ی۳۹ شماره موتور ۴۵۱۲۷۵۳ شاسی S3412290406239 به نام اینجانب اله مراد محمدی گورونی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک کارشناسی ارشد فارغ التحصیلی اینجانب فرهاد نورز اد فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۸۹۵ صادره از کجور در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی به شماره ۹۳۳۰۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران خ آزادی خ اسکندری شمالی خ فرصت شیرازی پلاک ۱۶۰ صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۷۶۸ ارسال نماید.

برگ سبز و کارت خودرو و سند مالکیت مینی‌بوس سیترا به شماره انتظامی ۵۸۳ع۲۷ ایران ۷۹ مفقود گردیده و از اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت سواری پژو روآ به شماره: ۵۱۲ط۴۳ ایران ۲۷ و موتور ۱۱۶۸۷۰۱۵۹۳۲ و شاسی: NAAB21AA8AH012117 به مالکیت: احمد احمدپور آذری مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ کمپانی پژو پارس ۸۴ پلاک ۴۷-۶۱۵د۱۷ شاسی ۱۹۳۱۵۳۹۹ موتور ۱۲۴۸۴۰۹۱۲۴۴ به نام مجید بختیاری‌نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اراک

اینجانب حسین عیاری‌پور مالک وانت پیکان مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید شیری به شماره شهربانی ۵۵۶و۹ - ایران ۴۳ به شماره موتور ۱۱۴۸۹۰۸۳۶۶۹ به شماره شاسی ۱۷۲۴۷۹ بعلت فقدان اسناد فروش و سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در تهران پیکان‌شهر، ساختمان سمند، طبقه اول مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجانب سمیه بهزاد فر مالک خودرو سواری پژو ۴۰۵ به شماره شاسی NAAM11CA19K953129 و شماره موتور ۱۲۴۸۷۱۶۸۱۹۸ و شماره پلاک ۱۳ - ۱۱۵ و ۴۳ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر منطقه‌ای شرکت ایران خودرو واقع در خیابان ارتش، کوچه آرش مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجانب اکرم بارزمان مالک خودرو پژو RD به شماره شهربانی ۵۱۹س۴۹ ایران ۱۱ و شماره موتور ۸۳۱۴۶۲۹۴ به علت فقدان اسناد فروش و سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکسی ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در تهران- پیکان شهر- ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

چون سیدرضا مروتی مالک خودرو کامیون باری فلزی بنز ال‌پی ۳۸/۸۰۸ به شماره موتور ۱۰۱۲۳۴۰۳ مدل ۱۳۷۰ به شماره شاسی ۱۶۴۱۱۹۱۹ به علت فقدان سند تقاضای صدور المثنی نموده است، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران، خیابان آزادی کوچه شهید حبیب زادگان، پلاک یک مراجعه نمایند. اردبیل

چون اینجانب حسین محمودی نسب شاهرخ آبادی مالک خودرو وانت مزدا ۱۶۰۰ رنگ زیتونی متالیک مدل ۱۳۷۲ به شماره شهربانی ۸۴۵ط۲۶ ایران ۶۵ شماره موتور ۲۱۱۴۸۵ شماره شاسی ۷۲۶۰۱۸۸۷ به علت فقدان سند خودروی مذکور تقاضای صدور المثنی سند مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه شخصی (حقیقی یا حقوقی) ادعایی در مورد خودرو و مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به اداره فروش گروه بهمن واقع در تهران-خیابان آزادی-سازمان فروش گروه بهمن مراجعه نماید.
بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرره اقدام خواهد شد.

اینجانب محمد فرهادی مالک خودرو پیکان سواری به شماره شهربانی ۵۷-۷۹۴ب۵۲ و شماره بدنه ۸۱۵۱۷۵۳۲ شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۱۵۵۳۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو و سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. صحنه سمیعیان

کوتاه از چهار گوشه کشور

برگزاری نخستین دوره مسابقات والیبال باشگاه‌های بهنمیر

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس هیات والیبال بهنمیر گفت: نخستین دوره مسابقات والیبال باشگاه‌های بهنمیر با قهرمانی تیم دفتر فنی و مهندسی بهسازان پایان یافت.

حمیدرضا غلامی افزود: در این رقابت‌ها ۱۰ تیم در دو گروه در سالن مرحوم تیرگر به دیدار یکدیگر رفتند که پس از برگزاری مسابقات دور مقدماتی و نیمه نهایی تیم‌های دفتر فنی و مهندسی بهسازان و دهیاری گالشکلا به دیدار نهایی راه یافتند.

به گفته غلامی، در مسابقه رده‌بندی نیز تیم دهیاری کریم کلا با پیروزی ۳ بر صفر در مقابل دهیاری کاله، مقام سوم را از آن خود کرد. رئیس هیات والیبال بهنمیر راه اندازی کانون والیبال پسران و دختران، تشکیل تیم بانوان، تشکیل تیم‌های نوجوان و جوانان پسر بهنمیر برای نخستین بار و شرکت در مسابقات استانی و تعامل با اداره آموزش و پرورش بهنمیر برای استعدادیابی را از جمله فعالیت‌های هیات والیبال بهنمیر اعلام کرد.

برگزاری اردوی آمادگی تیم ملی والیبال نوجوانان در بابلسر

* چهارمین مرحله اردوی آمادگی تیم ملی والیبال نوجوانان برای شرکت در رقابت‌های جهانی مکزیک در بابلسر آغاز شد.

در این اردوی ۱۰ روزه ۱۹ بازیکن زیرنظر ایرج مظفری سرمربی تیم ملی والیبال نوجوانان تمرین می کنند. رحمت‌الله نوری به عنوان کمک مربی و چهار بازیکن از مازندران در اردوی تیم ملی والیبال نوجوانان حضور دارند.

مسابقات والیبال قهرمانی نوجوانان جهان اوایل تیر در مکزیک برگزار می‌شود.

تاسیس ۲ پژوهشکده جدید در دانشگاه صنعتی اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: پژوهشکده‌های حمل و نقل و برق و الکترونیک هوانوردی (اویونیک) در دانشگاه صنعتی اصفهان تاسیس خواهد شد و شماره پژوهشکده‌های این دانشگاه به هشت پژوهشکده افزایش می یابد.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه صنعتی اصفهان با بیان اینکه این دو پژوهشکده جدید براساس موافقت اصولی شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تاسیس خواهد شد افزود: پژوهشکده حمل و نقل دانشگاه صنعتی اصفهان شامل سه گروه پژوهشی زیرساخت‌های حمل و نقل، گروه پژوهشی وسایل حمل و نقل و گروه پژوهشی برنامه‌ریزی سامانه‌های حمل و نقل است. منوچهر حیدرپور به تاسیس پژوهشکده برق و الکترونیک هوانوردی (اویونیک) برای نخستین بار در کشور اشاره کرد و افزود: این پژوهشکده با سه گروه پژوهشی سامانه‌ها و آزمون گرها، تلفیق و یکپارچه سازی و شبیه ساز و صلاحیت پرواز در این دانشگاه در حال ساخت است.

تغییر ساعت کاری موزه‌های آذربایجان شرقی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی از تغییر ساعت کاری موزه‌ها، بناها، محوطه‌ها و اماکن فرهنگی ـ تاریخی این استان در نیمه نخست امسال خبر داد.

تراب محمدی افزود: این اماکن همه روزه از ساعت ۹ تا ۱۹/۳۰، به جز روزهای سوگواری و تعطیلات رسمی پذیرای علاقه‌مندان و گردشگران هستند.

وی تاکید کرد: موزه داران موظفند تا زمانی که گردشگران و بازدیدکنندگان در این مکان‌ها حاضرند حتی با پایان زمان مقرر، از بازدید آنان ممانعت نکنند.

او با اشاره به استقبال بسیار خوب گردشگران و بازدیدکنندگان از موزه‌های آذربایجان شرقی در نوروز ۹۲ گفت: موزه آذربایجان یکی از مهمترین و قدیمی ترین موزه‌های کشور است که نوروز امسال نیز مانند اغلب موارد بیشترین آمار بازدید کننده را به خود اختصاص داد.

وی یادآور شد: علاوه بر موزه‌های شاخص تبریز مانند سنجش، قاجار، محرم، قرآن و کتابت و مشروطه و سایت موزه عصر آهن، تقریبا در تمام شهرستان‌های آذربایجان شرقی موزه‌هایی دایر هستند که از آن میان می توان به موزه «ادب و عرفان» اهر، «ایلخانی» مراغه، «صفوی» بناب، «مردم شناسی» جنوب سهند و «عشایر آذربایجان» سراب به عنوان شاخص ترین آنها اشاره کرد.

تبریز، میزبان دانشمندان و هنرمندان نامی جهان اسلام

* تبریز میزبان هنرمندان و دانشمندان به نام جهان اسلام خواهد بود.

دومین کنگره بین‌المللی هنرهای اسلامی و صنایع دستی جهان اسلام با عنوان رسمی ویژگی‌ها و دستاوردهای فرهنگی و اقتصادی و صنایع دستی اسلامی ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت در تبریز برگزار می‌شود.

انتظار می‌رود حضور بیش از ۵۰ هنرمند و دانشمند به نام جهان اسلام در شهر تبریز تأثیر بسزایی در ارتقای سطح دیپلماتیک و بین‌المللی این شهر داشته باشد.

ایجاد شهرک صنایع دستی در اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: شهرک صنایع دستی در آینده‌ای نزدیک در اردبیل ایجاد می‌شود.

علیرضا دباغ عبداللهی سرپرست معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی استان اردبیل با بیان مطلب بالا در نشست با مسئولان شهرک‌های صنعتی در اردبیل افزود: این شهرک در محل تعیین شده شهرک صنعتی شماره ۱ اردبیل برای ساخت کارگاه‌های صنایع دستی ایجاد می‌شود.

وی هدف از ایجاد این شهرک را محل تولید متمرکز صنایع دستی، آموزش و رشد صنایع دستی در نقاط مختلف استان با محوریت و مرکزیت این شهرک اعلام کرد.

سرپرست معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی استان اردبیل اعلام کرد: قرار است واگذاری زمین از محل شهرک صنعتی شماره ۱ اردبیل برای ساخت کارگاه‌های صنایع دستی انجام شود تا برای حداقل ۴۰ نفر از صنعتگران فعال در تمام رشته‌ها زمینه‌کار و اشتغال مولد فراهم آید.

او ادامه داد: ما براساس مصوبه دور دوم سفر رئیس جمهوری مبنی بر تأمین محل مناسب برای ایجاد کارگاه‌های صنایع دستی اقدام‌های لازم را انجام می‌دهیم و با همکاری بخش خصوصی و شهرک‌های صنعتی استان زمینه و فرصتی مساعد فراهم می آید تا بتوانیم در یک حرکت مؤثر و کارآمد نسبت به ایجاد این شهرک و جذب مخاطبان و همچنین تولیدکنندگان و فعالان این بخش اقدام لازم را انجام دهیم.

وی افزود: وسعت اولیه واگذاری زمین برای ساخت این کارگاه‌ها و در نهایت شهرک صنایع دستی ۶۰۰۰ مترمربع است که البته قرار است این میزان زمین واگذار شده توسعه پیدا کند.

او از تولید شغل برای حداقل ۲۰۰ نفر به طور مستقیم از این طریق خبرداد و گفت: با این کارگاه‌ها برای ۵۰۰ نفر نیز به صورت غیرمستقیم ایجاد اشتغال می‌شود.

دباغ عبداللهی افزود با رغبت و علاقه‌مندی که از سوی صاحبان صنایع دستی و همچنین هنرهای سنتی در ماه‌های گذشته شاهد بودیم انتظا می‌رود به سرعت عملکردها در این حوزه تقویت شده و یک بستر واقعی برای توسعه دامنه‌دار تولیدات صنایع دستی و ایجاد اشتغال در این حوزه فراهم آید.

وی اشتغال پایدار و توجه به بیمه هنرمندان و صنعتگران را ضروری اعلام کرد و گفت: از دستگاه‌های ذیربط خواسته‌ایم زمین به قیمت دولتی یا حتی رایگان در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند تا ضمن رونق‌بخشی به تولیدات صنایع دستی در کنار آن گردشگری نیز توسعه همه جانبه پیدا کند.

سرپرست معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی استان اردبیل با یادآوری اینکه یکی از ابعاد توسعه همه جانبه مشاغل خانگی و رونق اقتصادی توجه به صنایع دستی و زیرشاخه‌های متنوع آن است، گفت: انتظار می‌رود در این باب امسال یک جهش واقعی را شاهد باشیم و هنرمندان و علاقمندان بیشتری را در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی جذب کنیم.

ایران رئیس جمهوری قانونمدار و برنامه‌محور می خواهد

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: نماینده مردم لنجان گفت: اگر فضای انتخابات به گونه‌ای مدیریت شود که به نفع جامعه باشد قطعاً مردم به صورت جدی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مشارکت خواهند کرد.

مجید منصوری گفت: با واکاوی عملکرد دولت‌های فعلی و گذشته چنین استنباط می‌شود که تا قبل از دولت کارگزاران، موضوعی به اسم خودی و غیرخودی نبود و همه افرادی که در مسیر تحقق اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی حرکت می کردند در دایره نظام قرار می گرفتند اما در دولت اصلاحات، خودی و غیرخودی شکل گرفت و به تدریج موجب حذف اصولگرایان مؤثر از چرخه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور شد و نظام از توانمندی‌های اصولگرایان محروم ماند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس افزود: البته این رویه در دولت احمدی‌نژاد با شدت بیشتری ادامه یافت و این بار اصلاح‌طلبان توانمند و کاردان در همه سطوح مدیریتی از کار برکنار شدند و بدین ترتیب هزینه‌های زیادی بر کشور تحمیل شد؛ در حالی که در ساختار مدیریتی دولت آمریکا، جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها پس از روی کار آمدن، از توانمندی رقیب خود در سطوح مختلف مدیریتی استفاده می کنند و این طور نیست که پس از روی کار آمدن هر یک از این دو جریان، رقیب خانه‌نشین شود.

وی با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری برای حضور همه سلایق سیاسی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: مقام معظم رهبری بهره گیری از همه ظرفیت‌های نظام را مورد تأکید قرار دادند و خواستار حضور همه سلایق سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد شدند. در صورت توجه به این مسأله، حماسه سیاسی شکل خواهد گرفت و کشور از وضع نامناسب فعلی خلاص خواهد شد.

نماینده‌مردم‌لنجان‌تأکیدکرد: امروز ایران رئیس جمهوری قانونمدار و برنامه‌محور می خواهد.

وی افزود: کاندیداها باید با برنامه در رقابت‌های انتخاباتی حضور یابند و اصلاً امروز ایران نیازمند رئیس جمهوری با برنامه و تیم اجرایی قوی است.

گرامیداشت روز بسیج هنرمندان در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: هنرمندان بسیجی کرمان توانمندی‌های بسیاری دارند.

رئیس سازمان بسیج هنرمندان استان کرمان که در همایش سالروز شهادت شهید آوینی و روز بسیج هنرمندان سخن می گفت، افزود: رسالت این هنرمندان نشأت گرفته از روح شهادت‌طلبی و خلق آثار هنری ارزشی و دینمدار است.

محمدرضا احمدی با اشاره به موفقیت‌های ملی و استانی هنرمندان بسیجی کرمان اعلام کرد: سازمان بسیج هنرمندان استان کرمان امسال برگزاری سه جشنواره شعر، فیلم و عکس را در برنامه دارد. وی همچنین از برگزاری دوره‌های آموزشی برای هنرمندان بسیجی استان خبر داد و گفت: این سازمان برای اعزام استادان به مناطق مختلف استان آمادگی دارد.

در این آیین محمدحسین صفارهرندی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نامگذاری سالروز شهادت شهید آوینی با عنوان روز هنر انقلاب اسلامی را راهبر، محرک و جریان‌ساز دانست و افزود: مسیری که نظام جمهوری اسلامی طی می کند مسیر رو به رشد و تعالی است.

وی یادآور شد: انقلاب اسلامی ریشه فرهنگی دارد و بر تاریخی تکیه کرده که برجسته‌ترین فرازهایش همان فرازهای ترسیم شده توسط هنرمندان، شاعران و ادیبان است.

صفارهرندی هنرمندان بسیجی را قله‌نشین عرصه هنر قلمداد کرد و گفت: حماسه فرهنگی ما با قله‌نشینی هنرمندان بسیجی محقق می‌شود و اگر بتوانیم این تفکر را به صورت منطقی محقق کنیم حماسه فرهنگی خلق می‌شود وی با تأکید بر اینکه تسلیم در برابر خواست دشمن حماسه نیست، افزود: هنرمند باید بتواند به گونه‌ای نگاه حماسی که شور و شعور دارد را به نسل جوان منتقل کند.

وی از انتخابات به عنوان مصداق حماسه سیاسی یاد کرد و گفت: دشمن قصد دارد در انتخابات ایران افرادی را که شعارشان به شعارهای تسلیم‌طلبانه نزدیک است بیشتر جلوه کنند. او افزود: زمانی که دشمن در انتخابات ایران موفق نشود چاره‌ای ندارد که ایران را به عنوان یک قدرت هسته‌ای، تأثیرگذار و جریانساز به رسمیت بشناسد.

تبریز و غزه خواهر خوانده شدند

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: قرارداد خواهرخواندگی شهر «تبریز» ایران با «غزه» فلسطین به امضای شهرداران دو شهر رسید. شهردار تبریز با اعلام این خبر، گفت: تبریز به عنوان شهری سه هزار و پانصد ساله در اغلب نقاط و کشورهای جهان شناخته شده است و مدیریت شهری آن تلاش می کند تا به منظور بسط و گسترش تعاملات و ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تبریز با شهرهای جهان، نسبت به عقد تفاهمنامه و قراردادهای خواهرخواندگی اقدام کند که در این راستا و در سال‌های اخیر نسبت به نهایی کردن خواهرخواندگی تبریز با شهرهای «استانبول» ترکیه، «قازان» تاتارستان، «باکو» جمهوری آذربایجان، «هامبورگ» آلمان و «غزه» فلسطین اقدام‌هایی انجام شده است.

علیرضا نوین افزود: موضوع خواهرخواندگی «تبریز» با «غزه» به‌دنبال حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به این منطقه از سوی شورای اسلامی شهر تبریز مورد تأکید و تصویب قرار گرفت و مقدمات خواهرخواندگی تبریز به عنوان نخستین پایتخت جهان تشیع و شهر «غزه» به عنوان نماد مقاومت و ایثار و پایداری همزمان با جنگ دوم غزه با اسرائیل در سال گذشته در دستور کار قرار گرفت. وی این اقدام شورای اسلامی شهر و شهرداری تبریز را در راستای زمینه‌سازی مناسب و گسترده برای توسعه روابط و همکاری‌های دوجانبه و کمک به بازسازی غزه ارزیابی کرد و گفت: غزه تنها شهری است که خواهرخواندگی‌اش با شهر تبریز، این دژ ستبر مقاومت و آزادیخواهی ایران اسلامی در سده‌های اخیر چندی پیش اعلان رسمی و جهانی شد تا مردم جهان بدانند که «تبریز» ایران، در کنار ملت مقاوم و مبارز غزه است و تا احیای دوباره این شهر و تا همیشه تاریخ در کنار غزه خواهد بود.

به گفته نوین تبریز تلاش برای تبادل اطلاعات، تجربیات و سایر همکاری‌ها در حوزه‌های عمرانی، شهرسازی، حمل و نقل، توسعه شهری، خدمات شهری، خدمات فنی و مهندسی، تأسیسات و فضای سبز، مرمت و حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی، مبادله هیأت‌های کارشناسی، توسعه زیرساخت‌های گردشگری دوجانبه و تبادل گردشگر، گسترش مناسبات فرهنگی و ورزشی، همکاری‌های سرمایه‌گذاری، توسعه روابط اقتصادی، برپایی نمایشگاه‌ها و هفته‌های فرهنگی و مشارکت در بازسازی غزه از جمله مفاد مورد تفاهم در قرارداد خواهرخواندگی تبریز با غزه به شمار می‌رود. شهردار تبریز همچنین از اعزام کاروان دوستی تبریز به غزه برای اعلام حمایت مجدد مردم و مسئولان این شهر با ملت دربند غزه و نیز بررسی راه‌های کمک تبریز به بازسازی این شهر خبرداد. شهردار غزه نیز در این باره گفت: اعلام خواهرخواندگی شهر تبریز در بحبوحه جنگ با رژیم صهیونیستی مایه قوت قلب مردم غزه شد.

رفیق سالم مکی در حاشیه امضا و مبادله قرارداد خواهرخواندگی این دو شهر، افزود: بی تردید بدون حمایت‌ها و کمک‌های مردم ایران، امکان موفقیت و پیروزی ما در جنگ با رژیم صهیونیستی میسر نمی‌شد و ما با تکیه بر سلاح ایمان و نیز حمایت‌های ایران اسلامی از این آزمون سخت، سربلند بیرون آمدیم.

شهردار غزه در بخش دیگری از سخنان خود از تبریز به عنوان شهری تاریخی، زیبا و تمیز یاد کرد و گفت: شهرهای تبریز و غزه از دیرباز و به واسطه قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، روابط تجاری و اقتصادی محکمی داشته‌اند و امضای تفاهمنامه خواهرخواندگی در تحکیم این روابط موثر خواهد بود.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

عدم نظافت کافی خیابان بوستان نهم پاسداران

از ساکنان خیابان پاسداران، خیابان بوستان نهم هستم. با این‌که در این خیابان ۳ بیمارستان، ۲ درمانگاه، ۳ دبیرستان و یک حوزه علمیه فعالند، نسبت به نظافت آن ازسوی شهرداری منطقه ٤ اقدامات لازم صورت نمی‌گیرد و دیدن باغچه‌های کثیف و جوی‌های پر از لجن، مشمئزکننده است. بخصوص آن‌که اغلب مراجعان به مراکز یادشده زباله‌هایشان را به جوی‌های آب و پیاده‌روها می‌ریزند و محیط‌زیست ساکنان خیابان را آلوده می‌کنند.

خانم وکیلی

چرا مجوز ساخت فیلم کوروش بزرگ را نمی‌دهند؟

حدود ۲ سال پیش که دولت محترم امکان نمایش منشور کوروش بزرگ در کشورمان را فراهم ساخت، گفته شد که آقای مسعود جعفری جوزانی کارگردان سینما از زندگی او فیلم می‌سازد، اما متأسفانه هنوز مجوز ساخت این فیلم صادر نشده و این درحالی است که دشمنان انقلاب اسلامی و ایرانیان در خارج از کشور علیه تاریخ و فرهنگ ما فیلم‌های متعددی ساخته‌اند و به نمایش گذاشته‌اند. جای شگفتی است حتی در اکثر تقویم کشورمان یادی از کوروش بزرگ به عنوان پایه‌گذار حقوق بشر جهانی نشده است و مسئولان ذی‌ربط به عنوان ایرانی، از صدور مجوز ساخت فیلم درباره کوروش خودداری می‌کنند.

تاکستان ـ خسرو رحمانی، معلم

مصرف بیهوده برق در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)!

چندی پیش سفری از هلند به ایران داشتم و برای صرفه‌جویی در هزینه‌های سفر به جای پرواز مستقیم به تهران، بلیت دوسرهٔ هلند ـ ترکیه ـ ایران را خریدم و در توقفی در استانبول از دیدن سالن‌های نیمه‌تاریک فرودگاه این شهر متعجب شدم و دانستم که دلیل آن صرفه‌جویی در مصرف برق است. اما هنگام ورود به فرودگاه بین المللی امام خمینی(ره) از مصرف بیهوده برق برای روشنایی سالن‌های فرودگاه و جاده منتهی به آن متعجب شدم. حال آن‌که با کارهایی مانند صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌توان هزینه‌های اداره فرودگاه‌ها را کاهش داد و به تعدیل قیمت بلیت هواپیماها نیز کمک کرد.

دکتر محمد شهبازی

این کلمات دلم را به درد می‌آورد

فرزندان ناشنوا دارم و به عنوان خواننده روزنامه اطلاعات، هر وقت در شرح جدول‌های این روزنامه، به کلمات کر و لال برمی‌خورم، به شدت ناراحت می‌شوم و دلم به درد می‌آید. آیا کلمات قحطی است که طراح در شرح جدول‌های روزنامه از کلمات کر و لال اینهمه استفاده می‌کند و اصولاً به کار بردن کلماتی که احساس خوانندگان روزنامه را جریحه‌دار می‌سازد، ضرورت دارد؟

مادر کودکان ناشنوا

آپارتمان خطرساز در منطقه ۱۰ شهرداری!

در خیابان قزوین، هفت‌چنار، کوچهٔ شهید نوروزی، بن‌بست قدمی آپارتمان ٤ طبقهٔ ۸ واحدی با نمای تمام سنگ ساخته شده است. در طول دو ـ سه ماه اخیر درحالی‌که هنوز بیش از یکسال از ساخت آن سپری نشده است، دو بار در طول روز سنگ‌های ساخته شده از بالا به پائین افتاده که یکبار آن به سقف خودروی من فرود آمده و خسارت فراوانی به آن وارد کرده است. چنانچه شهرداری منطقه ۱۰ دستور سریع برای ترمیم این ساختمان ندهد، احتمال بسیار می‌رود حادثه تلخی به وقوع بپیوندد.

صابر ـ از ساکنین محل

پایین‌تر آمدن قدرت خرید کارمندان و کارگران

وقتی نرخ تورم را ۳۱/۵ درصد و افزایش احتمالی حقوق‌ها را ۲۵ درصد اعلام می‌کنند، از نظر اقتصادی بجز پایین‌تر آمدن قدرت خرید مردم چه معنای دیگری دارد؟ وقتی روزنامه‌ها می‌نویسند که بیش از ۸۰۰ نفر به بانک‌ها بدهی‌های کلان مالی دارند و آن‌ها را نمی‌پردازند، چگونه می‌توان از کارگران و کارمندان انتظار داشت با ٤۸۹ هزار تومان حداقل حقوق ماهانه زندگی کنند؟

شهروند تهرانی

مجتمع بنزین‌سازی پالایشگاه اصفهان ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: مجتمع بنزین‌سازی پالایشگاه اصفهان اردیبهشت امسال به بهره‌برداری می‌رسد و ظرفیت تولید روزانه بنزین این شرکت با ۳ میلیون لیتر افزایش به ۱۲میلیون لیتر خواهد رسید.

معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در بازدید از مجتمع بنزین‌سازی پالایشگاه اصفهان گفت: این طرح از طرح‌های مهر ماندگار است که با حضور رئیس‌جمهوری اواخر اردیبهشت امسال به بهره‌برداری می‌رسد. علیرضا ضیغمی افزود: در سالی که به نام حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نامگذاری شده است، این طرح مهم به نتیجه می‌رسد و امیدواریم دیگر طرح‌های مربوط به بهبود و بهینه‌سازی فرآیند پالایشگاه اصفهان که با هدف زیست‌محیطی مبنی بر ارتقای کیفیت محصولات و کاهش خوراک این واحد صنعتی تعریف شده است، به طور جدی دنبال شود. او افزود: مجتمع بنزین‌سازی که گام اول در جهت اجرای بهینه‌سازی پالایشگاه اصفهان محسوب می‌شود، در راستای بهبود وضع زیست‌محیطی و افزایش تولید بنزین و ارتقای کیفیت محصولات پالایشگاه تا سطح استانداردهای جهانی اجرا می‌شود. ضیغمی با اشاره به اینکه طرح بنزین‌سازی پالایشگاه اصفهان متشکل از سه واحد تصفیه هیدروژنی نفتا (NHT)، واحد تبدیل کاتالیستی با احیای مداوم (CCR) و واحد آیزومریزاسیون (ISO) است، گفت: واحد تصفیه هیدروژنی نفتا (NHT) با ظرفیت ۶۰ هزار بشکه در روز تکمیل شده و تحویل بهره‌بردار قرار گرفته و واحد تبدیل کاتالیستی با احیای مداوم (CCR) با ظرفیت ۳۰هزار بشکه در روز ۹۵ درصد و همچنین واحد آیزومریزاسیون (ISO) با ظرفیت ۲۷ هزار بشکه در روز تاکنون ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. او با بیان اینکه با بهره‌برداری از مجتمع بنزین‌سازی پالایشگاه، تولید بنزین این شرکت از ۹ میلیون لیتر به ۱۲ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد اضافه کرد: کیفیت بنزین تولیدی نیز به عدد اکتان (درجه آرام‌سوزی) ۹۸ و ۸۷ ارتقا می‌یابد.

معاون وزیر نفت، هزینه پیش‌بینی‌شده برای اجرای این طرح را ۴۷۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: از این میزان تاکنون ۴۰۰۰ میلیارد ریال هزینه شده است که بقیه صرف تکمیل برخی واحدها و تأمین مواد شیمیایی از جمله کاتالیست‌ها می‌شود. به گفته ضیغمی با اجرای این طرح، استاندارد بنزین پالایشگاه اصفهان تا حد استانداردهای اروپا ارتقا می‌یابد و پالایشگاه نیز در زمینه مواد اکتان‌افزا به خودکفایی می‌رسد. شرکت پالایش نفت اصفهان ۲۳ درصد از فرآورده‌های نفتی مورد نیاز کشور را تولید می‌کند.

اختصاص ۹۲ هکتار زمین برای ساخت پیست‌های موتورسواری و اتومبیلرانی در آذربایجان‌شرقی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: ۹۲هکتار از اراضی آذربایجان‌شرقی به‌ساخت پیست‌های موتورسواری و اتومبیلرانی اختصاص می‌یابد.

معاون امور ورزشی اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان‌شرقی با اعلام این خبر، گفت: در نخستین گام ۱۲ هکتار از اراضی مجموعه بزرگ ورزشی یادگار امام تبریز برای ساخت پیست‌های موتورسواری و اتومبیلرانی آسفالت و خاکی اختصاص یافته که به زودی طرح جامع آن در این مجموعه گنجانده می‌شود.

اکبر فرج‌اللهی تأمین زیرساخت‌های رشته‌های موتورسواری کراس و پیست و اتومبیلرانی پیست را یکی از نیازهای مهم این رشته در آذربایجان‌شرقی دانست و اعلام کرد: با همکاری شهرداری تبریز ۵۰ هکتار از اراضی فاز ۲ ائل گلی تبریز برای این رشته اختصاص یافته است که به زودی عملیات اجرایی آن آغاز می‌شود.

وی درباره بخش گردشگری و توانمندی‌های صنعتی استان، گفت: ۱۲فروردین منطقه آزاد تجاری ارس میزبان دو دوره رقابت‌های موتورسواری و اتومبیلرانی بود که در جریان این رقابت‌ها مقرر شد اقدام‌های لازم برای ساخت پیست بین‌المللی در این منطقه انجام شود.

به گفته فرج‌اللهی مهمترین هدف اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان‌شرقی ارتقای جایگاه این رشته در کشور است.

امام جمعه کرمانشاه: هنر جزو خصلت و ذات انسان است

کرمانشاه ـ خبرنگار اطلاعات: هنر جزو خصلت و ذات انسان است. بنابراین هنرمندان اثرگذاری و نقش مهمی در جامعه دارند و این معجزه هنر است. آیت‌الله مصطفی علما نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه کرمانشاه در دیدار با هنرمندان حوزه هنری با بیان مطلب بالا، افزود: هنر زیبایی‌های هستی را به زیباترین شکل ممکن متجلی می‌کند.

او با بیان این که بسیاری از مسائل اجتماعی را می‌توان با زبان هنر بهتر پیاده کرد، افزود: گاهی یک شعر، مقاله یا اثر هنری می‌تواند چنان اثرگذار باشد که خطبه و منبر و سخنرانی به هیچ‌وجه نمی‌تواند جای آنها را بگیرد.

امام جمعه کرمانشاه گفت: هنر نشات گرفته از درون انسان است و وظیفه‌اصلی انسان‌ها به‌ظهوررساندن هنر است، بدین معنا که با انتخاب یک رشته هنری ذوق آدمی به سوی آن هنر گرایش می‌یابد. آیت‌الله علما ادامه داد: آفرینش و حقیقت خلقت آدمی توام با هنر است و از این حیث درون و باطن انسان و هر چه که در عالم هست، منشا هنر است. وی افزود: شعر نیز یکی از زیباترین جلوه‌های هنر است و شعرا هنرنمایی‌های خداوند را در وجود انسان تفسیر می‌کنند.

امام جمعه کرمانشاه رمز ماندگاری اشعار شاعران بزرگی چون حافظ، مولانا و سعدی را توام کردن هنر با معنویت دانست و گفت: گرچه از زمان حافظ و مولانا هنرمندان بسیاری آمده‌اند اما این که چرا تاکنون کسی نتوانسته است جای چنین شاعرانی را بگیرد، رمز و رازی دارد به وسعت دیدگاه‌هایی از جنس معنویت.

او ادامه داد: هنر در اسلام غالباً با عرفان توام شده است و به جرات می‌توان گفت که این هنر در فهرست زیباترین نوع هنرها قرار خواهد گرفت. امام جمعه کرمانشاه ادامه داد: بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با هنر و لطافت زبان و درون توانسته نقش موثری در به ثمر رساندن این انقلاب داشته باشد.

او همچنین خواستار توجه بیشتر هنرمندان به پتانسیل‌های خاص استان کرمانشاه شد و گفت: کرمانشاه در ابعاد مختلف پتانسیل‌های زیادی دارد و این‌ها تنها با زبان هنر قابلیت معرفی خواهند داشت. عباس سروری رئیس حوزه هنری کرمانشاه نیز گفت: هنر در زمان‌های گذشته به طور خاص در اختیار خواص بود و به هیچ وجه چهره مردمی نداشت، این در حالی است که با شروع به کار حوزه هنری همه قشرهای جامعه توانسته‌اند در عرصه هنر حضور فعال داشته باشند.

وی افزود: لزوم ظهور و بروز هنر با مفاهیم ارزشی و انقلابی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. سروری به جهانی شدن سایت گفتمان انقلاب اشاره کرد و گفت، هنرمندان و به خصوص هنرمندان کرمانشاهی آثار خود را در این سایت قرار دهند و از این طریق نسبت به شناساندن خود گام بردارند.

بهره‌برداری از میدان فاطمیه(س) شهرضا با نماد بیت‌الاحزان

شهرضا ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره(س) طی آیینی میدان فاطمیه شهرضا با حضور جمعی از عزاداران حضرت زهرا(س) و مسئولین این شهرستان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در این مراسم مهندس شهریار خان‌احمدی شهردار شهرضا در سخنانی گفت: میدان فاطمیه(س) شهرضا که با نماد بیت‌الاحزان ساخته شده است از مهمترین طرح‌هایی به شمار می‌رود که در راستای تقویت معماری شهری مبتنی بر فرهنگ مذهبی در این شهرستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد وی تاکید کرد: نصب نمادهای مذهبی در میادین شهرضا مصداق تحقق شهر اسلامی است.

خان‌احمدی با اشاره به نصب نمادهای مذهبی در سطح میادین مختلف شهرضا با محوریت تحقق شهر اسلامی از یک سال پیش در این شهر اظهار داشت: یکی از مهمترین دغدغه‌های مجموعه مسئولین کشور، اعمال معیارهای اسلامی در زمینه معماری شهری و زیباسازی فضای شهرها مبتنی بر نمادهای مذهبی است.

وی نصب نمادهای متناسب با میادین مختلف را از دیگر فعالیت‌های انجام گرفته ذکر کرد و افزود: براساس تعامل و همکاری هیأت‌های مختلف مذهبی شهرضا تاکنون زمینه اجرای این امر مهم به شکل شایسته اجرایی شده است.

خان‌احمدی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اهتمام ویژه شهرداری شهرضا در زمینه نامگذاری معابر مختلف شهری به نام ائمه(ع) گفت: براین اساس در طول یک سال گذشته چهارراه‌های سجادیه(ع)، علی اصغر(ع)، علی اکبر(ع)، میدان فاطمیه(س)، خیابان علی‌بن ابیطالب(ع) و نصب نماد مشک در میدان تاسوعای شهرضا براساس این هدف متعالی اجرایی شده است.

قدردانی از فعالان عرصه سلامت در آذربایجان غربی

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: از خیرین و فعالان عرصه سلامت آذربایجان غربی در آخرین روز از هفته سلامت در ارومیه قدردانی شد.

وحید جلال‌زاده استاندار آذربایجان غربی در این مراسم، گفت: استانداری این آمادگی را دارد هر نوع نیاز اعتباری و بودجه‌ای دانشگاه را برای خرید تجهیزات پزشکی استان تامین کند.

وی افزود: مراکز پزشکی دانشگاه نباید به گونه‌ای باشد که بیماران برای گرفتن خدمات بین شهرها جابه‌جا شوند.

او اضافه کرد: آغاز اجرای طرح پزشک خانواده در ارومیه و تبدیل شدن دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و ارتقای آن به تیپ ۱ تا پایان ماه جاری وعده‌های خوشی بود که از زبان استاندار آذربایجان غربی مطرح شد.

دکتر کورش ساکی رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی آذربایجان غربی هم در این جلسه با قدردانی از خیرین و فعالان عرصه سلامت گفت: امروزه بیش از ۶۲ درصد سکته‌های مغزی و ۵۰ درصد سکته‌های قلبی ناشی از فشار خون بالا است.

وی با اشاره به تغییر سبک زندگی که تغذیه ناسالم ـ فعالیت بدنی کم، عادت‌های بد غذایی، نمک، الکل، دخانیات و مهمتر از همه تنش‌های روحی و روانی ناشی از زندگی ماشینی گفت: این عوامل سبب افزایش فشار خون می‌شود. وی ادامه داد: با توجه به اینکه در بسیاری از موارد فشارخون بالا بدون علامت است باید به صورت منظم فشارخون خود را کنترل کنیم. در این مراسم به طور همزمان پایگاه‌های اورژانس جاده‌ای نالوس اشنویه، نلاس سردشت، کوپر پیرانشهر مرکز فوریت‌های پزشکی قولنجی ارومیه و مرکز پیام بوکان افتتاح شد.

اخبار کوتاه شهرستان

برگزاری همایش «قومیت و فرهنگ ایرانی ـ اسلامی» در تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: همایش قومیت و فرهنگ ایرانی ـ اسلامی ۲۲ مهر در تبریز برگزار می‌شود.

قومیت در اندیشه علما و بزرگان دینی، مهندسی فرهنگی، اقوام و ادیان، آسیب‌شناسی سیاست‌های قومی در عصر جهانی شدن، ارزش‌های دینی، ملی و قومیت، فرایند جامعه‌پذیری و قومیت، دانشجو، دانشگاه و قومیت، هویت ملی و هویت قومی در عصر جهانی شدن، سیاست‌های مدیریت تنوع قومی، قومیت و توسعه، مسأله قومیت و تعلیم و تربیت، تنوع قومی فرصت یا تهدید، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مسأله قومیت، جهانی رسانه‌ها، بحران‌های نوین، ساماندهی فرهنگی و همبستگی اجتماعی از مهم‌ترین محورهای این همایش است.

علاقه‌مندان به شرکت در این همایش می‌توانند چکیده مقالات خود را تا ۳۰ خرداد و متن کامل مقالات خود را تا ۲۰ مرداد امسال به دبیرخانه این همایش به نشانی hgfi@azaruniv.edu ارسال کنند.

برپایی اولین دوره نمایشگاه گل و گیاه و صنایع وابسته در گرگان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: اولین دوره نمایشگاه گل و گیاه و صنایع وابسته با حضور تولیدکنندگان از ۲۶ تا ۳۰فروردین در گرگان برگزار می‌شود.

موسی‌الرضا صفری، مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری گرگان با اعلام این خبر افزود: هدف از برگزاری این نمایشگاه ارتقای سطح نشاط و شادابی میان شهروندان و حمایت از تولیدکنندگان است.

وی ادامه داد: همچنین برگزاری این نمایشگاه‌ها باعث ایجاد رقابتی سالم برای ارتقای سطح کیفی تولید و جلب مشارکت مردمی در افزایش سرانه فضای سبز خواهد شد.

صفری افزود: این سازمان در حاشیه نمایشگاه اقدام به برگزاری آموزش کاشت گل و گیاه برای شهروندان هم می‌کند.

آغاز عملیات فاز نخست جنگلکاری حاشیه جاده هیر ـ اردبیل

اردبیل – خبرنگار اطلاعات: عملیات فاز ۱ جنگلکاری حاشیه جاده هیر به اردبیل باکاشت ۲۳۰۰اصله نهال آغاز شد.

علی حضرتی رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان اردبیل با بیان این مطلب، افزود: طرح توسعه درختکاری درحاشیه جاده‌های شهرستان یکی از اولویت‌های کاری این اداره بوده ودر همین راستا امسال توسعه درختکاری در جاده‌های شهرستان از جمله اردبیل به نمین و اردبیل به سرعین و الماس در مساحت ۱۰ هکتار انجام می‌شود.

وی درختان کاشته شده دراین طرح راغالباً ازگونه‌های ون، افرا، سرو وکاج وسایر گونه‌ها اعلام کرد و گفت: یکی ازنیازهای اصلی استان اردبیل توجه به توسعه فضای سبز و درختکاری است که باید مورد توجه مسئولان امر قرار بگیرد.

برگزاری یادواره رزمندگان (متوفی) در بهبهان

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین یادواره ۳۰۴ نفر از مجاهدین و رزمندگان (متوفی) دوران دفاع مقدس با حضور خانواده‌های (متوفیان) رزمنده، فرماندار بهبهان، فرماندهان نظامی، انتظامی و جمعی از مسئولان محلی در سالن حسینیه حضرت ابوالفضل العباس(ع) برگزار شد.

در این مراسم سردار مواساتی فرمانده تیپ تکاور امام حسن مجتبی(ع) گفت: خداوند در آیات قرآن بیشتر در رابطه با جهاد و مجاهده بودن تاکید دارد، شهید قبل از اینکه شهید شود مجاهد بوده که به شهادت می‌رسد او افزود: امروز که مراسم بزرگداشت این عزیزان را برگزار کردیم انتظار داریم مسئولان نظام همه باید نهایت احترام را به رزمندگان و خانواده‌های آنان داشته باشند.

این مراسم که با نوحه‌سرایی مداحان اهل‌بیت(ع) ادامه داشت یاد شهیدان گرامی داشته شد. در پایان این مراسم با اهدای لوح یادبود از خانواده‌های رزمندگان (متوفی) قدردانی به عمل آمد.

نرخ انواع برنج در مازندران اعلام شد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: سازمان جهادکشاورزی مازندران قیمت عمده‌فروشی انواع برنج تولیدی را به تفکیک ارقام محلی و پر محصول در شالیکوبی های استان اعلام کرد.این سازمان قیمت هر کیلوگرم برنج طارم محلی را تا ۵۲ هزار ریال و طارم‌هاشمی را هم ۴۹ تا ۵۱ هزار ریال اعلام کرد. قیمت هر کیلوگرم برنج نوع بی‌نام ۴۶ تا ۴۹ هزار ریال و خزر ۴۴ تا ۴۶ هزار ریال اعلام شده است. سازمان جهادکشاورزی مازندران همچنین نرخ برنج پرمحصول فجر را ۴۵ تا ۴۷ هزار، شیرودی ۴۲ تا ۴۷ هزار، ندا و نعمت را ۳۸ تا ۴۰ هزار ریال در هر کیلوگرم اعلام کرد. برنج رتون (پرورش مجدد ساقه شالی برنج) یا به اصطلاح محلی مازندرانی دونوج در هر کیلوگرم تا ۵۸ هزار ریال خرید و فروش می‌شود.

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همایش روز ملی بزرگداشت عطار:

عطار نیشابوری پیشوای بسیاری از معرفت‌گویان بزرگ ایرانی است

نیشابور – خبرنگار اطلاعات: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: شیخ عطار نیشابوری از بزرگ‌ترین آفرینندگان آثار عرفانی و پیشوای بسیاری از معرفت‌گویان و سخنسرایان بزرگ ایرانی است.

دکتر سیدمحمد حسینی در پیام خود به مناسبت روز ملی بزرگداشت عطار که در فرهنگسرای سیمرغ نیشابور برگزار شد، افزود: مقام او در غزل، پهلو به سعدی و حافظ می زند و مثنوی معنوی مولوی، پرواز را از منطق‌الطیر او آموخت.

وی افزود: او حلقه‌ای زرین در سلسله عارفان ایرانی و شاعران پارسی گوی است و به‌حتم یکی از پایه‌های استوار و بلند کاخ شعر معنوی است.

وی در پیام خود گفته است: باورمندی و شریعت‌گرایی او به حدی است که می توان نام گرانقدرش را در شمار دانشمندان بزرگ جهان اسلام نوشت و به آن مباهات کرد. حسینی تاکید کرد: دلبستگی عطار به علوم دینی و شیفتگی‌اش به معرفت، در تمام آثار و اشعارش پدیدار است؛ چنانکه در «مصیبت نامه» تصریح می کند: علم دین را باید از فقه، تفسیر و حدیث جست.

وی اضافه کرد: این سخن، بدان معنا است که شناخت دین، فقط از رهگذر تأمل در منابع و نصوص دینی ممکن است و آمیختگی و التقاط، ثمری جز سرگشتگی و گمراهی ندارد.

وی افزوده است: به راستی که این همه شریعتمداری در اندیشه‌های شاعری که جهان را از منظر عرفان و ذوق می نگرد، شگفت است. حسینی اضافه کرد: عطار سهم بسیاری در گسترش عرفان در زبان منظوم فارسی دارد.

بدین‌رو است که شیخ محمود شبستری، عارف و شاعر نامی قرن هشتم، شاعری را برای خود عار نمی‌داند، فقط از آن‌رو که نام عطار در میان شاعران به چشم می خورد.

وی یادآور شد: همچنین عطار به مدد زبان توانمند و ساده گوی خود توانست معرفت ذوقی و شهودی را جامه نظم پارسی بپوشاند سپس آن را برای مولوی و حافظ و سعدی و عارفان پس از خود میراث گذارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد: سیرت علمی و عملی او نیز نقش فراوانی در پیراستگی عرفان از افت‌ها و آفت‌ها داشت.

حسینی افزود: او نیز مانند ناصرخسرو، نظم دردری را به پای خوکان نریخت و هرگز شعر شیوا و زبان توانای خود را به مدح ظالمان یا قدح هم روزگاران نیالود. وی اضافه کرد: عطار، برخلاف بسیاری از هم قطارانش، مردم نیشابور را در فتنه مغول تنها نگذاشت و از عهد خود با خدای خویش نگریخت.

برگزاری جشنواره غذای سالم در بندرعباس

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره غذای سالم با هدف ترویج استفاده از غذاهای سالم و متعادل در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان برگزار شد.

دبیر ستادبرگزاری هفته سلامت هرمزگان در حاشیه برگزاری این جشنواره در جمع خبرنگاران با اشاره به توصیه‌هایی به شهروندان در خصوص حفظ سلامتی افزود: بیماری پرفشاری خون یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است.

دکتر فاطمه نوروزیان ادامه داد: در صورت درمان نشدن موجب بروز بیماری‌های قلبی و عروقی که به عنوان دومین عامل مرگ و میر در جهان مطرح است، می‌شود.

وی تأکید کرد: افراد مبتلا به افزایش فشارخون باید میزان مصرف نمک را در رژیم غذایی خود کاهش دهند و از طرفی میزان پتاسیم و کلسیم دریافتی را افزایش دهند.وی افزود: مصرف نمک باعث احتباس آب و مایعات در داخل رگ‌ها شده و درنتیجه حجم خون را افزایش داده و باعث افزایش فشارخون می‌شود.

او با تأکید بر مصرف بیشتر میوه‌ها و سبزی‌ها به دلیل داشتن مقادیر کمتر سدیم گفت: افرادی که رژیم غذایی‌شان را بیشتر سبزی و میوه تشکیل می‌دهد، فشارخون پایین‌تری دارند.

فرمانده نیروی زمینی ارتش در گفتگو با اطلاعات تشریح کرد

نقش محوری ارتش در تشکیل سپاه پاسداران

اشاره: پیوستن بدنه ارتش به انقلاب، اتفاق خلق‌الساعه‌ای نبود و با باورهای دینی بدنه ارتش ارتباط داشت. بدنه ارتش با روحانیت و مردم ارتباط داشت، اعلامیه‌های حضرت امام(ره) را می‌گرفت و در پادگان‌ها تکثیر و توزیع می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم این بدنه سالم ارتش با مجموعه‌ای از تجهیزات و ادوات شامل، توپ، تانک، بالگرد، هواپیما، ناو و ناوچه در خدمت نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت. طبیعی بود که بسیاری از گروه‌های معاند از استقرار نظام جمهوری اسلامی ناراحت شوند.

آنها برای شروع کار بهتر دیدند این نهال نوپا را ساقط کنند، لذا ندای انحلال ارتش را سر دادند. بعضی از افراد هم باورشان شده بود که ما ارتش را می‌خواهیم چکار؟ اما امام(ره) با دوراندیشی و همان ژرف‌نگری خاص خودشان بر همه این توطئه خط بطلان کشیدند و در ۲۸ فروردین ۱۳۵۸ در یک پیام، فردای آن روز را روز ارتش اعلام و به مردم هم تکلیف کردند که از ارتش حمایت و پشتیبانی کنند.

این ها بخشی از گفته‌های امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش با خبرنگار ماست. احمدرضا پوردستان در آبان سال ۱۳۵۹ به استخدام نیروی زمینی ارتش درآمده و مسئولیتهای مختلف فرماندهی را از پایینترین رده تا فرماندهی این نیرو پشت سر گذاشته است.

متن گفتگو با این فرمانده ارتش را می خوانیم:

چرا حضرت امام(ره) پیام تاریخی روز ارتش را صادر فرمودند؟

در کنار همه دلایلی که می‌تواند وجود داشته باشد، گمان می‌کنم که امام(ره) به دو علت روز ارتش را تعیین کردند: یکی این که بدنه ارتش به نظام پیوند خورده بود و این بدنه شامل کسانی بود مثل شهید صیاد شیرازی، شهید نامجو، شهید کلاهدوز، شهید فکوری و... اینها کسانی بودند که در تأسیس سپاه پاسداران نقش داشتند و با حضرت امام(ره) هم ارتباط نزدیکی داشتند و امام(ره) نیز آنان و آن بدنه را کاملاً می‌شناختند و نسبت به کسانی که به عنوان فرمانده و مسئول آمده بودند کاملاً شناخت داشتند. دوم این که ارتش یک سرمایه ملی است و نیرویی است که حافظ کشور است. اگر امام(ره) اعلام می‌کردند که ارتش منحل شود، این همه تجهیزات، هواپیما، بالگرد، ناوچه، توپ و تانک و تجهیزاتی که با صرف میلیاردها دلار از خارج کشور خریداری شده بود، بدون کاربرد باقی می ماند و واقعاً زیان هنگفتی متوجه مملکت می‌شد. امام(ره) با این ژرف‌نگری خاص خودشان برای این که سرمایه‌های ملی کشور حفظ و در جهت منافع نظام به کار گرفته شود، این تدبیر را اتخاذ کردند.

ضد انقلاب این احساس را داشت که ارتش بعد از خروج مستشاران نمی تواند روی پای خود ایستادگی کند. چه عواملی سبب شد که ارتش استقامت و ایستادگی خود را به اثبات برساند؟

این احساس را خود خارجی‌ها هم داشتند. حالا که انقلاب شده است و از کشور بیرون رفته‌اند، سه یا چهار ماه نمی‌گذرد که تجهیزات از کار می‌افتد و مجدداً از آنها دعوت خواهد شد که بیایند و تجهیزات را راه‌اندازی کنند، اما عواملی سبب شد که نیروها دلگرمی پیدا و خودشان را به تجهیزات نزدیک کنند و گام‌های محکمی را برای خودکفایی بردارند. یکی از این دلایل، نفس گرم مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا بود که در آن موقع به عنوان نماینده امام(ره) در شورای عالی دفاع حضور داشتند. آن موقع ایشان امر فرمودند: «این تجهیزات باید راه‌اندازی بشود و شما باید این کار را انجام بدهید.». من احساس می کنم نخستین شخصی که اعتماد به‌نفس را به نیروهای مسلح دادند و دستور ایجاد جهاد خودکفایی در نیروها را صادر کردند، مقام معظم فرماندهی کل قوا بودند. ابتدا افراد ما آمدند و با تعویض قطعه شروع کردند و دل به دریا زدند و قطعاتی مانند موتور هواپیما، بالگرد و تانک را که خراب می‌شد باز کردند و با قطعات موجود در انبار تعویض می‌کردند. با اتمام قطعات موجود در انبار، نهضت قطعه‌سازی شروع شد و با استفاده از ظرفیت‌های کشوری و ظرفیت‌های داخلی ارتش، قطعاتی را که لازم داشتیم تولید کردند. بعد احساس شد که وقتی ما می‌توانیم قطعه را بسازیم، با مونتاژ این قطعات می‌توانیم سلاح بسازیم و نهضت مونتاژ و ساخت سلاح هم در کشور شروع شد و هم اکنون به وضعی رسیدیم که خیلی از سلاح‌هایی که نیروها استفاده می‌کنند، به دست توانای متخصصان داخلی تولید و ساخته می‌شود.

> *پیوستن بدنه ارتش به انقلاب، اتفاق خلق‌الساعه‌ای نبود و با باورهای دینی بدنه ارتش ارتباط داشت

حدود چند ماه بعد از اعلام روز ارتش، جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد. نیروی زمینی چگونه و با چه شرایطی مقابل هجمه وسیع دشمن ایستادگی کرد و چه عواملی در این راستا دخیل بود؟

طرح کلی کشور برای مرزها چنین بود که مرزها تا زمانی که صلح بود حالت انتظامی داشت و دست ژاندارمری بود. زمانی که خطراتی متوجه مرزها میشد، برابر طرح، ارتش یا به قولی نیروی زمینی باید به کمک ژاندارمری می‌رفت. از خرداد یا تیر ۵۹ درگیری‌های مرزی شروع شد و نیروهای مرزبانی عراق با پاسگاه‌های ژاندارمری ما درگیر شدند و این درگیری‌ها سبب شد که نیروهای ارتش بر اساس طرح یاد شده، مرزها را در اختیار بگیرند و در چنین شرایطی پاسگاه‌های ژاندارمری تحت کنترل عملیاتی نیروی زمینی قرار گرفتند. الان هم چنین حالتی است و نیروی انتظامی در مرز تحت کنترل عملیاتی نیروی زمینی انجام وظیفه می کند. از زمانی که درگیری‌ها شروع شد، یگان‌هایی از لشکر ۹۲ و لشکر ۸۱ در مرزها مستقر شدند. زمانی هم دولت دوره خدمت سربازی را یک سال کرد که این موضوع لطمه های خیلی زیادی را به یگان‌های ما وارد کرد و توان نیروی انسانی را خیلی پایین آورد و نقل و انتقالات هم حقیقتاً کمر یگان‌ها را شکسته بود و بدون ضابطه نقل و انتقالات زیادی در یگان‌ها انجام شد.

خدمه تانک و توپ به قسمت‌های دیگر رفته بودند و تجهیزاتی که در پادگان‌ها داشتیم بدون خدمه مانده بود، باید نیروی زمینی مرزها را تحویل می‌گرفت و به شایستگی هم این کار را انجام داد. وقتی درگیری‌ها شدت گرفت و فشار زیاد شد، گردان‌هایی از تیپ ۸۴ و تیپ ۳۷ زرهی به کمک لشکر ۹۲ و ۸۱ رفتند و در مرزها قرار گرفتند. در شهریور ۵۹ که رژیم بعثی عراق هجوم وحشیانه‌اش را آغاز کرد، این نیروها در مقابل او مقاومت جانانه کردند.

آیا نیروی زمینی ارتش آماده نبود که عراق توانست بخشی از مرزهای ما را در روزهای اول جنگ اشغال کند؟

ما باید شرایط یگان‌ها را در آن روزها ترسیم کنیم که یگان‌ها از چه میزان توان رزمی برخوردار بودند و از نظر سلاح، تجهیزات و پتانسیل در چه وضعی قرار داشتند. رژیم بعث عراق با ۱۲ لشکر و حجم وسیعی از تجهیزات و سلاح و پشتوانه عظیمی همچون حمایت کشورهای غربی و شرقی آمده بود که سه روزه تهران را فتح کند، یعنی با این ظرفیت و این پتانسیل قوی تهاجم خودش را به مرزهایمان شروع کرده بود. در مقابل، یگان‌هایی که بدون پشتوانه بودند، به صورت خط پدافندی واحد در برابر او صف‌آرایی کردند، اما باز همین نیروهای محدود در مقابل همین پتانسیل قوی ایستادگی کردند و اجازه پیشروی قابل توجهی را به آنها ندادند و در روزهای دوم و سوم جنگ، ارتش آنها را متوقف کرد و بعد از آن ارتش دشمن تا پایان جنگ هیچ پیشروی‌ای نداشت بلکه یا دفاع می‌کرد یا عقب می‌رفت. در واقع روزهای ... محدود و اندک نیروهای حاضر در مرزها با مقاومت و ایستادگی و دفاع جانانه خود موفق شدند ماشین جنگی عراق را متوقف کنند و اجازه پیشروی به نیروهای متجاوز راندهند. اگر دشمن میتوانست بیشتر از آن پیشروی کند، بیرون راندن در سالهای بعدی جنگ مستلزم عملیاتهای آفندی بیشماری بود.

دشمن پس از گذشت ۳۴ روز توانست خرمشهر را در دست بگیرد، در آن مدت یگان‌هایی مثل لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۵۸، لشکر ۸۴ و لشکر ۹۲ زرهی اهواز چه می کردند برای کمک به مدافعان خرمشهر چه تحرکی داشتند؟

یکی از دلایلی که سبب شد خرمشهر این مدت مقاومت کند و به دست رژیم بعثی عراق نیفتد، علاوه بر نیروهای مقاومی که در شهر بودند، تکاوران نیروی دریایی و نیروهای مقاوم داخل پادگان دژ خرمشهر بودند. یک گردان از دانشگاه افسری وارد خرمشهر شد و یک گردان هم به سمت سوسنگرد رفت. این گردان در کنار مدافعان خرمشهر، تکاوران دریایی و یگان دژ قرار گرفت و آن مقاومت جانانه را از خرمشهر انجام داد. یگان‌های دیگر هم آسوده نبودند، یگان‌هایی از لشکر ۷۷ در گیر غائله گنبد و ترکمن صحرا و تعدادی هم در شمال غرب در کردستان درگیر بودند. تعدادی از یگان‌های این لشکر هم خودشان را به خرمشهر ...

... مقاومت کرده است. مجموعه نیروی زمینی به بهترین شکلی که مقدور بوده در مقابله با دشمن ایستاده است. طرح‌های نیروی زمینی در آن زمان و با توجه به امکانات آن روز و ابزاری که ارتش داشت بهترین طرح‌های موجود بود که مستندات این موضوع را هیأت معارف جنگ هم ارائه داده است و اگر کسی ادعا کند که نیروی زمینی بد یا ضعیف عمل کرد، ادعایی نابخردانه و واهی است. مدارک نشان می‌دهد که ارتشی‌ها به‌بهترین شکل ممکن حضور پیدا کردند و چیزی کم نگذاشتند. این همان ارتشی است که عرض کردم ضربات زیادی را تحمل کرده بود.

چند ماه بعد از این اتفاق عملیات سال دوم جنگ شروع شد؛ عملیات زیبا، موفق و بسیار کلاسیک ثامن الائمه(ع)، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس و بر خلاف گفته‌ها، جنگ کاملاً کلاسیک انجام و اصول جنگ کاملاً رعایت شد. چه عواملی سبب موفقیت‌های این برهه شد؟

وحدتی که بین ارتش و سپاه ایجاد شد یکی از دلایل اصلی موفقیت‌های سال دوم جنگ بود یکی دیگر از عوامل کلیدی این مسأله حرکت شهید صیاد شیرازی بود. ایشان آمدند و دانشگاه جنگ نیروی زمینی را تعطیل و اساتید آن دانشگاه را فراخوان کردند و به مناطق بردند و تأکید کردند که طراحی عملیات‌ها را به عهده بگیرند. سپس عملیات‌های کربلای یک، دو و سه ساماندهی و طراحی شدند. کربلای یک، همان عملیات طریق القدس در منطقه میانی خوزستان بود. کربلای دو، فتح‌المبین، و نهایتاً کربلای سه که بیت‌المقدس بود و منجر به آزادسازی خرمشهر شد. وحدت ارتش و سپاه و حضور طراحان عملیات سبب شد که ما شاهد پیروزی‌های عظیمی در سال دوم جنگ باشیم. این عوامل مهمی است که می‌شود مطرح کرد. سال اول جنگ بیشتر اقدامات ما عکس‌العملی بود و ما طراحی درستی برای عملیات عمده نداشتیم و بیشتر نگاه می‌کردیم که دشمن می‌خواهد چه بکند و ما در مقابل او پدافند کنیم. کارهای ما بازتابی از حرکت‌های دشمن بود تا این که ما توانستیم دشمن را متوقف کنیم. البته در خلال این، یکسری عملیات کوچک و گشتی‌هایی در حد گردان و گروهان ساماندهی شد و این اعتماد به نفس در نیروهای ما به وجود آمد که ما هم می‌توانیم عملیات بزرگی را ساماندهی و اجرا کنیم و در سال دوم جنگ این ذهنیت برای نیروهای ما پیش آمد.

ارتش چه نقشی در تأسیس، پشتیبانی و تدارک سپاه داشت؟

از همان ابتدای تأسیس سپاه و حتی بسیج، خاطرم هست در دوران انقلاب، ما هم در کنار مردم در تظاهرات شرکت داشتیم و با پیروزی انقلاب ما هم آمدیم و هسته‌های مقاومت را در مساجد تشکیل دادیم و شب‌ها نگهبانی می‌دادیم و بعدها که کمی کلاس کار بالاتر رفت، درجه‌دارانی از لشکر ۹۲ آمدند و به ما آموزش سلاح M1 را دادند و تیم‌های ۲۲ نفره تشکیل دادیم. من آموزش نظامی خودم در بسیج را مدیون بچه‌های لشکر ۹۲ هستم. در رده بالاتر، دوستان ارتشی ما در تشکیل سپاه نقش دارند. شهید کلاهدوز سروان زرهی نیروی زمینی بود و از کسانی است که در تأسیس سپاه نقش داشت و عمده آموزش‌های برادران سپاهی ما در ارتش انجام می‌گرفت. خاطرم هست در مرکز پیاده خیلی از دوستان ما در ابتدای انقلاب و خیلی از دوستان سپاه در همین کمیته هوابرد آموزش دیدند و هسته‌های اصلی یگان‌ها، تیپ‌ها و لشکرهای سپاه را تشکیل دادند.

این است که می‌توانیم بگوئیم در شکل گیری سپاه پاسداران، ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی و محوری داشت و در جنگ هم با همدیگر همراهی کردند و خود دوستان و برادران سپاهی ما ارتش را برادر بزرگ‌تر می‌دانند و خطابی که ما در جلسات داریم، این است که ارتش را برادر بزرگ‌تر می‌دانند.

در زمینه استفاده از رسانه در جنگ روانی چه کرده‌ایم؟

ما در رابطه با تبلیغات روانی حرکت عمده‌ای نداشتیم. تبلیغات جنگ با ستاد تبلیغات جبهه و جنگ بود که عمدتاً توسط برادران سپاهی ما انجام می‌شد. همه همت و تلاش ارتش به شکل گیری و طراحی عملیات‌ها صرف می‌شد و کارهای پدافندی. چون حرکات آفندی یک بخش کار و بخش مهم دیگر کار نگهداری از مرزها بود که بیشتر مسئولیتش بر عهده نیروی زمینی ارتش بود. الان هم که می‌بینیم اسناد درستی در اختیار ارتش و نیروی زمینی از جنگ نیست، شاید به دلیل کمتر توجه کردن به تبلیغات و عملیات روانی بوده است. نکته‌ای که درباره اطلاع‌رسانی از جنگ مغفول مانده این است که در شروع جنگ ما با دو نوع حضور در جبهه مواجه بودیم. یکی در قالب نیروهای بسیج و یک بخش هم در قالب سربازی. سرباز باید دو سال خدمت و از کانال مخصوصی عبور می‌کرد. اما نیروی بسیج از همه اقشار کشور اعم از هنرمند، دانشگاهی، دانش آموز، مدیر، مدیرعامل، فیلمساز، نویسنده، شاعر و... می‌آمد و همه بخش‌های مختلف جامعه در سنین مختلف که مایل به حضور در جبهه بودند در قالب بسیج می‌آمدند. نویسنده براساس آنچه دیده، نوشته و شاعر و فیلمساز هم همین طور، این سبب شد که اینجا بدون این که قصدی وجود داشته باشد، حق ارتش و نیروی زمینی به نوعی نادیده گرفته شود. آنها نیامدند ببینند که یک تانک یا یک بالگرد وقتی به عمق میدان نبرد می رود با چه دشواری‌هایی آماده می‌شود و حتی چگونه سوخت لازم را تأمین می‌کند و تعمیرات رده یک و دو و سه بالگرد چطور انجام می‌شود تا بتواند ساعات متمادی عملیات کند، لذا نتوانستند با این موضوع ارتباط برقرار کنند.

ما ۸ سال جنگ را با یک سری مشخصه‌های خودش پشت سر گذاشتیم؛ در این چند ساله هم در منطقه شاهد دو جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه بوده‌ایم. این جنگ‌های اخیر نشان داد که شکل جنگ‌ها کاملاً عوض شده است، بعضی عقیده دارند که به خاطر تغییر شکل جنگ و تجهیزات و استفاده از فناوری‌های جدید، حالت مقابله تن به تن و صف‌آرایی دو نیروی مقابل هم کمرنگ و نقش نیروی زمینی هم در جنگ کمرنگ‌تر شده است، آیا این استدلال را قبول دارید؟

نظر من به طور کامل متفاوت است. جنگ‌های یاد شده اهمیت نیروی زمینی را نشان می دهد. اگر ارتش رژیم صهیونیستی که به نوعی کوچک شده ارتش آمریکاست، موفقیتی در این جنگ‌ها کسب نکرد، به خاطر این بود که پای سربازش به زمین لبنان یا غزه نرسید. به قول خودشان، زمانی موفقیت حاصل می‌شود که پای سرباز روی زمین هدف باشد. اگر نیروی زمینی بداند که چگونه از زمین استفاده کند و سلاح سبکش را خوب به کار بگیرد، می‌تواند در مقابل یک نیروی فرامنطقه‌ای که از تجهیزات «های‌تک» و فوق مدرن استفاده می‌کند، موفق باشد، لذا با این شناخت و آگاهی، ما روی نیروی زمینی کار کردیم، نه بعد از این جنگ‌ها، بلکه بعد از ۱۱ سپتامبر که فضای جدیدی بر جهان و منطقه حاکم شد. تا آن موقع برای آموزش‌ها، کلاسیک کار می‌کردیم اما بعد از این حادثه که واژه‌های جدیدی وارد جنگ شد؛ اعم از جنگ ناهمگون و ناهمتراز و نامتقارن و بیوتروریسم و...، ما خودمان را در آن قالب بردیم یعنی با توجه به تغییر شکل تهدیدات، ما هم تاکتیک‌هایمان را عوض و تلاش کردیم با توجه به توانمندی‌های دشمنان، خودمان را آماده مقاومت کنیم. امروز توان رزمی و دفاعی، آموزشها، برنامه ها، طرحها و تاکتیکهای ما با رویکرد نوین و برخوردهای اخیر منطقه همخوانی و مناسبت دارد.

ارتش به ویژه نزاجا، با ماهیت رزمی‌اش شناخته و حضورش در جنگ دیده می شود. ارتش بعد از اتمام جنگ تحمیلی چه فعالیت‌هایی داشته است؟

نیروی زمینی ارتش بعد از جنگ با عراق، کماکان در مرزها با خیلی از یگان‌هایش باقی ماند، جنگ تمام شد و بسیاری از مردم فکر می کنند که نیروی زمینی به پادگان‌ها برگشته است و ساخت و ساز می کند و به خودش می‌رسد، اما در تمام این مدت، گردان‌های مهندسی، مأموریت پاکسازی میادین مین و مناطق آلوده را به عهده داشند و مثل زمان جنگ، شهید می دهند و شهدای بسیاری نیز در این راه داده‌اند، نیروی زمینی توانسته است بیش از یک میلیون هکتار اراضی آلوده به مین را پاکسازی کند. درباره عمده یگان‌هایی که در پادگان‌ها بودند هم باید بگویم، این قابلیت و ظرفیت در نیروی زمینی وجود دارد که بتواند پروژه‌های عمرانی کشور را اداره کند، اما تأکید فرمانده معظم کل قوا به نیروی زمینی این است که آمادگی رزمی خودش را حفظ کند و ارتقا بدهد. الان در بخش پدافند غیرعامل، گردان‌های مهندسی ما به گونه‌ای کار می کنند که خیلی از شرکت‌های معتبر بیرون نمی‌توانند چنین سازه‌های زیرزمینی را آماده کنند و چنین قابلیتی در نیروی زمینی هست، اما در جهت ارتقای توانمندی به کار گرفته می‌شود. چند پروژه راهسازی و مشابه آن را هم اداره کرده‌ایم، اما چون دیدیم آموزش و توانمندی ما را به آن سمت معطوف می‌کند، خودداری کردیم و به سمت توانمندی رزمی رفتیم. یکی دیگر از مأموریت‌های نیروی زمینی در زمان صلح، کمک‌رسانی در زمان وقوع بلایای طبیعی است؛ می‌بینیم که کارنامه نیروی زمینی در این رابطه بسیار درخشان است. در زمستان سال ۸۶ در یخبندان و بحران بارش برف سنگین که در منطقه زنجان و قزوین ایجاد مشکل کرد، اگر نفربرهای لشکر ۱۶ نبودند، به ده‌ها نفر از ساکنان و مسافران تلفات جدی وارد می‌شد. در زلزله بم هم نیروها و بالگردهای هوانیروز کرمان بلافاصله در محل حاضر شدند و به امدادرسانی پرداختند. دلاورمردان نیروی زمینی ارتش با پایان یافتن جنگ همچنان مقاوم ایستاده‌اند و به حراست و مرزبانی از تمامیت ارضی کشور پرداخته‌اند و در مبارزه با اشرار و قاچاقچیان مسلح و منافقانی که قصد داشتند به صورت غیرقانونی وارد کشور شوند، مقابله می کنند.

> * شهید کلاهدوز در تأسیس سپاه نقش داشت و عمده آموزش‌های برادران سپاهی هم در ارتش انجام می‌گرفت

راهبرد ما یک راهبرد دفاعی است. طبیعی است که وقتی تهاجمی صورت بگیرد، ما ضربه دوم را می‌زنیم. آیا این ضربه دوم قدرت بازدارنگی در برابر تهاجمات بعد را دارد؟

ضربه دومی که پیش‌بینی شده به مراتب سنگین‌تر از ضربه اول است، یعنی ما در طرح‌های دفاعی یک سری برنامه‌هایی داریم. هم طرح‌های دفاعی و هم طرح‌های جبرانی در دستور کار قرار دارد، مطمن هستم ضربه دوم به مراتب قوی‌تر از ضربه اول است و این شعار و عملیات روانی نیست، توانمندی‌ای است که در نیروهای مسلح ما وجود دارد.

بخش عمده‌ای از تجهیزات ما در جنگ فرسوده شد و از بین رفت و تسلیحات نظامی هم در این مدت پیشرفت‌های زیادی کردند و ما ناچار شدیم در زمینه خودکفایی حرکت کنیم. در جهاد خودکفایی نیروی زمینی چه اقداماتی شده است؟

جهاد خودکفایی حرکت‌های خوبی را انجام می دهد و الگوهای خوبی را تصویر و ترسیم می‌کند. چون وظیفه جهاد خودکفایی این است که الگویی را آماده کند و به صنایع دفاعی بدهد و آنها آن را توسعه و افزایش دهند. نمونه‌اش که سال های قبل ارائه و نمونه بهینه شده‌اش پارسال تولید شد، تانک ذوالفقار و نفربر صیاد است و در سال ۱۳۹۱ تانک بهینه شده صمصام ایران، سلاح کوبنده «شاهر» خودروهای سبک و سنگین و چندین طرح جدید را طراحی و به تولید رساندند که بر اساس نیاز از آن استفاده می شود. همچنین در این مدت تولید انواع جمرها را داشتیم که توسط ستاد کل تأئید شد. امروز در نیروی زمینی ارتش پروژه های تحقیقاتی دفاعی و رزمی بسیاری به بهره برداری و تولید انبوه رسیده است. طراحی، ساخت و بهینه سازی انواع نفربرها و خودروهای نظامی در نیروی زمینی ارتش به انجام رسیده است. بسیاری از ادوات و خودروها که در طول جنگ صدمه و از کار افتاده بودند، با همت و تلاش کارشناسان و محققان این نیرو بازسازی و تعمیر شدند و به توان رزمی و عملیاتی این نیرو پیوستند. چندین هزار نوع از قطعات مورد نیاز سلاحها، ادوات و تجهیزات نظامی در این نیرو طراحی و ساخته شده است. تمامی مایحتاج نظامی و قطعات مورد نیاز هواپیماهای نیروی زمینی ارتش در راستای آماده به کار بودن برای انجام پروازهای آموزشی و عملیاتی در داخل تعریف و تولید شده است. ما در زمینه استقلال و خودکفایی تجهیزات نظامی خوشبختانه به رشد و پیشرفت خوبی دست یافته ایم و هیچگونه وابستگی نظامی به هیچ کشوری نداریم.

چندی قبل در سخنانتان بر مظلوم واقع شدن ارتش تاکید کرده بودید. دلایل طرح این موضوع چه بوده است؟

ارتش از ابتدای انقلاب تاکنون چه در دفاع مقدس و چه پس از جنگ توانسته است به موفقیت های خوبی در حوزه وظایف و فعالیت هایش دست پیدا کند ولی متاسفانه آنگونه که باید و شاید عملکرد ارتش توسط رسانه‌ها انعکاس نیافته است. منظور من از مظلوم واقع شدن ارتش همین موضوع است، لذا رسانه‌ها می توانند در این جهت گام بردارند.



■ نوشته: دان راویو ـ یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۱۸۹

مانند «آلیاه ـ ب»، این مأموریت‌ها با کمک مالی یهودیان خیّر و حمایت قوی سازمانهای اجتماعی همراه بود. سرآمد همه اینها «کمیتهٔ مشترک امریکایی توزیع یهودیان»[9] بود که سازمانی رفاهی و مخفی بود که در همه جا حضور داشت و با نام اختصاری «جی.دی.سی»[10] یا «مشترک» معروف شده بود.

هرگاه ضرورت پیدا می‌کرد «نایتو» یا «بیتزور» با کمک کمیته فوق برای زیر فشار قرار دادن کشورهای عربی، اتحاد شوروی و رژیم‌های اروپای شرقی تحت کنترل روس‌ها، افکار عمومی بین‌المللی را بسیج می‌کردند تا کشورهای مزبور به یهودیان اجازه مهاجرت بدهند. آنها پشتیبانی دولتهای غربی، اتحادیه‌های کارگری سازمانهای حقوق بشر و رسانه‌ها را سازماندهی می‌کردند. در نتیجه حمایت مشتاقانه سازمانهای یهودی امریکایی، سر دادن شعارهایی در جهت آزادی یهودیان شوروی مد روز شده بود. تقسیم کار مشخص بود. «بیتزور» که از داخل موساد عمل می‌کرد مأموریت داشت که یهودیان را از کشورهای عربی و مسلمان به اسرائیل بیاورد و تاکتیک‌های دفاعی علیه خشونت‌های مبتنی بر یهودی‌ستیزی ترتیب دهد و حتی برنامه‌هایی برای دفاع از خود در اختیار یهودیان اروپا و امریکای جنوبی بگذارد.

حوزه عمل «نایتو» کشورهای بلوک کمونیست بود و به امور مربوط به مهاجرت یهودیان و جمع‌آوری داده‌های امنیتی که می‌توانست به یهودیان کمک کند تا بطور قاچاقی از کشورهای محل اقامت خود خارج شوند، اشتغال داشت. مسئله دفاع از خود در این کشورها که دارای نظامهای حکومتی اقتدارگرا بودند بسیار مخاطره‌آمیز تلقی می‌شد.

مدیر «نایتو»، «شائول آویگور»[11] بود که قبل از تصدی این سمت، سالها ریاست سازمان «آلیاه ـ ب» را به عهده داشت. او کارش را با اعزام مامورین عملیاتی به اتحاد شوروی که بزرگترین جامعه یهودی جهان در آنجا زندگی می‌کرد آغاز کرد. تعداد یهودیان در شوروی ۳ میلیون نفر بود که بعد از امریکا که جمعیت یهودی‌اش به ۶میلیون نفر بالغ می‌شد، شوروی رتبهٔ دوم قرار می‌گرفت.

«الی ویسل»[12] که آموزگار بود و در زمینه حقوق یهودیان فعالیت داشت، برادران یهودی‌اش را در روسیه «یهودیان خاموش» نامید و دین عنوان را برای کتابی که در این زمینه نوشته بود انتخاب کرد.

اولین هدف «آویگور» این بود که با جوامع بزرگ یهودی که در سراسر جمهوریها وسیع اتحاد شوروی پراکنده بودند ارتباط برقرار کند. آن‌گاه «نایتو» تلاش می‌کرد تا در جهت احیای فرهنگ و مذهب یهودی اقدام کند، به این امید که بعداً بتواند آنها را از یهودگرایی ساده به سوی «صهیونیسم» و تمایل به مهاجرت به اسرائیل سوق دهد. کار دیپلمات‌ها و مأمورین «نایتو» شامل آن بود که تقویم‌های جیبی یهودی و فرهنگ‌های لغت جیبی عبری ـ روسی را در کنیسه‌ها بطور پنهانی در جیب یهودیان بگذارند. آنها همچنین کتاب‌های دعا، تورات، مجلات و کتابهایی را به زبان عربی برای یهودیان ساکن شوروی ارسال می‌کردند، با آنکه می‌دانستند که مقامات شوروی این گونه چیزها را «تبلیغات ضددولتی» تلقی می‌کنند.

«آویگو» نمایندگانش را به دقت انتخاب می‌کرد. آنها باید داوطلبینی بودند که «انگیزه صهیونیستی زیادی» از خود نشان داده و از سنت‌ها و آداب و رسوم یهودی آگاهی داشته باشند.

ادامه دارد

9-AMERICAN JWISH JOINT DISTRIBUTION COMMITTEE (JDC)
10- JDC
11- SHAUL AVIGUR
12- ELIE WIESEL



گفتگوی نشریه «فارین افرز» با ژنرال «استنلی مک کریستال»

ما و داوری تاریخ

■ ترجمه: محمود فاضلی بیرجندی

■ بخش ششم و پایانی

* اشاره :
آیا قضاوت تاریخ، یا بهتر بگوییم، قضاوت آنان که تاریخ را می‌نویسند، مقرون به حقیقت محض یا دست کم، نزدیک به آن چیزی است که واقعاً رخ داده است؟ «مک کریستال» اینگونه نمی اندیشد؛ هرچند در جایی اشعار می‌دارد که اصلا دوست ندارد وارد موضوعات علمی و فلسفی شود. او بر اساس تجربه خود معتقد است که امکان ندارد کسی در ۳۰ سال بعد، بتواند حس کند یا حتی به بخشی از این جزئیات برسد که به عنوان مثال چگونه صحنه صحنه جنگ های عراق یا افغانستان از چیده شدن هزاران اطلاعاتی در کنار هم شکل گرفت که با رنج و مشقت هزاران نفر به دست آمد. به یقین برداشت یک محقق یا مورخ در مورد رخدادی، صرفاً آن حجم از واقعیت است که او توانسته به دست آورد و مسلماً تا مرحله قضاوت راه درازی پیش رو دارد. در آخرین بخش مقاله، مک کریستال به بیان دیدگاه شخصی خود از حوادث مهم دوران مأموریت های دشوارش می‌پردازد.

***

* در افغانستان تکیه شدیدی بر عملیات مستقیم صورت گرفت ؛ عملیاتی مثل حمله با پهپادها یا کشتار های هدفمند. به دنبال عملیات غیرمستقیم مثل آموزش نیروها، یا تاسیس و تقویت استعدادها در محل نرفتید. آیا این رویه، نتیجه موفقیت شما در تجارب عراق نبود؟

** من و زنم گلف باز نیستیم، اما چند سال پیش در مسابقه گلفی که در واحد مان برگزار می شد، شرکت کردیم. اولش کار سخت بود،اما بعد یک بار همسرم وقتی توپ را روی پایه کاشت و زد، درست تا آخر مسیررفت و به هدف رسید. آن روز بعد از ظهر، یک سره خوش بودیم و همان روشی را تکرار کردیم که همسرم توپش را زد و موفق شد.خطر نیروهای عملیات ویژه هم درست همین است. احساس می کنند که این نیروهاست که کارها را به نتیجه می رساند. کارش تمیز است، خرجش کم است و راه درمان بیشتر دردهاست.مثلا به همین جهت است که بیشتر روسای جمهوری، مفتون کارهای سازمان سیا می شوند. چون سیا می آید و راه هایی محرمانه برای مسائل طراحی می کند، اما اگر تاریخ را از نظر بگذرانید، راه محرمانه ای نمی بینید که توانسته باشد مساله ای را در بلند مدت حل کرده باشد. برای ما هم مواردی بود که لزوما می بایست راهی محرمانه را می پیمودیم، اما این طور نیست که مثلا کلیدی را بزنید و مساله‌ای حل شود. به این جهت است که نباید دنبال تفسیر کارهایی بروید که درعراق کردیم و بعد هم تفسیرتان را کارگشای مشکلات در جنگ های آینده بشمارید. این روشی است بر خطا. تاریخ جنگ جهانی دوم باید دیگر بار نوشته شود. چون خیلی از مسائل آن جنگ، امروز دیگر طبقه بندی نیست و بر ملا شده است.

* حالا به نظر شما اگر کسی ۳۰ سال بعد بخواهد تاریخی را در باره جنگ امروز ما با تروریسم، یا جنگ های عراق و افغانستان بنویسد، ناگزیر نخواهد بود حرف هایی را که امروز در باره همین جنگ ها می زنیم یا می نویسیم، بازنگری کند؛ چون تا آن زمان هم طبعا خیلی از مسائل از طبقه بندی خارج شده است؟

** چرا، درست است، همین طور هم می شود. اما آن فرد هم حقیقت و واقعیت را نخواهد نوشت. آن روزگار، هر کسی به اطلاعی دست پیدا کند، خواهد گفت: بله، ما این استعداد تدارکاتی یا انسانی را داشتیم و فلان مقدار توان گرد آوردیم و فلان کار را کردیم. بعد از آن، آدم هایی پیدا خواهند شد و بر اساس این اطلاعی که منتشر شده، کتاب ها خواهند نوشت و بعد خواهند گفت: اصل ماجرا همین بوده که حالا ما به دست آوردیم و منتشر کردیم،اما همان نویسنده های تاریخ هم سخت در خطا افتاده یا بد جور مسخره شده اند و خود نمی فهمند. هر اطلاع تازه ای که در هر زمان به دست آید، یک عده هستند که می گویند: ببینید، ما بودیم که این اطلاعات را به دست آوردیم و منتشر کردیم، اما فردا که برسد، از همان اطلاع نوین و از همان افراد مدعی، اثری نمی ماند،چون باز اطلاعات تازه تر منتشر می شود. در هیچ کجای دستگاه های اطلاعاتی ما هم شخص یا جریانی نیست که همه اطلاعات را منظم در کنار هم بچینند. کلیت صحنه ها از گردآمدن هزاران هزار اطلاع مختصر و با رنج فراوانی شکل می گیرد که عده بی شماری از آدم ها متحمل آن می شوند. پاره ای از آنها جذاب است، چیزهایی هم هست که وقوعش با رنج ها و مشقات بس عظیمی ممکن شده است. به هر جهت، چیزی نیست که به خودی خود وقوع یافته باشد و شما به محض آن که به آن دست یافتید، دیگر کار تمام شود و روایت کاملی از کل رخداد ها را به دست آورده باشید.

*** «مک کریستال»: مسأله «ابوغریب» بیش از هر چیز دیگری در عراق به ما زیان رساند. وقتی عکس ها بیرون آمد بسیاری از آمریکایی ها خیال می‌کردند دولت راست می‌گوید و صرفاً یکی از رسته های نظامی ما مرتکب بدرفتاری با زندانیان شده، اما عراقی‌ها آن را سندی دانستند در تأیید اینکه آمریکا دقیقاً کارهای صدام را تکرار می‌کند و هر چه درباره آمریکا تصور می‌کردند، درست بوده است**

* پس یعنی روایتی را که امروز با چیدن پاره های اطلاعات برای خود بیان می کنیم، همان روایتی خواهد بود که بعدها بازگو خواهد شد؟

** کسانی منشا روایت خواهند بود که امروز دقت به خرج دهند، بله.

* بحث های زیادی در اطراف نقش شکنجه در سیاست های دولت ایالات متحده جریان دارد. منشا این بحث ها چیست ؟ شکنجه تا کجا در نبرد با تروریسم نقش و تاثیر دارد و موضع شخص شما در این باره چیست؟

** من در دانشگاه ییل دوره ای دارم که در آن اصول و مبانی رهبری را تدریس می کنم. در یکی از جلسه ها موضوع شکنجه را طرح کردم تا واکنش های حاضران را در باره آن بدانم. بیشتر از نصف آنها گفتند:«اگر شکنجه را ضروری دیدید، خوب، پس ضروری است. پس اعمالش کنید». من از این پاسخ، خشکم زده بود.من نشده که یک زندانی داشته باشم که فرض کنید از محل اختفای بمبی اتمی در نیویورک خبر دارد و سه ساعت هم وقت باشد که اطلاعات او را بگیرم تا جان چند میلیون نفر آدم نجات یابد. حالا نمی دانم که در چنان وضعیتی فرضی، متوسل به شکنجه خواهم شد یا نخواهم شد. گمان نکنم کسی باشد که بتواند جواب چنین سئوالی را بدهد، گیریم که جان خانواده خود من یا آن شخص هم در میان باشد.من شکنجه را خطای محض می دانم. این نظرم را در ارتش هم همه می دانند. اما موضوع کارآیی شکنجه از موضوعات علمی و فلسفی است و من اصلا دوست ندارم وارد این جور موضوعات شوم. در عراق چیزی که بیشتر از هر مساله دیگر به ما زیان رساند، مساله «ابوغریب» بود. بهار سال ۲۰۰۴ که آن عکس ها بیرون آمد، بسیاری از امریکایی ها خیال می کردند که دولت راست می گوید و یکی از رسته های نظامی ما در زندان مرتکب بد رفتاری با زندانیان شده است، اما مساله در نظر مردم عراق چیز دیگری بود. خیلی از عراقی ها آن را سندی دانستند در تایید این که امریکا دقیقا کارهای صدام حسین را تکرار می کند و هر چه در باره امریکا تصور می کرد ند، راست بوده است.

* منظور شما این است که وضعی پیش آمده بود که امریکایی ها آن را استثنا می شمردند و عراقی ها قاعده؟

** درست است. آنها خیال می کردند واقعیت عظیمی را به چنگ آورده اند. متعاقب آن بود که صدها جنگجوی خارجی، صرفا برای واکنش به ماجرای ابوغریب وارد عراق شدند. شکنجه در نهایت، شکنجه دهنده را شکست می دهد. از نظر اخلاقی خطاست. خطایی راهبردی است .

* از دوره هایی که در عراق یا افغانستان یا هر جای دیگری فرماندهی کرده اید، اتفاقی در خاطرتان مانده که به خاطر آن تاسف بخورید یا ملاحظه خاصی داشته باشید؟

**: بله. فرمانده نیروهای ویژه که شدم، هنوز خیلی تازه کار بودیم. نمی دانستیم عملیات چیست،بااسیران چه باید کرد و از این گرفتاری ها. نه افراد مناسب داشتیم، نه تجهیزات مناسب. هر کس در کاری که دارد نهایت جدیت را به عمل می آورد، اما ما در آن زمان کاری را متقبل شده بودیم که دوستش نداشتیم. کسی را شکنجه نکردیم،اما با مردم هم رفتار شایسته ای نمی کردیم. کار را به همین روش شروع کردیم و ادامه دادیم و بیشترین تاسف من از بابت این است که ۹ ماه طول کشید تا به جایی رسیدیم که از ابتدا می بایست در آن مرحله قرار می داشتیم.

* شما عمری را در خدمت به مملکت خود گذرانده اید. هر کس دیگر هم از نظر شما، باید همین مسیر را طی کند؟

** قطعا. من عقیده دارم که خدمت، اجباری باشد یا داوطلبانه (که به نظر من باید اجباری باشد) فرد را تربیت می کند. وقتی که در امری وارد می شوید، یعنی برای آن ارج و قربی قائل بوده اید. اگر به شما بگویم زباله های فلان خیابان را جمع کنید، از دست کسانی که زباله می ریزند عصبانی می شوید و آن خیابان را هم که متولی نظافتش شده اید، دوست خواهید داشت . به نظر من پرداخت مالیات به دولت کافی نیست. کاری است بالینی. این که راه بیفتید و برای مملکت کاری کنید که رضایت ملت یا امنیت ملت تحصیل شود، بیش از قبل به گروه بزرگ ملت پیوند می خورید. امریکا امروز گرفتار این است که مردمش نمی توانند با کسی به غیر از دایره اجتماعی و فرهنگی خود تماس برقرار کنند. علت می تواند اقتصادی باشد، جغرافیایی باشد، دینی باشد، نمی دانم. به نظر من یکی از مزایای بزرگ خدمت اجباری، مثل زمان جنگ جهانی دوم، این است که مردم همه جای مملکت با هم درآمیخته می شوند. آن مشکل ناتوانی در تماس با دیگران مرتفع می شود.

* یعنی پیوستن داوطلبانه به ارتش را غلط می دانید؟

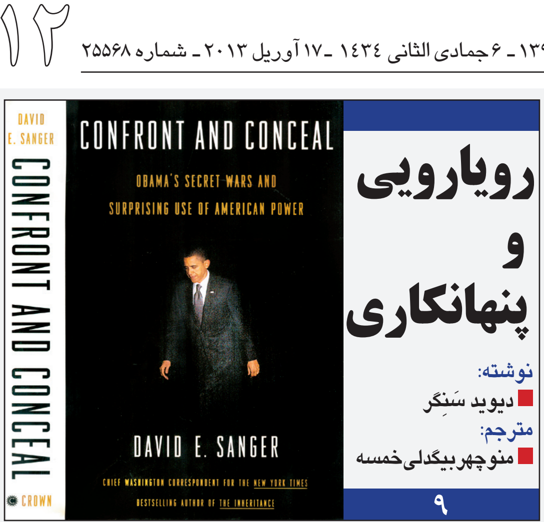
** نمی بینم که این کار غلط باشد. چون خودم در نیروهای داوطلبی که خدمت می کردم، قوی ترین دستگاه جنگی بود.

* اگر هر کس دستی بر آتش داشته باشد، برای سیاست خارجی و امنیت چه حاصلی به بار خواهد آمد؟

** خیلی بهتر می شود. چون فعلا احساس این است که اگر جنگی به وقوع پیوسته، خوب، ارتش را باید اعزام کرد. ارتش هم کسی است به غیر از من. اما اگر قرار باشد پسر یا دختر شما هم به جنگ برود، خیلی بیشتر درگیر ماجرا می شوید. دیگر فقط مالیات دهنده نیستید. قضیه جنبه عاطفی هم می گیرد.

* پس اگر جنگی در میان بود، باید به آن جدی ترنگاه کنیم؟

** گمان کنم نتیجه باید چنین بشود.



رویارویی و پنهانکاری

نوشته:
■ دیوید سَنگر
مترجم:
■ منوچهر بیگدلی خمسه
۹

سال‌ها او را در حال حمل کیفی پر از مقاله‌های خشک و بی‌روح دربارهٔ سیاست خارجی و امنیت ملی می‌دیدند. وقتی که کریستوفر اولین وزیر خارجهٔ بیل کلینتون Bill Clinton شد، دانیلون را در پایین تالار در مقام رئیس کارکنان خود نشاند. در زمان بوش دانیلون به سیاست و حقوق برگشت. او علناً وسوسه می‌شد که به بازی بازگردد، مدام دربارهٔ اینکه اقدامات آمریکا در اطراف و اکناف دنیا چگونه تلقی می‌شود، از همکاران سابق وزارت خارجه‌ای خود، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان سؤالات تند و تیز می‌کرد.

اکنون او در تکوینی تازه حضور داشت، ـ تلاش برای حفظ و گسترش قدرت آمریکا در جهانی با مخاطرات مختلف بسیار، و هماوردانی جدیدتر از آنچه برای اچسن قابل تصور بود.

دانیلون در مقام مشاور امنیت ملی نخستین شخصی بود که هر روز صبح رئیس جمهوری ایالات متحده را از چالش‌های امنیت ملی مطلع می‌کرد ـ او پرونده‌ای دقیق از نتایج این اطلاع رسانی‌ها نگهداری می‌کرد؛ عادتی که کارکنان او دائما به سخره می‌گرفتند ـ و از مأموریت‌های ویژه برای مقابله با سخت‌ترین موارد لذت می‌برد.

در ابوظبی، دو تن از محوری‌ترین بازیگران برای یافتن راه خروج از افغانستان دانیلون را همراهی می‌کردند. یکی دوگلاس لوت «Douglas Lute» ژنرال بازنشستهٔ اخمو مشاور مخصوص رئیس جمهوری در امور افغانستان و پاکستان بود، که در دو سال آخر دوران بوش در کاخ سفید خدمت کرده و باقی مانده بود و به زودی راهنمای دانیلون در شیوه‌های مکارانه رئیس جمهوری افغانستان، ژنرال‌های پاکستانی و بوروکراسی پنتاگون شد. (با صرفنظر از باب گیتس Bob Gates، وزیر دفاع، لوت تنها منبع نهادین حافظه در کاخ سفید در خصوص آزموده‌ها و ناکامی‌های زمان بوش بود.) مرد دیگر در آن اتومبیل مارک گراسمن Mark Grossman، فرستادهٔ تازه منصوب شده اوباما در افغانستان و پاکستان بود. این دیپلمات حرفه‌ای نرم زبان، بعد از مرگ ریچارد هالبروک Richard HoLbrooke پذیرفت که یکی از سخت‌ترین مشاغل در واشنگتن را تصدی کند؛ پی‌بردن به اینکه آیا راهی برای رسیدن به سازشی سیاسی با ملامحمد عمر سرکردهٔ طالبان، بعد از ۱۰ سال جنگ وجود دارد یا نه.

یکی از افراد گفت که اسکورت هیئت‌فرستادگان ریاست‌جمهوری خیلی غیرمعمول بود: دو اتوموبیل وَن، که از کنار خانه‌هایی که انگار به لاگونابیچ Laguna Beach تعلق داشتند، غرش‌کنان عبور می‌کردند. آنها عازم خانه‌ای متعلق به یک مأمور اطلاعاتی محلی از دوستان پاکستان، در مرکز شهر بودند. آنجا مکانی مناسب برای ملاقات پنهانی با فرمانده مشکل‌دار و غالباً بدخلق نیروهای مسلح پاکستان، ژنرال اشرف کیانی بود.

کیانی قدرتمندترین مرد پاکستان بود. هرگاه دیدارهای رسمی با پاکستان‌ها جلوی دوربین برگزار می‌شد، آمریکایی‌ها با رئیس جمهوری یا نخست‌وزیر پاکستان می‌نشستند و از روی کارآمدن دولتی منتخب به شکل دموکراتیک ستایش می‌کردند. این ستایش تقریباً نمایشی بود.

امّا هر وقت که می‌خواستند کاری محقق شود، غیرنظامی‌ها را نادیده می‌گرفتند و با کیانی صحبت می‌کردند، که در ارتش ترقی کرده و به ریاست سرویس زبدهٔ جاسوسی کشورش، آی اس آی ISI، یا اطلاعات بین سرویس‌ها ـ Inter Services Intelligence رسیده، و سپس فرمانده ارتش شده بود.

پیداست که کیانی این میعادگاه را انتخاب کرده بود که عکاس‌ها و خبرنگاران نتوانند پی ببرند که او بی‌سروصدا به این شهر آمده ـ ابوظبی محلی مطلوب برای بده بستان‌های پنهان و آشکار پاکستانی‌ها و سعودی‌ها.

ادامه دارد

آگهی مزایده

وزارت صنعت، معدن و تجارت
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

نوبت دوم

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران در نظر دارد تعداد ۴۷ دستگاه خودروهای قابل شماره‌گذاری شامل سواری و وانت خود را به‌شرح ذیل ازطریق مزایده عمومی و به بالاترین قیمت پیشنهادی به‌فروش برساند.

ردیف	نوع خودرو	مشخصات خودرو	شماره پلاک انتظامی	سریال	مدل	رنگ
۱	سواری پژو	۴۰۵جی‌ال ایکس	۱۴۹۶الف ۲۳	ایران ۲۲	۱۳۸۱	مشکی روغنی
۲	سواری پژو	۴۰۵جی‌ال ایکس	۱۴۷۴الف ۳۴	ایران ۲۲	۱۳۸۰	نوک مدادی
۳	سواری پژو	۱۶۰۰آردی	۱۲۶۴الف ۲۳	ایران ۲۲	۱۳۸۱	بادمجانی
۴	سواری پژو	۱۶۰۰آردی	۱۲۵۹الف ۲۳	ایران ۲۲	۱۳۸۱	بادمجانی
۵	سواری پژو	۱۶۰۰آردی	۱۵۸۵الف ۲۳	ایران ۲۲	۱۳۸۱	بادمجانی
۶	سواری پژو	۱۶۰۰آردی	۱۶۸۶الف ۲۵	ایران ۲۲	۱۳۸۱	بادمجانی
۷	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۶۸۷الف ۱۲	ایران ۲۲	۱۳۸۵	سفید روغنی
۸	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۸۶۶الف ۱۲	ایران ۲۲	۱۳۸۵	سفید روغنی
۹	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۸۵۸الف ۱۲	ایران ۲۲	۱۳۸۵	سفید روغنی
۱۰	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۸۶۳الف ۱۲	ایران ۲۲	۱۳۸۵	سفید روغنی
۱۱	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۸۶۱الف ۱۲	ایران ۲۲	۱۳۸۵	سفید روغنی
۱۲	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۵۲۳الف ۲۴	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید شیری
۱۳	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۷۸۸الف ۲۶	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید شیری
۱۴	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۸۲۹الف ۳۵	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید شیری
۱۵	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۷۸۴الف ۲۶	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید شیری
۱۶	سواری پراید	نسیم دی‌ام	۱۷۹۳الف ۲۶	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سبز یشمی
۱۷	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۱۹۲۱الف ۲۷	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید شیری
۱۸	سواری پراید	دی‌ام (هاچ‌بک)	۱۴۸۵الف ۲۴	ایران ۲۲	۱۳۸۱	یشمی
۱۹	سواری پراید	صباجی‌تی‌ایکس	۸۸۵ب ۳۳	تهران	۱۳۸۰	سفید شیری
۲۰	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۲۹۷الف ۲۵	ایران ۱۱	۱۳۷۷	سفید روغنی
۲۱	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۸۶۸الف ۲۷	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۲۲	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۸۱۷الف ۳۵	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۲۳	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۸۳۲الف ۳۵	ایران ۲۲	۱۳۷۸	سفید روغنی
۲۴	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۸۲۹الف ۲۳	ایران ۱۱	۱۳۷۷	سفید روغنی
۲۵	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۷۴۸الف ۳۳	ایران ۲۲	۱۳۷۸	سفید روغنی
۲۶	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۱۶۵الف ۲۸	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۲۷	سواری پیکان	۱۶۰۰	۱۸۶۶الف ۲۷	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۲۸	سواری پیکان	۱۶۰۰	۳۴۵ل ۱۹	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید روغنی
۲۹	وانت دو کابین	مزدا ۲۰۰۰	۱۴۴۸الف ۳۶	ایران ۲۲	۱۳۷۹	نوک مدادی
۳۰	وانت دو کابین	مزدا ۲۰۰۰	۱۲۶۳الف ۳۵	ایران ۲۲	۱۳۷۹	یشمی
۳۱	وانت دو کابین	مزدا ۲۰۰۰	۱۱۷۱الف ۱۳	ایران ۳۳	۱۳۸۲	سورمه‌ای
۳۲	وانت دو کابین	مزدا ۲۰۰۰	۱۸۴۴الف ۳۸	ایران ۲۲	۱۳۷۹	آبی
۳۳	وانت دو کابین	مزدا ۲۰۰۰	۱۸۲۴الف ۱۵	ایران ۱۱	۱۳۸۲	سورمه‌ای
۳۴	وانت دو کابین	نیسان دی‌ایکس	۱۶۲۲الف ۳۱	ایران ۲۲	۱۳۸۲	سفید روغنی
۳۵	وانت دو کابین	نیسان دی‌ایکس	۱۲۹۹الف ۲۸	ایران ۲۲	۱۳۸۲	سفید روغنی
۳۶	وانت پیکان	۱۶۰۰	۵۵۶ط ۷۹	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۳۷	وانت پیکان	۱۶۰۰	۱۶۸۹الف ۳۴	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۳۸	وانت پیکان	۱۶۰۰	۱۷۴۴الف ۳۳	ایران ۲۲	۱۳۷۷	سفید روغنی
۳۹	وانت پیکان	۱۶۰۰	۲۷۴ل ۶۹	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۰	وانت پیکان	۱۶۰۰	۱۹۲ل ۶۴	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۱	وانت پیکان	۱۶۰۰	۲۸۴ل ۳۶	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۲	وانت پیکان	۱۶۰۰	۱۹۳ل ۶۴	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۳	وانت پیکان	۱۶۰۰	۳۴۶ل ۱۹	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۴	وانت پیکان	۱۶۰۰	۲۷۵ل ۶۹	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۵	وانت پیکان	۱۶۰۰	۹۸۹م ۶۵	ایران ۲۲	۱۳۸۰	سفید روغنی
۴۶	وانت پیکان	۱۶۰۰	۵۸۱م ۱۵	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی
۴۷	وانت پیکان	۱۶۰۰	۹۱۱م ۳۸	ایران ۲۲	۱۳۸۱	سفید روغنی

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت متن قرارداد و شرایط مزایده از تاریخ درج آگهی نوبت‌دوم (۹۲/۱/۲۸) به مدت ۱۰ روزکاری به نشانی: تهران ـ میدان جهاد ـ شرکت مادرتخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره۱) ـ طبقه چهارم دبیرخانه کمیسیون معاملات مراجعه نمایند.

شرایط شرکت در مزایده:

۱ـ هزینه خرید اسناد: ارائه فیش واریزی به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال به‌حساب شماره۲۱۷۵۸۲۹۰۰۳۰۰۵ نزد بانک ملی ایران شعبه فلسطین شمالی به نام شرکت‌مادرتخصصی بازرگانی دولتی.

۲ـ مهلت تحویل اسناد به متقاضیان: از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم به‌مدت ۱۰ روزکاری تا مورخ ۹۲/۲/۱۰.

۳ـ مهلت قبول پیشنهادها و تحویل به دبیرخانه: بعد از آخرین روز مهلت دریافت اسناد (بند۲) به مدت ۱۰ روز کاری تا مورخ ۹۲/۲/۲۳ به‌نشانی: تهران ـ میدان جهاد ـ شماره۱۲ـ شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران ـ طبقه همکف ـ دبیرخانه مرکزی مراجعه و تحویل نمایند.

۴ـ زمان و محل گشایش پیشنهادها: ساعت ۱۰صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۲/۲/۲۴ در محل شرکت به نشانی: تهران ـ خیابان فاطمی ـ تقاطع حجاب ـ ساختمان شماره (۳) شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران ـ طبقه نهم دفتر جلسات شرکت خواهد بود.

۵ـ کلیه اشخاص حقیقی / حقوقی و کارمندان دولت مجاز به شرکت در مزایده می‌باشند.

۱۱۹/م/الف

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

قرارگاه فجر ناجا، تامین کننده امنیت انتخابات

سرویس خبر: قرارگاه فجر در ناجا با ماموریت تامین امنیت انتخابات دایر شد و برپاکنندگان متینگ‌های انتخاباتی با دریافت مجوز از وزارت کشور باید آن را به نیروی انتظامی ارائه دهند تا اجازه برپایی مراسم داده شود.

سردار سعید منتظرالمهدی معاون اجتماعی نیروی انتظامی درنشست خبری با تشریح اقدامات معاونت اجتماعی در انتخابات آتی، گفت: پلیس با رصد فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌های معاند تلاش دارد تا با آمادگی و اشراف کامل اطلاعاتی، انتخابات را با امنیت کامل برگزار کند و حماسه پایداری را رقم بزنند.

معاون اجتماعی اضافه کرد: امیدواریم مشکل خاصی پیش نیاید که بخواهیم از نیروهای سلبی استفاده کنیم.

منتظرالمهدی درباره برنامه‌های معاونت اجتماعی در انتخابات گفت: این معاونت در انتخابات تلاش می کند که فضای جامعه امنیتی نشود، اما در جامعه امنیت برقرار باشد. وی درباره «وضعیت سینمای ایران» با بیان این که سینماگران، اندیشمندانی متعهد و پایبند به اصول هستند، گفت: درهر مجموعه عده کمی وجود دارد که رفتاری هنجارستیز و پوششی خارج از عرف دارند، اما در کل سینماگران، اندیشمندانی متعهد هستند.

معاون اجتماعی ناجا با تاکید بر تقویت سینما، گفت: تعامل پلیس با سینماگران مثبت است.

***رضایت از عملکرد پلیس راهور**

معاون اجتماعی ناجادرباره میزان رضایتمندی مردم از پلیس و همچنین تعیین میزان احساس امنیت در جامعه، گفت: از چهارم تا هشتم فروردین امسال، ناجا از ۵۶۴۵ نفر نظرسنجی کرد که ۶۶ درصد پاسخگویان، مرد و الباقی زن بودند و بیشترین مشارکت در تهران و کمترین در استان کهگیلویه و بویراحمد به ثبت رسیده است.

منتظرالمهدی با بیان این که ۲۵ درصد از پاسخ‌ها مربوط به خدمات پلیس راهور بوده است، اظهارداشت: مردم رضایت ۷۶ درصدی خود را از عملکرد این پلیس اعلام کردند. معاون اجتماعی ناجا با اشاره به پیش تولید ساخت سریالی به نام «سوداگر»، گفت: این نخستین سریالی است که در حوزه پلیس زن و مأموریت‌هایش ورود پیدا می کند.

منتظرالمهدی از ساخت سریالی در راستای آشنایی مردم با سامانه نظارت همگانی (۱۹۷) و همچنین با هدف پالایش درون سازمانی خبر داد و گفت: جشنواره‌ای نیز با موضوع «نظم و امنیت ملی» با محوریت «رسانه‌ها» وی از تشکیل انجمن فیلمنامه‌نویسان در ناجی هنر خبر داد و گفت: تجزیه و تحلیل فیلم‌های فجر نیز در دستور کار این معاونت قرار دارد و همچنین در آینده نزدیک شاهد برگزاری کلاس های حادثه‌نویسی و راه‌اندازی شبکه خبرنگاران افتخاری خواهیم بود. معاون اجتماعی ناجا به راه‌اندازی سایت آنلاین «امین جامعه» در راستای کشف خودروهای مسروقه موتوری اشاره کردو گفت: این سامانه از هفته آینده برای تسهیل در یافتن محل‌های کشف خودروهای مسروقه ایجاد می‌شودو لینک آن در سایت «پلیس» نیز موجود است.

منتظرالمهدی درباره طرح «امنیت اجتماعی» با بیان این‌که از اوایل اردیبهشت این طرح تقویت می‌شود، گفت: برخورد با توزیع کنندگان و جمع‌آوری معتادان خیابانی به صورت جدی در دستور کار قرار دارد واین مسئله به عنوان یکی از دغدغه‌های نیروی انتظامی مطرح است.

وی افزود: پلیس برای پیشگیری در مقطع راهنمایی و دبیرستان آموزش مقابله با مواد مخدر و آگاه سازی دانش آموزان را در دستور کار دارد. و طرح برخورد با خرده فروشان مواد مخدر و معتادان خطرناک را در کلانشهرها نیز بزودی اجرا می‌شود.

***دزدان طلا یاب ندارند**

معاون اجتماعی ناجا با رد برخی شایعات مبنی بر این که «با افزایش نگهداری طلا در منازل، دزدان به دستگاه طلایاب مجهز شده‌اند» نیز گفت: با تلاطم بازار ارز و طلا، برخی ها اقدام به نگهداری سکه، ارز و طلا در منازل خود کرده‌اند و شائبه‌ای پیش آمده که دزدان مجهز به دستگاه طلایاب هستند که این صحت ندارد. معاون اجتماعی ناجا همچنین گفت: از این پس طرح صیانت از شأن و منزلت زنان به جای مبارزه با بدحجابی اجرایی می‌شود.

بازداشت کبوتر بازی که مادر و دخترش را کشت

سرویس حوادث: مردی که با جواب رد خواستگاری از سوی زن موردعلاقه اش روبرو شده بود پس از کشتن این زن و دختر هشت ساله او، خانه آنها را نیز به آتش کشید.

ماموران آتش نشانی تهران عصر دوشنبه از وقوع یک فقره آتش سوزی در طبقه همکف یک ساختمان مسکونی در شهر زیبا، مطلع شدندو با حضوردرمحل واطفای حریق، اجساد یک زن و دختربچه ساکن این واحد مسکونی را مشاهده و موضوع را به کلانتری ۱۳۳ شهر زیبا گزارش کردند.

باحضور ماموران هویت اجساد به اسامی لیدا ۳۵ ساله و روژین ۸ ساله مورد شناسایی قرار گرفت و دربررسی اولیه عمدی بودن آتش سوزی و قتل این دونفر محرز شد و قاضی شهریاری بازپرس جنایی تهران و کارآگاهان اداره دهم درجریان موضوع قرار گرفتند.عوامل پزشکی قانونی نیز پس از حضور درمحل علت مرگ این مادر و دختررا انسداد مجاری تنفسی (خفگی) اعلام کردند.

بر اساس تحقیقات، از حدود شش ماه پیش، جوانی به نام سیامک، به همسایه‌ها عنوان کرده بود که قصد ازدواج بااین زن را دارد. اما لیدا پس از فوت همسرش تمایلی به ازدواج دوباره نداشته و به او جواب رد داده است. کارآگاهان در ادامه تحقیقات سیامک را به عنوان مظنون اصلی تحت تعقیب قرار دادند و او را در شهرک طلائیه واقع در قرچک ورامین بازداشت کردند. متهم با هویت واقعی مجتبی بیست و شش ساله در بازجویی منکر قتل شد، اما در بررسی لانه کبوترهایش مقداری از اموال متعلق به مقتول بدست آمد و او اعتراف کرد که پس از خفه کردن لیدا و دخترش خانه آنها را آتش زده است.

به گفته سرهنگ محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران،متهم باصدور قرار قانونی در بازداشت است و تحقیقات تکمیلی برای مشخص شدن انگیزه واقعی ارتکاب جنایت ادامه دارد.

اعدام ۹ سارق مسلح در شیراز

شیراز – ۹ نفر از سارقان مسلح به اتهام محاربه و ایجاد رعب و وحشت و سرقت مسلحانه دیروز (سه‌شنبه) در شیراز به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش ایرنا؛ دو نفر از این افراد که در محل وقوع جرم اعدام شدند سال گذشته با سرقت مسلحانه به طلا فروشی خیابان ملاصدرا شیراز موجب ایجاد رعب و وحشت و مجروح شدن صاحبان طلافروشی شده بودند. دو نفر دیگر نیز سارقان مسلح بانک صادرات شعبه امیرکبیر بودند که در محل وقوع جرم در ملاء عام به دار مجازات آویخته شدند. کوروش زارعی معاون دادستان شیراز اظهار داشت: سه نفر از سارقان مسلح نیز سحرگاه دیروز در محل زندان عادل آباد شیراز اعدام شدند. وی ادامه داد: ظهر دیروز نیز دو نفر دیگر از سارقان مسلح در میدان گل سرخ شیراز و در ملاعام به اتهام محاربه به دار مجازات آویخته شدند. اسامی معدومان، (احمدرضا – ف)؛ مجتبی و ابراهیم – الف)، (محمدهادی الف)؛ (بهرام – د)؛ (گهرام – الف)؛ (میلاد – ز)؛ احمدرضا – ن) و (غلامرضا – ن) بود.

رئیس کل دادگستری استان فارس هم با بیان اینکه برخورد قاطع و بدون اغماض با سارقان مسلح در برنامه دستگاه قضایی است، گفت: کل فرآیند رسیدگی و تایید احکام این محکومین در دیوان عالی کشور کمتر از یک ماه به طول انجامید.

رئیس شورای قضایی استان تصریح کرد: احکام این افراد قبل از نوروز ۹۲ قطعی و آماده اجرا بود اما به لحاظ تعطیلات نوروز و حضور زائران و مسافران نوروز در شیراز اجرای آن به پس از تعطیلات موکول شد.

۵ کشته در سانحه رانندگی محور مشهد – تربت حیدریه

مشهد: حادثه رانندگی در محور مشهد – تربت حیدریه پنج کشته برجا گذاشت.

جانشین فرمانده پلیس راه خراسان رضوی گفت: در این حادثه که دوشنبه شب در کیلومتر ۷ تربت حیدریه بر اثر برخورد یک خودرو سواری سمند با خودرو سواری پژو آردی روی داد،یک نفر نیز مجروح شد.

سرهنگ امیاری افزود: در این حادثه چهار نفر در محل حادثه کشته شدند و یک نفر پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.وی انحراف به چپ خودرو سمند را علت این حادثه اعلام کرد.

زلزله ۷/۵ ریشتری سراوان را لرزاند

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: زلزله‌ای به بزرگی ۷/۵ درجه در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر)، ساعت ۱۵ و ۳۱ دقیقه دیروز محدوده «گشت» سراوان از توابع سیستان و بلوچستان را لرزاند که بر اثر آن شماری از هموطنان مجروح شدند.

تمام نیروهای امدادی زاهدان از جمله اکیپ‌های امداد و نجات جمعیت هلال احمر سیستان و بلوچستان برای کمک‌رسانی به محل حادثه اعزام شده‌اند.

استاندار سیستان و بلوچستان نیز گفت: هنوز (ساعت ۶ بعد از ظهر) گزارشی مبنی بر تلفات ناشی از زلزله ۷/۵ ریشتری عصر دیروز در سراوان دریافت نشده است.

حاتم ناروئی افزود: ساعت ۱۵ و ۱۵ دقیقه زمین لرزه ۷/۵ ریشتری در روستای مرزی گشت شهرستان سراوان واقع در شرق این استان اتفاق افتاد.

وی افزود: فقط ۵ نفر (تا ساعت مخابره خبر) بر اثر تخریب دیوار خشت وگلی زخمی شده‌اند که بلافاصله توسط نیروهای امداد درمان شدند.

استاندار سیستان و بلوچستان گفت: یک مورد آتش‌سوزی نیز در منطقه زلزله زده اتفاق افتاد که بلافاصله با تلاش آتش‌نشانان مهار شد.

ناروئی افزود: برق منطقه حادثه دیده نیز که به مدت ۳۵ دقیقه قطع بود با تلاش متخصصان شبکه برق منطقه‌ای وصل شد.

وی اظهار داشت: ارتباط تلفنی منطقه زلزله‌زده نیز به سبب ترافیک شبکه با اختلال روبه‌رو شده است که متخصصان مخابرات در حال رفع آن هستند.

او گفت: فقط چند دیوار خشت و گلی در برخی روستاهای منطقه زلزله‌زده تخریب شده است.

مرکز لرزه‌نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ بزرگی این زلزله را ۷/۵ ریشتر در موقعیت رو مرکز زلزله: ۲۸/۰۴ شمالی و ۶۲/۰۳ شرقی و در عمق ۱۸ کیلومتری و با عدم قطعیت مکانی: ۰٫۸۷ +/- کیلومتر در جهت شمالی ـ جنوبی و ۱٫۱۱ +/- کیلومتر در جهت شرقی ـ غربی در منطقه استان سیستان و بلوچستان اعلام کرده است.

مرکز این زلزله در ۸۱ کیلومتری سراوان سیستان و بلوچستان و ۸۳ کیلومتری خاش، ۸۵ کیلومتری سوران و ۱۳۱۴ کیلومتری تهران اعلام شده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که این زلزله در سراسر منطقه حوزه خلیج فارس و جنوب آسیا احساس شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه: این زلزله ساختمان‌ها را لرزاند و باعث شد تا دفاتر در برج‌ها در ابوظبی؛ و همچنین شمال هند از جمله دهلی نو تخلیه شوند.

این زلزله همچنین بخش‌هایی از پاکستان از جمله شهر اسلام‌آباد و کراچی را لرزاند با این حال این زلزله در تهران احساس نشد.

محمد برزنگ فرماندار فهرج گفت: زمین‌لرزه ۷/۵ ریشتری سیستان و بلوچستان در فهرج کرمان نیز با شدت زیاد احساس شد اما خسارتی در پی نداشته است.

زمین‌لرزه دیروز سراوان در بندرعباس نیز احساس شد و مردم این شهر را به وحشت انداخت.

شدت این زمین‌لرزه بزرگ در شرق استان هرمزگان بیشتر بود.

دبیر ستاد سوانح و حوادث غیرمترقبه استان کرمان گفت: زلزله شدید عصر دیروز سراوان در نقاط مختلف استان کرمان نیز احساس شد.

محسن صالحی افزود: این زمین‌لرزه در شهر کرمان نیز احساس شد اما در مناطق جنوبی استان مانند جیرفت؛ عنبرآباد، قلعه گنج و بم بیشتر محسوس بود.

استاندار کرمان به نیروهای امداد و نجات این استان برای اعزام به مناطق زلزله‌زده سراوان دستور آماده‌باش داد.

اسماعیل نجار با تماس تلفنی با استاندار سیستان و بلوچستان، آمادگی کامل استان کرمان را برای کمک به مردم مناطق زلزله‌زده سراوان اعلام کرد.

معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر خراسان رضوی گفت: در پی وقوع زمین‌لرزه ۷/۵ ریشتری در سیستان و بلوچستان؛ گروه امداد و نجات هوایی هلال‌احمر استان به شهرستان زلزله‌زده سراوان اعزام شد.

محمد قاسمی افزود: بالگرد امداد و نجات هوایی هلال‌احمر خراسان رضوی متشکل از یک گروه ۱۵ نفری شامل نیروهای عملیاتی، آواربرداری تخصصی و تعدادی سگ‌های تجسس به وسیله آمبولانس هوایی به سراوان اعزام شد.

بر اساس این گزارش، فرماندار ریگان گفت: این زمین‌لرزه در این شهرستان نیز احساس شد اما تاکنون گزارشی از خسارات احتمالی آن دریافت نشده است.

مجید اعتمادی افزود: نیروهای امدادی در این شهرستان آماده باش هستند و در صورت اعلام نیاز به استان سیستان و بلوچستان اعزام می‌شوند.

زلزله بی‌سابقه

معاون پژوهشی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله گفت: وقوع زمین لرزه‌ای با بزرگی بیش از ۷/۵ ریشتر در ایران از ۵۶ سال گذشته تاکنون بی‌سابقه بوده است.

مهدی زارع افزود: زلزله سیستان و بلوچستان با بزرگی ۷/۷ در مقیاس ریشتر یکی از زلزله های بزرگ و مهم از پنج دهه گذشته به این طرف در ایران به حساب می‌آید.

سازمان زمین شناسی و لرزه نگاری پاکستان گزارش داد: زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵/۴ درجه ریشتر، مناطقی از پاکستان در جنوب غرب این کشور را لرزاند.

به گزارش ایرنا سازمان زمین‌شناسی پاکستان با اشاره به اینکه کانون این زلزله در منطقه‌ای در جنوب غرب کشور ایران با بزرگی بیش از ۷/۵ (نزدیک به ۸) ریشتر بوده است، افزود: این زمین‌لرزه در مناطقی از پاکستان، هند و امارات متحده عربی نیز احساس شد.

این زمین‌لرزه در شهرهای کویته، کراچی، مولتان، لاهور، حیدرآباد، بدین، اسلام‌آباد، راولپندی و دیگر مناطق پاکستان نیز محسوس بوده است.

زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵/۳ درجه در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) شمال هند از جمله دهلی نو پایتخت این کشور را تکان داد. شماری از مردم دهلی‌نو سراسیمه از خانه‌های خود بیرون آمدند و به مناطق امن پناه بردند اما هنوز تلفاتی از این زلزله گزارش نشده است.

بنابر اعلام مراکز لرزه‌نگاری هند، زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۷/۸ در مرزبین ایران و پاکستان در عمق ۱۵/۲ کیلومتری زمین رخ داده است.

۲۱ نفر در زلزله پاکستان جان باختند

شبکه‌های خبری پاکستان عصر دیروز خبر دادند، شمار جانباختگان زلزله در مناطق جنوب غرب این کشور به ۲۱ نفر افزایش یافت.

گزارش ایرنا به نقل از این منابع خبری حاکی است: زمین‌لرزه دیروز بخش‌هایی از شهرهای اسلام آباد، کراچی، حیدرآباد، کویته، ابیت آباد و لاهور را لرزاند.

بر اساس گزارش رسانه ها این افراد در بخش ماشکیل ایالت بلوچستان کشته شدند و تعداد زیادی از منازل روستایی در این بخش آسیب جدی دید.

ماشکیل در ۶۰۰ کیلومتری جنوب غرب کویته، مرکز ایالت بلوچستان نزدیک مرز جنوب شرقی ایران واقع است.

شبکه خبری دنیانیوز پاکستان نیز گزارش داد: شدت زمین لرزه در مناطق مرزی ماشکیل و پنجگور ایالت بلوچستان چندین منزل مسکونی را تخریب و منجر به مرگ هفت نفر از ساکنان آن شد.

این گزارش حاکی است در منطقه دالبندین بلوچستان نیز ۲۵ نفر براثر ویرانی منازل مصدوم شدند.

دنیا نیوز به نقل از عارف محمود مدیرکل موسسه زمین‌شناسی و زلزله نگاری پاکستان اعلام کرد: زلزله دیروز در مناطق مرزی این کشور نزدیک به ۷ و ۹ دهم در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) ثبت شد.

منابع خبری محلی گفتند: بسیاری از مردم مناطق مختلف پاکستان این زمین لرزه را احساس کردند و پس از وقوع زمین لرزه منازل و محل کار خود را ترک کردند.

زلزله همچنین بخشی از یک ساختمان شش طبقه در منطقه جاده طارق شهر بندری کراچی مرکز ایالت سند در جنوب پاکستان را ویران کرد.

شبکه دنیانیوز به نقل از گزارش برخی منابع خبری افزود: رانش زمین یک هزار منزل مسکونی در منطقه ماشکیل را ویران کرد اما این گزارش از سوی منابع رسمی و مقامات دولتی تاکنون تایید نشده است.


مردم کراچی پاکستان پس از وقوع زلزله به خیابان ها ریختند

دفاتر اسناد رسمی به امضای الکترونیکی مجهز می‌شوند

سرویس خبر: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: امروز دفتر اسناد رسمی با انبوه کاغذ مواجهند که باید قدم به قدم به سمت حذف کاغذها برویم.

احمد تویسرکانی در آیین تودیع و معارفه اعضای سابق و جدید هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران گفت: امروز مردم ما نیازمند خدمات بهتر هستند و باید با شیوه‌های مدرن، خدمات ثبتی را با هزینه کمتر به آنان ارائه دهیم.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از وجود میلیون‌ها پرونده در حوزه ملک و املاک خبر داد و گفت: با وجود کاغذبازی‌های زیاد باید انتظار تخلف، فساد، مشکلات و سردرگمی مردم را داشته باشیم.

تویسرکانی با بیان این‌که باید بازرسی فیزیکی از دفاتر اسناد رسمی حذف شود، افزود: امروز در حوزه استعلام الکترونیک می توان آمار استعلام دور افتاده‌ترین دفتر کشور را کنترل کرد.

صدور اسناد تک‌برگی

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: برای حرکت به سمت الکترونیکی شدن امور ثبت اسناد، توجه به آموزش‌های هنگام خدمات ضروری است. وی افزود: امروز خوشبختانه بانک جامع املاک محقق شده است و اسناد مالکیت دفترچه‌ای تبدیل به اسناد تک‌برگی شده‌اند که ویژگی مهم آنها تعیین حدود دقیق مالکیت‌ها است.

وی گفت: امیدواریم تا دو ماه آینده همه دفاتر اسناد رسمی به امضای الکترونیکی مجهز شوند.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: در حوزه استعلام و خلاصه معامله ایده ما این بود که کار به صورت مدرن انجام و به مرور شیوه‌های سنتی حذف شود که ضرورت این کار در حال حاضر دفاتر اسناد رسمی استان‌های تهران، قزوین و یزد به صورت پایلوت به امضای الکترونیکی مجهز شده‌اند.

وی با بیان اینکه امروز شاهدیم که کاداستر (نقشه‌های با مقیاس بزرگ) شهری که بستری بسیار مطمئن و ضروری در املاک است به سامان رسیده است، گفت: ساماندهی بانک جامع اطلاعات نیز محقق شده است.

*** فصل الخطاب قانون در نقل و انتقال خودرو**

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اشاره به این مطلب که در موضوع نقل و انتقال خودرو قانون فصل الخطاب است گفت: بر اساس قانون دفتر اسناد رسمی مسئول نقل و انتقال هستند.

معاون قوه قضائیه در حاشیه اعطای ابلاغ اعضای جدید هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران درباره انتقال اسناد مسکن‌مهر در دفاتر اسناد رسمی گفت: از آنجا که انتقال سند مسکن‌مهر از سوی دولت انجام نشده است، پس در دفاتر اسناد رسمی نیز نقل و انتقال انجام نمی گیرد.

تویسرکانی با تاکید بر این مطلب که بحث استعلام به سمت هوشمند شدن پیش رفته است، گفت: امروز در قزوین و یزد شاهد هستیم که به صورت پایلوت استعلام میان سازمان ثبت و محاکم رد و بدل می‌شود که به زودی در سایر استان‌ها هم این روش محقق می‌شود.معاون قوه قضائیه گفت: ما امیدواریم بتوانیم با الکترونیکی شدن استعلام سالانه ۱۰ میلیون مکاتبه کاغذی را حذف کنیم.

تویسرکانی گفت: دراردیبهشت‌ماه‌امسال ۷ سامانه‌ارائه‌خدمات‌الکترونیکی به صورت رسمی افتتاح خواهد شد تا شهروندان به صورت غیر حضوری بتوانند از این خدمات استفاده کنند.

نویسرکانی درباره تعرفه دفاتر ثبت ازدواج و طلاق افزود: ما از آنجاکه کشور در شرایطی قرار دارد که مردم با تورم مواجه هستند ترجیح دادیم تعرفه دفاتر ازدواج و طلاق افزایش پیدا نکند تا حداقل فشاری بر مردم وارد نشود.

اعضای جدید هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران

اسامی سردفتران عضو اصلی و علی ـ البدل هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران در دوره چهارم، به ترتیب حائزین اکثریت آراء در انتخابات به شرح زیر است:

اعضای اصلی سردفتر احمد علی سیروس، محمدرضا دشتی ـ اردکانی، محمد عظیمیان، مسلم آقاصفری، محمد گودرزی به عنوان اعضای اصلی و احمد علی قاسمی و صابر ناظمی پول به عنوان اعضای علی البدل.

اعضای اصلی دفتریار، سعید منشی و کیوان دارایی به عنوان اعضای اصلی دفتریار و سید مصطفی حسینی به عنوان عضو علی البدل.

درخواست اعاده دادرسی محکومان به مرگ در پرونده فساد بزرگ بانکی

مهر: رئیس اداره دفتر دیوان عالی کشور گفت: هنوز تصمیمی در خصوص درخواست اعاده دادرسی برخی محکومان فساد بزرگ بانکی گرفته نشده است.

قاضی سعید عمرانی افزود: هرگاه درپرونده دلیل جدیدی پیدا شود که با آن بتوان بی گناهی محکومی را ثابت کرد، وی می‌تواند با اشاره به این مستندات تقاضای اعاده دادرسی بدهد. در پرونده فساد بزرگ بانکی هم برخی محکومان از جمله محکومان به اعدام این درخواست را مطرح کرده اند.

وی افزود: پس از درخواست اعاده دادرسی در مرحله اول دیوان عالی کشور به آن رسیدگی می کند و پس از تائید پرونده به دادگاه می‌رود تا درباره دلایل ارائه شده تصمیم گیری کند البته این به معنای نقض حکم نیست.

وی درباره اظهارات وکیل مه آفرید درباره بررسی اعاده دادرسی در شعبه تائید کننده حکم نیز گفت: هنوز در این خصوص تصمیم گیری نشده و شعبه بررسی کننده حکم مشخص نشده است.البته پس از درخواست اعاده دادرسی شعبه دیگری به آن رسیدگی می کند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

پیامدهای افزایش جمعیت خانواده‌ها

به نظر من اظهارات رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران درباره پیامدهای منفی تشویق افزایش جمعیت خانواده ها درست و منطقی است و این قبیل اظهارنظرهای کارشناسان دلسوز باید مورد توجه مسئولان سیاست‌های جمعیتی کشور قرار گیرد.

تلفن به خط ارتباطی

مأموران راهنمایی و رانندگی مقصر حادثه را هم معرفی کنند

هنگامی که پلیس راهنمایی و رانندگی در محل تصادف‌ها حاضر می‌شود و تشخیص می‌دهد که خسارات وارده کمتر از ۳ میلیون تومان است، طبق قانون و مقررات جاری از کشیدن کروکی خودداری و بیمه‌گذاران را برای دریافت خسارت به شرکت‌های بیمه هدایت می‌کند که اقدام خوبی است، به شرط آن‌که مأمورانی که در صحنه تصادف حاضر می‌شوند، راننده مقصر حادثه را هم به شرکت بیمه معرفی کنند. چرا که در غیر این‌صورت کارشناسان بیمه طرفین تصادف را پنجاه ـ پنجاه در وقوع تصادف مقصر می‌دانند که به ضرر فرد غیرمقصر است.

خانم محمدی

حرف روزنامه‌ها را قبول ندارند!

در خط ارتباطی روزنامه اطلاعات نوشته بودید شرکت‌های بیمه حق دریافت مبلغ اضافی بابت الحاقیه بیمه‌نامه شخص ثالث را ندارند، اما وقتی به بیمه ایران نمایندگی یافت‌آباد کد ۵۴۲۲ مراجعه کردم، اظهار داشتند که حرف روزنامه‌ها را قبول ندارند و بابت الحاقیه بیمه‌نامه باید ۶۰ هزار تومان بپردازم!

تلفن به خط ارتباطی

خط ارتباطی: بدیهی است آنچه در خط ارتباطی چاپ می‌شود، اظهارنظر خوانندگان روزنامه اطلاعات است و مانند هر اظهارنظر دیگری، جنبه رسمی و قانونی ندارد! در ضمن چون با الحاقیه سقف پرداخت خسارات به بیمه‌گزاران افزایش می‌یابد، طبعاً حق بیمه دریافتی از آنان هم بیشتر می‌شود.

بر مصارف ارز مبادلاتی باید نظارت شود

بانک مرکزی با اولویت قرار دادن کالاهای گروه یک تا ۹ برای واردات و صادرات آن‌ها با ارز مبادلاتی، ضرورت دارد از ابتدا تا انتها بر محل و چگونگی مصرف این ارز نظارت دقیق و کامل داشته باشد تا واردکنندگان کالا به بهانهٔ تحریم نتوانند بر قیمت محصولات وارداتی بیفزایند و مایحتاج مردم را گرانتر کنند. زیرا ارز مبادلاتی از درآمدهای عمومی و بیت‌المال پرداخت می‌شود و مصرف آن باید حساب شده باشد.

تلفن به خط رتباطی

دلایل قطع یارانه‌ها چیست؟

وقتی دولت محترم پرداخت یارانه‌های نقدی به مردم را تصویب کرده است، چرا بدون اعلام دلایل آن نسبت به قطع این یارانه اقدام می‌شود؟

اصفهان ـ متقاضی یارانه

به شکایتم رسیدگی نکرده‌اند

سال ۸۹ از تخلف یک آژانس مسافرتی در اصفهان به سازمان هواپیمایی کشوری شکایت کردم و با این‌که تخلف آن شرکت ثابت شده است، به پرونده‌اش رسیدگی و نتیجه آن را اعلام نکرده‌اند.

اصفهان ـ محمد غلامعلی‌زاده

قدردانی از زحمات پلیس راه نیروی انتظامی

در تعطیلات نوروز امسال مأموران پلیس راه در تمامی اوقات مراقب حفظ سلامت رانندگی افراد در جاده‌های کشور بودند و با فداکاری و تلاش بسیار انجام وظیفه کردند که جای تشکر دارد. اما در همان ایام در یکی از خیابان‌های نارمک چشمم به یکی از مأموران وظیفه راهنمایی و رانندگی افتاد که هر خودروی مدل بالا با راننده جوان را می‌دید، جریمه‌اش می‌کرد! جا دارد مسئولان محترم راهنمایی و رانندگی به افسران وظیفه تذکر دهند در جریمه رانندگان، دقت کافی داشته باشند.

تلفن به خط ارتباطی

خط ارتباطی: این خواننده گرامی می‌توانست موضوع را به سامانه تلفنی ۱۹۷ دفتر نظارت همگانی بازرسی کل نیروی انتظامی اطلاع دهد، تا مورد رسیدگی قرار گیرد.

تخفیف در قیمت لوح‌های فشرده

پیشنهاد می‌کنم همان‌طور که روزنامه اطلاعات با ۵۰ درصد تخفیف به دارندگان کارت منزلت بازنشستگان ارائه می‌شود، «دی.وی.دی» و لوح‌های فشرده روزنامه اطلاعات سال‌های گذشته نیز با همین تخفیف به آنان فروخته شود.

تنکابن ـ باقری، بازنشسته وزارت دادگستری

لزوم برخورد با تماشاچی‌نمایان فوتبال

رفتارهای نامناسب تماشاگران فوتبال بخصوص در مسابقاتی که در سطح آسیایی و بین‌المللی پخش می‌شود، باعث تأسف است و به نظر می‌رسد چون اقدامات لازم درخصوص این تماشاچی‌نمایان اعمال نشده است، تخلفات و رفتارهای زشت و ضداخلاق آنان بیشتر شده است.

کسمایی

تخریب منابع طبیعی در روستای «خیاران»

شهریور ماه ۹۱ افرادی زمین‌های پایین دست کوه «دره خیبر» روستای «خیاران» از توابع شهرستان سنقر و کلیایی استان کرمانشاه را به وسیله بیل مکانیکی به طول ۲ کیلومتر و عمق ۲ متر گودبرداری و درختان چندین ساله کوهی زالزالک، تمشک، بید و زرشک‌کوهی را قطع و چشمه‌های طبیعی، گیاهان گون و پونه و همچنین آبخوری‌های احشام روستائیان را تخریب کردند که علیرغم حضور مأموران اداره منابع طبیعی شهرستان سنقر و کلیایی در محل، متاسفانه تاکنون اقدامی در جهت جلوگیری از اقدامات افراد سودجو و متخلف صورت نگرفته است.

روستای خیاران ـ علی‌اکبر محمدی

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت کنترل کیفیت هوا شهرداری تهران درخصوص توسعه سامانه حمل و نقل عمومی

احتراماً، ضمن تشکر از شهروند محترم تهرانی به واسطه اعلام نظر خود درخصوص فعالیت‌های زیست‌محیطی شهرداری تهران به استحضار ایشان می‌رساند شهرداری تهران در سال ۱۳۹۲ طرح‌های اجرایی و تحقیقاتی مؤثری خواهد داشت که از جمله آنها می‌توان به بهینه‌سازی و توسعه سامانه حمل‌ونقل عمومی بویژه مترو و اتوبوس براساس استانداردهای روز دنیا که تأثیر چشمگیری در کاهش آلودگی هوا دارد، اشاره نمود. امید که با مشارکت هرچه بیشتر از سوی شهروندان و همت بیشتر مسئولین در سال ۱۳۹۲ شاهد روزهایی با هوای پاک و سالم باشیم.

درباره ایجاد سهولت در رفت و آمد شهروندان

ضمن تشکر از اعلام نظر هم‌میهن عزیزمان جناب آقای حکیم‌زاده و ابراز تأسف از نرسیدن ایشان به پرواز، به استحضار ایشان می‌رساند شهرداری تهران در راستای سهولت آمد و شد شهروندان محترم سامانه‌های حمل و نقلی مختلفی را در شهر تهران ایجاد نموده و توسعه کلیه آنها در دستور کار می‌باشد. همچنین امید است که در آینده‌ای نزدیک شاهد رسیدن خطوط متروی شهر تهران به فرودگاه مهرآباد باشیم تا از اتفاقات ناگواری از این دست پیشگیری گردد.

یوسف رشیدی ـ مدیرعامل

پاسخ شهرداری منطقه ۲ دربارهٔ بازسازی فضای سبز بزرگراه یادگار امام

احتراماً، بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات که در مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۲ با عنوان «درختان را قطع کردند و جایش نکاشتند» درج گردیده، بدینوسیله پاسخ این منطقه که براساس جوابیه فضای سبز منطقه تهیه شده، به شرح ذیل اعلام می گردد.

متن جوابیه: با عنایت به پیام شهروند محترم در خصوص درختان را قطع کردند و جایش نکاشتند، به آگاهی می‌رساند: هیچ‌گونه قطع درختی صورت نگرفته و این منطقه در جهت بازسازی فضای سبز حاشیه غربی و شرقی بزرگراه یادگار امام، حدفاصل ایوانک تا پل دادمان، اقدام به آماده‌سازی و چمن‌کاری قطعات درختکاری آن محل نموده است که در این راستا بازسازی فضای سبز و چمن‌کاری حاشیه شرقی بزرگراه در محل مذکور به اتمام رسیده و حاشیه غربی بزرگراه در آن محل در حال انجام می‌باشد.

فرماند ـ رئیس اداره روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

عزیمت تیم‌های ملی کشتی ایران به رقابتهای قهرمانی آسیا

تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران، برای شرکت در رقابت‌های قهرمانی آسیا – ۲۰۱۳ دهلی نو، بامداد امروز راهی هند شدند.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون کشتی، رقابت‌های کشتی فرنگی و آزاد قهرمانی بزرگسالان آسیا، از ۲۸ فروردین تا ۲ اردیبهشت در شهر دهلی نو، پایتخت کشور هندوستان برگزار می شود.

ترکیب تیم ملی کشتی فرنگی ایران در رقابت‌های مذکور به این شرح است: ۵۵ کیلوگرم: محسن حاجی پور، ۶۰ کیلوگرم: عبدالمحمد پاپی، ۶۶ کیلوگرم: مهدی زیدوند، ۷۴ کیلوگرم: هادی علیزاده پورنیا، ۸۴ کیلوگرم: طالب نعمت پور، ۹۶ کیلوگرم: داود گیل نیرنگ، ۱۲۰ کیلوگرم: بشیر باباجان زاده و امیر قاسمی منجزی

رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی آسیا، از ۲۸ تا ۳۰ فروردین در شهر دهلی نو پایتخت هند برگزار می شود.

ترکیب تیم ملی کشتی آزاد ایران نیز به این شرح است: ۵۵ کیلوگرم: حسین رحمانی (نفر اول قهرمانی کشور) و محمد طهماسبی زاده (نفر سوم قهرمانی کشور)، ۶۰ کیلوگرم: حسن مرادقلی (عضو تیم ملی ایران در رقابت های جام جهانی)، ۶۶ کیلوگرم: مسعود کمرونـد (نفر اول قهرمانی کشور) و محمد یوسفی (نفر سوم قهرمانی کشور)، ۷۴ کیلوگرم: عزت اله اکبری (نفر سوم انتخابی مرحله اول تیم ملی و عضو تیم ملی ایران در رقابت های جام جهانی) و امیر شریعتی (نفر اول قهرمانی کشور)، ۸۴ کیلوگرم: محمد حسین محمدیان (نفر اول قهرمانی کشور) و احسان امینی (عضو تیم ملی ایران در رقابت های جام جهانی)، ۹۶ کیلوگرم: حامد تاتاری (عضو تیم ملی ایران در رقابت های جام جهانی)، ۱۲۰ کیلوگرم: پرویز هادی (نفر اول قهرمانی کشور)

رقابت‌های کشتی آزاد قهرمانی بزرگسالان آسیا، از ۳۰ فروردین تا یکم اردیبهشت در شهر دهلی نو پایتخت هند برگزار می شود.



با دست پر بر می گردیم

مربی ارشد تیم ملی کشتی فرنگی ایران، گفت: تلاش می کنیم از رقابت‌های قهرمانی آسیا با دست پر به ایران برگردیم.

عبدالله چمن گلی، پیش از اعزام به رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی آسیا، گفت: هر مربی نظرش بر این است که تیمش قهرمان شود و ما هم تیم خود را بر این اساس بسته ایم و هدفمان قهرمانی در آسیا ست.

وی افزود: باید از بچه‌های تیم ملی و کادر فنی تشکر ویژه کنم که از ابتدای اردوها حضور پیدا کردند و نظم بسیار خوبی داشتند. برنامه‌ها به خوبی انجام شد و خوشبختانه وضع امکانات هم در حد مناسبی بود.

چمن گلی افزود: قرار بود، چند روز زودتر به هند اعزام شویم و برای حضور در آنجا برنامه‌های خاصی داشتیم، ولی متاسفانه به خاطر مشکلات روادید در تهران ماندیم. البته آن برنامه‌ها را مثل وزن کم کردن، تمرینات سرعتی و ... در خانه کشتی انجام دادیم.

مربی ارشد تیم ملی کشتی فرنگی با اشاره به اینکه تلاش می کند، کشتی گیران را با شرایط هماهنگ کند، گفت: تنها مشکل از لحاظ روانی است، چون بچه‌ها باید با محل استراحت و مسابقه زودتر آشنا می‌شدند، ولی سعی می کنیم که با تدابیر خاص این هماهنگی را به وجود بیاوریم.

وی افزود: ساعت ٤ صبح امروز عازم هند خواهیم شد که حدود چند ساعت قبل از وزن کشی به دهلی می‌رسیم. در بخش تغذیه و کنترل وضع بدنی، شرایط را مهیا کرده‌ایم تا مشکلی ایجاد نشود.

وی افزود: خوشبختانه با ایجاد فرایند انتخابی تیم ملی همه بچه‌ها خیلی با انگیزه هستند و می خواهند جایگاه خود را در تیم ملی پیدا کنند. نظم و انضباط خوبی بین کشتی گیران به وجود آمده است، چون متوجه شده اند که در انتخابی عدالت برقرار خواهد شد.

مربی ارشد تیم ملی کشتی فرنگی با تشکر از کادر فنی قبلی، گفت: کادر فنی قبلی در شناسایی و استعدادیابی بچه‌ها، تلاش زیادی کردند که باید از آنها تشکر کنم.

ملاک انتخاب ملی‌پوشان

مربی تیم ملی کشتی آزاد ایران، ملاک انتخاب نفرات اعزامی به رقابت‌های کشتی آزاد قهرمانی آسیا را برتری در رقابت های قهرمانی کشور و حضور در جام جهانی تهران دانست.

علیرضا رضایی، گفت: کسانی که دررقابت‌های قهرمانی کشور درخشیدند و در جام جهانی تهران حضور داشتند، به هند اعزام می‌شوند. البته در چهار وزن (٥٥، ٦٦، ٧٤ و ٨٤ کیلوگرم) کادر فنی به جمع بندی نهایی نرسیده است که به چه کسی نفر اول باشد، ولی در هند تصمیم نهایی را خواهیم گرفت.

وی در پاسخ به این سوال که چرا در بعضی از اوزان به جای نفرات دوم قهرمانی کشور از نفرات سوم دعوت شده است؟ گفت: رده بندی، ملاک انتخاب ما نیست و حتی ممکن است، کشتی گیری چهارم شود، ولی از نظر ما بهتر باشد. برای کادر فنی، مهم قابلیت کشتی گیران از نظر فنی است.

رضایی درباره رقابت‌های قهرمانی آسیا در هند، افزود: آمادگی بچه‌ها خوب است، البته هند تیم خوبی دارد و با توجه به قوانین فیلا که دست داوران را باز گذاشته و میزبانی هند، کار سختی پیش‌رو داریم ، ولی ایمان داریم که بچه‌ها در این رقابت‌ها موفق می شوند.

مربی تیم ملی کشتی آزاد، گفت: متاسفانه هندی‌ها با صادر نکردن به موقع ویزا کارشکنی کردند، ولی با پیگیری مسئولان تیم، این مشکل حل شد.

اردوی آزاد؛ یکم اردیبهشت

مرحله جدید اردوی تیم ملی کشتی آزاد بزرگسالان، برای شرکت در مسابقات روز کشتی از یکم اردیبهشت در خانه کشتی تهران آغاز می شود.

مرحله جدید اردوی تیم ملی کشتی آزاد بزرگسالان، برای شرکت در مسابقات روز کشتی – که ٢٥ اردیبهشت در شهر نیویورک برگزار خواهد شد – از یکم اردیبهشت در خانه کشتی تهران آغاز می شود. این اردو تا زمان اعزام به مسابقات مذکور ادامه خواهد داشت.

در این اردو ۳۱ کشتی گیر دعوت شده‌اند، ولی نکته جالب توجه دعوت نکردن از صادق گودرزی، نایب قهرمان المپیک لندن است که چندی پیش بدون هماهنگی کادر فنی از حضور در اردوی تیم اعزامی به قهرمانی آسیا، خودداری کرد و نامش از فهرست مسافران اعزامی به نیویورک حذف شد. همچنین از احسان امینی که در ماه‌های اخیر، یکی از کشتی گیران ثابت اردوها بوده است و نامش در تیم اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا هم دیده می‌شود، خبری نیست.

همچنین رضا یزدانی، ملی‌پوش المپیکی ایران که مدتی است تمرینات خود را برای بازگشت به میادین از سر گرفته، یکی از دعوت نشدگان به اردوست.

شکایت فدراسیون کشتی

نایب رئیس فدراسیون کشتی اعلام کرد که ایران نسبت به انتخابات کنفدراسیون کشتی آسیا به فیلا شکایت خواهد کرد.

حسن رنگرز با بیان این مطلب، افزود: هیچ چیزی در باره این انتخابات نمی توانم بگویم، چون در این انتخابات به ایران کم لطفی کردند.

وی با بیان اینکه همه مسائلی که دربحث رای گیری و پروسه آن ایجاد شده است، بحث انگیز بود، افزود: همه از جمله نمایندگان رسانه های گروهی شاهد این بی عدالتی بودند و در بحث برگزاری و شمارش آرا، خبرنگاران شاهد بودند که چه اتفاقی افتاد و همه تصاویر ثبت شده و مشکلات به خوبی مشهود است.

رنگرز، تاکید کرد: نمایندگان بیش از هفت کشور به ما اعلام کردند که به نماینده ایران رای داده اند و ما نسبت به این بی عدالتی به فدراسیون جهانی کشتی اعتراض و شکایت می کنیم.

وی تصریح کرد: این مسائل به کنفدراسیون کشتی آسیا آسیب می زند و نمی دانم این مسایل را چگونه توضیح بدهم و هر علاقه مندی که تصاویر این جلسه را ببیند، متوجه می شود که از پیش طراحی شده است.

انتخابات شورای کشتی آسیا، دیروز در حالی در شهر دهلی نو پایتخت هند، برگزار شد که ابراهیم جوادی، نماینده ایران با کارشکنی های صورت گرفته در این انتخابات، رای نیاورد.

تیم فوتبال شهرداری تبریز، لیگ برتری شد

تیم فوتبال شهرداری تبریز با تساوی مقابل تیم راهیان کرمانشاه و کسب ٤٧ امتیاز به سیزدهمین دوره لیگ برتر فوتبال صعود کرد.

دیروز با برگزاری مسابقات هفته بیست و ششم (هفته پایانی) لیگ دسته یک، در گروه «ب»، تیم شهرداری تبریز جواز حضور در سیزدهمین دوره لیگ برتر فوتبال را به دست آورد و تیم استقلال خوزستان راهی پلی آف شد.

این بازی‌ها عصر دیروز با انجام پنج مسابقه از ساعت ۱۶:۳۰ پی گرفته شد تا تکلیف تیم‌های صعود کننده به لیگ برتر و پلی‌آف مشخص شود. دیدار تیم‌های شهرداری تبریز و راهیان کرمانشاه به تساوی بدون گل انجامید و شهرداری تبریز با یک امتیازی که به دست آورد، ٤٧ امتیازی شد و با قرار گرفتن در صدر جدول گروه ب، جواز حضور در لیگ برتر را کسب کرد. همچنین استقلال خوزستان، با نتیجه ۲ بر یک مغلوب فولاد یزد شد، ولی با ٤٦ امتیاز در رده دوم جدول باقی ماند و راهی پلی آف شد.

پاس همدان در یاسوج، تیم شهرداری را با یک گل شکست داد و تیم سوم این گروه شد. در سایر مسابقه‌ها، ایران جوان بوشهر پذیرای نیروی زمینی بود که این مسابقه نیز به تساوی یک بر یک رسید. شهرداری بندرعباس نیز با نتیجه ۳ بر یک مهمانش مس رفسنجان را از پیش رو برداشت. دیدار تیم‌های یادآوران شلمچه و سایپای شمال هم لغو شد.

بنابراین، صعود تیم‌های گسترش فولادتبریزوشهرداری تبریزبه‌سیزدهمین دوره لیگ برتر فوتبال، قطعی شد و مس سرچشمه و استقلال خوزستان به عنوان تیم‌های دوم گروه الف و ب این بازی‌ها، دیدار پلی‌آف را برگزار می‌کنند .

تجمع شبانه دوستداران دورتموند برای تهیه بلیت بازی با رئال

هواداران تیم فوتبال بوروسیادورتموند، برای آنکه تماشای بازی با رئال مادرید در ورزشگاه را از دست ندهند، شب را در محل فروش بلیت سپری کردند.

فروش بلیت مسابقه چهارشنبه آینده زردپوشان، از صبح دیروز در چند نقطه شهر دورتموند آغاز شد. هواداران بوروسیا که تعصب زیادی به تیم محبوب خوددارند، برای آنکه از فرصت حضور درورزشگاه «زیگنال‌ایدوناپارک» غافل نمانده و با مشکل پایان بلیت فروشی مواجه نشوند، از دیروز مقابل دفاتر فروش بلیت، حضور یافته و حتی شب را در محل پیش فروش بلیت، پشت سر گذاشتند.

بازی دورتموند – رئال مادرید در مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا، چهارشنبه هفته آینده در ورزشگاه « زیگنال‌ایدونا پارک » برگزار می‌شود.

نیروی زمینی، قهرمان مسابقات شنا گرامیداشت روز ارتش

تیم نیروی زمینی در پایان رقابت‌های شنا، گرامیداشت ۲۹ فروردین روز ارتش (یادواره شهید امیر سپهبد صیاد شیرازی) که با حضور هفت تیم از نیروهای مسلح در استخر استعدادیابی آکادمی ارتش برگزار شد به مقام نخست رسید.

تیم شنای نیروی زمینی با کسب ۳۸ امتیاز به مقام اول دست یافت و تیم‌های نیروی هوایی با کسب ۲۸ امتیاز و سازمان حفاظت ارتش با کسب ۲۰ امتیاز دوم و سوم شدند.

بیانیه ۱۵ باشگاه لیگ برتری در حمایت از ۱۸ تیمی ماندن لیگ برتر فوتبال

نشست مدیران عامل باشگاه‌های لیگ برتر و برخی از اعضای هیات رئیسه فدراسیون با حضور کفاشیان، محمدنبی، آیت‌الهی، تاج و روسای کمیته‌های فدراسیون و عزیزاله محمدی، رئیس اتحادیه فوتبال برگزار شد.

در این جلسه، بیانیه‌ای از سوی ۱۵ باشگاه لیگ برتری به امضا رسید که در مفاد آن بر ۱۸ تیمی ماندن لیگ برتر فوتبال (جام خلیج فارس) در فصل ۹۲–۹۳ تأکید شده است.

در این بیانیه که فقط سه باشگاه تهرانی استقلال، پرسپولیس و نفت به دلیل حضور نداشتن نمایندگانشان در این جلسه موفق به امضای آن نشدند، خطاب به کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال آمده است: با عنایت به آیین نامه تصویبی ابتدای فصل لیگ برتر، مبنی بر کاهش تیم های شرکت کننده از ۱۸ به ۱۶ تیم در فصل آینده، باشگاه های امضا کننده این بیانیه با نامناسب دانستن این مصوبه، خواهان برگزاری جلسه فوری هیات رئیسه فدراسیون فوتبال و تجدید نظر در این موضوع هستند که امیدواریم پس از خواندن آن نسبت به اجرای آن اقدام شود.

علی ایحال با توجه به دلایل متعدد به نظر می رسد که ادامه لیگ برتر با ۱۸ تیم به نفع فوتبال کشور بوده و کاهش تعداد تیم ها، ظلم فاحشی برای فوتبال ایران خواهد بود؛ لذا مصرانه استدعا دارد، قبل از هرگونه تصمیم گیری از طریق کارشناسان فوتبال، بررسی جامعی صورت گیرد و در جلسه هیات رئیسه فدراسیون فوتبال بار دیگر این موضوع به بحث گذاشته و با تدبیری درست، تصمیم جامع و کاملتری گرفته شود که در آن فقط منافع باشگاه‌ها و مردم کشورمان در اولویت قرار داشته باشد.

دعوت آمریکا از گیتی‌پسند برای حضور در تورنمنت فوتسال بین قاره‌ای

فدراسیون فوتبال آمریکا، از باشگاه گیتی‌پسند برای حضور در تورنمنت فوتسال بین‌قاره‌ای با حضور بهترین‌های جهان دعوت کرد.

فدراسیون فوتبال آمریکا با ارسال دعوتنامه ای، از باشگاه گیتی پسند درخواست کرد، به عنوان قهرمان باشگاه‌های آسیا در این تورنمنت بین‌قاره‌ای حضور یابد. این تورنمنت با حضور شش تیم برتر فوتسال جهان برگزار می‌شود.

شش تیمی که در این مسابقات حضور می‌یابند، عبارت از دینامو مسکو روسیه، کارلوس باربوسا برزیل، بارسلونا اسپانیا، بوکاجونیورز آرژانتین، گیتی پسند ایران و تیم قهرمان آمریکا هستند. تورنمنت بین قاره‌ای فوتسال از پنجم تیرامسال به مدت پنج روز برگزار می‌شود.

خسروشاهی، قهرمان لیگ کورسی بانوان

نخستین مرحله از لیگ دوچرخه‌سواری کورسی بانوان در مواد پیست و جاده با کسب مقام قهرمانی توسط زهرا خسروشاهی، از تیم دبیری تبریز در رده سنی جوانان پیگیری شد.

در ادامه لیگ کورسی بانوان، صبح دیروز رکابزنان در رده سنی جوانان و در ماده استقامت به مسافت ۵۰ کیلومتر با هم به رقابت پرداختند که زهرا خسروشاهی، از تیم دبیری تبریز به مقام قهرمانی دست یافت. آذردخت محمدی از اصفهان مقام نایب قهرمانی را به خود اختصاص داد و نیلوفردوکوهکی بر سکوی سوم ایستاد.

دعوت ایران به لیگ جهانی سپک تاکرا

فدراسیون جهانی سپک تاکرا، تیم ملی رگو ایران را به لیگ جهانی – که قرار است در ٤ مرحله برگزار شود – دعوت کرد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون انجمن های ورزشی، دبیر کل فدراسیون جهانی سپک تاکرا با ارسال نامه ای به رئیس انجمن سپک تاکرا کشورمان، رسما تیم ایران را به لیگ جهانی – که قرار است در ٤ مرحله به میزبانی مالزی، تایلند و هندوستان برگزار شود – دعوت کرد.

در این رقابت ها ۱۲ تیم برتر جهان حضور خواهند داشت که رقابت خود را پس از تعیین تاریخ نهایی از سوی فدراسیون جهانی آغاز خواهند کرد. در نامه دبیرکل فدراسیون جهانی، دلیل اصلی دعوت تیم ایران به این رقابت ها، درخشش ملی پوشان در رقابت های بین المللی و برگزاری منظم لیگ داخلی و پیشرفت سپک تاکرا، عنوان شده است. تیم های تایلند، مالزی، اندونزی، میانمار، کره جنوبی، هندوستان، ایران، برونئی، سنگاپور، آمریکا، فیلیپین و ژاپن در این مسابقات حضور دارند.

برگزاری ۱۰ اردوی مقطعی برای ملی پوشان کاراته تا پایان تیر

نشست اعضای کادرفنی تیم های ملی کاراته بانوان و آقایان با مسئولان فدراسیون برگزار و مقرر شد که در ادامه برنامه‌های آماده سازی تیم‌های ملی، ۱۰ اردوی تمرینی (۵ اردو برای بانوان و ۵ اردوبرای آقایان) تا پایان تیر امسال برگزار شود.

به گزارش سایت فدراسیون کاراته، تعویق چهار ماهه در زمان آغاز بازی‌های کشورهای اسلامی و در پیش بودن رقابت‌های قهرمانی بزرگسالان آسیا، سبب شد تا دیروز نشستی بین مسئولان فدراسیون کاراته با اعضای کادرفنی تیم های ملی برگزار شود. در این جلسه، اعضای کادرفنی گزارشی از نحوه آماده سازی اردونشینان در مراحل پیشین اردو، ارایه کردند و نیازهای مربیان برای رساندن تیم ملی به شرایط ایده آل را تشریح کردند. برگزاری اردو و مبارزه دوستانه با استان های صاحب سبک در کاراته و حضور در تورنمنتی بین المللی و معتبر از دیگر مسایل مورد بحث در این نشست بود.

همچنین مقرر شد، به‌دلیل فاصله زمانی چندماهه تابازی‌های کشورهای اسلامی در اندونزی و مسابقات قهرمانی آسیا در امارات، ۱۰ مرحله اردوی مقطعی برگزار شود. زمان بندی اردوها به این شرح است:

۲ تا ۶ اردیبهشت، اردوی آقایان
۹ تا ۱۳ اردیبهشت، اردوی بانوان
۲۱ تا ۲۵ اردیبهشت، اردوی آقایان
۳۰ اردیبهشت تا ۳ خرداد، اردوی بانوان
۹ تا ۱۳ خرداد، اردوی آقایان
۱۳ تا ۱۷ خرداد، اردوی بانوان
۲۷ تا ۳۱ خرداد، اردوی آقایان
اول تا ۵ تیرماه اردوی بانوان
۱۵ تا ۲۰ تیر، اردوی آقایان
۲۱ تا ۲۵ تیر، اردوی بانوان

فینال جام حذفی فوتبال ۱۵ اردیبهشت در ورزشگاه آزادی



پرسپولیس تهران، میزبان دیدار پایانی بیست و ششمین دوره جام حذفی فوتبال باشگاه های ایران خواهد بود.

پس از کش‌وقوس های فراوان، ورزشگاه آزادی تهران در ۱۵ اردیبهشت، میزبانی دیدار پایانی جام حذفی فوتبال باشگاه های ایران (حماسه آزادسازی خرمشهر) را بر عهده خواهد داشت. شهر میزبان دیدار فینال جام حذفی با قرعه کشی بین دو شهر تهران و اصفهان انتخاب شد. قرار است، تماشاگران دو تیم به صورت ۵۰ – ۵۰ در ورزشگاه حاضر شوند.

قرعه‌کشی محل فینال جام حذفی، عصر دیروز در حالی برگزار شد که مهدی تاج، برای انتخاب قرعه‌ها از خبرنگاران پرسید که آیا در بین آن‌ها خانواده شهید حضور دارد یا خیر، که وی قرعه را بکشد. ولی با توجه به اینکه چنین فردی در بین خبرنگاران حضور نداشت، امینی عضو هیات رئیسه باشگاه سپاهان که از خانواده شهداست، قرعه‌ها را انتخاب کرد.

محمد رویانیان و محمدرضا رحیمی در لحظاتی که قرعه‌ها برداشته می‌شد، بسیار استرس داشتند و با درآمدن قرعه میزبانی به نام پرسپولیس، مدیرعامل باشگاه سپاهان، آه سردی کشید، ولی بدون هیچ مساله‌ای اعلام کرد که قرعه را قبول دارد. این تصمیم در حالی گرفته شد که باشگاه پرسپولیس، پریروز اعلام کرده بود، بازی یا باید در مشهد برگزار شود یا به صورت رفت و برگشت. مسئولان باشگاه پرسپولیس، پس از پیروزی مقابل داماش گیلان و صعود به دیدار پایانی اعلام کرده بودند، به هیچ وجه قرعه‌کشی را برای تعیین ورزشگاه میزبان دیدار پایانی جام حذفی را نمی‌پذیرند.

پیش از این، ورزشگاه ثامن‌الائمه مشهد به عنوان گزینه اصلی میزبانی فینال جام‌حذفی در رسانه‌ها، اعلام شده بود. دیدار تیم‌های پرسپولیس – سپاهان، ۱۵ اردیبهشت در تهران برگزار می‌شود.

پیام فرمانده کل ارتش به مناسبت ۲۹ فروردین

سرویس سیاسی –اجتماعی: فرمانده ارتش جمهوری اسلامی به مناسبت فرارسیدن روز ارتش، پیامی صادر کرد.

در بخشی از پیام سرلشکر ستاد عطاء صالحی آمده است: در دفتر تاریخ سراسر افتخار این سرزمین، بیست و نهم فروردین همواره تداعی کننده تکرار حدیث حریت و آزادمردی فرزندان ارتشی امت غیور ایران اسلامی است که به عنوان پیشگامان دفاع از عزت اسلامی و غرور ایرانی جان را در طبق اخلاص نهادند و اعتماد رهبر کبیر انقلاب به ارتش و دستور صریح ایشان برای حفظ این نیروی قوام یافته انقلابی و مردمی را به نقد جان و جوانی خویش پاسخی شایسته دادند.

نگاه عمیق به دستاوردها و معارف دفاع مقدس به عنوان گنج جنگ، عرصه دیگری از دفاع مقدس ما بود. دفاع از دستاوردهایی که ما را در ادامه مسیر و در مواجهه با تغییر معادلات سیاسی و جبهه تعرض دشمن در کنار گزافه گویی‌ها و رجزخوانی‌های مذبوحانه، بیش از پیش آماده کرده است، به گونه‌ای که این یاوه‌گویی‌ها نه فقط خللی در سد سترگ اراده و توان فرزندان ارتشی ملت شهیدپرور به وجود نیاورده است بلکه با بهره‌گیری از استعدادهای بومی و بازطراحی سیاستهای دفاعی موفق سالهای دفاع مقدس، ما را در وضعی از آمادگی دفاعی قرار داده است که حتی خیال تعرض به کیان ایران اسلامی دربردارنده هزینه‌ای جبران ناپذیر خواهد بود، تا چه رسد به بی تدبیری و اقدامی ابلهانه که دست قدرتمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آن غبار هرزه‌پو را برای همیشه از ردای آینده نظام مقدسمان خواهد زدود.

در ادامه پیام فرمانده ارتش جمهوری اسلامی تاکید شده است: در سالی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به نام حماسه سیاسی و اقتصادی نامگذاری فرموده‌اند، کارکنان شریف ارتش جمهوری اسلامی ایران و خانواده‌های نجیب ایشان با اعتقاد قلبی به تحقق وعده نصرت الهی دل در گرو مهر ولایت دارند و بیش از پیش کمر همت به تحقق خواست مقتدای خود خواهند بست.

پاسخ ارتش به دشمنان

ستاد کل نیروهای مسلح نیز در بیانیه‌ای با گرامیداشت ۲۹ فروردین روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ارتشیان غیور و ولایتمدار را بازوی توانمند نظام و ملت در برابر دشمنان ماجراجو و کینه‌توز دانست.

در بخشی از این بیانیه آمده است: نقش و جایگاه سترگ ارتش جمهوری اسلامی در عرصه‌های نیاز میهن اسلامی بویژه در صحنه خطیر حفاظت از تمامیت ارضی و حراست از استقلال کشور در حافظه تاریخی ملت ایران از درخشندگی خاصی برخوردار است والهام بخش نسل‌های امروز و فردای این سرزمین است.

این بیانیه مهارت افزایی، تخصص، نگاه به آینده و رصد تهدیدات فراروی نظام اسلامی توسط نیروهای سه‌گانه زمینی، دریایی و هوایی ارتش برابر جبهه دشمنان جمهوری اسلامی را معنادار توصیف و تاکید کرده است: دشمنان انقلاب اسلامی و ملت ایران باید بدانند ارتش دلاور جمهوری اسلامی در کنار سایر نیروهای مسلح و مدافع نظام و میهن اسلامی، با برخورداری از ایمان، اراده، بصیرت، هوشیاری و هوشمندی و اشراف اطلاعاتی برتحولات جاری و پیرامونی کشور و نیز وضع تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هر گونه خطای استراتژیک آنان را به گونه‌ای قاطع، کوبنده و سخت پاسخ خواهد داد.

جانشین وزیر دفاع: ناوگان آمریکا پس از تست موشک ضد کشتی ایران، عقب نشینی کرد

جانشین وزیر دفاع گفت: پس از تست اولین نمونه موشک بالستیک ضد کشتی در خلیج فارس بلافاصله ناوگان دشمن خود را عقب کشید.

به گزارش فارس، سردار مجید بکایی در چهارمین جشنواره جوان سرباز که صبح دیروز برگزار شد، در ادامه تصریح کرد: کل هزینه ایران برای توان و اقتدار دفاعی ۲ تا ۳ میلیارد دلار است، در حالی که آمریکا ٦٥٠ میلیارد دلار در این زمینه هزینه می کند. اگر آمریکا به عراق و افغانستان آمده و دور تا دور کشورمان وجود دارد، برای از بین بردن اقتدار نظامیمان است.

وی با بیان این که با استفاده از نیاز خودمان سلاح‌هایمان را تولید کردیم گفت: در هیچ جای دنیا کشتی را با موشک زمین به زمین نمی‌زنند و از موشک کروز استفاده می کنند و انواع موشک‌های ضد کشتی، کروز هستند که احتمال زدن آن هم زیاد است. در این زمان سازمان هوافضا به این فکر افتاد که چگونه می‌توان به طریقی دیگر کشتی‌ها را زد و با توجه به این که تهدید ناوگان دشمن در خلیج فارس حفظ شد، در کمتر از یک سال موشکی را ساختند که از زمین به زمین تبدیل به زمین به دریا شد.

بکایی تاکید کرد: این موشک از جو خارج می‌شود و دوباره با سرعتی ۱٤–۱٥ برابر صوت به کشتی برخورد می کند. وقتی اولین نمونه آن در خلیج فارس تست شد، بلافاصله ناوگان دشمن خودش را عقب کشید.

جانشین وزیر دفاع همچنین با اشاره به جنگنده بومی قاهر گفت: وقتی این جنگنده رونمایی شد دشمن ابتدا می گفت که ماکت و مقوا است و بعد تجزیه و تحلیل کردند و گفتند جمهوری اسلامی آن را برای مقابله با بالگردها طراحی کرده است. وی افزود: زیرا نقاط قوت ما قایق‌های تندروست و دشمن برای مقابله با آن از بالگرد استفاده می کند و آن ها تحلیل کردند که این جنگنده با تکنولوژی گراند افکت قادر است در یکی دو متری سطح آب پرواز کند و بالگردهایشان را بزند. این تحلیل آمریکایی‌ها بود و ما با جرات می گوییم قاهر با هزینه ۲ تا ۳ میلیون دلار، یک جنگنده بسیجی برای حفظ خلیج فارس است و ثمره توجه به فرمان ولایت است.

انجام ۱۰ مورد عمل پیوند قرنیه مصنوعی در بیمارستان فارابی

رئیس بیمارستان فوق تخصصی چشم پزشکی فارابی به جزئیات انجام عمل ترمیم قرنیه به کمک سلول های بنیادی راتشریح کرد.

به گزارش ایسنا، دکتر محمود جباروند در نشست خبری که به مناسبت برگزاری نوزدهمین سمینار سالیانه فارابی ترتیب داده شده بود، به برگزاری کارگاهی تحت عنوان کاربرد سلول‌های بنیادی در درمان بیماری‌های چشمی اشاره کرد و گفت: سلول‌های بنیادی در ترمیم بافت‌های انسانی نقش دارند و در حال حاضر بیش از ۱۰ مورد عمل پیوند قرنیه مصنوعی در بیمارستان فارابی انجام شده است.

وی تنها مشکل بزرگ بیمارستان فارابی را مطالباتش از سازمان‌های بیمه گر دانست و گفت: مطالبات بیمارستان از هفت‌ماهه گذشته تاکنون پرداخت نشده است و این میزان از مطالبات بیمارستان به حدود ١٤ میلیارد تومان می‌رسد.

جباروند از احداث بیمارستان جدید فارابی تا سه سال آینده خبر داد و گفت: این بیمارستان یک فضای ۳۰ هزار متر مربعی را در کنار ساختمان اصلی به خود اختصاص داده است و در شش طبقه ساخته و به عنوان مرکز آکادمیک و قطب علمی چشم پزشکی فعالیت خود را آغاز می کند.

نوزدهمین سمینار سالیانه فارابی و ششمین گردهمایی گروه فوق تخصصی ویتره و رتین انجمن چشم پزشکی ایران با محوریت بیماری های شبکیه از چهارم تا ششم اردیبهشت ماه سال جاری در محل هتل المپیک تهران برگزار می‌شود.

مراکز رادیولوژی بدون «فیلم» مانده‌اند

رئیس انجمن رادیولوژی ایران با اشاره به افزایش هزینه‌های مراکز رادیولوژی از تاخیر ایجاد شده در اعلام تعرفه‌های ۹۲ علیرغم وعده‌های مسئولان برای اعلام تعرفه‌ها قبل از سال جدید انتقاد کرد.

دکتر جلال شکوهی در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن انتقاد از عدم ابلاغ تعرفه‌های تشخیصی – درمانی ۹۲ گفت: هر چند قرار بود تعرفه‌های ۹۲ قبل از آغاز سال جدید اعلام شود اما اقدامی در این جهت صورت نگرفته است و هنوز با تعرفه‌های قدیمی می‌سازیم و هر روز منتظریم تا تعرفه‌های جدید اعلام شود.

شکوهی باانتقاداز آنچه که «وضعیت‌بد» مراکز رادیولوژی خواند، گفت: تمام خریدها در مراکز رادیولوژی بر اساس دلار است و هزینه‌ها سه – چهار برابر شده اما درآمدها همچنان پایین و حتی کمتر از قبل است و کل دارایی رادیولوژیست‌ها به یک سوم و یک چهارم کاهش یافته است.

رییس انجمن رادیولوژی در ادامه با اشاره به وضعیت «فیلم‌رادیولوژی» در مراکز رادیولوژی گفت: مطب‌ها بدون فیلم مانده‌اند. هر چند مقداری فیلم رادیولوژی وارد شده است اما اداره نظارت بر توزیع باید در این زمینه حواله دهد، برای دریافت حواله هم عنوان می کنند که هنوز قیمت تعیین نشده است .

وی افزود: اکنون مراکز رادیولوژی مانند بیمارستان‌های دولتی، دانشگاهی و... تصویرنگاری‌های پزشکی را روی کاغذ چاپ می کنند و روی «سی دی» هم می‌ریزند و در این زمینه با بیمار کنار می‌آیند.

ابراز نگرانی از افزایش شمار مصرف کنندگان شیشه

سرویس سیاسی –اجتماعی: مدیرکل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی نسبت درصد بسیار زیاد مصرف کنندگان شیشه در کشور ابراز نگرانی کرد.

فرید براتی سده در گفتگو با ایسنا، گفت: طبق آخرین بررسی‌های انجام شده، درصد مصرف کنندگان شیشه بسیار بالاست که این موضوع نگران‌کننده است، این در حالی است که سیاستگذاری ستاد مبارزه با مواد مخدر بر روی بحث پیشگیری از این موضوع قرار ندارد و منابع به مباحث دیگری اختصاص می‌یابد.

به گفته این مسئول درسازمان بهزیستی کشور ،پارسال ۲۳۰ هزار تماس با «خط ملی اعتیاد» برقرار شد که مصرف شیشه با رشد ۲ درصدی نسبت به سال قبل از آن، ٤٩ درصد تماس ها را به خود اختصاص داد.

وی اظهار داشت: بعد از شیشه، هرویین، تریاک، حشیش و کراک به ترتیب بیشترین سئوال‌ها را در تماس با خط ملی اعتیاد به خود اختصاص داده‌اند که در این زمینه می توان به افزایش مصرف شیشه و کاهش مصرف کراک با توجه به درصد تماس‌ها اشاره کرد.

مدیرکل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی با بیان این که تماس های برقرار شده در سال ۹۱ نسبت به سال قبل از آن ۱۵ درصد رشد داشته است، یادآور شد: مهمتر از رشد تماس گیرندگان با خط ملی اعتیاد، درصد پاسخ گیرندگان است که در سال ۹۱، ۹٤ درصد از تماس گیرندگان پاسخ مورد نظر خود را دریافت کرده‌اند و این رقم نشان دهنده رشد ٢٤ درصدی این موضوع نسبت به سال ۹۰ است. براتی سده افزود: نکته‌ای که آمار خط ملی اعتیاد نشان می‌دهد این است که سئوال‌های مربوط به پیشگیری در سال ۹۱ نسبت به مدت مشابه آن در سال ۹۰ رشد چشمگیری داشته است.

ترحیم

اناللہ و اناالیه راجعون

بدینوسیله درگذشت همسر عزیزم خانم **گوهرالملوک اربابیان** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.
مراسم یادبود در روز پنج‌شنبه ۲۹ فروردین‌ماه از ساعت ۵ تا ۸ بعدازظهر در منزل آن مرحومه واقع در خیابان آفریقا (جردن سابق) زیر خیابان ظفر کوچه فرزان غربی پلاک ۵۴ زنگ ۵۰۴ طبقه پنجم واحد ۴ برقرار می‌گردد.
شرکت شما سروران عزیز باعث شادی روح آن مرحومه و تسلی بازماندگان خواهد شد.
ایرج ملک‌نیا و خانواده‌های وابسته

بدینوسیله درگذشت خاله عزیزمان خانم **گوهرالملوک اربابیان** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم یادبود آن مرحومه در روز پنج‌شنبه ۲۹ فروردین ماه از ساعت ۵ تا ۸ بعدازظهر در منزل آن مرحومه برگزار می‌شود.
سیامک ـ سیمین ـ سامان ـ سپیده ـ مهران و طناز دولتشاهی

بدینوسیله درگذشت خاله عزیزمان خانم **گوهرالملوک اربابیان** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم یادبود آن مرحومه در روز پنج‌شنبه ۲۹ فروردین ماه در منزل آن مرحومه برقرار می‌گردد.
خانواده‌های: اربابیان ـ صابون‌پز و موهبتی

به نام خدا
با کمال تألم و تأثر درگذشت شادروان بانو
بهجت‌الملوک فربود
را به اطلاع کلیه بستگان و دوستان گرامی می‌رساند.
مجلس ترحیم آن مرحومه روز جمعه ۱۳۹۲/۱/۳۰ از ساعت ۴ الی ۷ بعدازظهر در خیابان انقلاب ـ جنب میدان فردوسی، بین خیابان‌های شهید موسوی (فرصت سابق) و ایرانشهر ـ بن‌بست رفعت‌جاه ـ پلاک ۲ برگزار خواهد شد.
حضور شما سروران ارجمند موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: فربود ـ توللی ـ اسعد بختیاری رفعت‌جاه ـ ذوالفقاری و سایر خانواده‌های وابسته

مجلس ترحیم
بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر عزیزمان بانو **طاهره خانم باسمنجی** را به اطلاع کلیه فامیل، دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم ترحیم آن مرحومه پنجشنبه ۹۲/۱/۲۹ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد النبی (ص) ـ کارگر شمالی برگزار می‌گردد.
حضور کلیه بزرگواران تسلای خاطر بازماندگان است.
فرزندان: پیرداوری (ناصر ـ منیره ـ مینو ـ میترا) و
خانواده‌های: پیرداوری ـ وحید فرهمندی ـ بهرامی ـ میزبان و سلیمی منفرد

رحمت خدا بر مادران نیکوکار
با نهایت تأثر و تألم درگذشت مادری فداکار و مهربان شادروان **حاجیه خانم هاجر خاتون زرگرزاده** همسر مرحوم حاج عبدالله فیروزی علیزاده را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.
مجلس ترحیم این بانوی نیکوکار در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۲/۱/۲۹ منعقد می‌گردد.
فرزندان: علی ـ ملاحت ـ لطیفه ـ زهرا
خانواده‌های: فیروزی علیزاده ـ زرگرزاده ـ جلالی ـ فکور ـ مختاری شبستری ـ زرگرشبستری ـ گلتاش ـ رخشانفر ـ حاجی احمدی ـ کاظم‌زاده ـ کتابی ـ حاج جعفر ولی‌زاده ـ زکی‌زاده ـ حبیبی و سایر وابستگان.

بازگشت همه بسوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی و جانگداز فرزندی عزیز و مهربان شادروان **علی فیاضی میلانی** را به اطلاع همشهری‌های گرامی می‌رسانیم.
مراسم ختم روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۱/۲۹ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
از طرف خانواده‌های: فیاضی میلانی ـ علی مختاری ـ لطفی و سایر بستگان، دوستان و آشنایان.

بازگشت همه بسوی خداست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسر گرامی، مادر مهربان و خواهر عزیزمان **حاجیه خانم لطیفه حاجی احمدی** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
مجلس ختم زنانه و مردانه آن مرحومه روز پنجشنبه ۱۳۹۲/۱/۲۹ از ساعت ۴ الی ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
تشریف فرمایی شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: نوشادی ـ حاجی احمدی ـ سنبل‌دوست ـ کمالی اصل ـ آقازاده شبستری ـ سیدزاده ـ حاج وکیلی ـ بشردوست ـ کوهی ـ محمدزاده وحدتی شبستری ـ ابوالقاسم‌زاده ـ زرگرزاده ـ یحیی‌پور ـ قادری ـ جازم شبستری ـ صمدی‌دُری و سایر وابستگان سببی و نسبی.

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری فداکار و وفادار شادروان آقای **محمود قدس** از کارمندان عالیرتبه آموزش و پرورش را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی در روز جمعه مورخ ۹۲/۱/۳۰ از ساعت ۹:۳۰ الی ۱۱ صبح در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر خیابان شهید عشقیار میدان نیلوفر منعقد میگردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
همسر: خانم امجد ایزد
فرزندان: مهندس مسعود، دکتر سعید، سیمین دخت و آذرمیدخت قدس
خانواده‌های: قدس، ایزد، حقیقت، نیکخواه، جاویدپور، نیرومند، هلن، ناظمیان و سایر خانواده‌های وابسته

«اناللہ و اناالیه راجعون»
با اندوه فراوان درگذشت انسانی فاضل، فرهیخته و عضو برجسته انجمن روانشاد جناب آقای **محمود قدس** که سالهای درازی بعنوان یکی از مدیران صاحب نام و تاثیرگذار وزارت آموزش و پرورش خدمات ارزنده‌ای را در کارنامه حیات افتخارآمیز خود به یادگار گذاشته است را به حضور خاندان محترم قدس و ناظمیان تسلیت گفته و به اطلاع اعضاء و همشهریان گرامی می‌رساند که مجلس ترحیم ایشان در روز جمعه مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۰ از ساعت ۹/۳۰ تا ۱۱ صبح در مسجدالرضا(ع) به نشانی: خیابان شهید عشقیار ـ میدان نیلوفر برگزار خواهد شد.
«انجمن سمنانیان مقیم مرکز»

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **خسرو مشیری** وکیل محترم دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ختم از ساعت ۱۶ تا ۱۷/۳۰ روز چهارشنبه ۹۲/۱/۲۸ در مسجد جامع شهرک قدس برگزار می‌گردد.
کانون وکلای دادگستری مرکز

بازگشت همه به سوی اوست
بدین وسیله درگذشت بانوی مکرمه
حاجیه خانم خاور بیگم طباطبائی انارکی
همسر مرحوم حاج عبدالجواد حاجی باقری و خواهر آقایان میرمهدی و میرعبدالکریم طباطبائی را به اطلاع کلیه بستگان و آشنایان می‌رساند.
مراسم ختم آن مرحومه روز جمعه مورخ ۹۲/۱/۳۰ از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ در مسجد حجت‌ابن‌الحسن(ع) واقع در خیابان سهروردی شمالی برگزار می‌شود. حضور شما سروران ارجمند موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
فرزندان: محمد، صدیقه، طاهره، منصوره، منیژه و فرحناز حاجی باقری
خانواده‌های: حاجی باقری، طباطبائی انارکی، کمالی، سمنانی، آریانا، نشاطیان، غفاری، زاهدی، صفوی، بهمنی کشکولی، عمادی، فیضی، فاطمی، صالح، عابدی، مظاهری، نجاتی، فرخ‌ور، نیک‌کار و سایر بستگان و آشنایان

اناللہ و انا الیه راجعون
افسوس صد افسوس پدر از کف ما رفت
آن گوهر تابنده و پرمهر و وفا رفت
ما را نبود چاره بجز صبر در این غم
با حکم خدا آمد و با امر خدا رفت
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و دلسوز مرحوم مغفور شادروان **استاد حاج محمد امیرهدایی** بزرگ خاندان را به کلیه بستگان، دوستان و همشهریان می‌رساند.
به همین مناسبت مراسمی روز پنج‌شنبه مورخ ۹۲/۱/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور (شبستری‌ها) واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی در این مجلس موجب شادی روحش و تسلی خاطر بازماندگان آن مرحوم خواهد بود.
از طرف خانواده‌های: امیرهدایی ـ نجفی شبستری ـ جاهد شبستری ـ اصغری ـ ایرانی ـ غیاثی و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

بازگشت همه به سوی خداست
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت شادروان **حاج احمد فلاح نجم‌آبادی** بزرگ خاندان فلاح و پدر **شهید محمدجواد فلاح** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.
مجلس ترحیم: چهارشنبه ۹۲/۱/۲۸ ساعت ۸ صبح ـ مسجد برخوردار یزد
مراسم سوم: پنجشنبه ۹۲/۱/۲۹ ساعت ۱۷ از منزل آن مرحوم به طرف خلدبرین
مجلس ختم شهرستان نوق: جمعه ۹۲/۱/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ مسجد جوادیه فلاح نوق
مجلس هفتم: دوشنبه ۹۲/۲/۲ ساعت ۱۷ از منزل آن مرحوم به طرف خلدبرین
خانواده‌های: فلاح نجم‌آبادی و مهدوی، اناری و سایر بستگان

اِنا للّٰه و اِنا اِلیهِ راجعون

با نهایت تأثر و تأسف، درگذشت جانکاه پدر ارجمند و بزرگوارمان
علیمحمد خرسند صهبائی
را به اطلاع کلیه بستگان و دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس ختم و ترحیم آن گوهر گرانقدر فردا بیست و نهم فروردین از ساعت ۶/۳۰ الی ۸/۳۰ بعدازظهر در آدرس بلوار ولنجک، خیابان شانزدهم، سالن اجتماعات برج یاسمن دوم برگزار می‌شود و ما بدین‌وسیله حاضرین را به صرف شام دعوت می‌کنیم.

همسر: شفیقه روغنی دهکردی،
فرزندان: دکتر رویا خرسند صهبائی،
دکتر مسعود خرسند صهبائی،
دکتر سیمین خرسند صهبائی.
عروس خانواده: دکتر طلعت صوفی عنایتی

گر به صد منزل فراق افتد میان ما و دوست
همچنانش در میان جان شیرین منزل است
در نهایت غم و اندوه در روز ششم فروردین هزار و سیصد و نود و دو دوست بسیار عزیزمان ***مهندس فریدون عظیما*** *از میان ما رفت.*
ضمن همدردی با پروانه عظیما همسر نازنینش، به اطلاع می‌رسانیم که مراسم تشییع و ترحیم ایشان طبق روال معمول برگزار شد.
هرمیک و محسن عبائیان، مینا مهران، فخری و سعید مهرعلی‌آبادی، زیبا سلحشور، مهندس تورج اتحادیه، دکتر مهدی هروی.

یادبود

بنام خدای دانا و توانا
هفتمین سالگرد درگذشت زنده یاد
استاد دکتر رضا صدوقی
گوی توفیق و کرامت در میان افکنده‌اند
کس به میدان در نمیاید سواران را چه شد
صدهزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست
عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد

۲۷ فروردین ۹۲ هفت سال از روزی که استادی بزرگوار، خدمتگزار و دوستدار ایران زمین، پیرو راستین انسانیت و شرافت روی در نقاب خاک کشید، می‌گذرد. یاد و خاطره استاد در دل همه آنها که از فروغ آن وجود گرانقدر بهره برده و سخنان گهربارش را به گوش جان شنیده‌اند همواره زنده است.
لطف گفتار تو شد دام ره مرغ هوس
به هوس بال زد و گشت گرفتار قفس
نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس
که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست
درود بر روان پاک او، درود بر همه آنهایی که با پیروی از شیوه زیست شکوهمند آن زنده یاد پاسدار ارزش‌های والای انسانی هستند.
خاندان صدوقی

هفتمین سالگرد درگذشت دکتر رضا صدوقی را گرامی می‌داریم
هر سال در چنین روزی پیمان خود را با استاد بزرگمان تجدید می‌کنیم که تلاش بر آن داریم تا از خدمتگزاران اصیل و پرشور و شوق کشور عزیزمان باشیم.
ما از سوی تمامی شاگردان استاد و متفکر بزرگ **دکتر رضا صدوقی** یادش را گرامی داشته و به روان پاکش درود می‌فرستیم.
انجمن فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی مدیریت گیلان

مرگ پایان کبوتر نیست
بیست و هفتم فروردین ماه، نهمین سالگرد درگذشت مادر عزیزمان خانم **معصومه شهی بیگی** همسر مرحوم سرهنگ مرتضی جوزانی را گرامی می‌داریم.
خانواده‌های: جوزانی، شهی بیگی، تک منش و برجسته

یکسال گذشت
بازگشت همه به سوی اوست
بیست و نهم فروردین ماه مصادف با اولین سالگرد انسانی وارسته، همسری وفادار و مادری فداکار **خانم افخم حسین‌پور پناهی (وصالی)** میباشد.
سالی که گذشت لحظه لحظه آن سرشار از دلتنگی و عذاب بود. همسر عزیزم از آغاز زندگی مشترکمان (۱۳۳۹/۱۲/۲۹) تا روز هجران و از دست دادنت (۱۳۹۱/۱/۲۹) پنجاه و دوسال با تو بودن بسان لحظه‌ای شیرین و یکسال دوری از تو بسان هزاران سال پرمحنت گذشت.
لذا روز پنجشنبه راس ساعت ۱۰/۳۰ بر سر مزارت واقع در بهشت‌زهرا(س) قطعه ۲۳۰ جمع میشویم تا بار دیگر لحظه به لحظه با تو بودن را به یاد آوریم.
همسر داغدارت

تسلیت

جناب آقای مهندس علیرضا ناصرمعدلی
جناب آقای مهندس محمدرضا ناصرمعدلی
جناب آقای مهندس محمدحسن ناصرمعدلی
باکمال تأسف و تأثر درگذشت عموی گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان آمرزش و مغفرت برای آن روانشاد و صبر و اجر و طول عمر برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نماییم.
شرکت سفال

جناب آقای یوسف صمدی‌فر
با کمال تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
محمد معظمی

جناب آقای یوسف صمدی‌فر
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، ما را در غم خود شریک بدانید.
میرحمید اسکندانی

جناب آقای یوسف صمدی‌فر
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستاریم.
شرکت مادوی

جناب آقای یوسف صمدی‌فر
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستاریم.
شرکت بتن برش

جناب آقای مهندس علی‌اکبر قاسمی نراقی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال شادی روح آن مرحومه و سلامتی و شکیبائی برای بازماندگان محترم مسئلت داریم.
مدیران و کارکنان شرکت ساختمانی رک

جناب آقای مهندس علی‌اکبر قاسمی نراقی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن زنده یاد رحمت واسعه و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت دارد.
شرکت ساختمانی کوهسر

خانواده محترم شمس گوارا
با کمال تأسف و تأثر فراوان درگذشت دوست و همکار عزیزمان جناب **مهندس بهروز شمس گوارا** را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر، اجر و سلامتی برای خانواده محترم ایشان مسئلت می‌نائیم.
بابل ـ خانواده یاشینی و کارکنان
شرکت مهندسی ریو یرا

اناللہ و اناالیه راجعون
جناب آقای پور حیدری
مدیریت محترم برنامه‌ریزی و توسعه منابع انسانی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران
درگذشت پدر گرامیتان موجب تألم و تأثر گردید.
این فقدان را به جنابعالی و همه بستگان تسلیت عرض می‌نماییم و از خداوند منان برای آن فقید سعید غفران و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.
روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران

مدیریت محترم عمران شهری منطقه آزاد کیش
جناب آقای مهندس محمدحسن زاهدی‌فر
باکمال تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته و آرزوی سلامتی برای شما و خانواده محترم را از خداوند متعال خواستاریم.
مهندسین مشاور آتک
دفتر کیش

جناب آقای ایمانی
با نهایت تاسف درگذشت پدربزرگوارتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر احمد لنکرانی
مدیرعامل بیمارستان آریا

اناللہ و انا الیه راجعون
دریغا که در آغاز فصل بهار استاد عارف و فرزانه‌مان آقای **احمد صلاحی فیروزآبادی** و نیز پزشک عالیقدر و دوست مهربانمان آقای **دکتر ضیاء امامی میبُدی** به دیار باقی شتافتند.
با قلبی آکنده از غم و اندوه این مصیبت را به دوستان و بستگان این دو گوهر گرامی تسلیت عرض می‌نماییم.
دکتر محمدعلی صدیقی فیروزآبادی ـ محمود صادقی میبُدی ـ دکتر محمد مرشدی میبدی ـ سیدعبدالرحیم یحیوی ـ شهاب مصطفائی ـ امیر صدرآبادی ـ سید ابوالفضل موسوی ـ دکتر محمود جمالی فیروزآبادی ـ سیدیحیی یحیوی ـ دکتر یحیوی فیروزآبادی ـ دکتر محمود رشیقی فیروزآبادی ـ دکتر محمد گلشن ـ سعید جانب اللهی ـ مهندس سبحانی فیروزآبادی ـ مهندس مهرداد نمازی میبدی ـ صفائی فیروزآبادی ـ صادقی فیروزآبادی

جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا حظیره‌ای یزدی
با نهایت تأسف درگذشت برادر ارجمندتان را تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دکتر محمدعلی صدیقی فیروزآبادی ـ محمود صادقی میبدی ـ دکتر محمد مرشدی میبدی ـ سید عبدالرحیم یحیوی ـ شهاب مصطفائی ـ امیر صدرآبادی ـ سید ابوالفضل موسوی ـ دکتر محمود جمالی فیروزآبادی ـ سیدیحیی یحیوی ـ دکتر یحیوی فیروزآبادی ـ دکتر محمود رشیقی فیروزآبادی ـ دکتر محمد گلشن ـ سعید جانب اللهی ـ مهندس سبحانی فیروزآبادی ـ مهندس مهرداد نمازی میبدی ـ صفائی فیروزآبادی ـ صادقی فیروزآبادی

خانم زهرا نوروزی
با نهایت تأسف درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.
هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل
بیمارستان تخصصی مادران

جناب آقای مهندس هوشنگ عشایری
با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند سبحان آمرزش و غفران برای آن مرحوم مغفور و صبر و اجر و شکیبایی برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نماییم.
مدیران و کارکنان شرکت پرلیت

جناب آقای دکتر سیدمرتضی کاظمی و
سرکار خانم دکتر مریم قدوسی فرد
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستاریم.
گروه بیهوشی بیمارستان کیان

جناب آقای دکتر سیدمرتضی کاظمی و
سرکار خانم دکتر مریم قدوسی فرد
باکمال تأسف و تأثر فقدان مرحوم جناب آقای **سیدماشاالله کاظمی** بزرگ خاندان را تسلیت عرض نموده، آمرزش برای آن مرحوم و سلامتی برای بازماندگان، از خداوند منان خواستاریم.
هیات مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان کیان

جناب آقای دکتر سیدمرتضی کاظمی و
سرکار خانم دکتر مریم قدوسی فرد
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان را خواستاریم.
دکتر وحید عابدین‌زاده و بانو

جناب آقای دکتر فدایی
سرکار خانم فاطمه نخجوان
با نهایت تأسف درگذشت پدر عزیز و ارجمندتان را به شما و خانواده محترم نخجوان تسلیت گفته و برایتان صبر آرزو می‌نماییم.
ما را درغم خود شریک بدانید.
داروخانه پرواز
دکتر تشکری و حاج آقا کریمی

خانواده محترم شادانلو
با نهایت تأسف و تألم درگذشت شادروان **فضل‌اله شادانلو** را به آن خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان آمرزش علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر و اجر و طول عمر برای بازماندگان محترم مسألت می‌نماییم.
شرکت پرلیت
مدیران و کارکنان دفتر مرکزی و کلیه کارگاه‌ها

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات
چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۲
۶ جمادی الثانی ۱۴۳۴ ـ ۱۷ آوریل ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۴ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۳۹ دقیقه
اذان مغرب	۱۹ و ۵۸ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۹ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۹ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۲۸ دقیقه

۳ انفجار تروریستی در آمریکا

بقیه از صفحه اول
پایان رد شده بودند زیرا در ماراتن های بزرگ تا ساعت‌ها بعد از مشخص شدن نفرات اول، همچنان عده‌ای هستند که از خط پایان می‌گذرند و جمعیت هم برای تشویق آنها در کنار خط پایان حضور دارند.

دراین حال یک مقام ارشد اطلاعاتی آمریکایی که خواست نامش فاش نشود اعلام کرد دو بمب عمل نکرده دیگر نیز نزدیک خط پایان مسابقه دو ماراتن بوستون کشف و خنثی شد.

پلیس فدرال آمریکا «اف بی آی» می گوید این انفجارها اقدام تروریستی بالقوه است اما باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا از عبارت «اقدام تروریستی» استفاده نکرد ولی گفت انفجارها برنامه‌ریزی شده بود.

اوباما گفت دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور هنوز نمی‌دانند چه فرد یا گروهی انفجارهای مرگبار بوستون را انجام داده‌اند. با این حال اوباما به آمریکایی ها وعده داد مسئولان این انفجارها را شناسایی کنند. وی افزود: سراسر آمریکا در وضعیت آماده‌باش قرار می گیرد تا مشخص شود چه فرد یا گروهی مسئول این انفجارها بوده است.

این درحالی است که طالبان پاکستان هرگونه نقش در بمب‌گذاری‌های بوستون را رد کرد. «احسان الله احسان» سخنگوی طالبان پاکستان در تماس تلفنی با آسوشیتدپرس که از مکان نامعلومی صورت می گرفت، دخالت در بمب‌گذاری‌های بوستون را رد کرد.

آن طور که رسانه‌های آمریکایی گزارش می دهند، انفجارها حاصل بمب‌های دست سازی بود که در ساخت آنها بلبرینگ به کار رفته بود. ازسویی پلیس بوستون از بیم استفاده از تلفن همراه برای کنترل بمب‌های احتمالی، شبکه تلفن همراه این شهر را قطع کرده است.

همزمان پلیس در این شهر پرواز ممنوع اعلام کرده است. درعین حال پلیس آمریکا به منظور تکمیل تحقیقات خود، به بازرسی از آپارتمانی که نزدیک محل حادثه بود، پرداخت.

پلیس ایالت «ماساچوست» تأیید کرد که حکم بازرسی از آپارتمان اطراف محل حادثه را دریافت کرده است و پس از بررسی کامل این آپارتمان، جزئیات بیشتری منتشر خواهد کرد. همچنین در پی وقوع انفجارهای بوستون، گارد حفاظت از رئیس جمهوری آمریکا، تدابیر امنیتی را در خیابان‌های منتهی به کاخ سفید اعمال کرده است.

پلیس با کشیدن نوار زردرنگ، ورودی خیابان‌های منتهی به کاخ سفید را مسدود کرده و مانع عبور و مرور مردم در این محل می‌شود. این درحالی است که برخی منابع از بازداشت یک تبعه عربستانی به اتهام دست داشتن در انفجارهای بوستون خبر داده‌اند. فرد بازداشت شده، ۲۰ ساله است. وی که اکنون زخمی شده، در بیمارستانی در بوستون تحت مراقبت قرار دارد. ازسویی در پی وقوع انفجارهای بوستون، مقامات پلیس انگلیس از بازنگری در تدابیر امنیتی ماراتن لندن خبر دادند. این مسابقه قرار است یکشنبه آینده برگزار شود. پلیس لندن نیز به حال آماده باش درآمده است. وزیر کشور فرانسه نیز در بیانیه ای از مسئولان نیروهای امنیتی کشورش خواست به سرعت نیروهای گشت را افزایش دهند.

واکنش جهانی

بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد بمب‌گذاری‌های بوستون را محکوم کرد. وی تصریح کرد: این خشونت احمقانه در مراسمی که برای گردهم آوردن افراد از سراسر جهان با روحیه ورزشکاری و هماهنگی معروف است، بسیار وحشتناک است.

اتحادیه اروپا نیز در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن بمب‌گذاری‌های بوستون اعلام کرد این واقعه بسیار وحشتناک بود. «هرمان ون رمپوی» رئیس اتحادیه اروپا گفت: ما عمیقاً از سرانجام غم‌انگیز و کشته شدن مردم بی‌گناه تأسف می‌خوریم و آنهایی که مسئول این اقدامات بی‌رحمانه هستند باید محاکمه شوند.

فرانسوا اولاند رئیس جمهوری فرانسه هم در پیامی انفجارهای شهر بوستون را محکوم کرد. وزیر خارجه آلمان هم ضمن ابراز همدردی با قربانیان انفجار تروریستی بوستون، از این حادثه با عنوان نوعی تراژدی یاد کرد. «گیدو وستروله» گفت از حمله تروریستی به مسابقه ماراتن در بوستون آمریکا شوکه شد.

رئیس‌جمهوری روسیه نیز در پیام تسلیتی برای همتای آمریکایی خود ضمن محکوم کردن حمله تروریستی بوستون، از آمادگی کشورش برای ارائه هر نوع کمکی به دولت آمریکا در این زمینه خبر داد.

ولادیمیر پوتین این جنایت وحشیانه را بشدت محکوم و ابراز اطمینان کرد که مبارزه با تروریسم نیازمند هماهنگی فعال در تلاش‌های جامعه جهانی برای غلبه بر این پدیده شوم است.

وزیر امور خارجه استرالیا هم درباره وقوع انفجار در آمریکا و رشد تروریسم بومی در اروپا و آمریکا ابراز نگرانی کرد. «باب کار» افزود: نگرانی درباره این اتفاق که یک حمله تروریستی بود کاملا مشروع است. ما می‌دانیم که رشد تروریست‌های داخلی به یکی از مشکلات زندگی اروپایی‌ها و آمریکایی ها و البته اینجا تبدیل شده است.

همچنین حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان در بیانیه ای ضمن محکوم کردن انفجارهای بوستون به خانواده های قربانیان تسلیت گفت و با آنها ابراز همدردی کرد. وزارت خارجه پاکستان نیز در بیانیه ای ضمن محکوم کردن انفجارهای بوستون اعلام کرد: امیدواریم عاملان چنین اقدام وحشیانه ای مجازات شوند.

بشار اسد فرمان عفو عمومی صادر کرد

سرویس خارجی: رئیس جمهوری سوریه به مناسبت روز ملی استقلال این کشور فرمان عفو عمومی صادر کرد.

فرمان بشار اسد به مناسبت روز ملی «الجلاء» در سوریه صادر شد. بر اساس این فرمان تمامی جرائم پیش از ۱۶ آوریل ۲۰۱۳ عفو شده است. گفتنی است عید الجلاء روز خروج آخرین سرباز فرانسوی از سوریه در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ است. سوریه بعد از ۲۵ سال مبارزه با استعمار فرانسه موفق شد در این روز استقلال خود را جشن بگیرد. ازسویی معاون وزیر امور خارجه سوریه با متهم کردن انگلیس و فرانسه به حمایت از القاعده و تشدید بحران کشورش هشدار داد سوریه بدون اسد از نقشه جهان محو خواهد شد. فیصل مقداد گفت: اسد از قدرت کناره گیری نخواهد کرد و در صورتی که این کار را انجام دهد دیگر سوریه‌ای باقی نخواهد ماند و اگر پیش از آنکه همه طرف‌های سوری به توافقی بر سر برنامه‌ای سیاسی برسند اسد کنار گذاشته شود، سوریه از نقشه جهان محو خواهد شد.

دراین حال وزیر آشتی ملی سوریه که همراه با هیات معارضان داخلی سوریه به مسکو سفر کرده است تأکید کرد این هیات راهکارهایی عملی در مورد بحران سوریه ارائه می کند. «علی حیدر» افزود: هدف معارضان داخلی گردهم آوردن همه طرف‌ها سر میز مذاکره برای گفتگو و بازیابی وحدت مردم سوریه است.

خبر دیگر اینکه مخالفان سوری از اخضر ابراهیمی فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب به سوریه خواستند به منظور ممانعت از گسترش خشونت و ناآرامی در سوریه از استعفا صرف نظر کند. در بیانیه این شورا اعلام شده که استعفای ابراهیمی از سمتش باعث گسترش خشونت و ناآرامی در سوریه شده و بر راهکار سیاسی برای حل و فصل بحران سوریه تاثیر منفی خواهد گذاشت. در تحولی دیگر سازمانهای امدادرسان بین المللی از رهبران جهان خواستند برای جلوگیری از فاجعه، هر چه سریعتر راهی دیپلماتیک برای حل بحران سوریه بیابند. آنها اعلام کردند: ما به دلیل نبود امنیت و تحریم‌های اعمال شده علیه سوریه و همچنین موانع مالی ممکن است هفته‌های آتی مجبور شویم ارائه بخشی از کمک‌های بشردوستانه خود را به حال تعلیق درآوریم. این درحالی است که وزیر خارجه انگلیس از تصمیم خود برای رایزنی با سران اتحادیه اروپا جهت لغو محدودیت ارسال سلاح برای مخالفان سوری خبر داد. ویلیام هیگ همچنین از تصمیم انگلیس برای ارسال ۳۴ کانتینر تجهیزات نظامی برای مخالفان سوری خبر داد.

پیشروی ارتش سوریه

ارتش سوریه به پیشروی در جنوب حلب ادامه می دهد و پیش‌بینی شده در روزهای آتی این منطقه به کنترل ارتش سوریه درآید. تسلط ارتش بر این منطقه، مناطق در کنترل افراد مسلح را به دو بخش تقسیم و خطوط امدادی آنها را قطع می کند. ارتش سوریه همچنین به پیشروی در منطقه «معره النعمان» از توابع ریف ادلب ادامه می دهد و چندین روستای این منطقه را از افراد مسلح پاکسازی کرد. ازسویی «رافائل جندرون» تبعه فرانسوی که عضو محافل اسلامگرای تندرو در بلژیک بود، به همراه یک گروه افراطی در سوریه کشته شد. همچنین حمله ارتش سوریه به مراکز تجمع جبهه النصره در ریف لاذقیه انهدام ۱۸ خودرو نظامی آنها و کشته و زخمی شدن شماری از این تروریست‌ها را به دنبال داشت. در میان کشته‌ها «مازن المفتاحی» مفتی قطری شناسایی شد که فتوای قطع سرها را داده بود.

حکم حبس رهبر مخالفان مردم کویت را به خیابان‌ها کشاند

سرویس خارجی: هزاران تن از مردم کویت در پی صدور حکم زندان برای «مسلم البراک»، نماینده سابق پارلمان کویت و از چهره‌های برجسته مخالف این کشور به اتهام توهین به امیر کویت، تظاهرات کردند. در این تظاهرات که از مقابل منزل البراک در پایتخت کویت آغاز شد و به سمت زندان مرکزی کویت ادامه داشت شرکت کنندگان با البراک اعلام همبستگی کردند. همچنین بنا به گزارش منابع عربی، تظاهرات مذکور عبور و مرور در راه‌های اصلی کویت را مختل کرد به نحوی که نیروهای پلیس برای متفرق کردن تظاهرکنندگان وارد عمل شدند. همچنین این تظاهرات با حضور ۱۵ تن از نمایندگان سابق پارلمان کویت برگزار شد که اعلام کردند قصد دارند به صورت روزانه این تظاهرات را برگزار کنند.

مخالفان رئیس جمهوری ونزوئلا آشوب به راه انداختند

سرویس خارجی: مقام های ونزوئلا اعلام کردند در جریان تظاهرات و آشوب‌های معترضان به نتایج انتخابات در این کشور، ۴ تن کشته و چند نفر دیگر زخمی شدند. این خشونت ها پس از اعلام رسمی پیروزی نیکلاس مادورو، نامزد حزب «متحد سوسیالیست» ونزوئلا و هوادار چاوز از سوی شورای ملی انتخابات این کشور، آغاز شد. کمیسیون انتخابات ونزوئلا با نادیده گرفتن درخواست بازشماری آرا، رسما پیروزی نیکلاس مادورو را در انتخابات ریاست جمهوری تایید کرد. «هنریکه کاپریلس» رقیب غربگرای وی که با اختلاف ۲۳۵ هزار رای شکست خورده است، حاضر به پذیرش پیروزی مادورو نشد و هواداران خود را در سراسر کشور به مخالفت با نتایج انتخابات از طریق انجام تظاهرات، کوبیدن بر قابلمه ها و ایجاد سرو صدا فراخواند. در خشونت ها، ۴ تن از جمله یک عضو حزب چاوز و یک شهروند عادی به قتل رسیده و در حمله گروهی از هواداران کاپریلس به یک درمانگاه نیز شماری از مردم و بیماران حاضر در آنجا زخمی شده‌اند. عضو حزب حاکم سوسیالیست ونزوئلا در شهر «کوردرو» بر اثر حمله هواداران کاپریلس با اصابت سه گلوله جان باخته است. این در حالی است که سخنگوی کاخ سفید با این ادعا که بررسی نتایج انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا گامی مهم، دوراندیشانه و ضروری است، اعلام کرد که دولت آمریکا شمارش مجدد آرای انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا را اقدامی مفید می‌داند. مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید ونزوئلا با حضور سران و نمایندگان کشورهای مختلف به ویژه از آمریکای لاتین، روز جمعه برگزار می شود. طی ۲۴ ساعت گذشته شمار زیادی از مقامات بلند پایه کشورهای جهان از جمله روسای جمهوری روسیه، چین، سوریه و جمهوری اسلامی ایران با ارسال پیام هایی، پیروزی مادورو را در انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا، تبریک گفتند.

کره‌شمالی: منتظر آغاز نمایش نظامی ما باشید

سرویس خارجی: خبرگزاری رسمی کره‌شمالی اعلام کرد، پیونگ یانگ تهدید کرد که در پاسخ به اقدامات خصمانه سئول «نمایش نظامی» آغاز می کند. فرمانده کل ارتش کره‌شمالی در اولتیماتومی گفت: ما نمایش نظامی را آغاز می کنیم تا از تمامیت ارضی کشورمان دفاع کنیم. وی همچنین تجمع ضد کره‌شمالی در سئول را که همزمان با سالروز تولد «کیم ایل سونگ» برگزار شد، محکوم کرد. فرمانده کل ارتش کره‌شمالی همچنین افزود: اگر سئول واقعاً می خواهد مذاکره کند، باید از اقدامات خصمانه و نگرش تقابل دست برداشته و به خاطر اقدامات پیشین خود عذرخواهی کند. از سویی رهبر کره‌شمالی پس از نزدیک به دو هفته برای نخستین بار در انظار عمومی ظاهر شد و بر مزار پدربزرگش حضور یافت. از دیگر سو خبرگزاری فرانسه از سقوط یک فروند هلی کوپتر نظامی آمریکا در نزدیکی مرز کره شمالی خبر داد. خبرگزاری فرانسه با اعلام این خبر، به دلیل این حادثه و اینکه آیا سقوط هلی کوپتر آمریکایی به دلیل اقدام نظامی کره شمالی بوده یا نه اشاره‌ای نکرد. هنوز جزئیات بیشتر درباره این خبر منتشر نشده است. در تحولی دیگر، دبیرکل سازمان معاهده آتلانتیک شمالی (ناتو) و نخست وزیر ژاپن در توکیو با هم ملاقات کردند تا همکاری‌های دوجانبه در زمینه مسائل امنیتی را افزایش دهند. دو طرف طی یک بیانیه مشترک توافق کردند تا همکاری‌ها در زمینه مبارزه با دزدان دریایی، مقابله با تروریسم و حملات سایبری و ممانعت از تکثیر سلاح کشتار جمعی را ارتقا دهند. در این حال وزارت دفاع چین از تلاش آمریکا برای افزایش ائتلاف و نیز حضور نظامی خود در منطقه آسیا و اقیانوسیه ابراز نگرانی و آن را تنش‌زا عنوان کرد. به گزارش روزنامه «گاردین»، چند روز بعد از سفر جان کری، وزیر خارجه آمریکا به پکن، وزارت دفاع چین از آمریکا به خاطر افزایش حضور نظامی‌اش در منطقه آسیا و اقیانوسیه و در نتیجه دامن زدن به تنش‌ها انتقاد کرد.

تمجید نماینده سازمان ملل از جایگاه مرجعیت عالی شیعه در ثبات و امنیت عراق

سرویس خارجی: «مارتین کوپلر» نماینده سازمان ملل متحد در عراق پس از دیدار با آیت الله العظمی سیستانی، مرجع عالیقدر شیعیان عراق از نقش مرجعیت دینی نجف اشرف در ثبات و امنیت عراق تمجید کرد. وی پس از این دیدار در یک کنفرانس خبری با تمجید از نقش آفرینی مثبت مرجعیت دینی نجف در تحولات عراق، اظهار داشت: من برای شنیدن نظرات آیت الله العظمی سیستانی این دیدار را انجام دادم چون ایشان جایگاه اخلاقی ویژه ای در عراق دارند. کوپلر در ادامه افزود: برداشت من پس از دیدار با ایشان این بود که معظم‌له بیش از هر زمان دیگری درباره شرایط سیاسی عراق نگران هستند. نماینده سازمان ملل در عراق افزود: ایشان از تمامی جریان‌ها خواستند که منافع ملت و کشور را پیش از هرگونه مطالبه سیاسی مورد توجه قرار دهند. در چنین شرایطی، رهبر جریان صدر عراق با انتقاد از ائتلاف دولت قانون و عملکرد نوری مالکی، از وی خواست تا از حقایق پنهان در عراق پرده بردارد.

انفجار تازه

مقامات عراق اعلام کردند که انفجار دو خودروی بمبگذاری شده در این کشور منجر به کشته شدن ۹ تن و زخمی شدن ۲۷ تن دیگر شد. مقامات پلیس عراق اعلام کردند که یک خودروی بمبگذاری شده در نزدیکی یک تعمیرگاه در منطقه عزیزیه منفجر شد که در این حادثه هفت تن کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. این منطقه در ۵۵ کیلومتری جنوب شرق بغداد قرار گرفته است. همچنین انفجار یک خودروی دیگر در مسیر یک گشتی ارتش در شمال بغداد جان دو سرباز را گرفت و هفت تن دیگر نیز در این حادثه زخمی شدند که پنج تن از آنها غیرنظامی بودند. از سویی شمار تلفات حملات روز دوشنبه گذشته در نقاط مختلف عراق که با بیش از ۲۰ خودرو بمب‌گذاری‌شده انجام شد، به دست‌کم ۵۰ کشته و حدود ۳۰۰ زخمی رسید. رامین مهمان‌پرست سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان نیز سلسله انفجارهای تروریستی در بغداد و برخی دیگر از شهرهای عراق را به شدت محکوم کرد.

کوتاه از سراسر جهان

سفارت فلسطین در کویت بازگشایی شد

ایرنا: سفارت فلسطین در کویت بعد از حدود دو دهه با اولین سفر عباس به این کشور و دیدار با شیخ صباح الاحمد الصباح امیر کویت افتتاح شد. مهم ترین بخش سفر عباس به کویت، بازگشایی سفارت فلسطین در کویت با هدف تقویت روابط بین دو طرف بود. کویت و فلسطین دو دهه تنش در روابط را به دلیل مواضع یاسر عرفات در قبال حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۱ میلادی پشت سر گذاشتند.

اوجالان برنامه خروج «پ.ک.ک» را اعلام می کند

ایسنا: یکی از اعضای حزب صلح و دموکراسی را کردستان اعلام کرد، «عبدالله اوجالان»، رهبر زندانی «پ.ک.ک» طی روزهای آتی برنامه خروج نیروهای خود را از این کشور اعلام می کند. حزب صلح و دموکراسی کردستان اعلام کرد که فرمانده (پ.ک.ک) مستقر در کوه‌های "قندیل" در شمال عراق نامه‌ای را به عبدالله اوجالان، رهبر زندانی پ.ک.ک فرستاده و در آن در خصوص عقب‌نشینی نیروهای مستقر در ترکیه خبر داده است.

تسلیم پیش‌نویس استقرار صلحبان بین‌المللی در «مالی» به شورای امنیت

فارس: فرانسه پیش نویس «استقرار نیروهای حافظ صلح در مالی از اول جولای آتی مشروط به فراهم شدن شرایط امنیتی در این کشور» را به اعضای شورای امنیت ارائه داد. نیروی تحکیم ثبات در مالی قرار است به مدت ۱۲ ماه جایگزین نیروی آفریقایی مستقر در این کشور شود.

خودداری از اعطای نشان به هدایتگران پهپادهای آمریکایی

فارس: «چاک هیگل»، وزیر دفاع آمریکا تصمیم گرفت از اعطاء نشان افتخار جنگ به نیروهایی که در هدایت حملات پهپادها یا سایبری نقش داشته‌اند، خودداری کند. در پی انتقادات گسترده، دولت آمریکا اعطاء «نشان» به نیروهای ارتش آمریکا به خاطر هدایت حملات پهپادها و نیز حملات سایبری را لغو کرد. هیگل در این رابطه در بیانیه‌ای اعلام کرد: زمانی که من به سمت وزیر دفاع برگزیده شدم، اعضاء کنگره و سایر افرادی که دیدگاه‌هایشان برای وزارت دفاع ارزشمند است، نگرانی خود را درباره نشان افتخار جنگ در میان گذاشتند.

اوباما برای روس ها نامه نوشت

ایسنا: چند روز پس از انتشار فهرست سیاه آمریکا و روسیه، مشاور امنیت ملی باراک اوباما با نامه‌ای «موثر و سازنده» به دیدار ولادیمیر پوتین رفت. «تام دانیلون»، مشاور امنیت ملی آمریکا شخصا این نامه را در مسکو به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه تحویل داد. کاخ کرملین از این پیام که حاوی نظرات و ایده‌های جدید و پیشنهاداتی درباره زرادخانه‌های اتمی است، بسیار تعریف و تمجید کرد.

محکومیت جاسوس لبنانی

مهر: دادگاه نظامی لبنان به ریاست «خلیل ابراهیم» فردی را به اتهام جاسوسی برای رژیم صهیونیستی به پنج سال زندان همراه با اعمال شاقه محکوم کرد. دادگاه نظامی لبنان طی یک سال گذشته دهها نفر را به اتهام جاسوسی برای رژیم صهیونیستی به زندان و برخی را به اعدام محکوم کرده است.

فرمانده گردان «انصار الشریعه» لیبی ترور شد

فارس: «سفیان بن قمو»، فرمانده گردان انصار الشریعه یکی از گروه‌های مسلح حامی دولت در لیبی ترور شد.

بن قمو و دو همراهش از سوی مهاجمان مسلح ناشناس هدف تیراندازی قرار گرفته و زخمی شدند و هم اکنون در بیمارستان درنه بستری هستند.

۱۶ سال حبس برای جاسوس نظامی آمریکا

فارس: یک نظامی آمریکایی که پیشتر انتظار می رفت به دلیل تلاش برای فروش اطلاعات محرمانه دفاع ملی کشورش به یک مامور مخفی «اف بی آی» در نقش جاسوس روس با حبس ابد روبرو شود، با صدور حکمی به ۱۶ سال زندان محکوم و به دلیل بدرفتاری از ارتش آمریکا اخراج شد. این حکم در جلسه رسیدگی به جرایم «ویلیام کالتون میلی»، پلیس نظامی ۲۴ ساله آمریکایی مستقر در ایالت «آلاسکا» صادر شد.

محرومیت «مشرف» از نامزدی در انتخابات پاکستان

فارس: «پرویز مشرف» اجازه رقابت در مبارزات انتخابات پارلمانی پاکستان را ندارد. سخنگوی پرویز مشرف، رئیس جمهوری سابق و رهبر حزب مسلم لیگ سراسری پاکستان اعلام کرد که براساس حکم دادگاه، مشرف از حق نامزدی در انتخابات پارلمانی حوزه انتخابیه چترال در شمال غرب پاکستان هم محروم شده است.

شکست مذاکرات مصر با صندوق بین‌المللی پول

سرویس خارجی: مذاکرات مصر و صندوق بین‌المللی پول بدون دستیابی به توافقی درباره اعطای وام ۴/۸ میلیارد دلاری جهت کمک به حل بحران اقتصادی مصر، پایان یافت. صندوق بین‌المللی پول همچنین با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که پیشرفت‌هایی در این مذاکرات حاصل شده و این گفتگو ادامه خواهد داشت.

در این بیانیه آمده است که صندوق بین‌المللی پول پیشرفت‌هایی در گفتگو با مسئولان مصری درباره برنامه اقتصادی آنها و کمک مالی احتمالی به این صندوق حاصل کرده است. بنابر این گزارش رایزنی‌ها با مقامات مصری برای دستیابی به توافقی جهت ارائه کمک مالی به مصر ادامه خواهد داشت.

• ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان



فرهنگی ۱۲۴

• چهارشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۲ • ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات • شماره ۲۵۵۶۸

آموزه



جواهر لعل نهرو:

گاهی به اذهان بکر و دست نخورده رشک می‌برم که با حمله و هجوم اندیشه‌ها آلوده نشده‌اند و مورد تجاوز قرار نگرفته‌اند؛ هیچ گونه شک و تردید بر آنها سایه نیفکنده و خطی بر آن ننوشته است.

کشف هند، ج ۳/ ۸۰۰

سرسخن

کریم فیضی

امکان‌های نو در شهرهای دیجیتال

تا آینده چند فرسخ راه است؟

همین مقدار می گوییم که: هر زمان که توانستید از محدودهٔ موج بیرون بیایید و هر زمان که توانستید از حیطهٔ الکترونیک خارج شوید و هر زمان که توانستید از قلمرو دیجیتال – سایبر و کدها و طبقه‌بندی‌ها و محاسبه‌ها و ارزیابی های آن خارج شوید و هر زمان که توانستید از اقلیم بیعت با دیجیتال فرار کنید، آن روز حق با شما خواهد بود. آن روز می‌توانید هر نوع ترکیبی را انکار کنید و زیر بار هیچ نوع ترکیبی نروید ولی تا قبل از آن روز، چاره‌ای جز پذیرش این نکته ندارید که: ذهن شما، مادهٔ خامی است که هر روز و هر ساعت و هر لحظه در حال ترکیب است و هر لحظه‌ای که به هر دلیل از محدودهٔ ترکیب خارج می‌شود، بی‌قرارانه ترکیب را جستجو می کند.

به دیگر سخن، امروزه روز، هرفکری که می کنید، هر چیزی که می‌خواهید و هر آنچه که در جستجو و انتظارش هستید، گام محسوس و نامحسوس و عینی و ذهنی وجود شما برای ترکیبی است که گریزی از آن ندارید. هر بار که دستتان به سمت دگمهٔ کامپیوتر می‌رود و در ادامهٔ آن هر بار که دستتان روی کیبورد می‌رود و هر بار که دست راست شما روی «ماوس» حرکت می‌کند و کلیک می‌کنید – گاه کلیک راست و گاه کلیک چپ – در حقیقت اجزاء ترکیبی رقم می‌خورد که دستگاه آن و زیر ساخت آن در جای جای زمین و در خانه‌ها و شرکت‌ها و موسسات دور و نزدیک توزیع و چیده شده است و راهی است که رفت دارد ولی بازگشت ندارد.

این راه بی‌بازگشت به دست دیجیتالیسم طراحی شده است و نمی‌رود مگر به شهر ترکیب و ما انسانهای این شهر هستیم، چه بپذیریم و چه نپذیریم. اگر توانستید، ترکیب نشوید و اگر توانستید و از عهده برآمدید بلورهای بی‌رنگ و بی‌شکل و بی تعین این داستان یا حادثه را بشکنید!

از همین جا سخن را می توان به وادی آینده کشید: آینده چیست و چگونه خواهد بود؟ این دو پرسش را می توان اصلی ترین پرسش‌های انسان درباره آینده دانست که البته هر کدام به جنبه‌ای ناظر است: پرسش اول، دربارهٔ چیستی و ماهیت آینده است و پرسش دوم همانگونه که از ظاهر سؤال پیداست، به کم و کیف نظر دارد. این پرسش‌ها را الزاماً نباید فلسفی به شمار آورد، چرا که بحث از آینده جنبه فلسفی گسترده‌ای ندارد. به همین دلیل تا قبل از دوران جدید، فلسفه‌کاری به آینده نداشت و در واقع، اگر نگوییم که آینده را به رسمیت نمی‌شناخت، می‌توان گفت آینده برای فلسفه موضوعیت نداشته است.

به همین جهت، جز در تقسیم بندی‌زمان به سه شعبه یا شاخه گذشته و حال و آینده و سکوت درباره آینده و ماهیت آینده را بخشی از زمان دیدن و دانستن، به اندازه کافی نشان دهنده نوع برخورد فیلسوفان گذشته با این موضوع هست و می‌تواند به ابهام‌های ما دربارهٔ آینده در گذشته یعنی جایگاه مباحث مربوط به «آینده» در روزگاران کهن جواب بدهد. در حقیقت، تا روزگاران جدید، اصلی‌ترین تفسیر و تلقی از آینده، این بود که: آینده بخشی از زمان است که هنوز نیامده است و با سپری شدن زمان حال، پدید خواهد آمد. برای گذشتگان، آینده جایی بوده است در دوردست و چون سفر کردن به دور دست برای آنها مشکل بوده یا ضرورت نداشته، حساسیت خاصی روی آن نشان نداده‌اند.

به همین جهت، تعجب نکنید اگر در میراث گذشتگان دربارهٔ سیمرغ و کوه قاف که وجود خارجی ندارند، صدها رساله و نظریه و نظریه‌پردازی و تفسیر و تحلیل پیدا شود، ولی درباره آینده و چگونگی و کیفیت و کمیتش هیچ نیابید. هم‌چنین تعجب نکنید اگر بگوییم که با مترادف و معادل شدن دو مفهوم «آینده» و «آخر الزمان»، امر آینده به روزگاران دور محول می‌شد و تصور می‌رفت که آینده، جایی است در آخر الزمان که با زنان و مردانی عجیب و غریب از راه خواهد رسید و شرایط حیرت‌انگیز و خوفناکی بر عالم و آدم حاکم خواهد کرد، به گونه‌ای که همه چیز به هم خواهد خورد و کم‌کم زمینه برای نابودی دین مهیا خواهد شد و آنگاه بساط عالم و جهان به هم خواهد ریخت و این را مقدمه‌ای می‌دانستند برای برپایی روز قیامت.

بدین ترتیب بحث از آینده نه در نظام اندیشه رسمی متفکران و فیلسوفان گذشته یعنی فلسفه جا داشته است، نه در اندیشه دینداران و دینمداران و کسانی که هستی و مسائل و قضایای آن را با دین و تفاسیر دینی می‌نگریستند و تحلیل می‌کردند. امروزه از این گروه، در یک کلمه با عنوان متکلمان یاد می‌شود.

بدین ترتیب، ما میراث قابل اعتنایی درباره آینده در اندیشه فلاسفه‌سراغ نداریم و آنچه برجا می‌ماند نگاه‌های شاعرانه و نگاه شاعران است که عمدتاً ارزش هنری دارد. در این نگاه، آینده در کنار گذشته قرار می گیرد و امری است معدوم که هنوز نیامده است. همچون گذشته که معدوم است و دیگر نخواهد آمد. روشن است که این برداشت از آینده، ارزش علمی و معرفتی نمی توان داشته باشد و چنین برخوردی با آینده، اگر در قواره‌های فردی هم اعتبار داشته باشد، در سطح کلان بی اعتبار است.



روایتی از دکتر مهدوی دامغانی

یاد باد آن روزگاران

حاصل روزها

صفحه ۲

... اوایل، با تصویب و اجازه وزیران دادگستری، و سپس به موجب نص صریح قانون به حقیر اجازهٔ تدریس در مدارس عالی داده می‌شد و شد ـ بنده اولین شغل رسمی‌ام، دفتر یاری دفترخانه سه مشهد، به تصدی مرحوم مبرور، آقا سیدمحمدتقی نوری‌زادهٔ اصفهانی می‌باشد ـ آن مرحوم که سیدی شریف و جلیل‌القدر بود، چون در اصفهان در قبال قانون شکنی و قلدری ریس وقت ثبت اسناد آنجا، ایستادگی و مقاومت نشان داد، او را به مشهد منتقل، و در حقیقت تبعید کرده بودند، و آن مرحوم در مشهد از موقعیت و حیثیت ممتازی برخوردار بود. من بنده از دوره دانش‌آموزی دبیرستان، با پسر ارشد ایشان مرحوم مغفور سید نورالدین دوست شده بودم. در سال ۱۳۲۲ شمسی مرحوم سید نورالدین، که اختصاراً در میان دوستان به او آقانور می گفتیم و مرحوم محمدتقی مزینانی معروف به شریعتی (پدر علی شریعتی) که آن‌وقت‌ها دبیر دبیرستان ابن یمین بود، و به علت قلت حقوق، قصد انصراف از آن شغل را داشت و من بنده، در امتحان سردفتری و دفتریاری که هر چند سال یک‌بار، در یکی از مراکز استان مملکت برگزار می‌شد و آن سال در مشهد برگزار شد، شرکت کردیم و هر سه هم قبول شدیم؛ من بنده به محض قبولی، به دفتریاری دفتر ۳ مشهد منصوب؛ ولی مرحوم شریعتی، به همان دبیری ادامه داد و مرحوم آقانور نیز عملاً امور دفتر والد مرحومش را به همراهی این بنده اداره می‌کرد؛ تا سال ۱۳۲٤ که برای تحصیلات دانشگاهی به طهران آمدیم. باری، در دانشکده معقول و منقول، ثبت‌نام و در ضمن، من بنده به دفتریاری دفترخانه ۲۲ به سردفتری مرحوم حاج شیخ محمدصادق شاه‌آبادی ـ برادرزاده مرحوم آیت‌الله آقامیرزا محمدعلی شاه‌آبادی (قده)، از اساتید مرحوم آیت‌الله امام خمینی (قده) ـ منصوب شدم.

ضمناً بنده در خلال اشتغال به سردفتری، در دانشکده معقول و منقول، که اسمش دیگر الهیات و معارف اسلامی شده بود، و دانشکده ادبیات دانشگاه طهران، در دوره دکتری هم چند درس می گفتم، که پس از وقوع انقلاب، از دانشکدهٔ الهیات «ما را از مدرسه بیرون می‌رویم» کردند... ولی درد ورهٔ دکتری دانشکده ادبیات، تا روزی که در طهران بودم، درسم ادامه داشت و حتی در ایام تعطیل دانشگاه، که بر اثر سیاست‌بازی جاهلانهٔ این ساده دل عوامی که همواره خود را رئیس جمهور منتخب ملت ایران می‌شناسد، یعنی ابوالحسن بنی صدر، که هنوز بعد از شانزده سال اقامت در فرانسه، چند سطر مطلب را به فرانسهٔ صحیح نمی‌تواند بنویسد، و یا چند جملهٔ معمولی را، آن هم با لحن عامیانهٔ خاص خودش، به درستی تلفظ کند، روی داد. درس حضرت استاد دکتر سید جعفر شهیدی رحمت‌الله علیه و درس این حقیر نیز ادامه یافت و دانشجویان دورهٔ دکتری، صبح چهارشنبه در محل لغت‌نامهٔ دهخدا، خدمت استاد شهیدی می‌رسیدند، و عصر چهارشنبه به دفترخانه بنده تشریف می‌آوردند.

گو اینکه اساساً بنده، از سال ۱۳٤۷ یا ۱۳٤۸، که چند روزی دانشگاه اشغال نظامی شده بود و یک سرهنگی که مامور آنجا بود، به من که بی‌خبر از اشغال نظامی، قصد ورود به دانشگاه را داشتم، سخت توپید.

ادامه در صفحه ۵

شهادت در پیشگاه تاریخ

اشاره: آنچه می خوانید خاطره‌ای است از سال‌های اوایل دهه پنجاه شمسی به قلم آقای احمد احرار (نویسنده و روزنامه نگار معروف و از مدیران تحریریه روزنامه اطلاعات در دوره عباس مسعودی)، که اخیراً به خواست روزنامه اطلاعات نوشته شده است و به لحاظ تاریخی خواندنی و قابل تأمّل است. چون به عقیده دکتر باستانی پاریزی در مقدمه‌ای که ایشان بر جلد اول از مجموعه پنج جلدی «اطلاعات ۸۰سال» نگاشته‌اند، واقعهٔ تیره شدن رابطهٔ حسنهٔ شاه با سناتور مسعودی و مغضوب شدنش، احتمالاً در مرگ ناگهانی رئیس روزنامه اطلاعات در سال ۵۳ نقش مؤثّر داشته، خاطرهٔ ثبت شده به قلم آقای احمد احرار شهادت تاریخی دیگری بر این امر است و از چگونگی روابط و برخوردهای دستگاه سلطنت و دولت پهلوی با روزنامه‌های آن‌زمان به‌ویژه روزنامهٔ پرسابقهٔ اطلاعات حکایت می‌کند. امیدواریم این نوشته نیز مانند مقالهٔ دکتر باستانی پاریزی (که بدان اشاره شد)، برای اهل تحقیق در تاریخ معاصر و تاریخ مطبوعات، جالب توجه و قابل استناد باشد، که هست.

ضمن تشکر از نگاشتن این خاطرهٔ خواندنی و گواهی گونه، یادآوری می‌شود که در ذکر القاب و عناوین یا کلمات دیگری که قبل از اسامی اشخاص آمده، رعایت امانت شده است و از این بابت، توجه خوانندگان ارجمند را به واژه «مرحوم» قبل از نام فروغی ـ نخست‌وزیر اهل حکمتِ عصر رضاشاه ـ در مقالات فلسفی شهید مطهّری جلب می کنیم. ذیلاً نوشتهٔ آقای احمد احرار را ملاحظه می کنید:



❊

در مقدمهٔ مبسوطی که استاد دکتر باستانی پاریزی بر مجموعهٔ پنج جلدی «اطلاعات ۸۰سال» مرقوم داشته‌اند از جمله اشاره رفته بود به دوران پایانی زندگی شادروان مسعودی و فشارهایی که موجب مرگ وی شد. بر خود فرض دیدم جهت تکمیل مطلب و به عنوان شهادت در پیشگاه تاریخ، وقایعی را که شخصاً شاهد بوده‌ام بر نوشتهٔ استاد بیفزایم.

در اوایل دههٔ پنجاه، فشارهایی که از سوی دولت و دستگاه بر «اطلاعات» وارد می‌آمد دایم فزونی می گرفت. جمعاً نسبت به روزنامه و راه و روش آن نظر خوشی وجود نداشت و این را چگونگی برخورد متصدیان امور مطبوعات در وزارت اطلاعات (ارشاد حالیّه) و ساواک از یک‌سو، و برخوردهای شاه و نخست‌وزیر با شخص مسعودی از دیگر سو کاملاً نشان می‌داد، حال آن‌که علتش واقعاً بر مدیر و مسئولان روزنامه روشن نبود. تصمیم گرفته شد که برویم با نخست‌وزیر جلسه کنیم و صاف و پوست کنده بپرسیم از روزنامه چه می‌خواهند و چرا به بهانه‌های واهی بر اطلاعات فشار می‌آورند.

آقای مسعودی با نخست‌وزیر صحبت کرد و دعوت شدیم که برویم با ایشان ناهار بخوریم و ضمن ناهار خوردن راجع به مانحن فیه صحبت کنیم. چند نفری که بخش‌های مختلف روزنامه را اداره می‌کردیم در نخست‌وزیری با آقای هویدا ناهار خوردیم. هویدا با گشاده‌رویی ما را پذیرفت و سر میز ناهار، طبق عادت به نرمی و اغلب با مطایبه و مزاح سخن گفت. ناهار طول کشید و چون قرارمان بر این بود که تا جواب سؤال را نگرفته‌ایم گریبان نخست‌وزیر را رها نکنیم، مرحوم مسعودی از وی خواست در دو کلمه به ما بگوید رفتار آمیخته به سوءظن دستگاه و دولت نسبت به اطلاعات علتش چیست و از روزنامه چه خواسته‌اند و چه می‌خواهند که رعایت نشده است.

ادامه در صفحه ۷

خاطرات ابوالحسن ابتهاج؛ از روزگار ریاست سازمان برنامه و بودجه

در کنفرانس سانفرانسیسکو

یکی از نمایندگان مجلس برایم نقل کرد که همان هنگامی که آرامش مرا در مجلس شورای ملی مورد اتهام قرار داده بود شریف امامی نخست‌وزیر هم به محمدعلی ممتاز، وزیر دادگستری، دستور می‌دهد پروندهٔ سازمان برنامه را مطالعه نماید و راه قانونی تعقیب من را پیدا کند.

پس از مطالعهٔ پرونده، و در یکی از روزهائی که هر دو در مجلس حضور داشتند، ممتاز به شریف امامی گزارش می‌دهد که به نظر او هیچ گونه زمینه و دلیلی برای تعقیب ابتهاج وجود ندارد. شریف امامی به حدی از شنیدن نظر وزیر دادگستری عصبانی می‌شود که با صدای بلند بوی پرخاش کرده و می گوید چطور ممکن است یک وزیر شخصی را مورد اتهام قرار بدهد و در عین حال وزیر دیگری در همان دولت این شخص را قابل تعقیب نداند؟ شریف امامی این مطالب را طوری با شدت و تغیر می گوید که عده‌ای از وکلا صدای او را می‌شنوند و ممتاز با حالت اعتراض جلسه را ترک کرده و عازم منزل خود می‌شود، گویا با قصد آن که دیگر به وزارت دادگستری برنگردد، و شریف امامی با فرستادن عده‌ای نزد او می‌تواند ممتاز را از کناره‌گیری منصرف کند.

پس از زندانی شدنم در زمان نخست‌وزیری امینی و استخلاص از حبس، که شرح آن به تفصیل خواهد آمد، با این که با ممتاز هیچگونه آشنائی نداشتم، به او تلفن کردم و از رفتارش در این خصوص تشکر کردم. ممتاز گفت من کار فوق‌العاده‌ای نکردم و فقط نظر خود را آن طور که تشخیص داده بودم گزارش دادم. برای من جای تردید نبود که آوردن احمد آرامش فقط به منظور پرونده سازی علیه من بود.

ابوالحسن ابتهاج

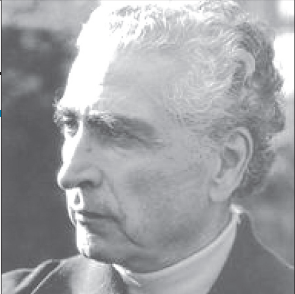
صفحه۲

یاد

علی اکبر جعفری ندوشن

در بزرگداشت «روزها»/ ۲

حاصل روزها



دکتر اسلامی ندوشن

«...و این بیابان، انباز و ملازم آسمان بود، گویی دنباله همان آسمان بود که دامنه غبارینش بر خاک کشیده باشد. آبی ملولی که در روز، ذرات نور خورشید آن را گل آلود نشان می‌داد و در شب به مینای ناب بدل می گشت، مالامال بود از ستاره، نزدیک به زمین، که چون من به پشت می‌خوابیدم و به آن چشم می‌دوختم، مانند کاسه فیروزه‌ای معلقی می‌نمود، با خال‌های مشعشع.»

۲-در این مجموعه از حافظه شگرف نویسنده و انبوه خاطرات و محفوظات دقیق وی اطلاعات گوناگون و متنوع در زمینه‌های مختلف سر بر می‌آورد که می‌تواند به عنوان منبع علمی در رشته‌های تاریخ و جامعه شناسی و... مورد استفاده قرار گیرد، ضمن آنکه در برخی موارد در روشن کردن زوایای تاریک تاریخ معاصر بی‌تأثیر نیست.

تاریخ معاصر ایران مشحون از مجموعه رویدادهای پندآموزی است که همواره در سپهر سیاسی -اجتماعی این کشور می‌تواند چراغی فراراه آیندگان گردد و حال چنانچه روایتگری نقاد و نکته سنج چون اسلامی ندوشن در فحوای خاطرات روزمره خود به واکاوی برهه‌هایی از این دوران بپردازد و با غبارروبی از ابهام‌های آن، تحلیل‌هایی منصفانه را چاشنی روایت بلاواسطه خود کند، آن گاه می‌توان گفت این فقط شرح قصه زندگی او نیست که بسان سایر آثاری از این دست، صرفاً مطلوب نظر علاقمندان ادبیات داستانی باشد، بلکه یک اثر با ارزش تاریخی و اجتماعی است که با آن از دهلیزهای ناروشن تاریخ معاصر ایران می‌توان گذر کرد و در پرتو تحلیل‌های نویسنده بر بسیاری از وقایع، وقوفی دقیق‌تر یافت. برای مثال نویسنده «روزها» سیمای ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ را چنین ترسیم می‌کند: «عروس ایران در زیر هجوم جمع کنندگان نقل، [مدعیان اصلاح] دست و پا می‌زد، آن بود که فقط آرایش زلفش به هم بخورد، یا لباسش چروک شود، تنش له می‌شد. با این حال، این دلخوشی را داشت که در یک بزم آزاد به حجله می‌رود، زیرا از بعد از مشروطه، هرگز ایران یک چنین دوران آزادی را به خود ندیده بود، و سپس از آن نیز کم دید...» جلد سوم و چهارم «روزها» از این نظر از غنای بیشتری برخوردار است، اگر چه انتظار می‌رفت که دکتر اسلامی ندوشن در شرح وقایعی نظیر کودتای ۲۸ مرداد، حوادث ۳۰ تیر و نوسانات دوران مصدق دامنه سخن را بیش از این می گسترد. معذلک در آن سخن کوتاه نیز پندهای ارزشمندی نهفته است، مثلاً صاحب «روزها» در جلد سوم در ارزیابی‌ای که از واقعه ۲۸ مرداد و ناکامی مصدق دارد می گوید: «مردم در همراهی با مصدق هم پایداری کردند و هم باصفا بودند، زیرا با شم خود احساس می‌کردند که راه نجات کشور در آن است... اگر به آنان اتهام زده شده است که روز ۲۸ مرداد مصدق را رها کردند، برای آن بود که با پای چوبین هیجان حرکت می‌کردند... آنها را نباید قصور کار دانست. بی آنکه خود بدانند، باروتشان‌تر بود، و این نم کشیدگی برای آن بود که گوگردش از احساس خالص ماهیت گرفته بود نه از عقل.» و یا در جلد چهارم آن گاه که درشرح مبسوطی به تحلیل چرایی فروپاشی حکومت پیشین می‌پردازد، می‌آورد: «میان مردم و حکومت نوعی بریدگی روی نموده بود. مردم که در دوره مصدق فکر کرده بودند که استقلال سیاسی خود را باز یافته‌اند، پس از کودتا در لاک خود فرو می‌روند. بغض فرو خورده با گذشت زمان تبخیر می‌شود، ولی ته نشین آن می‌ماند. کدورت هرگز از روح ایرانی زدوده نشد، تا اینکه در بهمن ۵۷ مجال بروز یافت.»

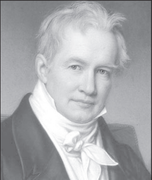
۲) «روزها» روایت ایران در حال گذار است که گاهی با ترسیم ظریف‌ترین لایه‌های روابط فرهنگی و اجتماعی ایرانیان، ابعاد مختلفی از تلاقی و مزج دنیای جدید و قدیم در این سرزمین را کندوکاو می کند و از این رو می‌تواند علاوه بر بازشناخت زوایای پنهان و پیدای این دوران پر تلاطم در بازشناسی عناصر هویتی این نسل حائل و پرسش دار نیز موثر بیافتد. نویسنده روزها درمقدمه جلدنخست آورده است: «ما پیام‌آور قرون هستیم، نسلی هستیم که گذشته‌های دور در وجود ما به دوران جدید پیوند خورده است، سری به گذشته داشته‌ایم و سری به آینده. هیچ نسلی -نه پیش از ما و نه بعد از ما -این امتیاز بی‌بدیل را نیافته است و نیابد که آنچه ما دیده‌ایم ببینند. آنچه ما از اکنون دیدیم، گذشتگان ما ندیده بودند، و آنچه از گذشته دیدیم، کسانی که چندی بعد از ما آمده‌اند امکان دیدنش را نیافته‌اند. علاوه بر این، ما بر سر راه شرق و غرب نشسته ایم، مای ایرانی در این دوره خاص ؛چه بخواهیم و چه نخواهیم، مرد دو مرده‌ایم ؛هم از شرق نصیب داریم و هم از غرب، نیمیم ز ترکستان، نیمیم ز فرغانه...و حال آنکه یک مرد مغرب زمینی تنها می‌تواند از غرب خود خبر داشته باشد. پس این گوینده هر که باشد و با هر درجه از اعتبار، از آنجا که راه نشین «چهار مرز» است: شرق و غرب و قدیم و جدید، به حرف‌هایش گوش دهیم.»

نویسنده در جلد چهارم آن گاه که از آثار مکتوب خود صحبت می کند حاصل زندگی قلمی خود چنین می‌نگارد: «می خواستم بدانم که در حکمت قدیم و جدید ایران، در دایره کام‌ها و نا کامی‌های تاریخی این ملت، چه بشود کرد که راهی به سوی سلامت گشوده شود، آنگونه که فراخور حال این مردم فرسوده روزگار باشد. ایرانیان در معرض آزمایش‌های تاریخی گوناگون قرار داشته‌اند و اکنون در این دنیای «متجدد»، در میان برخورد دو موج، در میان کشاکش واپس گرایی و ضرورت نوشوندگی، چه می‌توان کرد که از این رهگذر تنگ بشود به بیرون راه یافت. فرهنگ در نظر من عصاره چاره‌جوئیها بوده است، مانند فانوس دریایی که رهیاب کشتی سرگردانی بشود.»

٤)-حاصل دیگری که از خرمن پر خوشه «روزها» می‌توان بر گرفت. آشنایی با شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی دهه‌های اخیر است. یکی از ویژگی‌های برجسته دکتر اسلامی ندوشن آنست که در نقد و نظرهایش، حرف دلش را صریح و بی‌پروا می‌زند و به همین جهت قضاوت‌های او مورد وثوق بسیاری است. در «روزها» نیز هر از گاهی به مقتضای کلام، از بزرگان علم و ادب و سیاست، سخنی به میان می‌آید که در شناخت آنها اثرگذار است. در جلد دوم آن گاه که نویسنده از چهار شاعر سیاسی مشرب معاصر (نسیم شمال، عارف، عشقی و فرخی یزدی) صحبت می کند اعتقاد خود را چنین ابراز می‌دارد:

«مضامین این شاعران چه راه درازی طی کرده است، بی‌آنکه از نفس بیفتد. دردهایی که آنها سراینده شان بودند، می‌بایست در طی هفتاد سال، گاه خاموش و گاه خروشان، پخته شود، تا سرانجام به انفجار برسد. مانند «مرغ حق» غریو آوردند و کسی نشنید... ارزش شاعری و استحکام اندیشه سیاسی این عده ولو کم باشد، از آن جا که آنان سخن گوی بغض فرو خورده ایرانی قرار گرفتند، باید حقشان شناخته بماند.» و یا در جلد سوم در حالی که نویسنده اسباب آشنایی با برخی از مشاهیر ادب همچون نیما، هدایت، خانلری، فرزاد، گلچین گیلانی،... و یا حرف از سیاستمدارانی چون دکتر محمد مصدق، سید ضیاء تقی زاده، دکتر بقایی و... را به میان فراهم می‌آورد.

گوته بروایت توماس مان



گوته به شدت از رنج دادن دیگران اکراه دارد. او در این باره به اکرمان می‌گوید: «فقط اگر فکر و تعلیم و تربیت واقعی در دسترس همه بود کار شاعر رونق می گرفت ؛ در آن صورت شاعر همیشه می‌توانست آنچه را در دل دارد بگوید و از بیان حقیقت روگردان نباشد. ولی با وضع موجود، نویسنده بایستی همواره با در نظر گرفتن اینکه همه کس می‌تواند به اثری که او به وجود آورده دسترسی پیدا کند، احتیاط کامل به جا آورد و مواظب باشد که مبادا چیزی بگوید که احتمالا اکثریتی را مورد اهانت قرار دهد.»

گوته یک معلم مادر زاد بود. دو شاهکار بزرگ زندگی او یعنی فاوست و ویلهلم مایستر دلایل قاطعی بر این حقیقت هستند. به ویژه در ویلهلم مایستر، نشان می‌دهد که چگونه تمایل به نوشتن زندگینامه تبدیل به اعتراف و تصویر خویش کشیدن می‌شود، عمومیت پیدا می‌کند، صورت خارجی پیدا می‌کند، سیاستمدارانه می‌شود و بیان آموزشی پیدا می‌کند. ولی یک روش و یا حرفه در جهت تربیت و پرورش دیگران از هماهنگی‌های درونی سرچشمه نمی گیرد بلکه بر عکس از تردیدها / ناهماهنگیها و مشکل شناخت نفس خویش سر چشمه می گیرد. تمایل به تعلیم را در شخصیت شاعر -نویسنده می‌توان حاصل اعتراف به عدم اطمینان و قبول انحراف از مسیر اصلی، و در عین حال احساس مسئولیت در قبال تمام بشریت و پذیرش نفس خویش به عنوان نماینده آن دانست.

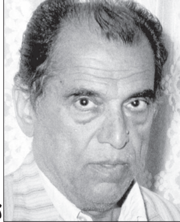
گوته می‌گوید: «سمبولیسم واقعی آنجا نهفته است که جزء نماینده کل می‌شود.»

روایت

آرش تبریزی

بازخوانی خاطرات دکتر عبدالهادی حائری-۸

رویارویی



حائری

هنگامی که دوره پنجم مجلس قانونگذاری -روز نهم آبان ماه ۱۳۰٤- در زمینه به زیر آمدن قاجاران و برقراری حکومت رضاخان سردارسپه رأی گیری می‌شد، حایری‌زاده به عنوان نماینده مجلس راه خود را از دکتر مصدق به مدرس که هر دو با آن دگرگونی‌ها سر ناسازگاری نشان داده بودند، جدا کرده و به سود سردارسپه رأی داد. کمی بیش از یک ماه پس از آن -روز ۲۱ آذر ۱۳۰٤- همو در مجلس مؤسسان نیز حضور داشت و در میان نمایندگانی جای گرفت که به دگرگون ساختن بخشی از متمم قانون اساسی و سپردن پادشاهی مشروطه به خاندان رضا شاه پهلوی رأی موافق دادند.

از این روی دوستان آگاه و وفادار سیدحسن مدرس و دکتر محمدمصدق مانند حسین رسا مدیر روزنامه قانون، تکاپوهای حایزی‌زاده را در بزرگداشت از مدرس به دیده بدبینی می‌نگریستند. در همین زمینه بود که رسا در روزنامه‌اش در همان روزگاران چنین نوشت: «... مخصوصاً آقای حایری‌زاده یزدی که ما به همکاری ایشان با مدرس چندان اطمینان و اعتمادی نداریم. اگرچه ایشان در طی زندگی پارلمانی مدرس، خود را از جمله نزدیکان قهرمان ملی ما جلوه می‌داد، لیکن در هنگامی که مبارزه اصلی پیش می‌آمده، مانند قضیه جمهوریت، زیر ورقه جمهوری خواهی را امضاء نموده و در هنگام تغییر سلطنت نیز از امضاءکنندگان و موافقین بوده است. بنابراین، به حکم تاریخ نمی‌توان آقای حایری‌زاده را از دوستان و همگامان مدرس قلمداد کرد. چه، وقتی کسی با رهبری همراه و عم عقیده و هم‌سنگر باشد هدف آنان یکی است، نه این که در جایی که چندان لازم نیست اظهار وجود کند و خود را موافق جلوه دهد و در جایی که ریشه و اساس مبارزات است، به سوی مخالف گراید.

حایری‌زاده به عنوان عضو جبهه ملی و به پشت گرمی نام دکتر مصدق به مجلس‌های شانزدهم و هفدهم راه یافت، ولی به گفته حسین رسا «در هنگامی که مبارزه اصلی» پیش آمد، به سان برخی از دیگر همکاران جبهه ملیش مانند حسین مکی، شمس قنات‌آبادی، سید و عبدالقدیر آزاد از پشت به دکتر مصدق خنجر زد و در راه ناتوان ساختن و به زیر آوردن دولت وی در تکاپوهایی گسترده درگیر شد. وی تا جایی پیش رفت که با کودتاگران ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سازش کرده، دست دوستی و همکاری فشرد. در فرجام به پشتیبانی و پشت گرمی حکومت کودتا به عنوان نماینده اول تهران بر کرسی نمایندگی دوره هیجدهم مجلس شورای ملی تکیه زد.

گفتیم که جوّ آزادی گرایی روزگار حکومت دکتر مصدق در سالهای ۳۲-۱۳۳۰ خورشیدی داستان ستیزه‌گری‌های ضداستعماری - ضداستبدادی مدرس را بر سر زبانها و قلمها افکند، و در حقیقت از این دو سیاستگر نامدار به عنوان دو آموزگار گوهر آزادی و آزادی‌خواهی ایران سخن آوردیم، ولیَ این بدان معنی نیست که این دو سیاستگر در همه مسائل هم‌اندیشه، یا در همه ستیزه‌های سیاسی هم‌سنگر بودند. برعکس، گهگاه در برخی از مسائل بسیار مهم و حساس کشور سخت رویاروی یکدیگر قرار می گرفتند.

سخنانی از مدرس در نکوهش از دکتر مصدق نیز در دست است. در یکی از روزهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که سوداگران و سودگرایان آمریکا و انگلیس در به زیر آوردن دولت دکتر مصدق سخت تلاش می‌کردند، یکی از مهره‌های بسیار برجسته آن سیاست ضدملی به نام جمال امامی با استناد به سخنانی از سیدحسن مدرس، سخت به دکتر مصدق یورش برد. این گفتار مدرس به گونه‌ای آشکار از دکتر مصدق یک چهره زشت و بسیار «عوام فریب» کشیده بود.

یکی از رویارویی‌های سیاسی دکتر مصدق و مدرس در مورد میرزا حسن خان وثوق‌الدوله «رئیس الوزرای» امضاءکننده قرارداد ۱۹۱۹ با انگلستان بود. تاریخ گواهی می‌دهد که این قرارداد یکسره به سود انگلیسیان بود که ارتش، ژاندارمری، امور اداره‌های مهم دولتی، مالیات و گمرک ایران را تقریباً دربست در اختیار استعمار انگلیس می گذارد. از سوی دیگر، اسناد و مدارکی به دست آمد که نشانگر آن است که وثوق‌الدوله و برخی از دیگر دستیارانش به پاداش خدماتشان در مورد بستن قرارداد، مبلغ‌های بسیار بالایی از بیگانگان رشوه گرفتند. حتی دکتر مصدق آشکارا در مجلس شورای ملی بیان داشت که دولت وثوق‌الدوله «برای تهیه زمینه قرارداد از هیچ عملی حتی قتل‌های بدون محاکمه و به صرف استنطاق نظمیه مضایقه نفرموده» است.

روشن است که ایران با این قرارداد استقلال خود را یکسره از دست می‌داد و بیگانگان به گونه‌ای «رسمی» و «مشروع» بر سرنوشت این سرزمین و مردم آن چیره می گشتند. سیاستگران مردمی، ملی و میهنی ایران آن روزگاران، و همه میهن‌دوستان و دلبستگان به این آب و خاک با این قرارداد سر ناسازگاری برداشتند. سیدحسن مدرس نیز از کسانی بود که به گاه بسته شدن قرارداد با آن به ستیز برخاسته بود. اما در آغازین نشست‌های دوره ششم مجلس شورای ملی - ۱۳۰۵ خورشیدی -سیدحسین مدرس به گونه‌ای بسیار شگفتی‌برانگیز از وثوق‌الدوله که زنهار خواریش چشمدید همگان شده بود دفاع کرد.

پرده‌داران

احمد بهارلو

خاطرات ابوالحسن ابتهاج در سانفرانسیسکو

ادامه از صفحه اول

چندی پس از آنکه از زندان آزاد شدم یک روز آرامش در بانک ایرانیان به دیدن آذر آمد و نامه‌ای به او داد که به من بدهد. آذر گفت چرا خودتان با او ملاقات نمی‌کنید؟ و به اصرار او را به اتاق من آورد. از دیدن او با آن سوابق حیرت کردم.

وقتی شروع به صحبت کردیم گفت امروز آمده‌ام به شما بگویم چرا آن مطالب را علیه شما در مجلس عنوان کردم. مرا به این جهت به سازمان برنامه بردند که مدارکی علیه شما تهیه کنم تا بتوانند شما را تحت تعقیب قرار دهند. ابتدا به من دستور داده شد یادداشتی راجع به کارهای غیرقانونی شما تهیه کنم. من هم آنچه به نظرم می‌رسید تهیه کردم و مطالب به صورت گزارشی به شاه داده شد. وقتی شاه آن را می‌بیند با تعجب می‌پرسد همین بود؟ با این حرف‌ها که نمی‌شود ابتهاج را تعقیب کرد. به شاه گفتم بجز این مطلب دیگری ندارم. آن وقت شاه با خط خودش تغییراتی در گزارش داد که من عین آن را برای شما خواهم آورد.

آرامش گزارش را هیچ‌وقت برای من نیاورد. در ملاقات آن روز آرامش یک نسخه از شبنامه‌ای را که منتشر کرده بود به من داد. در این شبنامه آرامش از حکومت شاه سخت انتقاد کرده و چنین نظر داده بود که رژیم سلطنتی باید به جمهوری تبدیل شود. از او پرسیدم که چطور دست به چنین اقدامات خطرناکی زده است. او جواب داد رونوشت تمام مدارک را در یکی از بانک‌های سوئیس به ودیعه نهاده و دستور داده است که آنها را پس از مرگش منتشر کنند و دستگاه هم از این موضوع مطلع است.

پس از این ملاقات دیگر از آرامش خبری نشد تا این که چندی بعد اطلاع پیدا کردم که در یکی از پارک‌های شهر به طرف پاسبانی تیراندازی کرده و توسط مأمورین انتظامی به قتل رسیده است. با آشنائی که با احوال آرامش داشتم یقین دارم که او اهل اسلحه و تیراندازی نبود.

همان‌طور که گفته شد آرامش شوهرخواهر شریف امامی بود و یک زمانی در حزب دموکرات، وابسته به قوام‌السلطنه، فعالیت داشت و روزنامهٔ «دیپلمات» را نیز منتشر می کرد و بعد در کابینهٔ قوام‌السلطنه هم به وزارت رسید. قبل از آمدن من به سازمان برنامه آرامش از طرف مجلس به عضویت هیئت نظارت بر سازمان برنامه انتخاب شده بود و از همان ابتدا نسبت به من خصومت نشان می‌داد و مقالاتی بر علیه من در روزنامه‌ها می‌نوشت. رفتار او به نظر من خیلی عجیب بود، ولی چاره‌ای جز تحمل نداشتم، زیرا که او منتخب مجلس بود. حدس من این است که آرامش توازن روحی نداشت.

دولت شریف امامی، در نتیجهٔ واقعه ای که منجر به قتل یکی از دبیران فرهنگ شد، مورد استیضاح قرار گرفت و در اردیبهشت ۱۳٤۰ استعفاء داد. پس از او علی امینی به نخست‌وزیری رسید.

روزی که امینی برای تشکیل دولت به حضور شاه احضار شد به من تلفن کرد و موضوع را به من گفت. من به او تاکید کردم که مبادا ضعفی نشان بدهد و باید تمام شرائطی را که برای موفقیت این ماموریت لازم می داند با شاه مطرح کند. امینی به من اطمینان داد که نظر او نیز همین است. او بعد از شرفیابی بار دیگر به من تلفن کرد و گفت شرائط خود را تصریح کرده است.

ولی وقتی برنامهٔ دولت و اسامی وزرای او را در روزنامه‌ها دیدم تعجب کردم از اینکه شخصی که سال‌ها آرزوی نخست‌وزیری داشت افرادی را انتخاب کرده است که عده‌ای از آنها به هیچ وجه صلاحیت نداشتند، و هیچ نوعی هماهنگی بین اعضای دولت وجود نداشت.

چندی بعد به امینی تلفن کردم. قصدم دادن تذکری دربارهٔ برنامهٔ دولت بود. در این برنامه تصریح شده بود که یکی از وظایف دولت جدید برقراری موازنهٔ بازرگانی بین ایران و هریک از کشورهائی است که با ایران روابط بازرگانی دارند. به امینی گفتم هرکس دیگری به جز تو چنین حرفی می‌زد تعجب نمی‌کردم، اما از تو که یک عمر با مسائل اقتصادی سر و کار داشته‌ای بعید است چنین حرفی بزنی، تو باید به خوبی بدانی که چنین کاری عملی نیست چرا که ممکن است ایران خریدار کالاهائی از یک کشور به خصوص باشد ولی اجناسی که قابل صدور به آن کشور باشد نداشته باشد و یا کالائی به کشوری صادر کند ولی اجناسی که مورد نیاز ایران باشد در آن مملکت برای صدور وجود نداشته باشد.

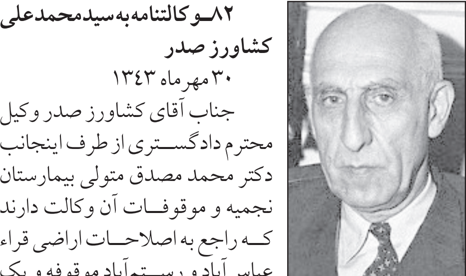
در پائیز همان سال (۱۳٤۰) برای شرکت در کنفراس بین‌المللی صنعتی سانفرانسیسکو، که توسط موسسهٔ تحقیقات استانفورد برگزار می‌شد، عازم ایالات متحده شدم تا بنا به دعوت روسای کنفرانس نطقی ایراد کنم.

من در اولین کنفرانس صنعتی سانفرانسیسکو، که در سال ۱۳۳٦ تشکیل شد، نیز شرکت داشته و مطالبی در مورد فعالیت‌های ایران در زمینهٔ عمران اقتصادی بیان کرده بودم. نطق من به حدی در «هنری لوس»، که رئیس کنفراس و بنیان‌گذار و سردبیر انتشارات تایم -لایف بود، اثر کرد که تصمیم گرفت عنوان نطق مرا، که «در ایران دارد دیر می‌شود» بود، موضوع کنفرانس قرار بدهد. بیانات من در کنفرانس سال ۱۳۳٦ از این قرار بود که ایران تحت فشار کمونیزم شوروی قرار گرفته است و تا دیر نشده باید سطح زندگی مردم خود را بالا ببرد و به صورت کشوری پیشرفته درآید و آزادی و استقلال خود را از دست ندهد.

در راه ایران

آخرین نامه‌های دکتر مصدق/۱۴

اخطاریه دادگاه


مصدق‌السلطنه

۸۲ـ وکالتنامه به سیدمحمدعلی کشاورز صدر

۳۰ مهرماه ۱۳۴۳

جناب آقای کشاورز صدر وکیل محترم دادگستری از طرف اینجانب دکتر محمد مصدق متولی بیمارستان نجمیه و موقوفات آن وکالت دارند که راجع به اصلاحات اراضی قراء عباس‌آباد و رستم‌آباد موقوفه و یک قطعه زمین مساحت ۱۳۵ جریب از اراضی بلاتین و یک سنگ حقابه از قنات قریه مزبور پلاک ۶۹ـ۱۰۳ اصل اسناد لازم را امضاء فرموده و تسلیم اداره اصلاحات ارضی فرمایند و همچنین وکالت دارند اگر اختلافی بین زارعین سهم بر با موقوفه روی دهد جوابی که لازم است تهیه و تسلیم اداره اصلاحات ارضی بفرمایند.

۳۰ مهر ماه ۱۳۴۳

ذیل وکالتنامه:

شماره ۲۷۳۲ ـ۴۳/۸/۳ صحت امضای جناب آقای دکتر محمد مصدق (مصدق‌السلطنه) که هویت معظم‌الیه در صفحه ۹۶ دفتر جلد دوم گواهی امضای این دفترخانه مشخص و امضای جناب ایشان در بالا به علامت [×] نموده شده گواهی می‌شودو این گواهی از نظر صحت امضاء معتبر است.

۸۳ـ جواب دکتر مصدق به نامه‌ی آقای نصرت‌الله امینی

احمدآباد، ۳۰ آذرماه ۱۳۴۳

خدمت جناب آقای نصرت‌الله امینی ادام‌الله بقائه

قربانت شوم؛مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید الحق که به وظیفه خود نسبت به عوالمی که با مرحوم مغفور شمشیری طاب‌ثراه داشته‌اید عمل فرموده‌اند و بنده هم از توجهاتی که راجع به فروش بیمارستان سابق مهر فرموده‌اید از صمیم قلب تشکر می‌کنم و از خدا خواهانم که به جنابعالی اجر کرامت کند و این ساختمانی که در نظر است باز به توجهاتی که خواهید فرمود به خوبی و خوشی تمام و مورد استفاده اشخاص ناتوان قرار بگیرد.

تأخیر عرض جواب از این نظر بود که خبر وصول چک‌ها به بنده نرسید. اکنون که بانک بازرگانی ایران وصول وجه اسناد را اطلاع داده به استحضار می‌رساند که مبلغ یکصد و هشتاد و نه هزار و دویست و شش تومان و پنج ریال ۱۸۹۲۰۶۵ ریال که ۱۴۴۲۰۶۵ ریال آن وجه نقد بوده و ۴۵۰۰۰۰ ریال دو فقره چکی بوده که وصول شده است. در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت جنابعالی را خواهانم.

توضیح آن که: هر سه فقره وجه در حساب شماره ۴۲۵۰۰ بانک بازرگانی که مخصوص وجوه از ثلث مرحوم مغفور شمشیری طاب‌ثراه است وارد شده تا چنانچه سودی هم به آن تعلق گیرد مربوط به ثلث خواهد بود.

۸۴ـ عکس نامه‌ی دکتر مصدق به آقای نصرت‌الله امینی

احمدآباد، ۳ دی ماه ۱۳۴۳

خدمت جناب آقای نصرت‌الله امینی ادام‌الله بقائه

قربانت شوم، صورت ریز مخارج بیمارستان سابق مهر که به فروش رفته است تا آخر آذر گذشته تقدیم می‌شود که از آن استحضار حاصل فرمایند. متمنی است صورت مزبور را اگر صحیح است تصدیق فرمائید که درحساب وجوه دریافتی وارد شود.

به طوری که اطلاع داده‌اند مقرر فرموده‌اند اسناد راجع به آب و تلفن را به خریدار جدید بدهند. این است که تصدیق جنابعالی برای دادن حساب به اداره اوقاف ضرورت دارد. در خاتمه سلامت جنابعالی را خواهانم.

۸۵ـ نامه به سید محمدعلی کشاورز صدر

احمدآباد، ۲ بهمن ماه ۱۳۴۳

خدمت جناب آقای کشاورز صدرادام الله بقائه

قربانت شوم، نمی‌دانم به چه زبان از الطاف مبذوله تشکر کنم. همین قدر عرض می‌کنم روز بروز بر ارادتم افزوده می‌شود و با قلبی مملو از محبت ارادت خود را تجدید می‌کنم و سلامت وجود محترم را خواهانم.

۸۶ـ دومنامه به آقای نصرت‌الله امینی

احمدآباد، ۲۶ بهمن ماه ۱۳۴۳

خدمت جناب آقای نصرت الله امینی وکیل محترم دادگستری

اخطاریه دادگاه را تقدیم می‌کنم که در دفترچه یادداشت خودتان مرقوم فرمائید و یکشنبه ۱۱ اسفند ماه ۱۳۴۲ برای دادن جواب عرض حال آقای دکتر نصرت‌الله باهر به دادگاه بخش طهران خیابان حافظ چهارراه عزیزخان کوچه امیری تشریف ببرید.

دکتر محمد مصدق

ادامه دارد

یاد

نازی عظیما

خاطرات الکساندر دوبچک

تسلای خاطر

در مراسم تسلیم اعتبارنامه‌ام در وزارت امور خارجه ترکیه، بالاترین مقامات ترکیه، از جمله پرزیدنت جودت سونای، حضور داشتند. مقامات ترک از هیچ کوششی برای نشان دادن همدردی و همدلیشان فروگذار نمی‌کردند. دوستی و تفاهم آنها را هرگز فراموش نمی‌کنم. در سفرهایی که به خارج از آنکارا داشتم نیز با همین احساسات دوستانه روبه‌رو می‌شدم. در استانبول، آن شهر پرجلال، پایتخت پیشین امپراتوری بیزانس،خبر حضور من بسرعت پیچید. هرجا که آنا و من توقف می‌کردیم– گیرم برای صرف غذایی سبک– مردم مهربان گروه گروه گرد می‌آمدند تا به من درود بگویند و مرا از احساسات پر مهر و همدلی خود مطمئن سازند.

پس از گذشت بیش از بیست سال، هنگامی که بار دیگر به ریاست پارلمان چکسلواکی رسیدم، به دعوت دوستانه و گرم دولت ترکیه از آن کشور بازدید کردم. پیش از رفتن به یادم آمد که به هنگام برگشت ناگهانیم از ترکیه در ژوئن ۱۹۷۰، برگه عبور دیپلماتیکم را به وزارت خارجه ترکیه پس نداده بودم، پس آن را به همراه بردم و با اظهار پوزش به مقامات ترک تسلیم کردم. روز بعد آن را برایم بازپس آوردند و از من خواستند که آن را به رسم یادگار با خود نگاه دارم.

هوساک به لطایف الحیل می‌کوشید تا اقامت مرا در ترکیه ناگوار سازد. این تلاش او را به هیچ چیز جز کوششی مذبوحانه برای آنکه مرا به درخواست پناهندگی سیاسی وادار سازنمی‌توانستم حمل کنم. آنها حتی کمیسیونی ویژه برای تحقیق درباره اوضاع سفارت به آنجا فرستادند. توانستم این فشار را در برابر تقاضای پناهندگی به هیچ انگارم. مصمم بودم که تاب آورم.

شماری از کشورهای غربی اطلاع دادند که در صورتی که تصمیم بگیرم به چکسلواکی بازنگردم، آماده پذیرایی از من هستند. هرگز این بزرگواری کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان،فرانسه،استرالیا،سوئد،و چند کشور دیگر را فراموش نخواهم کرد. برای نمایندگان دیپلماتیک این کشورها توضیح دادم که بایست به وطن برگردم. خود را متعهد می‌دانستم که در کشورم باشم، حال هر چه هم می‌خواست پیش بیاید. جای من در کنار مردم میهنم بود.

با اینهمه، گفتن بازگشت به وطن آسان‌تر از اجرای آن بود. در آوریل و مه از طریق منابع گوناگون دریافتم که هوساک و همدستانش قصد دارند از بازگشت من جلوگیری کنند. فوراً کوشیدم از شرکت هواپیمایی چکسلواکی بلیطی برای پراگ تهیه کنم. وقتی برای سومین بار به من گفتند که جای خالی در هواپیما نیست– آن هم در پروازهایی که بندرت پر می‌شد– دیدم که آنچه بیش از همه از آن می‌ترسیدم تحقق یافته است. باید راه دیگری می‌یافتم و بایدحیله‌ای می‌زدم. پس وانمود کردم که همچنان در انتظار جایی در پروازهای خطوط هوایی چکسلواکی هستم. سپس آنا را محرمانه در جریان تصمیم خود گذاشتم و او را آماده کردم که برای مدتی بعد از من آنجا بماند، تا ظاهر امر چنان باشد که من هنوز آنجا هستم.

این اقبال را داشتم که از کمک چند تن از تکنیسین‌های چکسلواکی که در کارخانه‌های ترکیه به نصب ماشین‌آلات صادراتی اشتغال داشتند بهره‌مند شوم. یکی از آنان که مهندس کارخانه‌های اشکودا بود، و در زمان جنگ جهانی دوم با او در دوبنیکاکار کرده بودم، بویژه به من بسیار کمک کرد. با کمک این مردمان خوب، بلیطی از شرکت هواپیمایی مجارستان برای پرواز از استانبول به بوداپست خریدم. می‌دانستم که از آنجا، گذشتن از مرز و ورود به براتیسلاوا کار ساده‌ای است.

یک شب، پنهانی از سفارت[در آنکارا] به بیرون خزیدم، تاکسی‌ای گرفتم، و به ایستگاه راه آهن رفتم. در آنجا بلیطی برای استانبول خریدم و بموقع برای پرواز با هواپیمای مجارستانی به آنجا رسیدم. درواقع در این سفر پنهانی با مشکلی روبرو نشدم. هنگامی که در آسمان بودیم، نفسی راحت برآوردم.

در آغاز ژوئن در بوداپست به زمین نشستم. اما مجارستانی‌ها نشان دادند که دوستیشان حدی دارد. هرگز در این‌باره ذره‌ای تردید نداشتم که این شخص کادار است که به محض آگاه شدن از اینکه من در راه بوداپست هستم باید تصمیم بگیرد که با من چه کند و این به یقین خود او بود که تصمیم گرفت مقامات چکسلواکی را آگاه کند.

این خود بوضوح نشان می‌دهد که چرا در فرودگاه بوداپست، فرانتیشک دوورسکی، از دبیران منطقه‌ای پیشین حزب کمونیست اسلوواکی در اسلوواکی غربی، به انتظارم بود. او با یک لیموزین دولتی آمده بود تا مرا نه به خانه‌ام در براتیسلاوا بلکه به پراگ ببرد تا در برابر کمیسیون مرکزی بازرسی حزب کمونیست چکسلواکی حضور یابم. با روی کار آمدن هوساک تمرکز قدرت بسرعت و از نو برقرار شده بود؛ اقدامات او بخوبی نشان می‌داد که واقعاً تا چه اندازه به خود مختاری اسلوواکی بی‌اعتناست.

به یاد ندارم که مقام دولتی دوورسکی در آن زمان چه بود، اما او به گروه همدستان جدید هوساک تعلق داشت. در راه سفرمان به پراگ با هم زیاد صحبت نکردیم– اگر دلیل آن جز حضور راننده‌چیزی دیگری بود خبر ندارم.

در پراگ به من خبر دادند که از حزب اخراج شده‌ام. فکر می‌کنم که بردن من به پراگ، تنها برای دادن این خبر، کاری بیش از حد لزوم بود. در آن زمان آنها معمولاً خبرهای مربوط به عزل و اخراج را تنها در روزنامه منتشر می‌کردند. با این همه دست‌کم اکنون می‌توانستم به خانه‌ام در براتیسلاوا بازگردم. نقشه‌شان برای وادار کردن من به ماندن در تبعید نقش بر آب شده بود.

حدود دو هفته بعد کمیته مرکزی چکسلواکی رسماً اخراج مرا اعلام کرد. این امر آن‌قدر مرا نگران نکرد که فکر اینکه آنا هنوز در آنکارا است و برای بازگشتن با مشکلات بزرگی روبرو شده است. چنانکه بعداً خود او به من گفت، یک ماه تمام از دست کارکنان سفارت، که از فرار من به خشم آمده بودند، عذاب می‌کشیده است. خوشبختانه او با یکی از مستخدمه‌های تُرک سفارت طرح دوستی نزدیکی ریخته بود و یقین دارم که این خانم منبع پخش شدن خبر مخمصه‌ای بود که آنا به آن گرفتار آمده بود، خبری که فوراً در مطبوعات ترک و خارجی منعکس شد. انعکاس بین‌المللی ماجرا هوساک را وادار ساخت تا از هرگونه فکر گروگانگیری آنا چشم بپوشد.

از وزارت امور خارجه در پراگ درخواست کردم تا اجازه دهند که یکی از پسرانم برای کمک به آنا در جمع‌آوری چیزها و بازگشت به وطن به آنکارا برود، اما آنها حتی زحمت پاسخ دادن را نیز به خود ندادند. آنا، پس از بازگشت،سخت خسته و ناتوان بود، اما خفتی که به ناچار تحمل کرده بود، قوت اراده و جسارتی تازه در او پدید آورده بود.

این نیز برایش تسلای خاطری عمیق بود که روزی که او را به فرودگاه می‌بردند، جماعتی از مردم مهربان ترک جلو در سفارت گرد آمده و بر چرخهای اتومبیلی که وی را می‌برد آب ریخته بودند، سنتی ترکی که به نشانه دعای خیر برای مسافر است. برای گذراندن سالهای بعد، ما به همه دعاهای خیر و آرزوهای سعادتی که برایمان می‌کردند نیاز داشتیم.

اندکی پس از بازگشت از ترکیه جست‌وجوی کار را آغاز کردم. دنبال کارهایی از نوع یدی بودم، زیرا می‌دانستم که نباید انتظاری غیر از آن داشته باشم. خوشبختانه همیشه در کارهای یدی مهارت داشتم و مهارت‌هایی را که در سال‌های جوانی آموخته بودم فراموش نکرده بوم. توقعاتی از لحاظ کار محدود بود، مهم‌تر از همه این بود که فاصلهٔ محل کارم از خانه خیلی زیاد نباشد.

به بررسی بخش نیازمندی‌های روزنامه‌ها پرداختم و فهرستی از حدود بیست کارخانه و کارگاه تهیه کردم که به قفل‌ساز، جوشکار، و تراشکار نیاز داشتند. به سبب بالا بدون نسبی میزان اشتغال، با کمبود عمومی کارگر روبرو بودیم و پیش‌بینی می‌کردم که در یافتن کار به مشکلی برنخورم.

جدید

علیرضا ملایی



میشل فوکو و دغدغهٔ حقیقت

تاریخ اندیشه

من تلاش می‌کنم به مسئله‌ای خاص پاسخ دهم یعنی مسئله تولد نوعی اخلاق، اخلاق به مثابه تأملی بر جنسیت، میل و لذت.باید توجه داشت که من تاریخی از آداب و رفتارها، یعنی تاریخی اجتماعی از کردار را نمی‌نویسم، بلکه تاریخ شیوه مسئله شدن و مورد تامل و اندیشه قرار گرفتن لذت و امیال و رفتارها در ارتباط با نوعی هنر زیستن در روزگار باستان را می‌نویسم. بدیهی است که فقط گروه کوچکی از مردم این هنر زیستن را به کار می‌بستند. و نامعقول خواهد بود اگر تصور کنیم که آن‌چه سنکا، اپیکتتوس یا موسونیوس روفوس در مورد رفتار جنسی گفته‌اند، در هر حال نمایان‌گر رفتار عمومی یونانی‌ها و رومی‌ها بوده است. اما به اعتقاد من، این واقعیت که این چیزها در مورد جنسیت گفته شده‌اند و سنتی را شکل داده‌اند که در مسیحیت، جابه‌جا دگرگون شد و عمیقاً تغییر کرد، واقعیتی تاریخی را شکل می‌دهد. اندیشه نیز دارای تاریخ است؛ اندیشه واقعیتی تاریخی است، حتی اگر دارای بعدهای بسیار دیگری غیر از تاریخ باشد. از این لحاظ، این کتاب‌ها[یعنی کاربرد لذت‌ها و دغدغه‌های خود] کاملاً شبیه کتاب‌هایی است که من در مورد دیوانگی یا نظام کیفری نوشته‌ام. در مراقبت و تنبیه قصد نداشتم تاریخ زندان را به منزله یک نهاد بنویسم، کاری که مستلزم مصالحی کاملاً متفاوت ونوع دیگری از تحلیل است. درعوض من از خود پرسیدم که چگونه اندیشه تنبیه در پایان سده هجده و ابتدای سده نوزده، دارای یک تاریخ بود. آن‌چه من تلاش می‌کنم بنویسم تاریخ روابطی است که اندیشه با حقیقت دارد؛ یعنی تاریخ اندیشه، اندیشه‌ای که اندیشیدن در مورد حقیقت است. تمام کسانی که می‌گویند برای من حقیقت وجود ندارد، ذهن‌هایی ساده انگارند.

ف.اوالد: با این حال در کاربرد لذت‌ها و دغدغه خود، حقیقت شکلی کاملاً متفاون از آن شکلی می‌یابد که در کتاب‌های پیشین شما داشت، یعنی آن شکل رقت‌بار انقیاد وابژه شدن.

میشل فوکو: از تاریخ دیوانگی به بعد، انگاره مسئله‌شدن انگاره مشترک مطالعه‌های من بوده است، هر چند من این انگاره را آن قدرها مجزا نکرده بودم. اما نکته اصلی همواره با پس‌روی به دست می‌آید وکلی‌ترین چیزها در آخرین مرحله ظاهر می‌شوند. این بها و پاداش هرکاری است که در آن مسائل نظری بر مبنای عرصه‌ای تجربی ساخته و پرداخته می‌شوند. در تاریخ دیوانگی، می‌خواستم بدانم که چگونه و چرا دیوانگی در برهه‌ای معین، از طریق وعی کردار نهادینه و دستگاه شناخت به مسئله بدل شد. به همین ترتیب در مراقبت و تنبیه مسئله عبارت بود از تحلیل تغییرهایی که در مسئله شدن روابط میان بزهکاری و مجازات از طریق روش‌های کیفری و نهادهای ندامتگاهی در پایان سده هجدهم و ابتدای سده نوزدهم صورت گرفت. و اکنون فعالیت جنسی چگونه به مسئله بدل می‌شود؟ مسئله‌شدن به معنای بازنمایی ابژه‌ای از پیش موجود نیست، به معنای خلق ابژه‌ای ناموجود از طریق گفتمان هم نیست. بلکه مجموعه کردارهای گفتمانی یا غیر گفتمانی است که چیزی را وارد بازی دست و درست می‌کند و آن را به ابژه‌ای برای اندیشه(خواه در شکل تامل اخلاقی، خواه‌شناخت علمی، خواه تحلیل سیاسی و غیره) بدل می‌کند.

ف اوالد: بی‌شک کاربرد لذت‌ها و دغدغه خود به همان مسئله واحد می‌پردازند. با این همه، از کتاب‌های پیشین شما بسیار متفاوت به نظر می‌رسند.

میشل فوکو: من در واقع مسیرم را«وارونه» کردم. در مورد دیوانگی، من از «مسئله»‌ای که دیوانگی می‌توانست در بافتی اجتماعی، سیاسی و شناخت شناسیک به وجود آورد حرت کردم، یعنی مسئله‌ای که دیوانگی برای دیگران پیش می‌آورد. اما در آن دو کتاب، من از مسئله‌ای که رفتار جنسی می‌توانست برای خود افراد(یا دست کم برای مردگان در روزگار باستان) پیش کشد آغاز کردم. در مورد اولی، مسئله روی هم رفته دانستن این نکته بود جه چگونه دیوانگان را «اداره می‌کردند» و در آن دو کتاب مسئله چگونگی «اداره‌خود» است. اما باید بی‌درنگ این نکته را اضافه کنم که در مورد دیوانگی،کوشیدم که برهمان مبنا، به شکل گیری تجربه کردن خویشتن به منزله دیوانه درچارچوب بیماری روانی، عمل روان‌پزشکی و نهاد تیمارستانی نزدیک شوم. و در این دو کتاب می‌خواهم نشان دهم که چگونه اداره خود با عمل اداره دیگران ادغام می‌شود. روی هم رفته، این‌ها دو راه وارونه رسیدن به پرسشی یکسان‌اند: چگونه «تجربه»‌ای شکل می‌گیرد که درآن رابطه با خود و رابطه با دیگران به هم پیوند می‌خورند.

ف. اوالد: به نظر می‌رسد که خواننده شما بیگانگی دوگانه‌ای را احساس می‌کند: نخست بیگانگی با خود شما و آن چه از شما انتظار دارد...

میشل فوکو: کاملاً. من کاملاً این تفاوت را می‌پذیرم. این یک بازی است.

ف. اوالد: دوم در مورد جنسیت و روابط میان آن‌چه توصیف می‌کنید و تجربه بدیهی ما از جنسیت.

میشل فوکو: با این حال، نباید در مورد بیگانگی اغراق کرد. درست است که عقیده‌ای همگانی در مورد روزگار باستان و اخلاق باستان که اغلب اخلاقی «مداراگر» و آزادمنش و خندان بازنمایی می‌شود وجود دارد. اما بسیاری می‌دانند که با این حال در روزگار باستان، یک اخلاق عبوس و سخت‌گیر وجود داشته است. به خوبی می‌دانیم که فیلسوفان رواقی هوادار ازدواج و وفاداری در زناشویی بودند. من با برجسته‌کردن این«سخت گیری» اخلاق فلسفی، هیچ چیز عجیب و غریبی نمی گویم.

ف. اوالد: به نظر می‌رسد که شما فراتر رفته‌اید و مقوله‌های«هنر زیستن» و «تکنیک‌های خود» و«سبک‌دهی به زیستن» را در تقابل با مقوله‌های «قانون» و«امر ممنوع» قرارداده‌اید.

میشل فوکو: من با استفاده از شاکله‌های نسبتاً رایج اندیشه می‌توانم بگویم که برخی از ممنوعیت‌ها به واقع در قالب قانون طرح می‌شدند و برخی دیگر از ممنوعیت‌ها که شایع‌تر هم بودند، به صورت اخلاق بیان می‌شدند. به نظرم می‌رسد که اندیشیدن به این اخلاق به همان صورتی که معاصران‌اش روی آن تامل می‌کردند، یعنی به صورت نوعی هنر زیستن یا به عبارت بهتر نوعی تکنیک زندگی، هم‌خوانی بیش‌تری با حوزه‌های مورد بررسی من و سندهای در دسترس من داشت. دانستن این نکته مدنظرم بود که چگونه هر فرد زندگی شخصی خود را اداره می‌کرد تا به آن زیباترین شکل ممکن را(در چشم دیگران، در چشم خود و در چشم نسل‌های آینده تا برای‌شان الگو و سرمشق باشد) دهد. این همان چیزی است که من تلاش کردم بازسازی کنم، یعنی شکل گیری و توسعه نوعی کردار خود که هدف آن خودسازی خویشتن در مقام سازنده زیبایی زندگی خود است.

ف. اوالد: تجربه یونانیان و رومیان در مورد مسائل جنسی تنها حوزه معتبر برای مقوله‌های «هنر زیستن» و«تکنیک‌های خود» نیست.

میشل فوکو: من فکر نمی‌کنم که اخلاق بدون شماری از کردارهای خود وجود داشته باشد. گاهی این کردارهای خود با ساختارهای پرشمار و نظام‌مند و الزام‌آور مجموعه قوانین همراه می‌شوند. حتی گاهی این کردارها تقریبا به نفع این مجموعه قوانین محو می‌شود و آن‌گاه این قواعد به منزله اساس اخلاقیات ظاهر می‌شوند. اما گاهی نیز ممکن است که این کردارها مهم‌ترین و فعال‌ترین کانون اخلاقیات را شکل دهند وحول این کردارها تامل و اندیشه رشد کند و توسعه یابد.

بدین ترتیب، کردارهای خود شکل یک هنر خود را می‌یابند که نسبتاً مستقل از قانون‌گذاری اخلاقی است. به طور قطع، مسیحیت اصل قانون و ساختار مجموعه قوانین را در تامل اخلاقی تقویت کرد، حتی اگر کردارهای زاهدانه هم‌چنان اهمیت بسیار زیادی در این تأمل اخلاقی داشته باشند.

ف. اوالد: پس تجربه مدرن ما از جنسیت با مسیحت آغاز می‌شود.

میشل فوکو: صدر مسیحیت چند تغییر مهم را در زهدمنشی باستان به بار آورد، یعنی شکل قانون را تشدید کرد و نیز کردارهای خود را در راستای هرمنوتیک خود و کشف خویشتن به منزله سوژه میل قرارداد. به نظر می‌رسد که مفصل‌بندی قانون و میل تا حدودی سرشت نمای مسیحیت باشد.

هنر

راه طولانی هنر؛ به روایت ایران درودی

نخستین طراحی

بعد از حمام که ساعتها به طول می‌انجامید، برای خشک شدن به اتاق کوچک مادر پدر بزرگم که چهره‌ای نورانی و بسیار مهربان داشت، می‌رفتیم و او با مهربانی هرچه تمام‌تر از ما پذیرایی می‌کرد؛ مربای بِه را از ته یخدان اتاقش بیرون می‌آورد، سفره‌ی تمیزی بر زمین می‌گسترد و وسط آن نان «فطیر» و «قیماق» می‌گذاشت و سپس با عطوفت خاصی به نتیجه‌ی خود که ظاهرا حضور ذهن چندانی نداشت، لقمه‌ای از مربا و فطیر و قیماق می‌خوراند. از تمام تشریفات حمام رفتن، این بخش از همه چیز برایم لذت‌بخش‌تر و دوست داشتنی‌تر بود. جد بزرگ که در آن زمان بیش از نود سال داشت، برایم پیرزن مهربان قصه‌ها و افسانه‌ها را مجسم می‌کرد. زمانی را که در اتاق او می‌گذراندم، فرصت زندگی کردن قصه‌ها بود. در هر حرکت دست یا نگاه او، منتظر رخ دادن اتفاق غیرعادی بودم و تصور می‌کردم او قادر است در یک چشم به هم زدن، چراغ علاءالدین را در دستش ظاهر کند. یا به دعای او پتوی گوشه‌ی اتاقش تبدیل به قالیچه‌ی حضرت سلیمان خواهد شد و من خواهم توانست با آن از پنجره‌ی اتاق او به روی شهر پرواز کنم. هرچه در اتاق او بود مثل خودش حسی از مهربانی و بویی از صفا داشت.

■ ایران درودی

جد بزرگ، غافل از خیال پردازیهای من، به ترکی کلماتی به مادر می‌گفت. از دیدن نتیجه‌هایش لذت می‌برد، با دعا و ثنا مادر را از داشتن من تسلی می‌داد و می‌گفت:

رخساره! غصه نخور. خدا را چه دیدی؟! شاید که خداوند بر طالع دختر تو سرنوشت خوبی رقم زده باشد! آنگاه جد بزرگ که آرزویش را با سؤال پیش می‌کشید، در ادای این کلمات تضرع خاصی پیدا می‌کرد. بارها صدای دعا کردن او را از چشمانش شنیده بودم و مطمئن بودم فرشتگان این پیرزن مهربان را ناامید نخواهند کرد.

پیرزن مهربان تا در حیاط ما را بدرقه می‌کرد تا مطمئن می‌شد که ما خوب و راحت در درشکه نشسته‌ایم، بعد در آخرین لحظه‌ی حرکت اسبهای درشکه، یک شیشه مربا را که تا آن وقت زیر چارقد بزرگ ترکی‌اش پنهان کرده بود، به زیرپای ما می‌غلطاند.

یکی از این روزها که دسته جمعی با بقچه‌های ملیله و مروارید دوزی و چند بطری شربت و کیسه‌ای پر از تنقلات به حمام رفته بودیم و مادر کلی در آب خزینه مرا کُر داد و بی‌توجه به فریادهایم از سوزش صابون، سرم را چند بار شست، در انتظار بیرون رفتن از حمام و دریافت شیشه‌ی مربا از جد بزرگ، روی یک برگ کاغذ، افراد حاضر در حال استحمام را با مدادی طراحی کردم. آیا این تصویر از آن دست تصاویری بود که بچه‌ها اکثرا در این سن می‌کشند یا قدری جدی‌تر...؟! قدر مسلم این بود که در این نقوش، دختر عمو از دختر عمه باز شناخته می‌شد. برایم مبهم است که چه چیزی باعث شده بود که من در صدد مخفی کردن این به اصطلاح طراحی برآیم، ماجرا از این قرار بود که مادر این طراحی را زیر قالیچه اتاق خوابش پیدا کرده بود و مرا در این مورد شدیداً بازخواست کرد.

نگاه سبز و مبهوت مادر را خوب به خاطر دارم که خشمی همراه با شگفتی و تعجب در آن موج می‌زد. او مرتب نگاهش را از روی من به طراحی می‌انداخت و هر بار لحن صدایش کوبنده‌تر می‌شد و می‌گفت: ـ نه، این که دخترعمو است! خودش است و این یکی هم دخترعمه، کاملاً مشخص و واضح است. چه شباهتی!

من که تاکنون خشم مادر را نسبت به خود نمی‌شناختم، از این لحن سرد و عاری از مهربانی همیشگی او مات و مبهوت بودم! مگر چه گناهی مرتکب شده بودم؟ مگر دخترعموی عریان با دخترعموی پوشیده چه فرقی دارد؟ واژه‌های شرم و حیا و یا خجالت چه مفهومی دارند که مادر آنها را پشت سر هم تکرار می‌کند؟!

این نخستین باری بود که مادر، مرا مستحق تنبیه شدن و سزاوار دریافت ضربه‌ای می‌یافت، طراحی را با حرکتی تند و محکم به سرم کوفت. با این حرکت احساس ناشناخته‌ای از گناه و شرم در وجودم رخنه کرد، بد و خوب کدامند؟ گناه چیست؟ اصلاً خواهر کجاست که این بار نیز دلیلی موجه برای کار من پیدا کند و اگر خطایی در کار است، باز مثل همیشه آن را به عهده بگیرد.

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

در ایران عهد قاجار؛ هوگو گروته

انقلاب مشروطیت ایران



همواره عده‌ای از رجال آزاداندیش و اصلاح‌طلب ایران، درصدد برآمده‌اند این نابسامانی‌ها را که از سلسله‌های گذشته به ارث رسیده ولی در زمان قاجارها که از سال ۱۷۹٤م. حکومت می‌کنند به شکل زننده‌ای درآمده است، رفع کنند. مثلاً در این پنجاه یا شصت سال اخیر، کسانی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صدراعظم باهوش و درستکار اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، میرزا ملکم‌خان و حاجی میرزاحسین خان سپهسالار که این دو نیز از رجال عصر ناصرالدین شاه بودند، برای اصلاح امور دولت و جلوگیری از حیف و میل وجوه خزانه اقداماتی کردند. مثلاً میرزاحسین خان سپهسالار در سال ۱۸۷۲م. که صدراعظم بود، دستورنامه‌ای [تعلیقه‌ای] برای کلیهٔ حکمرانان فرستاد که در آن چنین آمده بود: «اعتبار و عظمت هر دولت منوط و بسته به دو چیز است، انتظام در امورات درباری و سایر رشته‌های کار دولت و ثروت و رفاه رعیت ـ بالاترین بلیه به جهت تخریب دولت طمع است و تا دولت به طور جد و یقین ریشه و بیخ این مرض مهلک و مسری را نکند نمی‌تواند از ابقای شأن و عظمت خود مطمئن شود و آسوده باشد... اولاد واقعی سلطنت قشون است و رعیت و هر که با آنها به طریقهٔ ظلم و تعدّی رفتار کند، غضب و سخط ملوکانه را به دست خود از برای خود دعوت کرده است. دولت از رفتار و اطوار شما از روی حقیقت و بی‌غرضانه مطلع است. اگر ذره‌ای برخلاف آنچه در این ورقه نوشته شده از شما به صدور و وقوع برسد، نمک پادشاه اسلامیان‌پناه را به حرامی خورده و به دین ...

نهاد دیگری که در ایران بسیار بانفوذ و قدرتمند است، روحانیت است. این طبقه همیشه از قدرت و اعتبار فراوانی برخوردار بوده است. حتی قبل از اسلام نیز، مغ‌ها، روحانیون زرتشتی، طبقه‌ای بسیار قدرتمند بوده‌اند. در ایران این روحانیت است که افکار عمومی را می‌سازد و امور عبادی، آموزشی و قضایی را در دست دارد. قشر پایین روحانیت، از راه متولی‌گری مساجد و امامزاده‌های بی‌شماری که در سراسر کشور یافت می‌شود، یا از طریق تدریس در مدارس و مکتب‌خانه‌ها امرار معاش می‌کنند. به علاوه آنها به عنوان افراد باسواد، کلیهٔ اسناد تجاری و اسناد ...

...

آنان آیات قرآن و روایات نبوی را تفسیر می‌کنند و به استفتاآت مردم جواب می‌دهند.

همیشه نیروی عظیمی در دست روحانیت شیعه متمرکز بوده است و آنها این نیرو را، به اقتضای موقعیت و روابط‌شان با دستگاه سلطنت،

تمام روشنفکران قربانی عقاید خود شدند. تا جایی که این گفته سر زبانها افتاد که: ایران نظم برنمی‌دارد!

گاه له و گاه علیه شاه به کار برده‌اند. شاه ایران، برخلاف سلطان عثمانی، عالی‌ترین مرجع دینی و سیاسی مملکت محسوب نمی‌شود. روحانیت شیعه، سلاطین قاجار را هیچگاه به عنوان وارثان به ...

...

شمال و جنوبیش می‌ترسیدند به فکر چاره بیفتند و یگانه راه نجات ایران را شرکت مردم در ادارهٔ امور کشور بدانند.

روز ۱۹ اوت ۱۹۰٦م، روزنامهٔ رسمی «ایران» فرمان مشروطیت را چاپ و منتشر کرد.

شروع انقلاب ناگهانی و بدون برنامهٔ قبلی بود. هیچ تشکیلات منظمی انقلابیون را رهبری نمی‌کرد

روحانیون پیروزمندانه به تهران بازگشتند، اصنافی که در فرمان مشروطیت به آنها اشاره شده بود با کمیسیون منتخب شاه، نظامنامهٔ انتخابات را نوشتند و روز ۱۰ سپتامبر آن را به امضاء شاه رساندند. ...

...

می‌گفت: تو با این صفایی که داری، با این مهربانی که داری چرا دلتو با خدا یکی نمی‌کنی؟

نگارستان

۴ میلادعظیمی

از غرفه‌های بهشت

«چقدر آدمیزاد خودخواهه ...» «برای چی اینهمه خودخواهی، حالا مگه چی می‌شد اگر فرداش می‌رفتم خونه‌اش»؟!

گفتم صبا کجایی آخر گداخت جانم

...

ای غم بیا بگرییم بازم تو یار غاری
شادی اگرچه گل بود بی‌مهر و کم‌بقا بود
باری گرم بسوزد از تاب و درد هجران
باز از دلم نیاید گفتن که بی‌وفا بود
این قصه شهریارا شایان نقش بستن
بر طاق عرش سیمین با سوده طلا بود

خوب ساخته‌ها؛ خیلی ساده و صمیمی قضیه رو تعریف کرده.

بعد هم برای صبا گفته که من دیروز چنین دسته گلی به آب دادم ... شهریار بدتر از من ...

...

شده که خیلی جالب است و روشنگر بخشی از مناسبات شهریار با سایه می‌تواند باشد.

سایه جان اخیراً در تهران کتابچه‌ای چاپ شده به نام «آفریدگار و آفریده»؛ مناظره مادیون و الهیون است. خواهش می‌کنم اگر تا حالا نخوانده‌اید حتماً بگیرید و بخوانید. حرف‌هایی که بارها از من شنفتی و نپذیرفتی، شاید این ...

...

عکس‌های تاریخی / ۱۶

شهید مطهری به نقل از آیت الله بروجردی: فکر من همیشه این بوده که وظیفه‌ام در راه خدا چیست. هیچ وقت فکر نکردم در راهی که می‌روم، ترقی می کنم یا تنزل. فکرم همیشه این بوده که وظیفه خود را انجام بدهم. هرچه پیش آید تقدیر الهی است.

خیلی آدم لطیفی بود ولی خُب گاهی خُل می‌شد... می گفت: شبها وقتی سه‌تار می‌زنم، پری‌ها با من خوبن؛ من ساز می‌زنم اینها می آن ...

عجیب و غریبی داشت.

یه عکس تخت جمشید هست، عکس معروفی هم هست، چندتا ستون تخت جمشید ...

...

خاطره

روایتی از دکتر مهدوی دامغانی

یاد باد آن روزگاران

بنمانند مردم از بد و نیک/وز بد و نیک، داستان ماند: مناسب دیدم خاطره‌ای را که به چند نفر مربوط می‌شود و طبعاً برخی از خوانندگان هم سن و سال جناب‌عالی و بنده، بعضی از آنان را به تفرس خواهند شناخت، بیان کنم. ولی قهرمان اصلی این خاطره، مرحوم مغفور امیر غلامرضاخان فولادوند. قاضی شجاع و شریف و امین و معاون وزارت دادگستری و مستشار دیوان عالی کشور، می‌باشد. پیش از شروع به مطلب، به سه چهار نفر از خوانندگان عزیزی که «غیاباً» با مخلص آشنا شده و به بنده لطفی یافته‌اند و از من بنده پرسیده‌اند که: «تو معلم بودی یا سردفتر؟» عرض می‌کنم که: «هر دو!»

ادامه از صفحه اول

...و به هرچه استاد و دانشجو است بی‌ادبی کرد، دیگر تا بعد از انقلاب (آن هم تا زمان تعطیل دانشگاه) قدم به محوطه دانشگاه ...

نافذ و خیلی خوش‌لباس، که چون اندکی می‌لنگید، عصای آبنوس قشنگی هم در دست، و کلاه ملونی هم رنگ لباسش بر سر داشت، وارد دفتر شد. مرحوم شاه‌آبادی ...

...



یکی از منشی‌ها را صدا زد و طلاق نامه را به او داد و گفت: «زود این را ثبت دفتر کن!» و یکی از آن دو آقای همراه هم رفت که به راننده بگوید دنبال خانم برود. نیم ساعتی که گذشت و ثبت دفتر هم آماده شد، چند دقیقه بعد، بانوی جوانی که همشهری شوهرش بود، خیلی کمتر از ...

...

هنر

راه طولانی هنر؛ به روایت ایران درودی

نخستین طراحی

بعد از حمام که ساعتها به طول می‌انجامید، برای خشک شدن به اتاق کوچک مادر پدربزرگم که چهره‌ای نورانی و بسیار مهربان داشت، می‌رفتیم و او با مهربانی هرچه تمام‌تر از ما پذیرایی می‌کرد؛ مربای به را از ته یخدان اتاقش بیرون می‌آورد، سفره‌ی تمیزی بر زمین می‌گسترد و وسط آن نان «فطیر» و «قیماق» می‌گذاشت و سپس با عطوفت خاصی به نتیجه‌ی خود که ظاهراً حضور ذهن چندانی نداشت، لقمه‌ای از مربا و فطیر و قیماق می‌خوراند. از تمام تشریفات حمام رفتن، این بخش از همه چیز برایم لذت‌بخش‌تر و دوست داشتنی‌تر بود. جد بزرگ که در آن زمان بیش از نود سال داشت، برایم پیرزن مهربان قصه‌ها و افسانه‌ها را مجسم می‌کرد. زمانی را که در اتاق او می‌گذراندم، فرصت زندگی کردن قصه‌ها بود. در هر حرکت دست یا نگاه او، منتظر رخ دادن اتفاق غیرعادی بودم و تصور می‌کردم او قادر است در یک چشم به هم زدن، چراغ علاءالدین را در دستش ظاهر کند. یا به دعای او پتوی گوشه‌ی اتاقش تبدیل به قالیچه‌ی حضرت سلیمان خواهد شد و من خواهم توانست با آن از پنجره‌ی اتاق او به روی شهر پرواز کنم. هرچه در اتاق او بود مثل خودش حسی از مهربانی و بویی از صفا داشت.

■ ایران درودی

جد بزرگ، غافل از خیال پردازیهای من، به ترکی کلماتی به مادر می‌گفت. از دیدن نتیجه‌هایش لذت می‌برد، با دعا و ثنا مادر را از داشتن من تسلی می‌داد و می‌گفت:

رخساره! غصه نخور. خدا را چه دیدی؟! شاید که خداوند بر طالع دختر تو سرنوشت خوبی رقم زده باشد! نگاه جد بزرگ که آرزویش را با سؤال پیش می‌کشید، در ادای این کلمات تضرع خاصی پیدا می‌کرد. بارها صدای دعا کردن او را از چشمانش شنیده بودم و مطمئن بودم فرشتگان این پیرزن مهربان را ناامید نخواهند کرد.

پیرزن مهربان تادر حیاط ما را بدرقه می‌کرد تا مطمئن می‌شد که ما خوب و راحت در درشکه نشسته‌ایم، بعد در آخرین لحظه‌ی حرکت اسبهای درشکه، یک شیشه مربا را که تا آن وقت زیر چارقد بزرگ ترکی‌اش پنهان کرده بود، به زیرپای ما می‌غلطاند.

یکی از این روزها که دسته جمعی با بقچه‌های ملیله و مروارید دوزی و چند بطری شربت و کیسه‌ای پر از تنقلات به حمام رفته بودیم و مادر کلی در آب خزینه مرا کُر داد و بی‌توجه به فریادهایم از سوزش صابوم، سرم را چند بار شست، در انتظار بیرون رفتن از حمام و دریافت شیشه‌ی مربا از جد بزرگ، روی یک برگ کاغذ، افراد حاضر در حال استحمام را با مدادی طراحی کردم. آیا این تصویر از آن دست تصاویری بود که بچه‌ها اکثراً در این سن می‌کشند یا قدری جدی‌تر...؟! قدر مسلم این بود که در این نقوش، دختر عمو از دختر عمه باز شناخته می‌شد. برایم مبهم است که چه چیزی باعث شده بود که من در صدد مخفی کردن این به اصطلاح طراحی برآیم، ماجرا از این قرار بود که مادر این طراحی را زیر قالیچه اتاق خوابش پیدا کرده بود و مرا در این مورد شدیداً بازخواست کرد.

نگاه سبز و مبهوت مادر را خوب به خاطر دارم که خشمی همراه با شگفتی و تعجب در آن موج می‌زد. او مرتب نگاهش را از روی من به طراحی می‌انداخت و هر بار لحن صدایش کوبنده‌تر می‌شد و می‌گفت: ـ نه، این که دخترعمو است! خودش است و این یکی هم دخترعمه، کاملاً مشخص و واضح است. چه شباهتی!

من که تاکنون خشم مادر را نسبت به خود نمی‌شناختم، از این لحن سرد و عاری از مهربانی همیشگی او مات و مبهوت بودم! مگر چه گناهی مرتکب شده بودم؟ مگر دخترعموی عریان با دخترعموی پوشیده چه فرقی دارد؟ واژه‌های شرم و حیا و یا خجالت چه مفهومی دارند که مادر آنها را پشت سر هم تکرار می‌کند؟!

این نخستین باری بود که مادر، مرا مستحق تنبیه شدن و سزاوار دریافت ضربه‌ای می‌یافت، طراحی را با حرکتی تند و محکم به سرم کوفت. با این حرکت احساس ناشناخته‌ای از گناه و شرم در وجودم رخنه کرد، بد و خوب کدامند؟ گناه چیست؟ اصلاً خواهر کجاست که این بار نیز دلیلی موجه برای کار من پیدا کند و اگر خطایی در کار است، باز مثل همیشه آن را به عهده بگیرد.

آیینه

دکتر محمد کاظم حسینیان

در ایران عهد قاجار؛ هوگو گروته

انقلاب مشروطیت ایران



همواره عده‌ای از رجال آزاداندیش و اصلاح‌طلب ایران، درصدد برآمده‌اند این نابسامانی‌ها را که از سلسله‌های گذشته به ارث رسیده ولی در زمان قاجارها که از سال ۱۷۹۴م. حکومت می‌کنند به شکل زننده‌ای درآمده است، رفع کنند. مثلاً در این پنجاه یا شصت سال اخیر، کسانی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صدراعظم باهوش و درستکار اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، میرزا ملکم‌خان و حاجی میرزاحسین خان سپهسالار که این دو نیز از رجال عصر ناصرالدین شاه بودند، برای اصلاح امور دولت و جلوگیری از حیف و میل وجوه خزانه اقداماتی کردند. مثلاً میرزاحسین خان سپهسالار در سال ۱۸۷۲م. که صدراعظم بود، دستورنامه‌ای [تعلیقه‌ای] برای کلیهٔ حکمرانان فرستاد که در آن چنین آمده بود: «اعتبار و عظمت هر دولت منوط و بسته به دو چیز است، انتظام در امورات درباری و سایر رشته‌های کار دولت و ثروت و رفاه رعیت ـ بالاترین بلیه به جهت تخریب دولت طمع است و تا دولت به طور جد و یقین ریشه و بیخ این مرض مهلک و مسری را نکند نمی‌تواند از ابقای شأن و عظمت خود مطمئن شود و آسوده باشد... اولاد واقعی سلطنت قشون است و رعیت و هر که با آنها به طریقهٔ ظلم و تعدّی رفتار کند، غضب و سخط ملوکانه را به دست خود از برای خود دعوت کرده است. دولت از رفتار و اطوار شما از روی حقیقت و بی‌غرضانه مطلع است. اگر ذره‌ای برخلاف آنچه در این ورقه نوشته شده از شما به صدور و وقوع برسد، نمک پادشاه اسلامیان‌پناه را به حرامی خورده و به دین و شریعت محمدیه(ص)... خیانت نموده باشم اگر به قدر خردلی اغماض یا سکوت نمایم، مگر این‌که فوراً به عرض خاکپای مبارک همایونی رسانیده و مجازات شما را به طور اشد و با اصرار مستدعی خواهم گردید».

لیکن تمام این روشنفکران اصلاح‌طلب دیر یا زود قربانی عقاید خود شدند. تا جایی که این گفته سر زبانها افتاد که: «ایران نظم برنمی‌دارد» با وجود این برای اصلاح امور دولت، از خارج متخصص آوردند. مثلاً برای سر و سامان دادن به ارتش، از اطریش گروهی نظامی، استخدام کردند. برای ادارهٔ پست و تلگراف از بلژیک کارشناس آوردند (۱۸۹۹م.)، با کمک معلمین فرانسوی در تهران مدارسی به سبک مؤسسات آموزشی اروپا تأسیس گردید، مانند «دارالفنون» (که در زمان ناصرالدین شاه تأسیس شد)، «مدرسه علوم»، «مدرسه علوم سیاسی» و «مدرسه کشاورزی» و چند مدرسه کوچک‌تر در اصفهان و تبریز، قوانینی نیز برای بهبود مالیات‌ها وضع شد که می‌بایست از فشار بر طبقهٔ کشاورز بکاهد. حتی چند طرح عمرانی نیز تهیه گردید. ولی از تمام این اصلاحات نیمه‌کاره، نتیجهٔ مطلوبی حاصل نشد، تا جایی که یکی از وزرای خارجهٔ ناصرالدین شاه، این اقدامات بی‌رویه را این چنین توصیف می‌کند: «ما هزاران جور آدم در پایتخت گرد آورده و هر چیز مسخره‌ای که عرب‌ها، ترک‌ها، مغول‌ها و فرنگی‌ها داشته‌اند از آنان اقتباس کرده‌ایم. کوچک و بزرگ، رئیس و مرئوس، عاقل و دیوانه را مخلوط کرده و اسم این معجون را حکومت اعلاء گذاشته‌ایم».

نهاد دیگری که در ایران بسیار بانفوذ و قدرتمند است، روحانیت است. این طبقه همیشه از قدرت و اعتبار فراوانی برخوردار بوده است. حتی قبل از اسلام نیز، مغ‌ها، روحانیون زرتشتی، طبقه‌ای بسیار قدرتمند بوده‌اند. در ایران این روحانیت است که افکار عمومی را می‌سازد و امور عبادی، آموزشی و قضایی را در دست دارد. قشر پایین روحانیت، از راه متولی‌گری مساجد و امامزاده‌های بی‌شماری که در سراسر کشور یافت می‌شود، یا از طریق تدریس در مدارس و مکتب‌خانه‌ها امرار معاش می‌کنند. به علاوه آنها به عنوان افراد باسواد، کلیهٔ اسناد تجاری و اسناد مربوط به ازدواج، طلاق و غیره را تنظیم می‌کنند. مثلاً در ایران هر سند و قبض بدهی به عنوان اعتبار دارای مُهر یک یا چند روحانی است و اغلب نیز با جملهٔ «انشاءالله» آغاز می‌شود. گروهی از روحانیون را سادات تشکیل می‌دهند که خود را از اعقاب فاطمه[س] دختر پیامبر اسلام، می‌دانند و عمامه‌های سیاه یا سبز به سر می‌گذارند.

قشر بالای روحانیت که به آنها علما و مجتهدین می‌گویند، از پیشنمازان و واعظان مساجد بزرگ، متولیان موقوفات ثروتمند، قضات محاکم و سرپرستان مدارس دینی تشکیل می‌شوند. مجتهدین مقیم شهرهای مذهبی، کربلا و نجف، از نفوذ و اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. در مدارس آنجا که توسط مجتهدین اداره می‌شود، همیشه تعداد کثیری طلبه مشغول فراگیری علوم دینی هستند. سالیانه پنجاه هزار زائر شیعه از ایران و قفقاز و خیوه و بخارا و افغانستان و هند برای زیارت مزار امامان به این شهرها می‌روند. به علاوه «مراجع تقلید» نیز که در مذهب شیعه جانشینان به حق امامان به شمار می‌روند، در آنجا اقامت دارند. آنان آیات قرآن و روایات نبوی را تفسیر می‌کنند و به استفتاآت مردم جواب می‌دهند.

همیشه نیروی عظیمی در دست روحانیت شیعه متمرکز بوده است و آنها این نیرو را، به اقتضای موقعیت و روابط‌شان با دستگاه سلطنت،

تمام روشنفکران قربانی عقاید خود شدند. تا جایی که این گفته سر زبانها افتاد که: ایران نظم برنمی‌دارد!

گاه له و گاه علیه شاه به کار برده‌اند. شاه ایران، برخلاف سلطان عثمانی، عالی‌ترین مرجع دینی و سیاسی مملکت محسوب نمی‌شود. روحانیت شیعه، سلاطین قاجار را هیچگاه به عنوان وارثان به حق تاج و تخت ایران به رسمیت نشناخته است. چون در نظر آنها حق مسلم با کسی است که خون [حضرت] علی[ع] و [حضرت] فاطمه(س) در رگ‌هایش جریان داشته و از حیث معلومات مذهبی نیز همپایه یک مجتهد عالیقدر باشد. یکی از علل عمدهٔ پیروزی انقلاب مشروطیت این بود که بخش عظیمی از روحانیت از مردم جانبداری کرد. یکی از مراجع عالیقدر شیعه که در شهر نجف به ملاقاتش رفتم، با رویی باز و با رفتاری به دور از تعصب و قشری گری، مرا پذیرفت و چون من یک آلمانی بودم، برایم امکاناتی فراهم کرد که تاکنون هیچ فرد اروپایی از آن برخوردار نبوده است و اجازه داد از قسمت‌هایی از قبه و بارگاه [حضرت] علی[ع] عکس‌برداری کنم ـ ظاهراً اظهارات قیصر ویلهلم دربارهٔ سیصد میلیون مسلمانان مشرق‌زمین بر او تأثیر مطلوبی به جا گذاشته بود ـ وی برایم آیاتی از قرآن مثال آورد که می‌شد آنها را به «تشکیل عدالتخانه» یا «مجلس شورا» تفسیر کرد.

هرچند مذهب، در انحطاط و عقب‌ماندگی ایران، بی‌تأثیر نبوده است، ولی از طرف دیگر نیز باید اذعان کرد که همین مذهب شیعه بود، که چند قرن پیش، موجبات شکل‌گیری و پدید آمدن دولتی ملی را فراهم کرد و نظر به عدم مخالفتش با منطق و فلسفه، در پیدایش افکار روشنگرایانه معاصر و مشروطیت نیز نقش بسزایی داشت. مذهب تشیع یگانه نهادی است که می‌تواند اقوام و نژادهای گوناگون ساکن فلات ایران را چون فارس‌ها، ترک‌ها، لرها، کُردها، تاتارها و بلوچ‌ها به هم مرتبط کند. عزاداری‌های باشکوهی که هر ساله در سالروز شهادت [حضرت] علی[ع] و فرزندش [حضرت] حسین[ع] و سایر امامان برگزار می‌شود، پیوسته خاطرهٔ شهدای بزرگ و بنیانگذاران تشیع را زنده نگاه داشته و موجب تقویت این حس همبستگی ملی می‌گردد. [حضرت] علی[ع] داماد پیامبر و از طرف او به عنوان جانشینی برگزیده شده بود و امامان و امامزاده‌ها که مقابرشان در سراسر ایران و بین‌النهرین به چشم می‌خورد و اکثراً توسط خلفا کشته یا مسموم شده‌اند، در نظر ایرانیان تبدیل به موجوداتی فوق‌بشری و نیمه‌الهی گردیده‌اند.

علاقهٔ ایرانیان، به اندیشمندی و عرفان، باعث شده است که مکاتب معتقد به وحدت وجود هندی نیز در ایران زمینهٔ مناسبی برای رشد بیابند. این امر موجب پیدایش فرقه‌ها و طریقت‌های گوناگونی شد. در این فرقه‌ها بود که رفته‌رفته فکر تصفیهٔ دین از اعتقادات خرافی مطرح شد. علاوه بر این‌ها مسلک‌های تازه‌ای پا به عرصه حیات گذاشت که یا اخلاقیات والا را تبلیغ می‌کردند و یا با نفوذ روسیه و انگلستان مخالفت می‌ورزیدند. یکی دیگر از فرقه‌های ایران بابی‌ها بودند که به ناصرالدین شاه سوء قصد کردند و او آنها را بی‌رحمانه سرکوب کرد و دستور داد رهبرشان «باب» را که ادعا می‌کرد امام دوازدهم شیعیان است در یکی از میادین تبریز اعلام کنند.

همزمان با اولین مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا، پای فرهنگ و تمدن اروپایی نیز به ایران باز شد. البته در این راه تأسیس مدارس گوناگون و به‌خصوص آنهایی که توسط مبلّغان مذهبی برای اقلیت‌های ارمنی، نسطوری، کاتولیک و ارتودکس دایر شده بود، کمک‌های شایانی کرد. ناصرالدین شاه در اوایل دههٔ شصت، به تشویق میرزا تقی‌خان امیرکبیر تعداد چهل جوان ایرانی را برای کسب علم به پاریس اعزام کرد و بعد از اولین سفرش به اروپا نیز، بیست تن دیگر از فرزندان اعیان و رجال را به خرج دولت برای فراگیری علوم به دانشگاه‌های پاریس، وین و مسکو فرستاد. انتشار روزنامه‌ها و مجله‌هایی مانند «حبل‌المتین» (این روزنامه بارها توقیف شده است و در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۸م. برای نخستین بار اصطلاح «ایرانیان جوان» را به اصلاح‌طلبان اطلاق کرد). «ایران نو»، «مجلس»، «زاینده‌رود» که در اصفهان و «استقلال» که در تبریز منتشر می‌شود، آگاهی‌های لازم را به توده‌های مردم منتقل کردند. بدین ترتیب می‌بینیم که ایرانیان از طرق مختلف با اندیشهٔ لزوم تشکیل مجلس قانونگزاری و حق سهیم شدن همهٔ اهالی در ادارهٔ امور کشور آشنا شدند. پس می‌بینیم که علل و عواملی داخلی وجود داشته که از چند دهه پیش ایران را به سوی انقلاب سوق می‌داده است. اما سرانجام دو حادثهٔ خارجی که عبارتند از «پیروزی‌های ژاپن بر روسیه» و «انقلاب روسیه» باعث شعله‌ور شدن انقلاب گردید.

انقلاب مشروطیت ایران از سال ۱۹۰۶م. آغاز شد و تاکنون نشیب و فرازهای زیادی را پشت سر گذاشته است. شروع انقلاب ناگهانی و بدون برنامهٔ قبلی بود. هیچ تشکیلات منظمی انقلابیون را در شهرهای بزرگ رهبری نمی‌کرد. وقوع شورش‌های پراکنده در پایتخت و شهرهای بزرگ دیگر، انقلاب را به دوره‌های مختلفی تقسیم کرده است. یکی از ویژگی‌های این نهضت این است که محروم‌ترین و استثمارشده‌ترین اقشار مردم، یعنی دهقانان در آن شرکت نداشتند. نخست عده‌ای روشنفکر که اکثرشان نیز از تحصیلات اروپایی برخوردار بودند و از افتادن ایران به دست روس و انگلیس می‌ترسیدند ندای آزادی و لزوم تغییرات اجتماعی و اقتصادی را سر دادند. حرکت آنان چون جرقه‌ای بود که به قشر پایین روحانیت و طبقهٔ بازرگانان نیز سرایت کرد و باعث شد آتش انقلاب به تمام معنی شعله‌ور گردد. البته از دیرباز بین طبقهٔ بازرگانان به خصوص بازرگانان مقیم تبریز، این عقیده رواج داشت که ترقی و تعالی ایران بدون سرنگونی نظام استبدادی میسر نمی‌شود. حقوق عامه و احیاء مجد و عظمت ایران، شعارهایی بودند که به‌زودی توده‌های محروم شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و کرمانشاه را به حرکت درآورد و باعث شد آنها نیز گردهمایی‌ها و تظاهراتی ترتیب دهند و سرانجام وارد مبارزه‌ای خونین گردند.

اخباری که از جریان انقلاب روسیه، در زمستان ۱۹۰۵م. به ایران می‌رسید، مردم را از خواب غفلت بیدار کرد. آزادیخواهان انجمن‌های سرّی تشکیل دادند و دربارهٔ حق حاکمیت مردم و لزوم برانگیختن توده‌ها بحث می‌کردند. گردهمایی‌های مذهبی و فلسفی رفته‌رفته رنگ سیاسی به خود گرفت. در این مجالس به جای گفتگو دربارهٔ اخلاقیات و مذهب، به بحث پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی روز پرداختند. روحانیون از بالای منابر، دولت را مسبب اصلی وضعیت فلاکت‌بار و غم‌انگیز ایران، معرفی کردند. سرانجام روحانیون در سال ۱۹۰۶م. خواستار اصلاحات شدند و با اشاره به آیاتی از قرآن، به خصوص آیهٔ ۳۶ از سورهٔ ۴۲، مسألهٔ شورا در امر حکومت را اصلی لازم و الهی شمردند. آنها نخست «عدالتخانه» می‌خواستند. مظفرالدین شاه که فطرتاً آدم خوب و خوش‌قلبی بود، به خواست‌های آنان روی خوش نشان داد و قول داد به زودی «عدالتخانه» را تأسیس کند. اما تقاضا و پافشاری مردم، برای اجرای این قول، جنبهٔ شورش به خود گرفت و صدراعظم وقت کوشید با توقیف رهبران مذهبی شورش را بخواباند، لیکن در این کار موفق نشد، زیرا سربازان از بازداشت روحانیون خودداری ورزیدند. سرانجام، دو روز بعد از این زد و خوردهای خیابانی، در ۱۴ ژوئیه، بیانیه‌ای حاوی «قانون اساسی عدالتخانه» منتشر شد. ولی روحانیون تضمین‌های داده شده را برای تأسیس «عدالتخانه» کافی ندانستند، لذا دست از کار کشیدند. اعتصاب بزرگی به راه افتاد. مساجد، محاکم و مدارس تعطیل شد. روحانیون دسته‌جمعی به شهر مذهبی قم مهاجرت کردند و در آن‌جا اعلام نمودند که منظورشان از «عدالتخانه» مجلس قانونگزاری بوده است. کلیهٔ آزادیخواهان و مخالفین عین‌الدوله، صدراعظم وقت که می‌کوشید با خشونت شورش را بخواباند، در باغ بزرگ سفارت انگلستان، متحصن شدند. انگلستان همیشه در ایران از افکار آزادیخواهانه جانبداری می‌کرد و اصلاح‌طلبان را به اقدام تشویق می‌نمود!! این کشور، با آگاهی از قدرت و اهداف سیاسی آزادیخواهان، می‌کوشید با روی کار آوردن آنها، در مقابل روس‌ها که در شمال ایران روز به روز بر نفوذشان افزوده می‌شد، حریف تازه‌ای وارد میدان کند که هم جلو ادعاهای بی‌رویهٔ همسایه شمالی بایستد و هم ضمناً منافع انگلستان را تأمین نماید.

اوایل ماه اوت هزاران نفر در باغ سفارت انگلستان متحصن بودند. متحصنین زیر سایهٔ درختان سفارت، روی چمن‌ها فرش انداختند، چادر زدند و با آزادی و فراغ بال دربارهٔ شاه و حقوق ملت به گفتگو پرداختند و «پلو و چلو» پختند و خوردند و خلاصه در عرض سه هفته، مخارجشان به سی هزار تومان رسید که مقداری از آن را تجار ثروتمند و مقداری را سفارت انگلستان پرداخت کردند.

صدراعظم جدید، مشیرالدوله با تقاضاهای مردم موافقت کرد. سرانجام مظفرالدین شاه روز ۵ اوت ۱۹۰۶م. که مصادف با سالروز تولدش بود، فرمان مشروطیت را امضاء کرد. البته باید در نظر داشت که همین مظفرالدین شاه بود که با ولخرجی‌هایش زمینه را برای انقلاب فراهم کرده بود. او هشتاد میلیون مارک از کشورهای خارج قرض کرد، آن هم با شرایط سنگینی که به گرو گذاشتن مملکت شبیه بود و بدون این‌که یک شاهی از این پول‌ها را در راه عمران و آبادانی ایران خرج کند، مقدار زیادی را خودش و مابقی را اطرافیانش در مدت کوتاهی حیف و میل کردند. این کار نارضایتی عمومی را تشدید کرد و باعث شد کسانی که از افتادن ایران به دست همسایگان شمالی و جنوبیش می‌ترسیدند به فکر چاره بیفتند و یگانه راه نجات ایران را شرکت مردم در ادارهٔ امور کشور بدانند.

روز ۱۹ اوت ۱۹۰۶م، روزنامهٔ رسمی «ایران» فرمان مشروطیت را چاپ و منتشر کرد.

شروع انقلاب ناگهانی و بدون برنامهٔ قبلی بود. هیچ تشکیلات منظمی انقلابیون را رهبری نمی‌کرد

روحانیون پیروزمندانه به تهران بازگشتند، اصنافی که در فرمان مشروطیت به آنها اشاره شده بود با کمیسیون منتخب شاه، نظامنامهٔ انتخابات را نوشتند و روز ۱۰ سپتامبر آن را به امضاء شاه رساندند. براساس این نظامنامه، نخست نمایندگان تهران انتخاب شدند و روز ۷ اکتبر ۱۹۰۶ در تالار یکی از قصرهای سلطنتی تهران، با حضور شاه و سفرای خارجی، نخستین پارلمان ایران تشکیل گردید.

اما در این نظامنامه، تقسیم نمایندگان به گونه‌ای بود که تهران ۳۲ نماینده به مجلس می‌فرستاد. درحالی که سایر ایالات و ولایات فقط دارای ۷۸ نماینده بودند. این تقسیم‌بندی آشکارا به سود تهران بود. لذا در سایر شهرستان‌ها با استقبال مواجه نشد. در اصل هم ناعادلانه بود زیرا ایالاتی، مانند آذربایجان و فارس، با تمام شهرها و بنادر، فقط حق فرستادن ۱۲ نماینده را داشتند.

اواخر ماه نوامبر پیش‌نویس قانون اساسی تدوین شده بود، در ایجاد آن سعدالدوله وزیرمختار سابق ایران در بلژیک نقش بسزایی داشت و همانطور که از بعضی از مواد آن برمی‌آید، آن را از قانون اساسی بلژیک اقتباس کرده‌اند. این قانون اساسی، در روز ۳۱ دسامبر همزمان به امضاء مظفرالدین شاه که در حال احتضار بود و ولیعهد رسید. براساس این قانون اساسی، قوهٔ مقننه از مجلس شورا و مجلس سنا تشکیل می‌شود. مجلس سنا باید دارای ۶۰ نمایندهٔ «خبیر، بصیر، متدین و محترم» باشد که ۳۰ تن از آنان را مردم و ۳۰ تن دیگر را شاه انتخاب می‌کند. نیمی از اعضاء مجلس سنا باید مقیم تهران باشند. مجلس شورا فعلاً دارای ۱۲۰ نماینده است، ولی برحسب ضرورت، تعداد نمایندگانشان می‌تواند به ۲۰۰ نفر افزایش یابد. دورهٔ نمایندگی دو سال است و ابتدایش از روزی حساب می‌شود که منتخبین ولایت تماماً در تهران حاضر شوند. البته از ملتی که یک‌شبه، بر اثر نفوذ قدرت‌های داخلی و خارجی، به آن دموکراسی اعطاء شده، نمی‌توان انتظار داشت که بی‌درنگ به حدود قدرت و وظایف خویش آگاهی پیدا کند. از جمعیت دوازده میلیونی ایران، تعداد دو و نیم تا سه میلیون نفر، چادرنشین هستند و جمعیت شهرهای بزرگش چون تهران، تبریز، رشت، قزوین، همدان، اصفهان، کرمانشاه، کرمان، یزد، شیراز و بوشهر روی‌هم به یک میلیون نفر هم نمی‌رسد.

سرانجام مجلس شورا در ایران تشکیل شد. ولی هنوز هم مردم بسیاری از ایالات تصور درستی از آن ندارند. خیلی‌ها آن را نوعی «دارالشورا» یا «عدالتخانه» می‌دانند. این نامگذاری، حاکی از وجود بی‌عدالتی در جامعه است و به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا عده‌ای از مردم توقع دارند که مجلس باید کارمندان نادرست و خاطی دولت را پای میز محاکمه بکشد.

اولین مشکل مجلس، سر و سامان دادن به وضع مالی کشور بود. وامی که قرار بود از روسیه و انگلستان گرفته شود و دولت ایران برای دریافت آن وارد مذاکره شده بود، به علت مغایرت با مصالح ایران تصویب نشد. مجلس تصمیم گرفت که با یک قرضه ملی، مشکل خزانه را حل کند. این کار می‌بایست توسط ایجاد «بانک ملی» صورت گیرد. مجلس اهداف بانک را تعیین کرد و در روز ۴ دسامبر ۱۹۰۶م. توسط صدها آگهی که به در و دیوار شهر نصب شد، تأسیس آن را به مردم مژده داد. سپس مجلس کوشید که موقعیت خود را تثبیت کند.

بدین منظور قانون اساسی تدوین و تصویب شد و بعد از مذاکرات طولانی به امضاء شاه و ولیعهد رسید. مظفرالدین شاه روز ۹ ژانویهٔ ۱۹۰۷ چشم از جهان فرو بست. محمدعلی میرزا، روز ۱۹ ژانویه، تاجگذاری کرد و از همان آغاز زمامداریش با مشروطیت به مخالفت برخاست.

نگارستان

۴ میلادعظیمی

از غرفه های بهشت

«چقدر آدمیزاد خودخواهه ...» «برای چی اینهمه خودخواهی، حالا مگه چی می‌شد اگر فرداش می‌رفتم خونه‌اش»؟!

گفتم صبا کجایی آخر گداخت جانم
با این گشادبازی نتوان حریف ما بود
آمد صبا و بازم از وجد حالتی رفت
کز سوز و ساز و رقت غوغای کربلا بود
دل گفت ماه من داشت بر سر هوای استاد
گفتم به مکتب عشق طفلی گریزپا بود

این بیت اشاره داره به اون روزهایی که هنوز صبا رو ندیده بودم و دوست داشتم که ببینمش.

اشکم دوباره می‌زد آبی به آتش، آری
صد ره گر از ندامت اشکم روان روا بود
ای غم بیا بگرییم بازم تو یار غاری
شادی اگرچه گل بود بی‌مهر و کم‌بقا بود
باری گرم بسوزد از تاب و درد هجران
باز از دلم نیاید گفتن که بی‌وفا بود
این قصه شهریارا شایان نقش بستن
بر طاق عرش سیمین با سوده طلا بود

خوب ساخته‌ها؛ خیلی ساده و صمیمی قضیه رو تعریف کرده.

بعد هم برای صبا گفته که من دیروز چنین دسته‌گلی به آب دادم ... شهریار بدتر از من بی‌طاقت بود در برابر موسیقی، همیشه باهاش دعوا می‌کردم که بابا نخون بذار ساز صبا رو بشنویم ... اما بی‌طاقت بود. همیشه با خودم فکر می‌کنم که چرا همون یه روز رو هم پیش شهریار نرفتم و بی‌خود اذیتش کردم ... یا می‌بایست دیگه نمی‌رفتم و یا اگه می‌خواستم برم همون فرداش هم باید می‌رفتم؛ نه اون بیچاره رو اذیت می‌کردم نه خودم تو خیابونا سرگردان می‌شدم ...

در دفتر هنر نامه‌ای از شهریار به سایه چاپ شده که خیلی جالب است و روشنگر بخشی از مناسبات شهریار با سایه می‌تواند باشد.

می‌گفت: تو با این صفایی که داری، با این مهربانی که داری چرا دلتو با خدا یکی نمی‌کنی؟

سایه جان اخیراً در تهران کتابچه‌ای چاپ شده به نام «آفریدگار و آفریده»؛ مناظره مادیون و الهیون است. خواهش می‌کنم اگر تا حالا نخوانده‌اید حتماً بگیرید و بخوانید. حرف‌هایی که بارها از من شنفتی و نپذیرفتی، شاید این بار و با روحیه حالایت سازگار باشد و به رگ حساست زخمه‌ای بنوازد. بشر تا خداشناس و خداپرست نشود سکونت و اطمینان خاطر پیدا نمی‌کند. اضطراب و انقلاب خاطر است که کینه و جنایت بار می‌آورد و بالنتیجه دنیا و آخرت آدم را جهنم می‌کند. تا وقتی که عواطف و احساسات نداریم جزو حیواناتیم، وقتی که فضائل اخلاقی پیدا می‌کنیم شروع می‌کنیم به انسان شدن؛ اما این انسان شدن باید محضاً لله یعنی خالصاً برای خدا باشد تا سعادت جاودان ما را تأمین بکند. اگر برای نفس انسانیت بود استفاده آن مال همین چند روزه دنیا آن هم برای اطرافیان ماست نه برای خودمان. انسانیت ما اگر از خدا جدا باشد از بسیاری از لذات دنیا هم ما را محروم کرده است. بنابراین برای شماها که فطرت خوب و باصفایی دارید بیش از یک تغییر اسم چیز دیگری نیست. یعنی این عواطف تنها برای انسانیت نباشد بلکه برای خدا باشد (یعنی برای همه کس و همه چیز و همه جا). از فضولی و موعظه بیجایی که کردم معذورم فرمایید:

خوی سعدیست نصیحت چه کند گر نکند
مشک دارد نتواند که کند پنهانش

* شهریار همیشه با من سر این مسائل جنگ و دعوا داشت. می‌گفت: تو با این صفایی که داری، با این مهربانی که داری چرا دلتو با خدا یکی نمی‌کنی؟

یه روز رفتم خونه‌اش بیدار بود. گفتم سلام شهریار جان! اخم کرده بود. مثل برج زهرمار. (اخم شهریار را تقلید می‌کند) سرشو بلند کرد: تو چرا دلتو با خدا یکی نمی‌کنی؟ پدرم دراومد. گفتم: به تو چه مربوطه؟! با همین لحن. (لحن جدی شوخی‌آمیز یا شوخی جدی‌آمیز؟!) گفت: نمی‌دونی چی کشیدم. تو می‌دونی که اون روز شفاعت پدر و مادر و برادر و هیچ کس فایده نداره؟ دیدم دارن تو رو می‌برن به جهنم!

گفتم: آقا از غرفه‌های بهشت منو تماشا می‌کردن؟! گفت: شوخی نکن! (عتاب و استیصال و خشم و التماس از صدای شهریار می‌بارد!) پدرم دراومده ـ بدنش می‌لرزید و واقعاً ـ داد می‌زد: من نمی‌تونم ببینم تو رو به جهنم می‌برن. گفتم: تو کجا بودی؟ بهشت بودی؟! همون بهتر که برم جهنم تا بیام بهشت و گرفتار تو بشم. (بلند بلند می‌خندد) ... آنقدر مسخرگی کردم تا اونو از این حالت درآوردم. یه زیرسیگاری کنارش بود که مثل پنجه بود و از بس توش سیگار خاموش کرده بود سیاه سیاه شده بود. گفت: در قیامت صورت تو مثل این زیرسیگاری شده بود. گفتم: دستت درد نکنه. وقتی منو خواب می‌بینی به این شکل و شمایل می‌بینی؟

بعد یه روز به من گفت سایه جان! بیا بریم مسجد آذربایجانی‌ها، یه واعظ هست خوب وعظ می‌کنه. بیا حرفاشو گوش کن. طفلک دید حریف من نمی‌شه گفت شاید حرف اون واعظ در من اثر بکنه! من هم بدتر می‌کردم و سربه‌سرش می‌ذاشتم. وقتی سر به سرش می‌ذاشتم گاهی لجش می‌گرفت و گاهی هم دستشو گاز می‌گرفت و می‌گفت: نگو این طور سایه جان! نگو این طور! (لحن نجواوار و حالت هراسان شهریار را می‌نمایاند) و گاهی هم غش‌غش می‌خندید. خیلی هم شیرین می‌خندید. مثل بچه‌ها واقعاً مثل بچه‌ها. یادش به خیر.

بعد با خودش فکر می‌کرد و می‌گفت: راست می‌گی سایه جان! احتمالاً خدا خواسته که تو این طور باشی. من شک ندارم که تو بنده محبوب خدا هستی، حتماً تو رو دوست داره. آخه تو دوست داشتنی هستی ... طفلک تسلیم می‌شد.

خیلی آدم لطیفی بود ولی خُب گاهی خُل می‌شد... می‌گفت: شبها وقتی سه‌تار می‌زنم، پری‌ها با من خوبن؛ من ساز می‌زنم اینها می‌آن تو استکانم می‌رقصن، رو طاقچه می‌رقصن، رو دوشم می‌رقصن. بعضی شبها با من لج هستن. شروع که می‌کنم به ساز زدن می‌آن رو پرده‌های ساز می‌شینن، سازو کر می‌کنن. کر کردن ساز یه اصطلاحه. وقتی ساز صدای خوب نمی‌ده می‌گن ساز کره. می‌گفت: سازو کنار می‌ذارم، دراز می‌کشم می‌آن شست پامو می‌گیرن. می‌آن زیر گوشم داد می‌زنن: استاد! و مسخره‌ام می‌کنن. تخیل خیلی ظریفی داشت ... واقعاً شهریار تخیل عجیب و غریبی داشت.

یه عکس تخت جمشید هست، عکس معروفی هم هست، چندتا ستون تخت جمشید که پشت اون چند تا ابر هست. همه جا بود اون عکس. این عکسو از روزنامه‌ای بریده بود و گذاشته بود جلوی خودش و دیگه زرد هم شده بود. از روی همون عکس داستان تخت‌جمشید و تائیس رو ساخت:

تخت جم ای سرای سراینده داستان
ای یادگار شوکت ایران باستان
جام جهان‌نمایی و دستان سرای جم
آینه گذشته و آینده جهان

عکس‌های تاریخی / ۱۶

■ انتظار مردم و طلاب برای زیارت آیت الله بروجردی

شهید مطهری به نقل از آیت الله بروجردی: فکر من همیشه این بوده که وظیفه‌ام در راه خدا چیست. هیچ وقت فکر نکردم در راهی که می‌روم، ترقی می کنم یا تنزل .فکرم همیشه این بوده که وظیفه خود را انجام بدهم. هرچه پیش آید تقدیر الهی است.

خاطره

روایتی از دکتر مهدوی دامغانی

یاد باد آن روزگاران

بنمانند مردم از بد و نیک/ وز بد و نیک، داستان ماند: مناسب دیدم خاطره‌ای را که به چند نفر مربوط می‌شود و طبعاً برخی از خوانندگان هم سن و سال جناب‌عالی و بنده، بعضی از آنان را به تفرس خواهند شناخت، بیان کنم. ولی قهرمان اصلی این خاطره، مرحوم مغفور امیر غلامرضاخان فولادوند. قاضی شجاع و شریف و امین و معاون وزارت دادگستری و مستشار دیوان عالی کشور، می‌باشد. پیش از شروع به مطلب، به سه چهار نفر از خوانندگان عزیزی که «غیاباً» با مخلص آشنا شده و به بنده لطفی یافته‌اند و از من بنده پرسیده‌اند که: «تو معلم بودی یا سردفتر؟» عرض می‌کنم که: «هر دو!»

ادامه از صفحه اول

...و به هرچه استاد و دانشجو است بی‌ادبی کرد، دیگر تا بعد از انقلاب (آن هم تا زمان تعطیل دانشگاه) قدم به محوطه دانشگاه نگذاشتیم، و گفتم هرکس طالب درس من است به دفترخانه‌ام بیاید.

سال‌ها بود (قریب شانزده سال) که کلاس درس من، همان دفترخانه‌ام بود، و دانشجویان عزیزی که علی‌الظاهر، امروز همه آنان بحمدالله تعالی، از اساتید بنام ادبند نیز ترجیح می‌دادند که به همان محل لغت‌نامه که در دسترس حضرت استاد شهیدی بود، یا دفترخانه مخلص حاضر شوند، چرا که راحت‌تر و آزادتر بودند.

به علاوه، چون هم کتابخانهٔ لغت‌نامه و هم کتابخانهٔ خود مخلص، که در یکی از اطاق‌های دفترم جای داشت، برای رجوع به مراجع و ماخذ در دسترس فوری بود، اگر مراجعه به کتابی لازم می‌شد، این کار به سهولت انجام می‌گرفت. به هرحال این شرح را که موجب اشغال چند صفحه «مجله» می‌شود، رویم سیاه! در جواب آن خوانندگان سؤال کننده عرض کردم.

باری، در اواسط سال یک هزار و سیصد و بیست و پنج، که دفتریار مرحوم شاه‌آبادی بودم، یک روز مرد قد بلندی که چندان خوش‌سیما هم نبود، با محاسنی فلفل نمکی و چشمانی ریز ولی بسیار نافذ و خیلی خوش‌لباس، که چون اندکی می‌لنگید، عصای آبنوس قشنگی هم در دست، و کلاه ملونی هم رنگ لباسش بر سر داشت، وارد دفتر شد. مرحوم شاه‌آبادی تا او را دید، با خوشحالی و شوق برخاست و آن دو با یکدیگر خوش و بشی کردند ولی پس از چند لحظه آن مرد صندلی خودش را برداشت و آورد بغل صندلی شاه‌آبادی، و به فاصله کمی از میز و صندلی من گذاشت و با مرحوم شاه‌آبادی به آهستگی و تقریباً درگوشی به صحبت پرداخت.

من برای اینکه آن آقا بتواند به راحتی حرف‌های خودش را بزند، برخاستم و به اطاق دیگری رفتم. حدود ربع ساعتی که گذشت مرحوم شاه‌آبادی مرا صدا زد که: «آقای مهدوی! تشریف بیاورید اینجا.» و تا من رفتم گفت: «ایشان جناب آقای...اند و احتمالاً هفته آینده برای انجام و اجرای طلاقی تشریف خواهند آورد، چون ممکن است در آن ساعت من نباشم، خواستم متوجه مساله باشید و مقدمات امر را فراهم آورید تا من برسم.»

و در همین احوال یک پاکت را که محتوی اوراق و قباله ازدواجی بود به من داد که بعداً با ایشان صحبت کنم، و آن مرد، کلاه ملون و عصایش را برداشت و بر سر گذاشت و بر دست گرفت و خداحافظی‌ای از شاه‌آبادی و تشکری از من کرد و رفت.

پیش از اینکه آن پاکت را وارسی کنم، از مرحوم شاه‌آبادی پرسیدم: «این آقا از روسا و مستشاران دیوان کشور بودند؟» چون بعضی از آن حضرات که گاهی برای تجدید عهد با شاه‌آبادی که هم دوره تحصیلی و رفیق طلبگی خود آن‌ها بود، به دفترخانه تشریف می‌آوردند، از لحاظ وضع ظاهری تقریباً به همین صورت‌ها بودند.

و خدای همه آنان را رحمت کناد که به راستی بعضی از آنان، از اولیاءالله زمان به شمار می‌رفتند و شاید در آتیه بعضی خاطراتی را که از برخی از آن مظاهر قدس و تقوی و خداترسی به خاطر دارم، برای اطلاع خوانندگان و اعتبار و اتعاظ آنان که به قضاوت اشتغال دارند بر قلم آورم.

مرحوم شاه‌آبادی گفت: «نه، ایشان آقای... نماینده مجلس‌اند و با... همسرشان هفته دیگر می‌آیند و شما هر وقت در این روزها فرصت کردید، طلاق‌نامه‌شان را بنویسید و طلاق هم، طلاق «خلع» است.»

بعد پاکت را باز کردم و دیدم اینها یعنی زوجین، مدت زمان طولانی نیست که با هم عروسی کرده‌اند و اختلاف سنی هم میان آنان فاحش است. به هر صورت، طلاق‌نامه را نوشتم و لای پاکت کذایی گذاشتم و منتظر آمدن زوجین در هفته بعد ماندم؛ و هفته بعد یک روز عصر، همان آقای نماینده مجلس، با دو نفر از دوستانش آمدند، و اتفاقاً خود مرحوم شاه‌آبادی نیز در دفتر حضور داشت. معلوم شد آقای... طرف صبح به شاه‌آبادی تلفن کرده است که ما عصری می‌آییم.

شاه‌آبادی و آن آقایان و بنده، برای این که دیگر مراجعان و حاضران در دفتر، متوجه مساله نشوند به اطاق دیگری رفتیم و من طلاق‌نامه را به آن آقا نشان دادم و او پرسید: «این سند را در دفتر هم ثبت کرده‌اید؟» گفتم: «هنوز نه.» گفت: «ممکن است که خواهش کنم الان ثبت بفرمایید که راننده دنبال خانم برود که وقتی خانم می‌رسند اینجا، معطل نشوند؟»

شاه‌آبادی گفت: «اشکالی ندارد.» و یکی از منشی‌ها را صدا زد و طلاق نامه را به او داد و گفت: «زود این را ثبت دفتر کن!» و یکی از آن دو آقای همراه هم رفت که به راننده بگوید دنبال خانم برود. نیم ساعتی که گذشت و ثبت دفتر هم آماده شد، چند دقیقه بعد، بانوی جوانی که همشهری شوهرش بود، خیلی کمتر از سی سال داشت، و بسیار ظریف و بدیع شمایل و کشیده اندام بود، با رخساری به قول حضرت خواجه به «رنگ گل و نسرین» که هیچ آرایشی هم نداشت، و به فرموده حضرت فردوسی قدس‌الله روحه، در وصف دختر خاقان چین (و این تک بیت که در حد اعجاز در سخن‌وری است. از شاه بیت‌های فردوسی است»):

ز کرده، به رخ بر، نگارش نبود
جز آرایش کردگارش نبود

و اجمالا با جمالی خیره کننده که هرچه خوبان همه دارند او یک جا داشت، وارد شد، (از این بانو پس از این با حرف جیم یاد خواهم کرد) و با متانت و وقار کاملی از مرحوم شاه‌آبادی رسید که: «حاج آقا همه چیز درست است و همانطوری است که صحبت کرده‌ایم؟ و طلاق من قطعی و خلاصه مهرم حلال و جانم آزاد است؟...»



شاه‌آبادی گفت: «شما که هیچ به عرایض و نصایح من توجه نفرموده‌اید، آیا فی‌الواقع مصمم بر این کارید؟» خانم جیم با ادب و احترام تعرض‌آمیزی گفت: «حاج آقا، استدعا می‌کنم دوباره مرا به شرمسازی نپذیرفتن اوامرتان مبتلا نفرمایید. بلی من مصمم!»

شاه‌آبادی گفت: «خیلی خوب، تا چند دقیقه دیگر شما مطلقه خواهید شد.»

سپس او و شوهرش را به اطاق دیگری برد که اولا درباره وجود شرط صحت طلاق، که اصطلاح فقهی و قانونی آن، «بودن زن در طهر غیرمواقعه است» مطمئن شود (گو اینکه ظواهر امر گواهی می‌داد که البته آن، «شرط» مدت‌هاست که موجود است!) و سپس صیغه طلاق را در حضور «عدلین»، یعنی دو شاهد عادل که یکی پدر محترم مرحوم شاه‌آبادی و دیگران موذن مسجد سرتخت بربری‌ها بود، جاری کردند و غائله ختم شد.

دو سه ماه بعد، آقایی که از او با حرف میم یاد خواهم کرد، و او نیز نماینده مجلس و تاجری نسبتاً متمول و سرشناس و منسوب به خانواده‌ای مشهور در یکی از استان‌ها بود، و پیش از آن هم گاه، مراجعات مختصری به دفتر ۲۲ داشت، با همسرش که دختر عمویش نیز بود و به راستی «زن خوب و فرمانبر و پارسایی» به شمار می‌رفت، به دفتر آمدند، و در ظرف شاید کمتر از یک ساعت و نیم، مراسم طلاق آنان بی‌سر و صدا انجام گرفت.

سه چهار ماه پس از طلاق او، و دو ماهی بعد از طلاق دوم، روزی تلفن زنگ زد. خانم جیم خود را معرفی کرد و گفت با حاج‌آقا، یعنی آقای شاه‌آبادی کار دارد؛ و شاه‌آبادی گوشی را برداشت...

و پس از پایان مکالمه، به من که طبعاً متوجه‌مطلب‌شده‌بودم گفت: «آقای مهدوی، خانم جیم دارد عروسی می‌کند؛ می‌دانی با کی؟ با آقای میم و چون هر دو، برای دومین بار ازدواج می‌کنند، قصد مجلس عقد گرفتن ندارند و فقط خواهش کرده‌اند که روز جمعه بیایند که عقدشان کنیم. پس شما لطف کنید جمعه‌بعدازظهر، دفتر تشریف‌بیاورید‌که‌این کار خیر انجام شود.»

و جمعه چنان شد و شاه‌آبادی مرحوم، ایجابا و من بنده قبولا، صیغه ازدواج دایم خانم جیم و آقای میم را با مهریه‌ای بسیار کلان و شروط بسیار غلاظ و شداد، جاری کردیم و آنان خوش و خندان و لابد برای عزیمت به ماه عسل، از دفتر خارج شدند.

نما

ایرج آدیگوزلی

شاهی که گریخت-۱۶

رشوه اسرائیلی



پس از آنکه بهبهانیان اتاق شاه را ترک کرد، مدتی نزد امیراصلان افشار و سرهنگ جهان‌بینی و سایرین توقف کرد. به گفتهٔ بهبهانیان ملکه از اتاق بیرون دوید و فریاد زد: «مگر از روی جنازهٔ من بگذرید و چنین نقشه‌ای را اجرا کنید.» او سخت خشمگین بود و بهبهانیان احساس کرد که تحقیر شده است. او نیز مانند عده‌ای دیگر از همسالان خودش که اطراف شاه بودند، زیاد از ملکه خوشش نمی‌آمد.

در پیشنهاد بهبهانیان می‌توان عوامل متعدد مسیر شگفت‌انگیز و تقریباً سوررئالیستی را که مقدر بود شاه در تمام عمرش دنبال کند، یافت. نیروهای متناقض دائماً او را به سویی کشیدند. از یک سو سایهٔ عظیم پدرش که به هیچ وجه نمی‌توانست با آن برابری کند. از سوی دیگر اعتقاد بجا در مورد دستکاریها و دخالتهای بیگانگان ـ که در عین حال به همین دستکاریها متکی بود. از سویی کشش به سوی غرب که از آموزش غربی خودش و تشویق جهان غرب ناشی می‌شد، و از سوی دیگر گرایش به نوگرایی و اصلاح کشور. نظیر این خواسته‌ها در مورد اصلاحات از سوی مردم نیز عنوان می‌شد، ولی در مورد شاه با نوعی محافظه‌کاری آمیخته بود. با گذشت زمان می‌توان گفت که عوامل مزبور دست به دست هم داده موجب ایجاد این فکر در شاه شده بود که همه بر ضد او توطئه می‌کنند ولی او رابطهٔ معنوی با ملت ایران دارد. آمیختن کورش کبیر و شیطان بزرگ و شکافی که به دنبال تأسیس کشور اسرائیل در خاورمیانه بوجود آمده بود، تقریباً غیرممکن بود و این را رویدادهای بعد از بازگشت او به سلطنت در ۱۹۵۳ به یاری سازمان سیا و «ام‌آی ٦» نشان داده بود.

در میان کشورهای خاورمیانه ایران تنها کشوری بود که از ابتدا سیاست همکاری پنهانی با اسرائیل را در پیش گرفته بود. در واقع روابط با اسرائیل، مناسبات ایران با کلیهٔ همسایگانش را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.

در ۱۹٤۸ که دولت اسرائیل تأسیس شد ایران به یهودیان عراقی که برخلاف یهودیان ایرانی مورد سرکوب قرار گرفته بودند اجازه داد از طریق ایران به اسرائیل فرار کنند! در این هنگام یکی از وظایف اصلی موساد، سرویس جاسوسی اسرائیل، این بود که مهاجرت یهودیان به اسرائیل را تسهیل کند. دولت ایران به مأموران موساد اجازه داد در تهران فعالیت کنند، یعنی به عبارت دیگر از بدو تأسیس دولت اسرائیل، ایران از اعراب حمایت لفظی می‌کرد و به اسرائیل کمک پنهانی می‌داد. این یک طرح بادوام بود. در ژوئیهٔ ۱۹٤۹ موافقتنامه‌های گوناگون ترک مخاصمه بین اسرائیل و دولتهای عربی رسماً به جنگ ۱۹٤۸ خاتمه داد و موقعیت ارضی اسرائیل را تثبیت کرد.

اکنون هدف اصلی سیاست خارجی اسرائیل شکستن دیوار انزوای سیاسی در منطقه بود. نخستین موفقیت در شناسایی کامل دیپلماتیک آن کشور از جانب ترکیه در ۱۹٤۹ بدست آمد. دومین موفقیت شناسایی دوفاکتوی ایران در ۱۹۵۰ بود.

از اسناد بایگانی اسرائیل معلوم می‌شود که شناسایی دوفاکتوی اسرائیل تصمیم شخص شاه نبوده است. (در این موقع شاه چندان قدرتی نداشت.) اسرائیل شناسایی دوفاکتوی خود را با پرداخت رشوهٔ قابل توجهی به محمد ساعد نخست‌وزیر وقت ایران بدست آورد.

مذاکرات را از جانب اسرائیل یک آمریکایی که هنوز در پرونده‌ها فقط «آدم» شناخته می‌شود و با موساد همکاری داشته است رهبری می‌کرد. او ضمناً یک تاجر ایرانی را می‌شناخت که با نخست‌وزیر دوست و «شریک تجارتی» بود. از طریق این شخص نخست‌وزیر مطالبهٔ ٤۰۰,۰۰۰ دلار کرد تا موافقت هیئت وزیران را جلب و شاه را متقاعد سازد که شناسایی دوفاکتوی اسرائیل خدمت به منافع ملی ایران است. این تقاضا منجر به بحث پرشورشوری در وزارت خارجهٔ اسرائیل گردید. نه تنها فراهم کردن این مبلغ هنگفت برای دولت نوبنیاد بسیار دشوار بود، بلکه بسیاری از مقامات اسرائیلی با شدت و حدت استدلال می‌کردند که اسرائیل نباید حیات خود را با پرداخت رشوه و اشاعهٔ فساد آغاز کند. ولی «آدم» به ابتکار خودش قسط اولیهٔ پول را که ۱۲,٤۰۰ دلار بود به تاجر مزبور و نخست‌وزیر پرداخت. نتایج این کار آنی بود.

نخست‌وزیر دربارهٔ اینکه باید بین سیاست و مذهب تفکیک قائل شد با روحانیون به مذاکره پرداخت. تغییراتی در اعضای کابینه‌اش داد تا رأی موافق را تأمین کند و با شاه به گفت‌وگو پرداخت. از قراری که به اسرائیلیها گزارش دادند شاه گفته بود: «اگر نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه موافق شناسایی اسرائیل هستند، من حرفی ندارم.» بنابراین مبلغ ٤۰۰,۰۰۰ دلار پرداخته شد. این تماسهای اولیه و رشوه‌ها سی سال بعد منجر به همکاری سیاسی و نظامی و امنیتی بین ایران و اسرائیل گردید. منافع مشترک دو دولت روشن بود. اولا ایران می‌توانست نفت اسرائیل را تأمین کند و در مقابل اسرائیل قادر بود کالاهای ساخته شده از جمله جنگ‌افزار و نیز انواع کارشناس به ایران بفرستد. ثانیاً موساد همراه با سازمان سیا نقش مهمی در تأسیس ساواک در سالهای نیمهٔ دههٔ ۵۰ ایفا کرد.

جهان

احمد یاوری

اقتصاد پساسرمایه‌داری

پساسرمایه‌داری به روایت دیاگنوف-۳

سپس بحران چچن پیش آمد. چچن‌ها ـ که همراه با برخی قبایل دیگر قفقازی چندین نسل قبل به مدت نیم قرن علیه دولت تزاری جنگیده بودند ـ در دورهٔ استالین در دههٔ ۱۹٤۰، از مرد و زن و کودک، به سیبری تبعید شده بودند. بازماندگان آن‌ها اینک اجازه یافتند به سرزمین مادری خود در قفقاز شمالی بازگردند. دودایف، رهبر چچن‌ها، اعلام کرد که ناحیهٔ چچن (که اینک تبعیدیان سابق، در کنار ساکنان روسی، دوباره در آن اقامت گزیده بودند) باید به صورت دولتی مستقل از روسیه در آید. دودایف نه تنها زمامدار چچن بلکه همچنین یک ژنرال ارتش شوروی و در ادعای خود برای استقلال پُر هیاهو بود. حالا که گرجستان به یک کشور مستقل تبدیل شده بود، چرا چچن نباید چنین می‌شد؟ تفاوت در این بود که گرجستان یکی از جمهوری‌های تشکیل‌دهندهٔ اتحاد شوروی بود، در حالی که چچن تنها یک جمهوری «خودمختار» بود؛ اما این برای مردم عادی چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ دودایف می‌توانست با سربازگیری از مردان قبایل چچن، برای خودش ارتشی به وجود آورد؛ اما قلمرو چچن را از همه سو سرزمین روسیه احاطه کرده است. از این رو، امکان استقلال کامل بسیار بعید است.

به هر حال، یلتسین (ظاهراً به اصرار یکی از مشاوران کم خِرَدش، و از پی آن همه خونریزی در افغانستان) تصمیم به تسخیر چچن گرفت، با این امید که در ظرف چند روز کار را یکسره کند. اما در زمان نوشتن این سطور، بیش از دو سال است که جنگ ادامه دارد.

از چچن بگذریم و به اوضاع سیاسی و اقتصادی روسیه در مجموع بپردازیم. دستاوردهای اقتصادی یلتسین ناچیز است؛ درصد بسیار بالایی از مردم خود را فقرزده احساس می‌کنند. یلتسین بهترین همکارانش را اخراج کرده است. آن بخش بزرگ جمعیت که دیرتر از آن به دنیا آمده‌اند که شاهد قتل عام سال‌های ۱۹۳۷ ـ ۱۹۳۸ از طرف کمونیست‌ها بوده باشند یا آن را به یاد آورند، احساس می‌کنند که سیاست اقتصادی در مقطع کنونی برای مردم معمولی نامطلوب است و در انتخابات ۱۹۹٦ علیه یلتسین رأی دادند. رقیب اصلی او، زیوگانُف کمونیست، پارلمان روسیه را واداشت که بر ضد الغای اتحاد شوروی براساس تصمیم در جنگل بلووژسکی ـ بدون مشورت با یازده جمهوری دیگری که سابقاً اتحاد شوروی را تشکیل داده بودند و اینک خود را مستقل می‌دانستند ـ رأی دهند. پیش‌بینی این که در روسیه قرار است چه اتفاقی بیفتد اکنون دشوار است. در این میان، چین کمونیست تهدید می‌کند که تایوان سرمایه‌داری را (که اکنون عمدتاً پناهندگان چینی مرفه در آن سکونت دارند) دو باره تسخیر می‌کند؛ اعراب و یهودیان نمی‌توانند در مورد آیندهٔ فلسطین به توافق برسند؛ و دست کم می‌توان گفت که آیندهٔ جهان قابل پیش‌بینی نیست.

مهم آن است که به یاد داشته باشیم که بی‌شک هیچ دولت سرمایه‌داری کوچک و مستقلی توان ظهور یا بقا ندارد: اقتصاد پساسرمایه‌داری نیازمند همکاری بین‌المللی چندین جانبه است، و آنچه بیش‌تر از همه محتمل به نظر می‌رسد پیدایش اتحادیه‌های اقتصادی استوار، یا اتحادیه‌های دولت‌های ملی است. فعلاً در اروپا وضع از این قرار است و در آمریکای لاتین نیز محتملاً چنین خواهد شد از آن گذشته، همهٔ دولت‌ها در سازمان ملل متحد عضویت دارند، که قدرتی را در اختیار دارد که با قدرت‌های مستقل برابری می‌کند و می‌تواند با فراخواندن نیروهای مسلح در منازعات خاص مداخله نماید.

البته، مرحلهٔ پساسرمایه‌داری، یک جامعهٔ مطلقاً هماهنگ را، آن چنان که کُندورسه، مارکس یا لنین پیش‌بینی می‌کردند، در پی ندارد.

گام‌های بلندی که در مرحلهٔ هشتم در عرصهٔ علم و تولید برداشته می‌شود، مثل هر شکل پیشرفت، ضایعاتی نیز به همراه دارد، و این ضایعات همسطح آن پیشرفت خواهد بود. بنابر برخی برآوردها، جمعیت زمین در پایان قرن بیست و یکم به ۱۵ میلیارد نفر خواهد رسید (حدود ده برابر جمعیت دو قرن پیش از آن)، و این رشد در آن جا نیز متوقف نخواهد شد. همچنین، فشار بر محیط طبیعی ده برابر افزایش پیدا خواهد کرد. منابع موجود انرژی آشکارا برای نگهداری چنین جمعیتی ناکافی است؛ از این رو منابع سنتی انرژی به اتمام خواهد رسید، و این به معنای آن است که انرژی اتمی می‌بایست به منبع اصلی انرژی تبدیل شود. حتی اگر احتمال یک حادثهٔ خطرناک بیش از یک در ده هزار نباشد، چنین حوادثی گهگاه در نقاط مختلف دنیا به ناگزیر اتفاق خواهد افتاد و درصد هر چه بیش‌تری از سطح کرهٔ زمین را آلوده خواهد ساخت. پاک نگه داشتن رودخانه و اقیانوس‌ها از فضولات سمی صنعتی ناممکن خواهد بود؛ جنگل‌های کرهٔ زمین، به ویژه به واسطهٔ تخریب جنگل‌ها در سیبری و برزیل (در حوزهٔ رودخانهٔ آمازون)، به نحو غم‌انگیزی کاهش خواهد یافت. این به معنای آن است که میزان اکسیژن هوا رو به کاهش خواهد رفت. در همان حال، در صورت ادامهٔ اتکای صنعت به زغال سنگ و نفت، میزان دی‌اکسید کربن و دیگر گازهای زیان‌بخش بر اثر خروجی‌های صنعتی بالا خواهد رفت. اگر این فرایند در درازمدت ادامه یابد، پیامد احتمالی آن تأثیر گلخانه‌ای و افزایش دمای کره زمین خواهد بود؛ که در نتیجه یخ‌های قطبی آب خواهد شد، سطح اقیانوس‌ها بالا خواهد آمد و سرزمین‌های ساحلی به زیر آب خواهد رفت. انواع معینی از گیاهان و جانوران وحشی باقی خواهند ماند، اما تنها در مناطق ویژهٔ حفاظت‌شده. لایهٔ اوزون جو، که از زندگی در برابر اشعهٔ خطرناک و مرگ‌آور ماورای بنفش محافظت می‌کند، ممکن است به طور جدی تخریب شود.

ذخایر نقره (که برای صنعت عکاسی و الکترونیک و برای بسیاری امور دیگر ضروری است) به اتمام خواهد رسید یا دست کم کاهش خواهد یافت؛ همین اتفاق ممکن است در مورد ذخایر مس و برخی فلزات کمیاب رخ دهد. منابع نفت نامحدود نیست، و در مورد زغال سنگ نیز همین مشکل ممکن است بعدها پیش آید: هر دوی این منابع برای تولید پلاستیک، که بدون آن تمدن امروزی نامتصور است، ضروری‌اند.

حتی ممنوعیت سیاسی تولید سلاح‌های هسته‌ای، با وجود آن که در ایالات متحده و اتحاد شوروی رسماً تصویب شد، در مقیاس جهانی به اجرا در نیامده است، و همین موضوع در مورد جنگ‌افزارهای شیمیایی و میکروبی نیز صادق است، که تاکنون از سوی عراق علیه اهالی کُرد کشور خودش، و از سوی آمریکایی‌ها علیه ویتنامی‌ها (عامل پرتقالی رنگ، یک گیاه‌کُش سمی)، و در اتحاد شوروی برای سرکوب منازعات ملی به کار رفته است. در این میان، پایان دادن واقعی، جهانی، کلی و تضمین شده به تولید همهٔ این گونه جنگ‌افزارها، و همچنین منع سایر شیوه‌های رودررویی نظیر آلوده‌سازی آب رودخانه و دریا با نفت، که می‌تواند لایهٔ بالایی اقیانوس و گیاهان و جانوران آن را نابود سازد، مطلقاً ضروری است.

یادآور می‌شویم که پلانکتون دریایی، به موازات جنگل‌ها، مسئول تامین اکسیژن جو زمین است.

بشریت هنوز در برابر جنگ‌های گسترده تازه‌ای که می‌توانند چنین پیامدهایی داشته باشند هیچ تضمینی ندارد، تازه اگر از تلفات جانی بسیار سنگینی که بر اثر انفجارهای احتمالی انبارهای جنگ‌افزارهای میکروبی و شیمیایی و نیروگاه‌های برق اتمی به بار خواهد آمد حرفی نزنیم. چنین انفجارهایی به ناگزیر باعث تشعشعات زیانبار و آلودگی میکروبی و شیمیایی درصد بالایی از جمعیت در سراسر جهان خواهد شد. اکنون کم و بیش ثابت شده که جنگ‌های هسته‌ای باعث نه تنها مرگ در مقیاسی بسیار عظیم، نه تنها آلودگی جهانی انسان‌ها به سموم ناشی از گندیدگی تعداد بسیار زیادی جنازه، بلکه همچنین بروز آتش‌سوزی در سراسر جهان خواهد شد، دود تولید شده به آغاز «زمستان هسته‌ای» خواهد انجامید، که پیامد آن پایین آمدن دمای متوسط سطح این سیاره به کم‌تر از حد مورد نیاز برای بقای انسان و نیز اکثر جانوران و گیاهان امروزی، برای یک دوره طولانی ـ شاید یک قرن ـ خواهد بود. این به هیچ وجه یک امر ناممکن نیست: می‌دانیم که در طول تاریخ کره زمین، یخبندان گسترده سطح زمین رخ داده است، و نیاکان ما، انسان‌های نخستین، با آخرین «عصر یخبندان» معاصر بودند. اما البته ما نمی‌دانیم که پس از آن بر سر لایه اوزون چه خواهد آمد.

بیایید فرض را بر این بگذاریم که در آینده از جنگ‌های بزرگ جلوگیری خواهد شد (در حال حاضر، این به خواست خوب یا بد دیکتاتورهایی بستگی دارد که از مراحل پنجم تا هفتم برایمان به ارث مانده‌اند). حتی اگر جنگ‌ها را به حساب نیاوریم، عوامل دیگری نیز می‌توانند مانع رشد جمعیت شوند. یک ویروس مرگبار تازه که باعث ایدز می‌شود به تازگی ظاهر شده است، و بنابر برخی برآوردهای به کلی ناباورانه، درصد قابل توجهی از جمعیت جهان (به ویژه در آفریقا) ممکن است به ایدز مبتلا شوند. ناممکن نیست که پیدایش این ویروس و احتمالاً ویروس‌های دیگر نتیجه به هم خوردن توازن زیست شناختی در روی زمین باشد، در این صورت، عوامل طبیعی تازه‌ای پدیدار خواهد شد که ممکن است نه تنها به کاهش جمعیت انسان در روی زمین، بلکه به نابودی بخش قابل ملاحظه‌ای، اگر نه عمده‌ای، از گیاهان و جانوران زمین نیز بینجامد. ابتکار عمل‌های ناشیانه‌ای در عرصه محیط زیست که تقریباً دیرهنگام در سطح جهانی شروع شده، شاید نتواند راه‌حل لازم را برای این مشکلات فراهم آورد. و با اوضاعی که در حال حاضر وجود دارد، معلوم نیست چه نوع ساز و کاری قادر خواهد بود در برابر این پدیده‌های فاجعه بار دوام آورد، مگر تحولی در ساختار اجتماعی ـ اما تحول از چه راهی؟

ادامه دارد

پایان رمان: «هزار خورشید تابان»



...وقتی به کابل بازگشتند، لیلا از این که نمی‌دانست طالبان مریم را کجا دفن کرده، رنج می‌برد. کاش می‌توانست سر خاک مریم برویم، کنار مزارش بنشیند و چند شاخه گل روی آن بگذارد، اما حالا می‌بیند که زیاد هم اهمیتی ندارد. مریم هرگز از او دور نیست. او همین جاست، درون همین دیوارهایی که مرمتش کرده‌اند، لابلای درختانی که کاشته‌اند، توی پتوهایی که بچه‌ها را گرم می‌کند، توی همین بالش‌ها و کتابها و مدادها. او توی خنده بچه‌هاست. او توی آیه‌هایی است که عزیزها از بر می‌خواند و توی دعاهایی که رو به قبله زمزمه می‌کند، اما بیش از همه، مریم توی قلب خود لیلاست، همان‌جا که مریم به تابناکی خیره‌کنندهٔ هزاران خورشید می‌درخشد. لیلا متوجه می‌شود که کسی او را به نام می‌خواند. برمی‌گردد، ناخودآگاه سرش را می‌چرخاند و گوش سالمش را کمی به طرف صدا می‌گیرد. عزیزه است... لیلا همین‌طور که به طرف میزش در جلو کلاس می‌رود، به بازی اسم‌گذاری که دیشب سر شام با هم داشتند، فکر می‌کند.

از وقتی لیلا خبر را به طارق و بچه‌ها داده، این بازی برنامهٔ هر شب‌شان شده است. هر کدام اسمی پیشنهاد می‌کند و می‌خواهد انتخاب خود را به کرسی بنشاند. طارق نام محمد را دوست دارد. زلمای که به تازگی فیلم «سوپرمن» را توی ویدئو دیده، هاج و واج است که چرا نمی‌شود اسم یک پسر افغان را کلارک گذاشت. عزیزه شدیداً برای نام‌امان تبلیغ می‌کند. لیلا عمر را می‌پسندد. اما این بازی فقط در مورد نام‌های پسرانه است. چون اگر بچه دختر باشد، لیلا از قبل نامش را گذاشته است.

هزار خورشید تابان، خالد حسینی، ترجمهٔ پریسا سلیمان‌زاده، زیبا گنجی، چاپ سوم ۱۳۸۷، نشر مروارید. ص ٤۵۱ و ٤۵۰

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۳۰

روزگار کیک و بستنی



مشاغل گوناگونی را شروع کرده هر یک را بنحوی از دست داده بودم، ابتدا در یک مغازه بقالی پادو شدم. بین فاصلهٔ هر زمانی که انجام میدادم تا فرمان بعدی با خوشحالی به انبار بقالی میرفتم که در آن پر از صابون، نشاسته، شمع، شیرینی‌های مختلف و بیسکویت بود. از هر یک از شیرینی‌ها آنقدر چشیدم تا خودم را ناخوش کردم. مدتی نیز شغلی در مغازه لوازم‌التحریرفروشی «دبلیو.اچ.اسمیت و پسر» بدست آوردم، اما بمحض آنکه فهمیدند سنم قانونی نیست، بیرونم کردند.

سپس برای یک روز شیشه‌گر شدم. من درباره شیشه‌گری و شیشه فوت‌کنی در مدرسه مطالبی آموخته بودم و بنظرم این کار خیال‌انگیز و جذاب می‌آمد. اما حرارت کارگاه چنان شدید بود که در همان روز اول گرمازده‌ام کرد و در حالی که بیهوش بودم بیرونم بردند و روی توده‌ای از ماسه مرا خواباندند.

آنقدر از این کار سرخوردم که حتی برنگشتم دستمزد آنروزی را که کار کررده بودم بگیرم.

سپس در مؤسسه «استارکرز» که مطبعه و لوازم‌التحریر فروشی بود مشغول گردیدم.

خروج از خانه برای رفتن سرکار در آن سحرگاهان سرد، قبل از سرزدن آفتاب، حادثه‌جویانه و افسانه‌ای بنظر میرسید.

خیابانها خلوت و خالی بود. گاه‌گاه شبح یکی دو نفر از دور پیدا میشد که بسوی روشنائی قهوه‌خانه «لاک هارت» در حرکت بودند، تا در آنجا صبحانه بخورند. انسان از اینکه سحرگاهان در کنار دوستی بنشیند، و در آن لحظان کوتاه قبل از شروع کار روزانه محتوای داغ فنجان چای را مزه‌مزه کند، احساس خشنودی و رضایت‌خاطر میکرد. کار در مطبعه ناگوار نبود، بجز روزهای پایان هفته که بایستی مرکب‌نوردهای بلند و سنگین آلوده با ژلاتین ماشین‌های چاپ را، که هر یک بیش از ۵۰ کیلو وزن داشت، بشویم. از این موضوع که می گذشتیم میشد شرایط آنجا را تحمل کرد. معذالک هنوز بیش از سه هفته از کار من در مطبعه نمیگذشت که آنفلوآنزا گرفتم و مادرم اصرار کرد که بایستی دوباره بمدرسه بروم.

سیدنی در آن زمان ۱٦ ساله بود و روزی با هیجان زیاد بمنزل آمد. زیرا توانسته بود شغلی بعنوان شیپورچی در یکی از کشتی‌های مسافربری «دونوان و کسل‌لاین» که عازم آفریقا بود پیدا کند. شغل او صداکردن مسافران برای غذا و از این قبیل بود. او نواختن شیپور را در کشتی آموزشی «اکسموث» یاد گرفته و اینک نوبت آن فرا رسیده بود که از معلوماتش بهره‌برداری کند.

باو ماهی دو پوند و ده شیلینگ می‌دادند، و بعلاوه پیشخدمتی و دریافت انعام ۳ میز در قسمت غذاخوری درجهٔ دوم کشتی نیز برای او در نظر گرفته شده بود. بعنوان پیش‌پرداخت ۳۵ شیلینگ باو داده بودند که طبعاً آنرا به مادرم داد. با پیداشدن چنین دورنمای شادمانه‌ای در زندگیمان به آپارتمان دواتاقه که بالای یک مغازه سلمانی در خیابان «چستر» قرار داشت منتقل شدیم.

بازگشت «سیدنی» از نخستین سفر خود برای ما یک جشن واقعی بود، چه او از طریق دریافت انعام، بیش از سه پوند، که همه آنها سکه‌های نقره بود همراه داشت.

بخاطر می‌آورم که او پولها را از جیبش درآورد و همه آنها را روی تختخواب ریخت. بنظرم رسید از مجموع پول‌هائی که بهمه عمرم دیده‌ام بیشتر است و نمیتوانستم دستم را از روی آنها بردارم.

من پولها را جمع میکردم، دوباره بزمین میریختم، با آن‌ها ستونهای متعدد میساختم و بازی میکردم تا سرانجام مادرم و سیدنی گفتند چقدر ندید و بدید هستم. چه شکوه و جلالی! تابستان بود و برایمان دوران بستنی و کیک آغاز شد. اما گذشته از آن چیزهای مجلل و عالی دیگری نیز در پیش داشتیم.

زمان

شهادت در پیشگاه تاریخ


■ عباس مسعودی

ادامه از صفحه اول

چون خانم معرفت، منشی نخست‌وزیر هم یکی دو بار لای در را گشوده و با اشاره به ساعت، متذکر اطاله گفت‌وگو و تأخیر در برنامه‌های بعدی نخست‌وزیر شده بود، مرحوم هویدا پاسخ سؤال را بدین شرح خلاصه کرد که اداره مملکت کار سنگینی است و ما سعی می‌کنیم این بار سنگین را که اعلیحضرت بر دوش می‌کشد با خبرهای نامطبوع و گزارشهای کسل کننده سنگین‌تر نکنیم، اما اطلاعات و کیهان زحمت ما را به هدر می‌دهند. چون همه روزه عصرها این دو روزنامه روی میز اعلیحضرت است و اعلیحضرت در آنها مطالبی می‌بینند که فشار خونشان را بالا می‌برد. با عصبانیت گوشی تلفن را برمی‌دارند و بر سر من داد می‌زنند. من هم مجبور می‌شوم بر سر وزرا داد بزنم. وزرا بر سر مدیران و مسئولان داد می‌زنند و در نهایت امر، این کاسه و کوزه بر سر شما می‌شکند. ما نمی‌توانیم راه ورود کیهان و اطلاعات را به دفتر شاهنشاه ببندیم. برای این که هم ما آسوده شویم و هم شما، کاری کنید که خبرها و مطالب روزنامه اعلیحضرت را عصبانی نکند.

این را گفت و از جا برخاست و جلسه پایان گرفت. وقتی بیرون آمدیم از قیافهٔ مرحوم مسعودی پیدا بود که سخت به فکر فرو رفته و ریشهٔ مشکل را دریافته است. با سوءظنی که شاه نسبت به دو روزنامه داشت و تصور می‌کرد کیهان و اطلاعات در قبضهٔ مصدقی‌ها و توده‌ای‌هاست، طبعاً هر مطلب انتقادی یا خبر نه چندان دلچسب می‌توانست ذهن او را مشوب و خشمش را تحریک کند. در چنان احوالی چگونه ممکن بود روزنامه‌یی انتشار دهیم که یک کلمه‌اش چنین احساسی القاء نکند.

در خلال این احوال تحرّکات چریکی و تشنجات دانشگاهی شدت می‌گرفت و بر حساسیّت دستگاه نسبت به مطالب روزنامه‌ها و نقش آنها در انعکاس اخبار می‌افزود.

روزی مرحوم مسعودی مرا به دفتر خود فراخواند و در حالی که پوشه‌یی محتوی مطالب تایپ شده کنار دستش بود گفت هفتهٔ گذشته اعلیحضرت مرا احضار فرموده و وظیفهٔ مطبوعات را در مقابله با این خرابکاری‌ها و تحریکات و تحرّکات یادآور شده و سخت گله داشتند که روزنامه‌ها به وظیفهٔ خود عمل نمی‌کنند. من اجازه خواستم که شخصاً یک سلسله مقالات برمبنای خاطرات خود بنویسم و برای آگاهی جوانان تشریح و تحلیل کنم که در نیم قرن اخیر به همّت پادشاهان پهلوی چه تحوّلات مهمی در ایران صورت گرفته و مملکت از کجا به کجا رسیده است. مردم در چه حال و وضعی می‌زیستند و شرایط زندگی امروز چه اندازه با آن روز تفاوت دارد. بخش اول این سلسله مقالات را در طول چند روز نوشتم و از خانم ماشین‌نویس خواستم همین جا زیرنظر خودم تایپ کند و همهٔ اوراق تایپ شده را از او گرفتم و اینک به تو می‌سپارم که بخوانی و نظرت را به من بگویی و اگر اصلاحاتی لازم داشت انجام دهی.

پوشه را گرفتم و به خانه بردم و با دقت مطالعه کردم. مطلب را مسعودی به عنوان سخنی پدرانه خطاب به فرزندان نوشته بود و با «فرزندان عزیزم» آغاز می‌شد.

روز بعد، آن را به ایشان برگرداندم و خالصاً مخلصاً عقیده خود را ابراز کردم که بسیار خوب تهیه شده و با چند اصلاح عبارتی وافی به مقصود است. چون مرا می‌شناخت که اهل تمجمج و تملّق نیستم، از شنیدن این سخن طبعاً خوشحال شد.

چند روز گذشت. یک روز حوالی ظهر تلفن زنگ زد و رئیس دفتر مسعودی گفت آقا منتظر توست. وقتی وارد اتاق شدم مرحوم مسعودی در اتاق را از داخل قفل کرد و نشست و با صدای گرفته به شرح دیدار خود با شاه پرداخت.

او را هرگز در چنان حالتی ندیده بودم. در حالی که می‌کوشید بغض خود را فرو نشاند گفت: فهمیدی چه شد؟ الآن از دربار می‌آیم. وقت شرفیابی گرفته بودم که نوشته را به نظرشان برسانم و برای چاپ به صورت سلسله مقاله تأییدشان را بگیرم. فرمودند برایشان بخوانم. من در حال ایستاده شروع کردم به خواندن و اعلیحضرت در حال قدم زدن گوش می‌کردند. صفحهٔ اول تمام نشده بود که با عصبانیت برگشتند، زدند زیر پوشه و به لحنی تمسخرآمیز فرمودند «فرزندان عزیزم... فرزندان عزیزم!!» و افزودند: «من به شما می‌گویم یک مشت تروریست، یک مشت خائن، یک مشت خرابکار دارند مملکت را به خون می‌کشند، به آتش می‌کشند، باید جوابشان را داد. معلوم می‌شود اینها فرزندان عزیز شما هستند. بسیار خوب، بروید هرچه می‌خواهید برای فرزندان عزیزتان بنویسید!» من مانده بودم که چه کنم و چه بگویم. کاغذها روی زمین پخش شده بود. اعلیحضرت هم پشتشان را به من کرده و رفته بودند کنار پنجره، از پشت شیشه باغ را تماشا می‌کردند. این یعنی برو بیرون. خم شدم، کاغذها را از روی زمین جمع کردم و مرخص شدم. بعد، اضافه کرد: اینها البته بین خودمان خواهد ماند. لازم بود با کسی حرف بزنم. حالا باید فکر کنم ببینم چه کار می‌شود کرد.


■ احمد احرار در جوانی

کافی است شرایط زمان را در نظر آوریم و حالتی را که بر اثر چنان ضربه‌یی بر سناتور عباس مسعودی، مدیر اطلاعات وارد آمده بود درک کنیم.

این مقدمهٔ طوفان بود. متعاقباً قضیه محروم شدن از شرفیابی و همچنین شرکت در میهمانی هفتگی ملکهٔ مادر پیش آمد که تفصیل آن را عَلَم در خاطرات محرمانه خود نوشته و استاد باستانی یادآور شده‌اند.

متن نوشتهٔ عَلَم بدین قرار است:

چهارشنبه ۵۳/۳/۱۵

...سر شام رفتم. شاهنشاه خیلی عصبانی فرمودند این مسعودی (مدیر روزنامه اطلاعات) از دور شاخ و شانه می‌کشد که بیاید با من حرف بزند (در کاخ علیاحضرت ملکه پهلوی، شاهنشاه و خاندان سلطنت جدا شام می‌خورند، مهمان‌ها در سالن دیگر، من هم در حضور شاهنشاه شام می‌خورم). شاهنشاه فرمودند روزنامهٔ اطلاعات ارگان مصدقی‌ها و توده‌ای‌ها شده، مثلاً امروز از قول تاکسیرانها نوشته است که ما مثل سگ زحمت می‌کشیم و این شرکت تعاونی تمام عایدات را می‌خورد. مگر شرکت تعاونی مال کیست؟ آن هم که مال خودشان (یعنی تاکسیران‌ها) است.

چون عده‌ای مثل دامادها و علیاحضرت شهبانو سر شام بودند، من جرئت نکردم یک و دو بکنم، و عرض کردم خوب، روزنامه باید مطلب را بگوید و جواب هم داده شود و آن را هم منعکس کند. به هر صورت برخاستم و به بدبخت مسعودی گفتم که حق ندارد شرفیاب شود و بعد از این هم در کاخ علیاحضرت ملکه پهلوی دعوت نخواهد شد. چیزی نمانده بود سکته کند ولی چون آدم مجرّبی است گفت پریشب در همین جا مطلبی را شاهنشاه به من فرمودند که برخلاف میل هویدا بود و اصرار فرمودند که به وزیر اطلاعات هم بگویم. من هرگز از این غلطها نمی‌کردم ولی چون امر بود اطاعت کردم. گویا مطلب به هویدا نخست‌وزیر گران آمده و مطالبی به شاهنشاه عرض کرده و به هرحال من چوب این کار را می‌خورم. والله اعلم به حقایق الامور.

در پی این ماجرا، مسعودی به عَلَم نوشت که به عرض شاه برساند (عین نامه از خاطرات عَلَم در مقدمه اطلاعات ۸۰ سال درج شده است). در آنجا می‌نویسد «اوامر مطاع ملوکانه که دیشب به بنده ابلاغ فرمودید تازیانهٔ سهمگینی بود که به چاکر و خانمم وارد آمد...»

نامه به تاریخ پنجشنبه ۱٦ خرداد ماه نوشته و توسط وزیر دربار تقدیم شده است. جواب سرد شاه را نیز عَلَم در خاطراتش به تاریخ ۵۳/۳/۱٦ آورده است.

عباس مسعودی در ۲۷ خرداد ماه ۵۳ بر اثر عارضه قلبی در دفتر کار خود در روزنامه اطلاعات درگذشت.

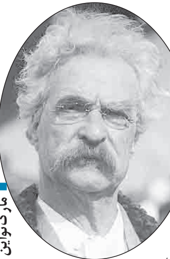
احمد احرار

قلم

حمید مجتهدی

نویسنده‌ای از آمریکا؛ تواین به قلم تواین

کنیز سفیدموی


■ مارک تواین

ساختمان روستایی در وسط حیاط بزرگی به‌پا شده بود که سه طرفش را نرده‌گذاری کرده و یک طرفش را پرچین چوبی بلندی کشیده بودند. در مقابل این پرچین، محلی بود که در آن گوشت و ماهی و غیره را دود می‌دادند. پشت آن باغ میوه و پشت باغ میوه هم محل سکونت سیاهپوستها و مزارع تنباکو بود. تنه‌های درخت را که بتدریج ارتفاع پیدا می‌کردند، پهلوی هم چیده و بدین ترتیب پلکان مخصوصی ساخته بودند که با عبور از روی آن وارد حیاط جلو می‌شدیم. یادم می‌آید که این حیاط هیچ دروازه‌ای نداشت. در یک گوشهٔ حیاط جلو دروازه، درخت بلند گردوی آمریکایی و دوازده درخت گردوی سیاه دیده می‌شد و در فصلی که گردو می‌رسید، آنجا ثروت و نعمتی وجود داشت که می‌بایستی جمع شود.

در قطعه زمینی پهلوی خانه، برابر نرده، یک اتاق کوچک چوبی ساخته بودند. از آنجا تپهٔ جنگلی به سرعت سرازیر می‌شد، از طویله‌ها و انبارهای علوفه، انبار ذرت، اصطبل‌ها و محل پرورش برگ توتون می‌گذشت، و به جوی آب زلالی می‌رسید که زمزمه‌کنان روی بستری مفروش از سنگریزه می‌غلتید و این طرف و آن طرف پیچ و تاب می‌خورد و از زیر سایهٔ عمیق شاخ و برگ درختان مو که آویزان شده بود، رد می‌شد؛ جای مقدسی برای به آب زدن بود. در آنجا استخر شنایی هم وجود داشت که شناکردن در آن برای ما ممنوع بود و بدین جهت خیلی زیاد در آن شنا می‌کردیم، چون ما بچه‌های مسیحی بودیم و خیلی پیش از آن وقت، ارزش میوهٔ ممنوع را به ما یاد داده بودند!

در آن اتاق کوچک چوبی، کنیز سفیدمویی که بستری بود زندگی می‌کرد. ما هر روز به دیدنش می‌رفتیم و به او با رعب و حیرت نگاه می‌کردیم، چون عقیده داشتیم که این زن هزار سال عمر دارد و با حضرت موسی گفتگو کرده است. سیاهپوست‌های جوان هم این آمار را معتبر شمرده و با ایمان راسخ در اختیار ما گذاشته بودند. ما تمام جزئیاتی را که در اطراف پیرزن نقل می‌شد در حافظه جا می‌دادیم و عقیده داشتیم او در سفر دور و درازی که در صحرای خارج از مصر کرده، تندرستی خود را از دست داده و دیگر هرگز نتوانسته آن را دوباره به دست بیاورد. پیرزن در فرق سرش یک قطعه گرد کچلی داشت و ما در اطراف او می‌لولیدیم و با سکوتی احترام‌آمیز به آن نقطه کچلی خیره می‌شدیم و فکر می‌کردیم که این کچلی در نتیجه وحشت کردن از تماشای غرق شدن فرعون به وجود آمده است. ما مطابق رسم جنوبی‌ها او را عمه هانه صدا می‌کردیم. او یک زن خرافی بود؛ مثل سایر سیاهپوست‌ها؛ همین‌طور مثل آن‌ها عمیقاً مذهبی بود. مثل آن‌ها عقیده زیادی به نماز و دعا داشت و در مواقع ضروری عادی به نیایش می‌پرداخت، اما نه در مواقعی که می‌خواست نتیجه قطعی و فوری بگیرد. هر وقت ساحره‌هایی در اطراف بودند، او بقیه پشم سر خود را دسته‌دسته با نخ سفید می‌بست و این عمل اثر جادوی آن‌ها را خنثی می‌کرد.

همه سیاهپوست‌ها دوستان ما بودند، و با آن‌ها که همسال ما محسوب می‌شدند در حقیقت رفیق بودیم. می‌گویم در حقیقت، در حالی که این جمله را برای تعدیل به کار می‌برم. ما با یکدیگر رفیق بودیم و در عین حال رفیق نبودیم. رنگ و وضع، خط دقیقی گذاشته بود که ما هر دو دسته از آن آگاهی داشتیم و آمیزش کامل ما را غیرممکن می‌ساخت. یک دوست خوب و بامحبت و متحد و مشاور داشتیم، به نام عمو دانل که برده میانسالی بود و در محل سکونت سیاهپوست‌ها بهترین کله را داشت. همدردی او دامنه‌دار و گرم و قلبش ساده و پاک بود و دوز و کلک سرش نمی‌شد. او در طی این سالیان دراز به من خوب خدمت کرده بود. بیش از نیم قرن است که او را ندیده‌ام؛ با آن وصف، قسمت زیادی از این مدت را روحاً به او نزدیک بودم و او را به نام خودش جیم یا دانیل، در چند کتاب وارد کردم. او را در گاری تا هانیبال برده، در روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی با کلک گردش داده، و از بیابان «صحرا» با بالون گذرانده‌ام. او تمام اینها را دوستانه، با شکیبایی و وفاداری، که صفت مادرزادی‌اش بود، تحمل کرده است. در آن مزرعه بود که من نسبت به نژاد او محبت شدیدی پیدا کردم و به خصایل پسندیده مشخصی که در آن‌ها بود پی بردم.

علامه قزوینی و توصیه‌های طبی

■ محمد قزوینی

۳) هیچ‌وقت بیسکوت خالی یعنی خشک نخور و همیشه در سوپ ترکن و بخور. به این دستورالعمل حتماً و دائماً و بدون استثناء یک دفعه همیشه عمل کن تا لثهٔ بالای خارجی دست راستت درد نگیرد که مکرر این قضیه در این اواخر روی داده است و می‌دهد.

ـ پنیر پرسالو port-salut نخور و اصلاً و ابداً و بوجه من الوجوه که در عرض این دو هفتهٔ اخیر یک مرتبه در ده روز قبل که قدری افراط در آن کردم محدث درد کمر شدید شد که قریب ده روز دوام کرد و یک مرتبهٔ دیگر که باز قدری افراط در آن کردم باعث احداث وجعی در کمرم شد که ۱۵ـ۱٦ ساعت طول کشید و حالا قدری تخفیف یافته است.

ـ برنج گویا بل به نحو قطع و یقین در مدت بحران درد کمر این روزها بسیار بد بوده است چون قبض می‌آوردو قبض سمّ قاتل است برای این فقره، در صورتی که پریروز بکلی خوب شده بود درد کمرم و بیرون‌ها رفتم. چون دیروز ناهار برنج مفصلی با بادمجان خوردم یک مرتبه حالم رو به بدشدن گذارد و درد مجدداً ظاهر [شد] و کم‌کم شدت کرد و سیزده ساعت تمام تقریباً مدهوش از ۱۰ شب ـ ۱۱ صبح روز بعد توی رختخواب افتاده بودم و حالا که چند دقیقه‌ای است که برخاسته‌ام کم‌کم شروع به حس دلدرد مخصوص که از خصایص اشیاء قابضه است که قریب ۲٤ ساعت بعد در حین انحدار از امعاء غلاظ دست می‌دهد کرده‌ام. پس این واضح است که از برنج بوده است این حملهٔ فجائی درد و مدهوشی. نباید دیگر خورد تا این حال باقی است اصلاً و ابداً.

ـ باید قول شرف داد که کمامبر هیچ هیچ دیگر نخورد.

ـ باید حتماً و حتماً ـ اقلاً برای مدتی ـ جمیع تشریّات و مخصوصاً لیموی ترش را با چای و غیره من جمیع الوجوه ترک کرد.

ادامه دارد

اسلامی شدن جاده ابریشم



ریچارد فولتز: هیچ سنت دینی در تاریخ جهان به قدر اسلام از تجارت حمایت نکرد. [حضرت] محمد(ص) پیشه بازرگانی داشت. در دهه بیست عمر زن بازرگان ثروتمندی از مکه، به نام خدیجه، او را به خدمت گرفت، و او در یک مأموریت تجاری که به سوریه رفت موفق بیرون آمد؛ اندکی پس از آن خدیجه با او ازدواج کرد.

حضرت محمد در حدود ٦۱۰ میلادی، که دوست داشت در کوه‌های بیرون مکه به تفکر بپردازد، در طی این خلوت‌گزینی نداهایی شنید. نخست در آن شک کرد، اما خدیجه او را ترغیب کرد که این نداها می‌توانند سرشتی الهی داشته باشند و او باید به آن‌ها گوش دهد. به تدریج حضرت محمد یقین کرد که وحی‌هایی از جانب خدا بر او می‌رسد و او را فرا می‌خواند که «برخیزد و هشدار دهد» به مکی‌ها، که زمان آن فرا رسیده که راه و رسم‌شان را اصلاح کنند.

مکه شهری در دل صحرا بود که به جز دادوستد دیگر چندان چیزی برای ادامه بقا نداشت. باید بازرگانان موفق، ثروتمندترین ساکنان آن بوده باشند. بسیاری از وحی‌هایی که به [حضرت] محمد می‌رسید از بی‌عدالتی اجتماعی می‌گفت، که به وضوح مسأله آن زمان مکه بود. پیامش مخاطبان فزاینده‌یی با گوش‌های همدل یافت، و در عین حال بیش از پیش از آن طبقات اجتماعی که آماج انتقاد او بودند بیگانه می‌شد. چیزی نگذشت که اهالی قدرتمند مکه عرصه را بر [حضرت] محمد و پیروانش تنگ کردند.

در ٦۲۲ شهروندان یثرب [مدینه کنونی]، شهری در حدود دویست و بیست مایلی شمال مکه، که درگیر مناقشات جناحی بودند، از حل و فصل آن‌ها درمانده بودند. آن‌ها که آوازه [حضرت] محمد را به انصاف و امانت شنیده بودند از او دعوت به میانجی‌گری کردند، که او هم پذیرفت. پیامبر اسلام بسیاری از پیروانش را پیش از خود به آنجا فرستاد و پس از سر و سامان دادن به کارهایش سرانجام او هم زادگاهش را ترک گفت. این واقعه نزد مسلمانان به هجرت معروف است و آغاز تقویم اسلامی را مشخص می‌کند.

مسلمانان در یثرب نه فقط دیگر آزار نمی‌دیدند بلکه از پایگاه خاصی نیز برخوردار شدند. آنان از پایگاه قدرت تازه‌شان حملاتی (رزیّه) را به کاروان‌های مکیان آغاز کردند، که با این کار هم خزانه‌شان را غنی می‌کردند و هم به آزارگران پیشین‌شان آسیب می‌رساندند.

ادامه دارد

زبانزد



* درخت گفت اگر دسته تبر از خودم نبود، کسی نمی‌توانست مرا سرنگون کند.
* درخت مُقُل نه خرما دهد نه شفتالو.
* درخت میوه‌دار، همیشه سنگ می‌خورد.
* درخت هرچه بارش بیشتر است، سرش خمیده‌تر است.
* درخت هرچه پربارتر است، افتاده‌تر است.
* درخت هرچه پُربارتر باشد، بیشتر سنگ می‌خورد.
* درختی را که در غیر فصل بار بدهد، باید از ریشه درآورد.
* درختی که از ارتفاعش انتفاعی نبرند، بریده بِه.
* درختی که کج بالا آمد، راست نمی‌شود.
* درختی که موریانه در آن افتاد، باید از بیخ کند.
* در خراسان، خروس مرغ نر است!
* در خرمّی بر سرایی ببند/ که بانگ زن از وی برآیدَ بلند
* در خُم خالی صدا بسیار می‌پیچد.
* درد آید کوه کوه و ذرّه ذرّه کم شود.
* درد احبّا به اطبّا نمی‌برم.
* درد از طبیبان نشاید نهفت.
* درد اگر در دل بمانَد استخوان می‌شود.
* درد باشد روی نازیبا و ناز
* درد حبیب را نتوان گفت با طبیب.
* درد، خروار خروار می‌آید مثقال مثقال می‌رود.
* درد در عالم ار فراوان است/ هریکی را هزار درمان است
* در دریای آرام همه کس ملّاح است.
* درد دل خودم کم بود، غُرغُرِ همسایه هم روش آمد!
* درد را پیش دردمند بگوی.
* درِ دروازه را می‌توان بست دهن مردم را نمی‌توان بست.
* درد سهل است گر امیّد دوایی باشد.
* درد عاشق نشود بِه به مداوای حکیم.
* درد عشق از تندرَستی خوشتر است.
* در دعوا دستی هم برای آشتی نگهدار.
* دردِ فقیران همه جایی دواست.
* درد، کوه‌کوه می‌آید کاه‌کاه می‌رود.
* درد، کوه می‌آید مو می‌رود.
* در دل دوست به هر حیله رهی باید کرد.
* درد مفلسی درمان ندارد.
* درِ دنیا را نبسته‌اند.
* درِ دنیا همیشه به یک پاشنه نمی‌گردد.
* درِ دنیا یک خوبی می‌ماند و یک بدی.
* در دِه اگر کس است، دو بانگ بس است.
* درد هرکس به قدر طاقت اوست.
* دردِ هرکس در دلِ خودش است.
* در دِه کی خوش اَست؟ کدخدا و برادرش.
* در دهی که ندارد ریش سفید، به بُز می‌گویند عبدالرّشید!
* دردی است دردِ عشق که درمان پذیر نیست.
* دردی است دردِ عشق که هیچش طبیب نیست.
* درِ دیزی باز است، حیای گربه کجاست؟
* دردی که بی‌دواست، علاجش تحمل است.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۵۲، (برابر با ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۹۳، ۱۷ آوریل ۱۹۷۳) نقل شده است

جاده تهران - چالوس چند کیلومتر کوتاه‌تر میشود

طرح ساختمان بزرگ راه دوگل در شمال تهران آماده شده است این طرح دنباله پارک وی و اتوبان کرج است که تا سلطنت‌آباد و از آنجا بگردنه قوچک کشیده خواهد شد این شاهراه مانند شاهراه‌های دیگر تهران احتمال دارد با استفاده از اعتبارات سازمان برنامه و با نظارت وزارت راه ساخته شود.

طرح ساختمان بزرگ راه دوگل از مدتی پیش بوسیله مهندس مشاور آماده شده و مهندسان پیشنهاد کرده‌اند که این شاهراه باید ضمن اتصال به گردنه قوچک از طریق، شمشک، بندسر، به گاجره منتهی گردد.

مهندسان مشاور اظهار نظر می کنند رفت و آمد اتومبیل ها از طریق قوچک، شمشک، بندسرو گاجره مستلزم ساختمان کمتر از دو کیلومتر راهسازی است و اگر این دو کیلومتر راه در منطقه گاجره و بندسر ساخته شود راه تهران چالوس بمیزان قابل توجهی کوتاه خواهد شد.

مرده‌ای که در مجلس ترحیم گریه می کرد، دستگیر شد!

ماکو - مرده‌ای که دو سال پس از مرگ خود، در مجلس ترحیم پدرش گریه می کرد، توسط ماموران پاسگاه ژاندارمری دستگیر شد!

این شخص که جوان ۲۰ ساله‌ای از اهالی قریه ذلکه بخش پلدشت است، ۲ سال پیش توسط ماموران ژاندارمری به خدمت وظیفه احصار شد. اما پدر وی که نمیخواست از فرزندش دور باشد، برگ استشهای تنظیم کرد و به امضای عده‌ای از ریش سفیدان محل رساند. مبنی بر اینکه پسر او، علی، مدتها قبل در گذشته است.

به این ترتیب علی به خدمت نظام نرفت، تا آن که در سال بعد پدر وی در گذشت و اهالی قریه و چند نفر از اهالی قراء دیگر در مجلس ترحیم او شرکت کردند.

در این زمان، حاضران متوجه شدند که جوانی بشدت اشک می ریزد و «پدر، پدر» می کند. یکی از حاضران که زیر ورقه استشهاد را امضا کرده و مرگ علی را تایید کرده بود، ناگهان متوجه شد که فریب خورده و به مرگ جوانی که زنده و سالم است، شهادت داده است. وی بلافاصله موضوع را به پاسگاه ژاندارمری پلدشت اطلاع داد و ماموران، پس از دستگیری علی، وی را با پرونده متشکله، به مراجع ذیصلاحیت اعزام داشتند.

میوه در میادین فراوان است

بعقیده میدانداران میوه در میادین تهران نسبتاً فراوان و قیمت‌ها مناسب است. مقدار زیادی پرتقال و سیب در انبارها موجود است. گفته می شود واردات میوه برای شب عید، هنوز اثر متعادل کننده خود را روی قیمت‌ها باقی گذاشته است.

در حال حاضر فقط نارنگی کمیاب و فصل آن تمام شده است. این میوه در میدان تا کیلوئی ٤٥ ریال به‌فروش می رسد.

قیمت پرتقال کیلوئی ۱۲ تا ۳۲ ریال است. سیب کیلوئی ۳۰ تا ۵۰ ریال و بسته به نوع آن و خیار که کم کم فراوان می شود به کیلوئی ۲۵ ریال رسیده است.

در سطح شهرها قیمت‌ها متفاوت است و در برخی نقاط گران است. امروز خبرنگار اطلاعات که به بازار روز بهجت آباد رفت، به‌عنوان یک خریدار این قیمت‌ها را بدست آورد.

پرتقال کیلوئی ٤ تومان، سیب کیلوئی ۷ تومان، موز دانه‌ای ۱۰ ریال، خیار دانه‌ای ٤ ریال، کاهو کیلوئی ۱۰ ریال و گوجه فرنگی کیلوئی ٤٥ ریال.

نیم‌میلیون عتیقه بسرقت رفت

تایباد - کالای تجارتی آقای حاج سالم یکی از بازرگانان خراسان که از طریق هند و پاکستان، وارد ایران شده بود، از گمرک تایباد به سرقت رفت.

کالای مسروقه که از نوع لوستر عتیقه بود پانصد هزار ریال ارزش داشته است. دیشب در جریان سرقت کالای تجارتی از گمرک تایباد، یکی از ماموران پلیس گارد گمرک تایباد به‌نام خانلر علیمردانی بقصد خودکشی، بااسلحه تیری بخود شلیک کرد. وی با آمبولانس به مشهد انتقال یافت و در بیمارستان سوانح بستری شد.

قیمت کره ارزان شد

قیمت کره ارزان شد و فروشندگان اعلام کردند که کره کارتنی بیست و پنج کیلوئی را در عمده فروشی کیلوئی صد ریال و کره‌های بسته بندی شده را صد گرم دوازده ریال می‌فروشند. فروشندگان عمده گفتند با وجود این که نرخ جدید از چند روز پیش به مرحله اجرا گذارده شده است. هنوز مغازه‌داران و فروشندگان جزء کره را به قیمت سابق به مردم عرضه می کنند. توزیع کنندگان ضمناً افزودند اگر خریداران مایل باشند میتوانند کره را به قیمت اعلام شده از عمده فروشان خریداری نمایند.

امریکا مجدداً لائوس را بمباران کرد

هونولولو - فرماندهی نیروهای آمریکا در اقیانوس آرام اعلام کرد که هواپیماهای آمریکائی از روز دوشنبه بمباران لائوس را از سر گرفته‌اند. در این عملیات که با شرکت هواپیماهای شکاری و بمب افکن و همچنین ۸ موتوره غول پیکر ب ۵۲ انجام میشود به تقاضای دولت لائوس انجام شده است.

روز گذشته قبلاً وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده بود که نیروهای کمونیست لائوس شهر تاوینگ را که در جنوب دشت‌های جار قرار گرفته و دارای اهمیت سوق‌الجیشی است به تصرف خود در آورده‌اند.

قاب امروز



برج پیزا - ایتالیا / منبع: msnbc

امروز با حافظ

دل من در هوای روی فرّخ
بود آشفته همچون موی فرّخ
بجز هندوی زلفش هیچکس نیست
که برخوردار شد از روی فرّخ
سیاهی نیکبخت است آن که دائم
بود همراز و هم زانوی فرّخ
شود چون بید لرزان سرو آزاد
اگر بیند قد دلجوی فرّخ
بده ساقی شراب ارغوانی
به یاد نرگس جادوی فرّخ
دو تا شد قامتم همچون کمانی
ز غم پیوسته چون ابروی فرّخ
نسیم مشک تاتاری خجل کرد
شمیم زلف عنبر بوی فرّخ
اگر میل دل هر کس به جایی است
بود میل دل من سوی فرّخ
غلام همّت آنم که باشد
چو حافظ بنده و هندوی فرّخ

چگونه می توانیم موفق شویم ؟

قول و قرارها را با احساس مسئولیت قبول کنید

فرق بین قول دادن و تعهد کردن چیست؟ قول و قرار با قصد نیتی برگزار می‌شود. تعهد کردن همان قول دادن است با در نظر گرفتن رعایت جنبه‌های اخلاق و عرفی و قانونی، ایجاد تعهد و پایبندی به آن بستگی به شخصیت افراد داشته و الزام‌آور است.

دنیایی را که مردم آن پایبند تعهدات و پذیرای مسئولیت‌هایشان نیستند چگونه می‌توان تصویر کرد؟ روابط بین افراد و طبقات ذیل چگونه می‌تواند باشد؟ همسران، کارمند و کارفرما، اولیاء و فرزندان، معلمان و محصلان و خریداران و فروشندگان.

روابط غیرمتعهدانه، سطحی و پوچ و بی‌معنا خواهد بود و بر حسب نفع‌طلبی و مصلحت‌اندیشی و موقعیت‌سنجی پایه‌گذاری می شود. بدون پذیرش تعهد و مسئولیت هیچ رابطه‌ای پایدار نمی‌ماند و هیچ کار سازنده‌ای به مرحله ظهور نمی‌رسد.

انسان متعهد به دیگران اثبات کرده است که او به هنگام بروز بحران و پیش‌آمدهای غیرقابل پیش‌بینی رفتاری قابل پیش‌بینی دارد و می‌توان به گفتار و رفتارش اتکا کرد. مسئولیت‌پذیری با اعتمادسازی کاربرد متفاوت دارد. احساس مسئولیت آزادی عمل را انکار نمی‌کند بلکه برای ایجاد امنیت خاطر طرف مقابل بوده و آزادی عمل او را گسترش می‌دهد.

نوشته: شیو خرا
ترجمه: عبدالله مولیانی

امروز در تاریخ

آشوریان شهر شوش را ویران کردند

اپریل سال ٦۹۳ پیش از میلاد (در بیشتر کتابهای تاریخ عهد باستان؛ ۱۷ اپریل)، و پیش از تاسیس یک دولت واحد در ایران، ارتش آشوربانیپال (حکمران مناطقی در شرق مدیترانه به پایتختی نینوا ـ موصل ـ در شمال عراق امروز) شهر شوش را متصرف شد و ویران کرد. دولت همدان [دولت طایفه ایرانی ماد ساکن مناطقی از محورری در جهت غرب ایرانزمین] چند دهه بعد با کمک دولت بابل (به مرکزیت جنوب عراق امروز)، دولت ستمگر آشور را که به صورت یک امپراتوری درآمده بود برانداختند و از صفحه روزگار پاک کردند. دولت همدان سپس چند گروه ایرانی [از طایفه ماد] را به سرزمین آشور منتقل کرد و در آنجا سکنی داد تا مانع احیاء آن دولت ستمگر شوند و کردهای عراق، ترکیه و سوریه فرزندان همان مادها هستند که فرهنگ ایرانی خود را همچنان حفظ کرده‌اند.

اعتصاب پلیس تهران در سال ۱۳۰۱!

اعتصاب افراد پلیس تهران (اداره نظمیه) به سبب عقب افتادن مواجب ماهانه، از ۲۸ فروردین ۱۳۰۱ (۱۷ اپریل ۱۹۲۲) آغاز شد و تا دریافت قسمتی از آن ادامه یافت. در طول اعتصاب، سربازان مستقر در باغ شاه (پادگان حرّ) مامور حفظ نظم شهر شده بودند ولی حق رسیدگی به شکایات عادی و روزمره را نداشتند، یعنی وظیفه ضابط قوه قضایی بودن پلیس به آنان واگذار نشده بود. در آن زمان دریافتی ایران از شرکت نفت انگلستان ناچیز بود، دریافت مالیات از اربابان املاک که در عین حال از مقامات و رجال کشور بودند امکان پذیر نبود و دولت از بازاریان ترس داشت که مالیات بگیرد و گمرکات کشور یا در رهن خارجی بود و یا آلوده به فساد اداری و در نتیجه، خزانه کشور خالی از پول.

مشاجره دکتر مصدق و انگلستان بر سر بحرین

دولت دکتر مصدق ۲۸ فروردین سال ۱۳۳۱ (۱۷ اپریل ۱۹۵۲) نسبت به دیدار مشاور امور خارجی دولت انگلستان از بحرین شدیداً اعتراض کرد و این عمل را مداخله در امور ایران اعلام داشت. دولت انگلستان در پاسخ اعتراض دکتر مصدق گفت که بحرین یک منطقه تحت الحمایه آن دولت است، و از آن پس اختلاف دو دولت در این زمینه هم گسترش یافت.

مطبوعات ناسیونالیست‌های ایرانی (غیر چپ و غیر متمایل به غرب) در مقاله هایی نوشته بودند که ادامه تحریک انگلستان از این دست، سبب خواهد شد که اگر روزگاری هم بخواهد از خلیج فارس خارج شود به شیوخ منطقه تعهد دفاع نظامی خواهد سپرد و ترتیباتی خواهد داد که قدرت های دیگر جای فیزیکی انگلستان را در خلیج فارس بگیرند و باز هم ایرانیان نتوانند به حق تاریخی خود برسند. مرور زمان درستی این پیش بینی ناسیونالیست های ایرانی را ثابت کرد. در پی خروج نظامیان دولت لندن از شرق سوئز و از جمله خلیج فارس، ارتش ایران در سال ۱۹۷۱ سه جزیره از جزایر خود از جمله ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را پس گرفت و مستقر شد. بحرین، طبق قانون مصوب مجلسین، تا اواخر دهه ۱۳٤۰ (دهه ۱۹٦۰) استان ۱٤ ایران بشمار می آمد و در مجلس نماینده داشت که دولت وقت زیر «فشارهایی از خارج!»، بدون انجام رفراندم در ایران و استعلام نظر ایرانیان و رعایت آن، و صرفا با تصویب پارلمان (مجلسین) که انتخابات برای تعیین اعضای آنها مطابق استاندارد بین المللی نبود از آن جزیره گذشت.

شورش ایل قشقایی

۲۸ فروردین ۱۳٤۳ در تهران اعلام شد که افراد مسلح ایل قشقایی در فیروزآباد فارس، همزمان به چند پاسگاه انتظامی حمله برده و در جریان این تعرض، تلفاتی وارد آمده است.

اعلامیه دولت وقت حکایت داشت که برای تنبیه این افراد، از تهران نیروی کمکی و از جمله هنگ چهارم ژاندارم با ۱۲ زره پوش به محل اعزام شده است.

طولی نکشید که مسببان این یاغیگری دستگیر و به دادگاه نظامی تحویل و محاکمه آنان از تیرماه همان سال آغاز شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو



قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۴۳۲

۸			۲				۱	
۶	۱				۷			
۲	۵				۳		۹	۷
			۴	۳			۶	۱
۵	۲	۶				۴	۳	۹
۴	۳			۶	۵			
۱	۷		۵				۲	۶
			۳				۴	۵
	۴				۶			۸

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.

دشوار ۷۵۵

۲		۵		۴	۹			۸
۶		۸				۷		
	۴						۳	
۵					۷		۶	۱
		۶		۲		۹		
۹	۸		۳					۷
	۵						۷	
		۷				۱		۴
۸			۱	۷		۳		۲

حل جدول شماره ۱۴۳۱

۲	۷	۹	۱	۵	۳	۴	۸	۶
۴	۸	۶	۲	۷	۹	۱	۵	۳
۱	۵	۳	۴	۸	۶	۲	۷	۹
۹	۲	۷	۳	۶	۱	۵	۴	۸
۵	۱	۴	۹	۲	۸	۳	۶	۷
۳	۶	۸	۷	۴	۵	۹	۲	۱
۸	۹	۲	۵	۳	۷	۶	۱	۴
۷	۴	۱	۶	۹	۲	۸	۳	۵
۶	۳	۵	۸	۱	۴	۷	۹	۲

حل جدول شماره ۷۵۴

۱	۶	۵	۲	۷	۳	۴	۸	۹
۴	۸	۹	۱	۶	۵	۲	۷	۳
۲	۷	۳	۴	۸	۹	۱	۶	۵
۵	۱	۶	۳	۹	۲	۷	۴	۸
۷	۲	۴	۵	۱	۸	۳	۹	۶
۳	۹	۸	۶	۴	۷	۵	۱	۲
۸	۵	۱	۷	۳	۶	۹	۲	۴
۶	۴	۲	۹	۵	۱	۸	۳	۷
۹	۳	۷	۸	۲	۴	۶	۵	۱